



احزاب سیاسی در

# مجلس سوم

(۱۳۳۳-۱۳۳۴ ه.ق)

منصوره اتحادیه (نظام مافی)



# احزاب سیاسی در مجلس سوم

منصوره اتحادیه (نظام مافی)



نشر تاریخ ایران (شرکت سهامی خاص)

تهران، فلسطین شمالی، شماره ۱۴۶، طبقه سوم، تلفن: ۶۵۹۸۴۴

احزاب سیاسی در مجلس سوم

به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی)

چاپ اول تابستان ۱۳۷۱

لیتوگرافی: پیچاز

چاپ: چاپخانه نقش جهان

تیراژ: ۳۰۰۰

حق چاپ محفوظ و در اختیار نشر تاریخ ایران است.

## فهرست

شماره صفحه	عنوان
۱.....	پیشگفتار.....
۳.....	سخنی درباره منابع.....
۱۸.....	فصل اول/ مقدمه.....
۳۰.....	یادداشتهای فصل اول.....
۳۵.....	فصل دوم/ کابینه صمصام السلطنه.....
۵۱.....	یادداشتهای فصل دوم.....
۶۰.....	فصل سوم/ کابینه علاء السلطنه و.....
۷۵.....	یادداشتهای فصل سوم.....
۸۱.....	فصل چهارم/ افتتاح مجلس سوم و.....
۹۲.....	یادداشتهای فصل چهارم.....
۹۸.....	فصل پنجم/ احزاب سیاسی در.....
۱۱۲.....	یادداشتهای فصل پنجم.....
۱۱۹.....	فصل ششم/ احزاب سیاسی و کابینه مستوفی الممالک.....
۱۳۴.....	یادداشتهای فصل ششم.....
۱۴۱.....	فصل هفتم/ از کابینه عین الدوله تا.....
۱۵۵.....	یادداشتهای فصل هفتم.....
۱۶۱.....	فصل هشتم/ از کابینه مستوفی تا.....
۱۷۲.....	یادداشتهای فصل هشتم.....
۱۷۸.....	نتیجه گیری.....
۱۸۱.....	فهرست اعلام.....
۲۰۰.....	فهرست اسناد و منابع.....



## پیشگفتار

عمر کوتاه مجلس سوم، و به ویژه گسترش آتش جنگ جهانی اول باعث شده که مورخان از این دوره که میان دو واقعه مهم‌تر یعنی آغاز مشروطه تا پایان مجلس دوم و جنگ قرار گرفته با شتاب درگذرند. ولی رویدادهای مجلس سوم که مقارن جنگ افتتاح شد، حائز اهمیت ویژه و درخور بررسی عمیق‌تری است.

قرارداد ۱۹۰۷ م باعث شد که روس و انگلیس دو رقیب دیرین با یکدیگر در باره ایران به توافق دست یابند. این توافق مدتی وضع ایران را دگرگون ساخت، مشروطه نو پا را تضعیف کرد و استقلال ایران را به شدت به خطر انداخت. آغاز جنگ جهانی اول و فعالیتهای سیاسی آلمان در ایران باعث تجدید رونق احزاب سیاسی و مجلس شد. با حرکت روسها به سوی تهران، مجلس بسته شده و بار دیگر کشور با دو قدرت متخاصم و قدیمی روبرو گردید. اما ادامه جنگ اول و سپس انقلاب بلشویکی روسیه اجازه نداد که این دو قدرت از موقعیتی که در ایران پیش آمده بود کاملاً بهره‌مند شوند.

بعضی از مسائل سیاسی دوره سوم مجلس همانها بود که با مشروطه آغاز شد و در مجلس دوم بسط یافت؛ مانند بهم ریختن تمرکز قدرت، ضعف مالی دولت، بروز اغتشاشات گسترده، بسط دخالت دولتین روس و انگلیس در ایران، پیدایش احزاب سیاسی، آزادی مطبوعات و نقش افکار عمومی. از جمله مسائل دیگر این دوره باید از درگیری‌های ایدئولوژیک، ناسیونالیسم لیبرال، غرب‌گرایی، رشد سوسیالیسم و تجددخواهی، و درگیری‌های گسترده با روحانیت و متفکران مذهبی یاد کرد. این مسائل که از ادوار اول و دوم مجلس آغاز شده بود در این دوره تحول یافت و خبر از استمرار آن در دوره‌های چهارم و پنجم مجلس می‌داد.

هدف از این پژوهش، بررسی احزاب سیاسی به روزگار مجلس سوم شامل رابطه آنها با یکدیگر و با دولت ایران و دول خارجی، بحث در ماهیت احزاب و مسائل مربوطه به انتخابات تهران و شهرستانها، و بالاخره تحلیل مجادلات ایدئولوژیکی احزاب و نتایج آن در رویدادهای سیاسی ایران است.



## سخنی در باره منابع

کتاب حاضر در واقع متمم کتاب پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت در دوره اول و دوم مجلس شورای ملی نگارنده است که در سال ۱۳۶۱ ش منتشر شد. در آن کتاب به تحقیقی پیرامون تاریخ تشکیلات سیاسی به شکل انجمن‌ها که از دوره اول مجلس آغاز شده بود، سپس به پیدایش و تحول احزاب سیاسی در مجلس دوم انجامید پرداخته بودم.

مرامنامه‌ها و نظام نامه‌های آن احزاب را نیز در کتاب جداگانه‌ای تحت عنوان مرامنامه‌ها و نظامنامه‌های احزاب سیاسی ایران در دومین دوره مجلس شورای ملی در همان سال منتشر کردم.

در کتاب حاضر کوشیده‌ام تاریخ دوره فترت میان مجلس دوم و سوم و سپس گشایش مجلس سوم و نقش احزاب سیاسی در آن دوره را تا انحلال مجلس سوم به اجمال مورد بررسی قرار دهم.

اگر چه در باره این دوره منابع فراوان در دست داریم، ولی این از دشواری کار با این منابع که یا با یکدیگر متناقضند و یا اصولاً متعرض وقایع و

مسائل مورد نظر این پژوهش نشده‌اند، نمی‌کاهد.

مذاکرات مجلس مهمترین منبع تحقیق در باره مجلس و احزاب سیاسی است که بویژه مواضع حزبی وکلاد در عقاید سیاسی و دسته‌بندی‌های آنها را روشن می‌کند. مثلاً ماهیت هیأت علمیه را که در غالب منابع ما در باره آن سکوت شده از طریق بررسی مذاکرات مجلس و مباحثات و مناقشات نمایندگان می‌توان دریافت.

البته بسیاری از این مباحثات که در جلسات خصوصی مطرح می‌شد در زمره مذاکرات منتشر شده مجلس منعکس نشده است، همچون بحث در تعیین کابینه‌ها و یا مسائل مربوط به روابط خارجی. اگر گاه یکی از وکلاد در جلسات عمومی به این گونه مسائل می‌پرداخت، رئیس یا رئیس‌الوزراء یا یکی از وزراء از ادامه بحث جلوگیری می‌کردند. چنانچه وقتی ترکها به کرمانشاه حمله کردند، حزب دموکرات در ۱۳ شعبان ۱۳۳۳ از وزیر داخله عبدالحسین میرزا فرمانفرما استیضاح کرد. فرمانفرما در پاسخ ضمن اینکه از خود دفاع می‌کرد، گفت: «افسوس که وزیر داخله دهنه به دهن من زده است، که نمی‌توانم در سیاست داخل شوم، تا به اهل مجلس معین کنم که چه خدمتی به وطن خود کرده‌ام.» (از مذاکرات مجلس، جلسه ۵۲). سپس اشاره می‌کند که وقتی کابینه (عین‌الدوله) سرکار آمد، وضع کرمانشاه مغشوش بود، و باعث آن رثوف بیک فرمانده ارتش ترک بود که: «نمی‌شناسم کی است و نمی‌دانم از کجا است، و از کجا آمده.»

یکی از ویژگیهای مذاکرات مجلس این دوره که متأسفانه بعداً تکرار نشد، ضبط فهرستی از وکلاد، تاریخ ورود آنها به مجلس و تعداد آرائی است که هر کدام کسب کرده بودند. در این پژوهش از آن اطلاعات بسیار استفاده شده است.

روزنامه‌ها نیز از جمله منابع غنی، پرارزش و ضروری در پژوهشهای مربوط به تاریخ معاصر به شمار می‌روند. در آن ادوار، هرگاه مجلس گشوده و

## سخنی در باره منابع / ۵

فعال بود، روزنامه‌ها از آزادی بیشتری برخوردار می‌شدند. هدف روزنامه‌ها بطور عمده در آگاه ساختن مردم از وقایع داخلی و خارجی، تا جایی که مقدور بود خلاصه می‌شد. روزنامه‌ها نیز مانند وکلای مجلس در جلسات عمومی، حق اظهار عقیده در باره روابط خارجی نداشتند، هر چند که به سبب جسارت و جرأت برخی از روزنامه‌نگاران نسبت به مذاکرات مجلس حاوی مطالب بیشتری در این باره هستند. اما پس از آغاز جنگ سانسور اخبار خارجی منبع اطلاعات بین‌المللی آنها را محدود ساخت؛ پس از انحلال مجلس سوم، سانسور داخلی مانع از پخش اخبار خاصه در باره دو دولت روس و انگلیس در ایران شد.

روزنامه رعد به مدیریت سیدضیاءالدین طباطبائی یکی از مهمترین روزنامه‌های این دوره است که بر مواضع ملی و تندروانه پای می‌نشرد. مقالات سیدضیاء در رعد تحلیلهای نسبتاً عمیقی از اوضاع مالیه، مجلس و احزاب در ایران به دست می‌دهد. با این همه روزنامه رعد بیشتر به سوی انگلیس‌گرایی داشت و آشکارا از رفتار روسها انتقاد می‌کرد و یا اخبار جنگ را به نفع انگلیسها منتشر می‌ساخت؛ در این مورد به آن ایراد گرفتند که فقط اخبار رویترا منتشر می‌کند، پاسخ داد که «در عوض، بعضی جراید بدون ذکر منبع خبر می‌دهند و یا فقط اخبار را از آژانس پتروگراد می‌گیرند، و یا خبر جعل می‌کنند» (رعد، شماره ۳۴، ۱۸ محرم ۱۳۳۳ ق).

رعد انتخابات مجلس را با دقت دنبال می‌کرد و از انتقاد نسبت به دولت و وزرا، حتی وکلای مجلس بی‌آنکه غالباً از کسی نام ببرد فروگزاری نمی‌کرد.

وقتی به شدت به وثوق‌الدوله تاخت، وثوق‌الدوله روزنامه را به محاکمه کشید. یک بار نیز که از مسیو مورنارد، خزانه‌دار بلژیکی و رئیس گمرک انتقاد کرد روزنامه را توقیف کردند.

رعد نسبت به سیاست بی‌طرفی دولت نظر مثبتی نداشت؛ و یک بار با

درایت بسیار سؤال کرد که « باید دید نتیجه این بی طرفی که بدون فکر زیاد، ایران تقبل کرد، چه ممکن است باشد؟ آیا حقوق ملل کوچک بعد از جنگ منظور خواهد شد؟ » (رعد شماره ۴۶، ۱۳ صفر ۱۳۳۳ ق) رعد در این باره دولت را محکوم می کرد که نه از جنگ بهره می برد و نه از بی طرفی واقعی پیروی می کند.

یکی دیگر از روزنامه های مهم و پرسابقه حبل المتین به مدیریت مؤیدالاسلام کاشانی بود. این روزنامه میانه رو و محافظه کار و متمایل به سیاست بی طرفی بود. مقالات آن عمق مقالات رعد را ندارند و سبک آن نسبت به رعد کمی قدیمی تر می نماید. این روزنامه توجه خاصی به شاه، وضع ایالات، تجار و تجارت ایران داشت که در جنگ به شدت صدمه دیده بودند. اما بطور زیرکانه ای به انگلیس گرایش داشت. نوبهار ارگان حزب دموکرات به مدیریت ملک الشعراء بهار اخبار احزاب به ویژه حزب دموکرات را منعکس می کرد. مقالات آن گاه جنجال برانگیز و تند و بطور سربسته ضد مذهب بود. بهار خود از اعضای فعال حزب به شمار می رفت و اطلاعاتی که درباره حزب دموکرات به دست داده بسی مفید است. لحن روزنامه گاه طنزآمیز است و جنبه آموزشی دارد. به اشعار و داستانها ذکر و امثال از تاریخ ایران و اسلام بسیار پرداخته ولی اخبار خارجی آن نسبتاً اندک است. چنین می نماید که بهار در مجموع از بهبود وضع ایران ناامید بوده است. جنبه ادبی نوبهار خود مقوله مهمی است که باید جداگانه بررسی شود.

یکی از جنبه های پرارزش روزنامه برای تحقیق در باره احزاب سیاسی بررسی جدالهای حزبی روزنامه ها است. احزاب روزنامه ای خاص خود داشتند. روزنامه نگاری وسیله ای برای راه یافتن به عمق مسائل سیاسی، خاصه مجلس بود. در این دوره مانند دوره دوم عده ای از وکلای مجلس از جمله متین السلطنه مدیر عصر جدید، سیدمحمدصادق طباطبائی و ناصرالاسلام مدیر شورا و ملک الشعراء بهار خود روزنامه نگار بودند.

دیگر از منابع اصلی و ارزشمند در چنین پژوهشی اسناد بایگانی دولت انگلیس\* است. این اسناد برغم اهمیت بسیار، چون صرفاً از نقطه نظر منابع انگلیس، و از دیدگاهی کاملاً نفع طلبانه به مسائل ایران می نگرند، باید با ملاحظه بسیار مورد استفاده قرار گیرند. به ویژه باید با آگاهی از اوضاع و وقایع سیاسی و اجتماعی خارج از مرزهای ایران بررسی شوند، چون جزئیات سیاست انگلیس همواره تحت شرایط مختلف متغیر بود و حتی گاه دچار تردید و تزلزل می گشت. البته این نکته را نیز نباید فراموش کرد که چون فعلاً به اسناد آرشیو وزارت خارجه روسیه دسترسی نداریم اطلاعات ما صرفاً به یک جنبه از وقایع، یعنی گزارشها و اسناد و طرز تلقی انگلیسیان از وقایع و امور سیاسی محدود است.

آنچه بخصوص در این اسناد حائز اهمیت است اشارات آنها به روابط انگلیس و روس در باره ایران، و تصمیم گیریهای سیاسی آنهاست؛ و این نکته ای است که نویسندگان ایرانی کمتر بدان توجه کرده اند. این اسناد گاه از مسائل پشت پرده اطلاعات دقیقی به دست می دهند که بسی گرانبها است. مثلاً از چگونگی تشکیل کابینه ها، و میزان دخالت دولتین روس و انگلیس در انتخاب وزراء.

روزنامه تایمز انگلیس نیز از اهمیت بسیاری برخوردار است و مقالات مربوط به ایران آن برای این گونه تحقیقات مفید است. اهمیت این روزنامه در این است که عقاید و آراء مخالفین دولت انگلیس را که در روزنامه های ایران درج می شد و اهمیت بسزائی داشت منعکس می کرد. به گونه ای که وزیر مختار انگلیس در ایران گاه از درج این گونه اخبار و تاثیر آن در بین مخالفین ایرانی خود، شکوه داشت.

چنین می نماید که مخبر روزنامه تایمز در این دوره با ایران و اوضاع آن آشنائی بسیار داشت. او طی مسافرتی در این سالها به ایران مطالب جالب

توجهی در بارهٔ اوضاع ایالات مختلف ایران نگاشته است. این خبرنگار که نامش ذکر نشده، احتمالاً آقای مور بود که در استبداد صغیر در تبریز اقامت داشت و اخبار جنگ را از آن شهر به خارج مخابره می‌کرد. البته نظرات این خبرنگار و اساساً روزنامهٔ تایمز حاکی از گرایشهای استعمارگرانه آنهاست و از همین روی از موضعی استخفافی به ایران و مشروطه و رجال و وکلای مجلس می‌نگرد.

تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران تألیف ملک‌الشعرا بهار، از نظر این پژوهش دارای اهمیت چندانی نیست. هر چند که بهار در این دوره از اعضا بسیار فعال حزب دموکرات بود، ولی مطالبی که در بارهٔ مجلس سوم و مهاجرت نگاشته است، مختصر است و اطلاعات زیادی از جریانات به دست نمی‌دهد.

مخبرالسلطنه هدایت نویسندهٔ خاطرات و خطرات، نیز با آنکه خود در این دوره در پست حساس حکومت فارس جای داشت و با واسموس کنسول مشهور آلمان در ایران مربوط بود بطوری که انگلیسها را شدیداً نگران ساخته بود، مطالب و وقایع مورد نظر ما را به اجمال بیان کرده است.

"خاطرات من یا روشن شدن تاریخ صد ساله" نوشتهٔ حسن اعظام قدسی نیز با آنکه نویسنده از اعضای حزب دموکرات بوده و در تجهیز قوا در واقعه مهاجرت نقش داشت، ولی به جزئیات مهم حوادث نپرداخته است. اعظام قدسی گاه بدون ذکر مأخذ مطالبی از سایر نویسندگان اقتباس کرده (مثلاً صفحات ۱۱ - ۳۹ که برگرفته از نوشته باستانی پاریزی است که در مجله یغما چاپ شده بوده است) و استفاده از آن کتاب را محدود می‌سازد.

حیات یحیی تألیف یحیی دولت‌آبادی، نیز از آنجا که نویسنده در این دوره خارج از ایران می‌زیست حاوی اطلاعات چندانی از این دوره نیست. ولی گزارشی از ملاقات خود با نایب‌السلطنه در اروپا به دست داده که برای

شناخت روحیات ناصرالملک مفید است.

ایران در جنگ بزرگ تألیف مورخ الدوله سپهر هر چند که گاه از آثار دیگران اقتباس کرده ولی حائز اهمیت است. سپهر منشی اول سفارت آلمان بود و در بسیاری از ملاقات‌های آلمانها با رهبران احزاب بویژه با دموکراتها، و سایر رجال دولتی شرکت داشت. از اینرو اطلاعات ارزنده‌ای ارائه می‌دهد. سپهر همچنین فهرستی مفید از تعداد، نام و وابستگیهای حزبی وکلای مجلس ذکر کرده است. این فهرست با آنچه که تقی‌زاده از وکلای مجلس، در "مجله کاوه"، چاپ برلن منتشر کرده است کمی اختلاف دارد.

تاریخ ۱۸ ساله آذربایجان نوشته احمد کسروی که دوره استبداد صغیر تا پایان کار خیابانی را در بردارد، ادامه تاریخ مشروطیت اوست. این کتاب از منابع اصلی و پراهمیت این دوره به شمار می‌رود. کسروی در این کتاب نقش روسها و صمدخان شجاع‌الدوله دست‌نشانده آنها و اعمالشان را با بینش تاریخی خاص خود، به تفصیل شرح داده است. در این دوره در آذربایجان انتخابات مجلس سوم به سبب مخالفت شجاع‌الدوله انجام نشد و نماینده‌ای از آن ایالت به مجلس راه نیافت. گذشته از آن، در طول این مدت، آذربایجان محل جنگ قوای ترک و روس بود که موجب وارد آوردن تلفات بسیار و قحطی گسترده‌ای در آن ایالت شد. یکی از مزایای این کتاب، توجه کسروی به توده مردم و شرح مجاهدات آنها در تحقق مشروطه است که بیشتر نویسندگان به این جنبه از قضیه توجه نکرده‌اند.

شرح زندگانی من، یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجار نوشته عبدالله مستوفی، از آثار نادری است که به شرح اوضاع ادارات ایران پرداخته، و برای روشن شدن بعضی نکات مربوط به وزارت‌خانه‌های این دوره، بخصوص مالیه، مفید است. عبدالله مستوفی که خود در آن وزارت‌خانه به کار اشتغال داشت، اطلاعات مفیدی از کارها و مواضع مورنارد، خزانه‌دار کل که به جای شوستر آمده بود، و نیز علل نارضایتی مردم

از مالیه که مبحث مهمی در مجلس سوم بود به دست داده است. احتمالاً مستوفی گاه نقش خود را در آن وقایع مهمتر از آنچه واقعاً بوده جلوه داده؛ چنانچه در باره نقش خود در تدوین قانون تشکیلات مالیه مبالغه کرده است. کتاب سبزه به کوشش رضاقلی نظام مافی حاوی مکاتبات دولت ایران با دول بیگانه در باره موضع بی طرفی ایران در ۶ ماه نخست جنگ جهانی اول است. در مقدمه کتاب، بحثی در باره بی طرفی از نظر روابط بین المللی مطرح شده است که خالی از فایده نیست.

مجموعه اسناد و مدارک عبدالحسین میرزا فرمانفرما به کوشش نگارنده و سیروس سعدوندیان، در این تحقیق حائز اهمیت چندانی نیست. فرمانفرما به هنگام انتخابات کرمانشاه حاکم آن ایالت بود، و سپس در کابینه عین الدوله وزیر داخله شد (علت سقوط این کابینه استیضاح دموکراتها از فرمانفرما بود). او پس از انحلال مجلس سوم، مدت کوتاهی رئیس الوزراء شد. از این وقایع مهم در اسناد وی اثری نیست. آنچه از این مجموعه مهم است، گزارشاتی است از دوره حکومت فرمانفرما در کرمانشاه، و اوضاع آن ایالت که نسبتاً به تفصیل بیان شده است. کرمانشاه در این دوره اهمیت خاصی داشت. زیرا در انتخابات مجلس سوم بعد از تهران، بیشترین رأی را وکلای کرمانشاه آوردند، و ظاهراً دموکراتها در آنجا پایگاه محکمی داشتند. این شهر همچنین محل تشکیل دولت موقت مهاجران بود. بنابراین اطلاعاتی که فرمانفرما از وضع ایلات و عشایر آن ایالت به دست می دهد از اهمیتی برخوردار است.

دو کتاب از یک نویسنده فرانسوی به نام دومورنی در دست است که از ارزش نسبی برخوردارند. دومورنی \* مشاور حقوقی دولت و معلم مدرسه علوم سیاسی بود. دیگر از وظایف او تدریس زبان فرانسه، حقوق مدنی و مقدمات قانون اداری عملی و تطبیقی به ولیعهد (احمدشاه بعدی) و عده ای



از شاهزادگان دربار بود، در مدرسه سلطنتی که مخصوص شاه تأسیس شد. دومورنی در کتابی تحت عنوان گزارشی در باره امور اداری ایران\* توضیحات نسبتاً مفصلی در باره تشکیلات مدرسه سلطنتی ارائه داده که نشان می‌دهد، علی‌رغم آنچه تونلی\*\* نوشته است که به تحصیلات احمد شاه توجه نشده بوده، دولت و ناصرالملک به این مسئله توجه داشتند. اما این را باید اضافه کرد که احمد شاه در سن ۱۸ سالگی تاجگذاری کرد، و تحصیلات او ناتمام ماند.

بقیه کتاب در ۶ فصل، که برای تدریس در مدرسه علوم سیاسی تهیه شده بود، حاوی مطالبی است در باره تشکیلات اداری ایران با توجه و استناد دومورنی به منابع قدیمی، از جمله نامه امیرالمؤمنین علی(ع) به مالک اشتر. ضمناً دومورنی مسئله لزوم تشکیل شورای دولتی را مطرح ساخته و درباره عضویت و وظایف اعضا آن نیز پیشنهادهای کرده است. فکر تشکیل شورای دولتی از دوره دوم مجلس مطرح شده بود. پس از انحلال آن مجلس، این اندیشه مجدداً تقویت شد که با تشکیل شورای دولتی، که شاید بعداً به مجلس سنا تبدیل گردد، از قدرت تام مجلس شورای ملی تا حدی کاسته شود. دومورنی کاملاً موافق این طرح بود ولی اشاره کرده که این شورا فقط جنبه مشورتی دارد، پس اعضا آن می‌توانند به انتخاب دولت به آن شورا راه یابند. اشکال عمده این بود که در ایام انحلال مجلس، امکان نداشت قانون اساسی را تغییر دهند؛ و پس از بازگشائی مجلس، دیگر صحبتی از آن طرح به میان نیامد. چه بسا به خاطر آنکه در هر حال مجلس حاضر نمی‌شد آن شورا را بپذیرد؛ همانطور که مجلس سنا را نمی‌پذیرفت.

عنوان کتاب دیگر دومورنی. مسأله ایران و جنگ\*\*\* در باره روابط ایران با دولتهای خارجی در طی دو سال اول جنگ جهانی است. چون فرانسه

---

\*. چاپ پاریس ۱۹۱۳ م. Essai Sur L, Administration de La Perse.

\*\*. Townley

\*\*\*. چاپ پاریس ۱۹۱۶ م. La Question Persane et La Guerre.

از متحدین روس و انگلیس بود، بنابر این دومورنی در این کتاب نسبت به آلمانها و عثمانی و ایرانیان که با آنها همکاری داشتند، مغرضانه قضاوت کرده است.

کشف تلبیس یا دوروئی و نیرنگ انگلیس، نام ترجمه فارسی کتابی است که در ۱۳۳۶ ق در برلن ترجمه و توسط کاوه چاپ شده است. این کتاب، مجموعه اسنادی است که هنگامی که آلمانها قنصلخانه انگلیس را در شیراز تصرف کردند (۱۳۳۴ ق / ۱۹۱۵ م) به دست آنها افتاد.

البته این اسناد بسیار حساس و با ارزش اند، ولی اکنون که آرشیو اسناد وزارت خارجه انگلیس در دسترس پژوهشگران است از اهمیت سابق برخوردار نیست.

در این زمینه باید از دو کتاب روابط ایران و انگلیس در جنگ جهانی اول\* اثر اولسون\*\*، و دیگر عملیات نظامی انگلیس در ایران\*\*\* یاد کرد. تاکنون تاریخ جنگ جهانی اول در ایران، به استثنای چند مورد خاص، به طور مستقیم و مستقل مطالعه نشده و رویدادهای آن دوره اغلب در خلال سایر تحقیقات گنجانیده شده است. یکی از اسباب بروز چنین وضعیتی از هم گسیختگی وقایعی است که کار پژوهش را مشکل ساخته و حصول تصویری کلی از رویدادهای آن دوران را میسر نمی سازد. گذشته از این، عدم دسترسی مستقیم محققین به بسیاری از منابع و اسناد تاریخی مربوط به این موضوع، از آنرو که استفاده از اغلب آرشیوهای سیاسی، به رغم گذشت سالیان متمادی، ممنوع، و یا استفاده از آن محدود است کار را مشکل و گاه غیر ممکن می سازد. در این میان، گزیده‌ای از اسناد آرشیو وزارت خارجه انگلیس، فرصت خوبی برای اینگونه تحقیقات فراهم آورده است. آرشیو مزبور هر

---

\*. Anglo - Iranian Relations During World War One. London, 1984.

\*\* J. Olson

\*\*\* که توسط کاوه بیات به فارسی ترجمه و منتشر شده است. - Operations in Persia (1914 - 1987)

## سخنی در باره منابع / ۱۳

چند حاوی تمام مسائل ایران نیست و توجه آن بیشتر بر مسائل و سیاست دولت انگلیس متمرکز است، ولی کمک بارزی در پژوهش تاریخی این دوران تواند بود. به همین لحاظ، یکی از مشکلات اساسی تحقیقات ایرانی در مورد تاریخ سده پیشین، اتکای کلی بر آثار و اسناد انگلیس است که مسائل را غالباً تحت الشماع نظریات یک جانبه و محدودی قرار می دهد که گاه با واقعیت تطبیق نمی کنند. کتاب عملیات نظامی در ایران طی سالهای ۱۹ - ۱۹۱۴ م در واقع تاریخ رسمی جنگ جهانی اول دولت انگلیس است.

اما کتاب روابط ایران و انگلیس در جنگ اول جهانی رساله دکتری آقای اولسن است که با برداشتی محققانه و تحلیلی وقایع را درج کرده است. هر چند که این دو کتاب تقریباً هم زمان منتشر شده اند، ولی میان تاریخ نگارش آنها تقریباً ۶۰ سال فاصله هست. کتاب اول در سال ۱۹۲۷ م نگاشته شده، یعنی زمانی که استعمار انگلیس در اوج قدرت خود بود، بنابراین مباحث و لحن استدلال آن دارای خصوصیات و ملاحظاتی است که بیشتر از هر چیز دیگر، بازگوکننده شکل برخورد دولت انگلیس با مسائل سیاسی و رابطه آن با کشورهای کوچکتر در آن دوران است.

این کتاب بر اساس اسناد دولتی انگلیس تهیه شده و سرنوشتی غریب و مرموز داشته است. چنانچه در مقدمه کتاب مذکور آمده، در سال ۱۹۲۳ سرتیپ موبرتی\* افسر بازنشسته ارتش انگلیس، مأمور تدوین تاریخ رسمی جنگ جهانی اول در بین النهرین شد. سپس، در ۱۹۲۶ م از او خواسته شد که تاریخ عملیات نظامی انگلیس را در ایران، به هزینه دولت هند به رشته تحریر در آورد. در ۱۹۲۷ م اداره هند\*\* با انتشار این کتاب به آن دلیل که افشای مذاکرات دولت انگلیس با کابینه ها و سیاستمداران ایران در طی جنگ برای دولت انگلیس خطرناک است مخالفت ورزید.

---

\*. Moberly.

\*\* . India office.

اداره هند به خصوص با سه فصل آخر کتاب مخالف بود و تقاضا کرد که زمینه‌های سیاسی و وقایع نظامی آن حذف و دوباره نوشته شود. ظاهراً، اطلاعات آن فصول به قدری سری بود که حتی وجود آن در کتابی که جهت استفاده رسمی در نظر گرفته شده بود، مورد اعتراض قرار گرفت. با این همه نسخه تحریف نشده کتاب در نوامبر ۱۹۲۹ م چاپ شد و سپس محرمانه بایگانی گردید تا آنکه، در ۱۹۸۷ م سرانجام تجدید چاپ و منتشر گشت.\*

برعکس موبرلی، که از منابع محدود و اسناد دولتی استفاده کرده، اولسن از منابع وسیعی، از جمله منابع فرعی ایرانی استفاده کرده و نظریات جامع و تازه‌ای ارائه داده است. او در آغاز به سیاست دولت انگلیس اشاره کرده و چگونگی تصمیم‌گیری انگلیسیان را که به علت عدم هماهنگی بین مراجع تصمیم‌گیری و نداشتن یک خط مشی مشخص، بسیاری اوقات دچار سردرگمی و یا اشتباه می‌شدند توضیح داده است. چنانچه نسبت به ملیون و دموکرات‌ها، میان دولت هند و وزارت خارجه و وزرات جنگ و اداره هند و وزیر مختار آن دولت در ایران اختلاف وجود داشت.

دولت انگلیس بالاخره برای بر طرف کردن این تشتت آراء، کمیته‌ای به نام "کمیته ایران"، به ریاست لرد کرزن، تشکیل داد که بعداً به نام "کمیته شرق" معروف شد. اولسن می‌نویسد که کرزن، به عنوان متخصص مسائل ایران چنان موقعیتی یافت که می‌توانست نظریاتش را راجع به ایران تحمیل کند. ولی عدم موفقیت وی ناشی از آن بود که فضای جدید حاکم بر جامعه ایران را نادیده گرفت و کوشید از طریق رابطه خصوصی با افراد، سیاست خود را به اجرا درآورد.

اولسن سپس به موضع دولت‌های ایران پرداخته و نتیجه گرفته که در این مدت، که شانزده کابینه مختلف بر سر کار آمد، سیاست آنها به طور قابل توجهی تداوم یافت. به طوری که تصور می‌شد احتمالاً میان سیاستمداران

ایرانی نوعی تباری به عمل آمده تا همگی از سیاستی به نفع ایران پیروی کنند. سیاست دولت‌های ایران طی جنگ، در وهله اول نگهداری از بی طرفی ایران و اخراج قوای بیگانه بود. آنگاه که بی طرفی معنای خود را از دست داد، به دلیل احتیاج مبرم به پول، ناچار مورا توربوم و تشکیل پلیس جنوب پذیرفته شد. سپس، ایران کوشید از طریق انعقاد قراردادی با انگلیس (روسیه از صحنه خارج شده بود) استقلال ایران و تمامیت ارضی آن را تثبیت کنند. به نظر اولسن، مفاد قرارداد ۱۹۱۹ م با سایر پیشنهادات کابینه‌های قبل از وثوق‌الدوله تفاوتی نداشت.

این هر دو کتاب با مذاکرات قرارداد ۱۹۱۹ م و عدم موفقیت سیاسی گرزن به پایان می‌رسند. همانطور که باید انتظار داشت، موبرلی صرفاً نظریات امپریالیستی انگلیس را بیان کرده، در حالی که توضیحات اولسن از بسیاری جهات تازگی دارد. از جمله می‌نویسد که مدتها قبل از آغاز جنگ، دولت انگلیس به این نتیجه رسیده بود که منافع آن کشور در خاور میانه و خلیج فارس احتیاج به عقد قراردادی اساسی‌تر دارد، قراردادی فراتر از آنچه از ایران به عنوان یک کشور مستقل می‌شد انتظار انعقادش را داشت.

اما از میان کتب مرجع در این پژوهش باید به سه کتاب اشاره کرد: اول تاریخ جراید و مجلات ایران به قلم صدرهاشمی، از اهمیت خاصی در این زمینه برخوردار است. نویسنده متأسفانه موضع ایدئولوژیک غالب روزنامه‌ها را مطرح نکرده است، و نداشتن فهرست استفاده از کتاب را دشوار ساخته است.

دوم مجموعه مصوبات مجلس شورای ملی در چهار دوره تقنینیه دولتهای عصر مشروطیت به کوشش جمشید ضرغام بروجنی که علی‌رغم اشتباهات مختصر، کتاب باارزشی است.

همچنین کتاب، نمایندگان مجلس شورای ملی در بیست و یک دوره قانونگذاری اثر زهرا شجعی با وجود اشتباهات در نام و کلا، در این تحقیق از

آن بسیار بهره‌مند شده‌ام.

کتاب گوئل کهن به نام تاریخ سانسور در مطبوعات ایران اثری تکراری و گاه غیردقیق است و شعارهای مکرر از ارزش کتاب کاسته است.

کتاب مستخدمین بلژیکی در خدمت دولت ایران اثر آنت دستره\*\*\* که توسط نگارنده به فارسی ترجمه شده\*\*\* در باره تاریخچه گمرک، پست و خزانه‌داری ایران است که توسط بلژیکی‌ها اداره می‌شد. توجه نویسنده بیشتر به جنبه‌های دیپلماتیک اداره این مراکز معطوف بوده، تا اصلاحات و اقدامات این اشخاص در ایران.

قسمت اول کتاب که مربوط به اقدامات ژوزف نوزاست، مفصلتر با عمق بیشتری نوشته شده است. قسمت بعدی که در واقع شامل زمان طولانی‌تری نسبت به مدت خدمت نوز، است آهنگی شتاب‌آمیز دارد. نویسنده تا اندازه‌ای مدافع موضع بلژیکی‌ها است که در ایران متفور بودند. با این همه این کتاب در تحقیق حاضر از اهمیت خاصی برخوردار است چون ژوزف مورنارد جانشین نوز، پس از رفتن شوستر، خزانه‌دار کل شد و در این دوره به علت حملاتی که نسبت به او می‌شد استعفا داد، و سپس مجلس و دولت قانون ۲۳ جوزا را به وزرا که اختیارات بسیاری به خزانه‌داری می‌داد، لغو کرد.

یکی از منابع مفید دیگر رساله چاپ نشده مهاجرت و دولت موقت در کرمانشاه\*\*\* اثر لاستیک\*\*\*\*.

نویسنده در این کتاب بیشتر به بررسی نقش احزاب سیاسی در مجلس دوم و سوم، به ویژه در ایام مهاجرت تا انحلال حکومت موقت پرداخته است.

---

\*. Les Fonctionnaires Belges au Service de L'Iran

\*\* . Annette Destre'e

\*\*\* . تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۳ ش.

\*\*\*\*. The Muhajerat and the provisional Government in Kermanshah (1915 - 1917)

\*\*\*\*\*. M.J. Lustig.

## سخنی در باره منابع / ۱۷

یکی از مزایای این کتاب استفاده نویسنده از اسناد بایگانی وزارت خارجه آمریکا است. هر چند دولت آمریکا در این زمان نقش سیاسی فعالی در ایران نداشت، ولی نماینده آن کشور گزارشاتی به دولت خود می‌نگاشته که ظاهراً اهمیت دارند.

نویسنده این کتاب از منابع ترکی هر چند اندک نیز استفاده کرده است. وی فهرستی نیز از وکلای مجلس که بر اساس تقسیمات حزبی به مهاجرت رفته بودند تهیه کرده و منابع مختلف را هر بار که ذکری از وکلا در آنجا رفته به دست داده و خاصه به تناقضهای منابع در این باره اشاره کرده که بسی ارزشمند است.

البته منابع فوق، تنها منابع موجود در باره احزاب سیاسی در مجلس سوم نیست، منابع دیگری، شاید با اهمیت کمتر، وجود دارد که در اینجا ذکری از آنها نشده است، و ما فقط به آثاری که در این تحقیق بیشتر مورد استفاده بودند اشاره کرده‌ایم.

البته این امیدواری هست که در آینده منابع ارزشمند دیگری یافت یا نوشته شود که اطلاعات ما را غنی‌تر، و دیدگاه ما را نسبت به آنچه بر این مرز و بوم رفته وسعت بیشتری بخشد.

# فصل اول

## مقدمه

تقریباً همزمان با تأسیس مجلس اول رقابت دیرینه روس و انگلیس در ایران به پایان رسید و طی قرارداد ۱۹۰۷ م، ایران به دو منطقه نفوذ روس و انگلیس، و یک منطقه بی طرف تقسیم شد. روسها نسبت به انگلستان از سهم بیشتری برخوردار شدند منطقه نفوذ آنها علاوه بر تهران، شامل چندین شهر مهم و پرجمعیت دیگر مانند تبریز، اصفهان و مشهد بود و نیز حاصلخیزترین مناطق ایران در شمال و غرب و مرکز ایران در منطقه نفوذ آن کشور قرار گرفت. ظاهراً هدف روسها الحاق شمال ایران به قلمرو روسیه بود، و با اشغال نظامی آن منطقه جمع آوری مالیات و خرید ملک و سرمایه گذاری، این هدف را دنبال می کردند. البته سلطه روس در شمال ایران سابقه طولانی تری داشت. ولی رخنه روسیه بر اساس این قرارداد به نواحی مرکزی ایران مانند اصفهان و یزد پدیده جدیدی بود.



برخی از سیاستمداران روسی با این قرارداد مخالف بودند. آنها را که "گروه پیشرو" می‌نامیدند بر آن بودند که این قرارداد مانع از آن شد که بخش اعظم ایران به روسیه تعلق یابد.<sup>(۱)</sup> اما سهم انگلیسیها محدود به کرمان و بلوچستان، دو ایالت کم جمعیت و دور افتاده بود که از نظر آنان فقط اهمیت سوق‌الجیشی داشت.<sup>(۲)</sup>

در این زمان منطقه بی طرف اهمیت خاصی یافت. از طرفی در "عربستان" نفت پیدا شد و از طرف دیگر ناامنی در فارس رو به تزايد گذاشت. ساکنان آن منطقه عشایری سرکش و مسلح به اسلحه پیشرفته بودند و می‌توانستند راههای تجارتی انگلیس را به خطر افکنند. انگلیسیان می‌کوشیدند از طریق ایجاد رابطه با حکام محلی، تاحدی تفوق روسها را نسبت به خود جبران کنند. امیر شوکت‌الملک علم در قائنات و سیستان، قوام‌الملک در فارس، شیخ خزعل در محمره\*\* از دوستان دولت انگلیس محسوب می‌شدند. قائنات و سیستان در واقع از نظر انگلیس بیشتر اهمیت سوق‌الجیشی داشت. موقعیت عربستان نیز با حضور شرکت نفت و رابطه دوستانه با ایل بختیاری و شیخ خزعل چندان مشکلی در این دوره برای آنان ایجاد نمی‌کرد. مسئله اصلی انگلیس، ایالت فارس بود.

وسعت ایالت فارس و وجود عشایر متعدد، آن ایالت را دچار تشنج‌های سیاسی کرده بود. دو بندر مهم جنوب ایران: بندرعباس و بندر بوشهر و راههای اصلی بازرگانی آن به داخل ایران، از این ایالت می‌گذشت. ایل قدرتمند قشقایی با دولت انگلیس روابط دوستانه نداشت، قوام و خانواده وی از نفوذ محلی کافی برای حفظ منافع انگلیس بی‌بهره بود. بنابراین بسط نفوذ روس به مرکز ایران، دولت انگلیس را نگران ساخته بود.<sup>(۳)</sup>

از نظر دولت انگلیس تنها فایده این تقسیم آن بود که منطقه بی طرف به

---

\*\* بعداً به خوزستان تغییر نام داد.

\*\* خرمشهر.

مثابه حائلی میان مناطق نفوذ دو دولت، مانع هم مرزی و برخورد روس و انگلیس می‌شد. با این همه بعداً که نفوذ روسها بیشتر شد، سیاستمداران انگلیس از جمله وزیر مختار آن کشور به نام تونلی به فکر تجدیدنظر در این قرارداد افتادند، اما روسها زیر بار هیچ تغییری نرفتند. این قرارداد مخالفین بانفوذی در انگلیس داشت. از جمله آنها لرد کرزن بود که در ادوار مختلف دولت انگلیس را در پارلمان در مورد سیاستش نسبت به ایران استیضاح می‌کرد.

کرزن که از آغاز انعقاد قرارداد با آن مخالفت کرده بود، اکنون در دسامبر ۱۹۱۱ یادآور می‌شد که گرچه این قرارداد در آغاز یک تقسیم اقتصادی محسوب می‌شد، ولی اکنون به یک تقسیم اداری تبدیل شده و دیری نخواهد پائید که به یک تقسیم سیاسی منتهی گردد.<sup>(۴)</sup>

نتیجه این قرارداد بر اساس همکاری روس و انگلیس در ایران پایه‌گذاری شده بود، در بمباران مجلس، در دوره استبداد صغیر و سپس در اعلام اولتیماتوم ۱۳۲۹ (۱۹۱۱ م) به وضوح مشهود است. پس از انحلال مجلس دوم این همکاری عمیق‌تر و مؤثرتر گردید. اکنون دو دولت مذکور بطور مستقیم در امور داخلی ایران، در پایتخت و ایالات دخالت می‌کردند. همه امور با نظر آنها اجرا می‌شد، و در غیاب مجلس و احزاب، با سانسور مطبوعات از هر گونه انتقاد ممانعت می‌کردند. هر دو دولت در مسائل کلی این دوران از جمله مسئله تجدید انتخابات، گشایش مجلس، مسئله نیابت سلطنت، انتخاب حکام، تعداد نفرات ژاندارمری و قوای قزاق، فعالیت خزانه‌داری و استقراض و چگونگی بازپرداخت آن و مسائل مربوط به امتیاز راه آهن، به اشتراک تصمیم می‌گرفتند و نظرات خود را اجرا می‌کردند.

از مهمترین موارد دخالت مستقیم آنها، تشکیل کابینه‌ها و انتخاب وزاء بود که بدون حمایت آنها امکان‌پذیر نمی‌شد. یک بار تونلی به وزیر مختار جدید روس کروتوتز گفته بود که مدتی است در سفارت روس و انگلیس

تقریباً ایران را اداره می‌کنند، چون وزراء بدون مشورت آنها به هیچ اقدامی دست نمی‌زنند.<sup>(۵)</sup> با آنکه روس و انگلیس در مقابل ایران از یک سیاست مشترک پیروی می‌کردند و یک نظر ابراز می‌داشتند، ولی در عمل علی‌رغم این اتحاد، رقابت دیرینه گهگاه به شکل دیگری ظاهر می‌شد و چنانکه خواهیم دید، بخشی از مهمترین مشکلات و بحرانهای این دوره ناشی از این تضاد بود.<sup>(۶)</sup>

البته تا آنجا که ممکن بود آنها این اتحاد را ظاهراً حفظ می‌کردند. مثلاً تونلی معتقد بود که وثوق‌الدوله وابسته به روسها است،<sup>(۷)</sup> ولی حاضر بود با او به عنوان وزیر خارجه ایران کار کند. محمدولی خان سپهدار نیز یکی دیگر از رجال پرنفوذی بود که می‌گفتند طرفدار روسیه است<sup>(۸)</sup> ولی انگلیسها وی را اگر موفق به تشکیل کابینه می‌شد می‌پذیرفتند؛ و چون موفق نشد، روسها هم با فشاری نکردند، و علی‌رغم میل باطنی شان او را به حکومت آذربایجان اعزام داشتند.

همچنین کابینه صمصام‌السلطنه بختیاری که ایل او از دوستان قدیمی انگلیس محسوب می‌شد و پس از خلع محمدعلی‌شاه، از نفوذ بسیاری برخوردار گشت، با مخالفت روسها مواجه نشد.<sup>(۹)</sup> با این همه، دو دولت در نهان به یکدیگر اعتماد نداشتند. مثلاً تونلی افسوس می‌خورد که «رقابت بختیاری‌ها در تهران آنها را متوجه ساخته که انگلیس تنها همسایه مقتدر ایران نیست.»<sup>(۱۰)</sup> از طرف دیگر وقتی ظل‌السلطان به ایران بازگشت و املاک خود را تحت اداره رئیس شعبه بانک استقراضی، وان‌کاور قرارداد؛<sup>(۱۱)</sup> تونلی گله می‌کرد که با وجود آنکه پکلوفسکی هر روز با او ملاقات می‌کند و در باره مسائل با یکدیگر سخن می‌گویند، این موضوع را به اطلاع وی نرسانده است.<sup>(۱۲)</sup> مستوفی‌الممالک نیز به تونلی گفته بود که گناه تمایل ظل‌السلطان به روسها بر گردن انگلیسها است و اگر انگلیسها که سالها با او تماس داشتند از او حمایت کرده بودند شاهزاده به نفوذ روسها گردن نمی‌نهاد. او سپس اضافه

کرده بود که اکنون وضع اصفهان یعنی مقرر حکومت ظل السلطان به تبریز شباهت خواهد یافت. مواردی پیش می‌آمد که رقابت دیرینه و عدم سازش آشکارتر می‌شد. از جمله داستان عزل عین‌الدوله است. در غیاب تونلی از تهران، روسها تقریباً به عین‌الدوله دستور داده بودند که استعفا دهد؛ این موضوع بعداً مورد بحث قرار خواهد گرفت.<sup>(۱۳)</sup> البته این رقابت و سوءظن، امری متقابل بود. روسها نیز بارها گفته بودند که هر چه می‌کنند، انگلیسیان باز هم به آنها مظنون هستند.<sup>(۱۴)</sup>

رجال ایران نیز متوجه تغییر اوضاع سیاسی بودند. اما به نظر می‌رسد می‌کوشیدند مانند گذشته از اختلافات روس و انگلیس استفاده کنند، و یا حتی میان آنها تفرقه اندازند. بنابر این روسها و انگلیسیها ظاهراً همواره یک نظر واحد ابراز می‌کردند. یک بار تونلی گفته بود که از جمله دلایل مخالفت وی با مراجعت محمدعلی شاه این است که ایرانیان آنرا شکست سیاست انگلیس تلقی خواهند کرد. تونلی معتقد بود که ایرانیان معنی قرارداد ۱۹۰۷ را درک کرده‌اند،<sup>(۱۵)</sup> ولی ضمناً رقابت پیشین روس و انگلیس را از یاد نبرده‌اند.

حبل‌المتین زیرکانه دربارهٔ این رقابت نوشت که: «تا وقتی رقابت بین انگلیس و روس ظاهری باشد، ایران نمی‌تواند استفاده کند.» و اضافه کرده بود که: «هنوز هم وقت هست. عنقریب رقابتها شروع خواهد شد و ایران فرصت خواهد یافت که استفاده کند، به شرط آنکه رجال بیدار باشند.»<sup>(۱۶)</sup> این روزنامه بر آن بود که رقابتی بر سر منطقه بی‌طرف و راه آهن آغاز خواهد شد.

تونلی نیز به ایرانیان گوشزد کرده بود که وقتی رجال ایران با او یا با پک洛夫سکی راجع به سیاست سخن می‌گویند نباید برای خوش آیند هر کدام از آنان، نظریات متفاوتی ابراز کنند. این کار باعث خواهد شد که آنها نتوانند به یک نتیجه مشابهی از تمایلات مردم ایران دست یابند.<sup>(۱۷)</sup>

یک بار صمصام‌السلطنه از دوستی خود نسبت به انگلیسیان و انزجار بختیارها از روسها سخن گفته بود. ولی تونلی کوشیده بود به او بفهماند که اکنون روسها و انگلیسیها با هم همکاری دارند. همچنین سعدالدوله، پس از هدم موفقیت در تشکیل کابینه، از بی‌اعتمادی خود نسبت به روسها برای تونلی سخن گفته بود ولی جوابی مشابه جواب او به صمصام‌السلطنه شنیده بود.

نظر نمایندگان روس و انگلیس در باره رجال و سیاستمداران ایران غالباً منفی بود و برای آنها هیچ انگیزه ملی یا اخلاقی قائل نبودند. از نظر آنان، ایرانیان، فاسد، توطئه‌گر و تنها پایبند به منافع شخصی بودند. خاصه اگر یکی از رجال ایران با سیاست آنان مخالفت می‌کرد، او را متهم به فساد می‌کردند. چنانچه وقتی مخبرالسلطنه اول به عنوان حاکم به فارس رفت، تونلی اظهار رضایت کرد و گفت که او حتماً خواهد توانست امنیت را برقرار سازد. ولی در ماه سپتامبر، از قول میجرکونالی قنصل فارس نوشت که مخبرالسلطنه همکاری نمی‌کند و از آن پس شکایت از او همچنان ادامه داشت.<sup>(۱۸)</sup>

نظر این دو دولت در باره رهبران ملی و یا اعضای احزاب پیش از این مغرضانه بود. آنها هر گونه حرکت ملی را تخطئه می‌کردند، چنانچه تونلی آرزوی ایرانیان را برای تجدید انتخابات "افسانه" تلقی می‌کرد.<sup>(۱۹)</sup> تونلی در باره رابطه رجال ایرانی با روسها نوشت که مأمورین ایرانی تا زمانی که نسبت به دولت خودشان خائن هستند، روسها با تمام قوا از آنها حمایت می‌کنند، ولی به محض اینکه نسبت به دولت خود وفاداری نشان می‌دهند، با دشمنی روسها روبرو می‌شوند.<sup>(۲۰)</sup> البته سیاست انگلیسیان که خود این انتقادات را می‌نوشتند، کم از روش روسها نبود. تونلی معتقد بود که با یک جمله دوستانه یا یک تذکر به موقع می‌توان رجال ایران را مطیع کرد.<sup>(۲۱)</sup>

دولتمردان ایرانی نیز بر آن بودند که موافقت یا عدم موافقتشان با روس و انگلیس می‌تواند منصب و موقعیت اجتماعی و یا حتی جانشان را به

خطر اندازد. بنابراین بدون مشورت و جلب رضایت آنان شغلی نمی پذیرفتند چون در غیر آنصورت، نمی توانستند کاری از پیش ببرند. علاءالسلطنه وزیر خارجه به تونلی گفته بود که چون شایع شد کابینه تغییر خواهد کرد، وزراء ترجیح دهند که از هم اکنون استعفا دهند زیرا در غیر این صورت نخواهند توانست خود را در برابر مردم موجه جلوه دهند.<sup>(۲۲)</sup> در ژانویه ۱۹۱۳ م / ۷ صفر ۱۳۳۱ ق، علاءالسلطنه هنگامی کابینه خود را تشکیل داد که از موافقت روسها و انگلیسها مطمئن شد.<sup>(۲۳)</sup>

نظریات این دو دولت در باره رجال ایران و یا پشتیبانی از آنها به فراخور حال، یا تغییر خط مشی سیاست آنان تغییر می کرد. چنانچه وقتی عین الدوله در کابینه علاءالسلطنه وزیر داخله بود، می گفتند که فقط شایعه استعفای او کافی است تا حشمت الملک در سیستان و صولت الدوله در فارس سر از اطاعت دولت مرکزی برتابند.<sup>(۲۴)</sup> اما چون روسها عین الدوله را به استعفا وا داشتند، تونلی نوشت: «از نظر ما عین الدوله نقش خود را ایفا کرده، و به ما خوب خدمت کرده و باقی ماندن او را در کابینه اکنون کمی ناگوار است. رفتن او شاید در حل مسائل مفید باشد. وقتی در آینده شهرت خوبی یافت، لایق حمایت خواهد بود.»<sup>(۲۵)</sup>

به نظر می رسد گاه نمایندگان روس و انگلیس، رجال ایران را خاصه اگر از آنها اطاعت نمی کردند عمداً بدنام می ساختند. یک بار در اوت ۱۹۱۳ که عین الدوله صحبت از استعفا کرده بود و محتمل بود که قوام السلطنه وزیر داخله شود، تونلی نوشت: «من اظهار کردم که کوچکترین اعتمادی به قوام به عنوان وزیر داخله ندارم، و اگر او را به این سمت تعیین کنند، وظیفه من خواهد بود که دولت اعلیحضرت را آماده مقابله با مشکلات دو ایالت کنم. چون مطمئن هستم که سیاست وزیری که فقط در فکر جمع آوری ثروت است منتهی به اغتشاشاتی خواهد شد.»

در اکتبر همان سال که قوام السلطنه وزیر مالیه بود، تونلی از او ستایش

کرد و نوشت که طرز تفکر او در حد یک مرد اروپائی است.<sup>(۲۶)</sup> گاه نیز از طریق حمایت و یا تحمیل عناصر نامناسب یا حتی به زور، سیاست خود را اعمال می‌کردند. از جمله کابینه بختیاری‌ها بود که تونلی آنها را غیر سیاستمدار و مورد تنفر مردم خوانده است.<sup>(۲۷)</sup> همچنین اعمال فشار برای تحمیل سعدالدوله که در فصل بعدی توضیح داده خواهد شد، یا مورنارد که پس از استعفای شوستر به سمت خزانه‌دار کل تعیین شد،<sup>(۲۸)</sup> و یا شجاع‌الدوله<sup>(۲۹)</sup> از آن جمله بودند. این گونه رفتار از جانب روس و انگلیس رجال ایران را در حالت انفعالی وضعف و وابستگی قرار می‌داد. خاصه که در غیاب مجلس هیچ یک از اعمال وزراء جنبه قانونی نداشت و از حمایت مردم برخوردار نبود. البته تونلی و پکلونسکی بر آن بودند که اهدافشان می‌بایست به دست افراد نسبتاً وجیه‌المله به تصویب رسد، تا قبول عام یابد. مثلاً مؤتمن‌الملک و مشیرالدوله به اصرار انگلیس و علی‌رغم میل روسها وارد کابینه علاء‌السلطنه شدند.<sup>(۳۰)</sup> ولی خیلی زود به دلایلی که بعداً توضیح داده خواهد شد، استعفا دادند. تونلی در آن باره اظهار داشت اکنون که امتیاز راه آهن که مردم به اعتبار این دو برادر پذیرفتند اعطا شده، استعفای آنها اهمیت ندارد.<sup>(۳۱)</sup> به همین دلیل بود که این دو دولت همیشه نمی‌توانستند آنچه را که می‌خواهند تحمیل کنند، چنانچه در تحمیل سعدالدوله بالاخره موفق نشدند؛ و تونلی نوشت: «شاید بتوانیم بهترین افراد را وادار کنیم به کابینه او ملحق شوند، ولی ضروری است که لااقل چنان بنماید که از حمایت عامه برخوردار است.»<sup>(۳۲)</sup>

در واقع وقتی صحبت از افکار عمومی می‌شود، باید به موضع مطبوعات توجه کرد،<sup>(۳۳)</sup> چون نقش بسیار مؤثری در تهییج مردم و آگاه کردن آنها داشتند. ضمناً این را نیز باید اضافه کرد که روزنامه‌نگاری فقط یکی از راههای مبارزه سیاسی نبود، بلکه به افرادی که از خانواده‌های متوسط جامعه بودند، امکان می‌داد که از این طریق شهرت و قدرتی کسب کنند و یا به

مجلس راه یابند.



در بعضی منابع فضای اختناق و ارباب و سانسور در این دوره اشاره شده است<sup>(۳۴)</sup> البته حضور قشون روس در شمال کشور و نیز ایجاد رعب و وحشت، خاصه در آذربایجان و خراسان را که هر گونه فعالیت سیاسی را در آن مناطق ناممکن می‌گردانید نباید فراموش کرد.

در تهران آنچه به "استبداد ناصرالملکی" معروف بود، به نظر اغراق‌آمیز می‌نماید و احتمالاً بیشتر جنبه تبلیغاتی داشت. وقایع مشروطه در بیداری و آگاه ساختن مردم تا حدی مؤثر واقع شده بود، بویژه مطبوعات در آن باره سهم بسزایی داشت و این زمان نیز از فعالیت باز نایستاده بودند.

پس از انحلال مجلس دوم، رهبران احزاب به اتهام توطئه از تهران تبعید شدند.<sup>(۳۵)</sup> روزنامه‌ها نیز توقیف گشتند. اما دولت که خود به اهمیت انتشار روزنامه واقف بود، روزنامه‌ای به نام "آفتاب" منتشر کرد.<sup>(۳۶)</sup> با این همه روزنامه‌ها به تدریج و دوباره آغاز به فعالیت کردند. مبارزه بعضی از روزنامه‌نگاران مانند سیدضیاءالدین و ملک‌الشعرا بهار در این زمان جالب توجه است. سیدضیاء که در آغاز روزنامه "شرق" را تا رمضان ۱۳۲۷ ق منتشر کرد پس از توقیف آن به چاپ "برق" پرداخت که این نیز پس از ۱۳ شماره توقیف شد؛ و سپس "رعد" را با تیراژ ۱۵۰۰ عدد، به چاپ رساند.<sup>(۳۷)</sup> بهار نیز روزنامه نوبهار را در مشهد چاپ می‌کرد و پس از آنکه روسها آن را قدغن کردند، به تهران آمد و نوبهار را در اینجا دایر کرد.

روزنامه‌ها در غیاب مجلس خود را حافظ منافع مردم قلمداد می‌کردند، و نقش مهمی در مخالفت با دولت داشتند و می‌کوشیدند بر همه کارها نظارت کنند<sup>(۳۸)</sup> چنانچه رعد نوشت: «پشتیبان دولت ضعیفی مانند ایران، مردم‌اند و دولت باید خودش را با ملت یکی بداند.»<sup>(۳۹)</sup> صفحات



روزنامه‌های این دوره مشحون است از اطلاعاتی در باره وضع مردم در نقاط مختلف کشور و اخبار ولایات. رعد به شدت از دولت انتقاد می‌کرد که: مردم و مطبوعات را از جریان امور با خبر نمی‌کنند و بعد از ۸ سال که از استقرار مشروطیت می‌گذرد، هنوز به سبک دوره استبداد حکومت می‌کنند؛ «در حالیکه اساس حکومت ناشی از ملت است و وظیفه دولت است که مردم را از جریان امور آگاه کند؛ رجال با مشروطیت هنوز آشنا نشده‌اند.»<sup>(۴۰)</sup> رجال می‌بایست بتوانند از قوه مطبوعات استفاده کنند، مگر اینکه از اعمال خود شک داشته باشند.<sup>(۴۱)</sup> نیز نوشت که دولت با استتار حقایق به ملت خیانت می‌کند،<sup>(۴۲)</sup> و با وجود کوشش مطبوعات برای درک وقایع ایران، باید اخبار را از مطبوعات خارجی بگیرند.

روزنامه‌ها ناچار مسائل مربوط به وقایع خارجی را بطور مبهم می‌نوشتند، زیرا در غیر این صورت بی‌درنگ با سانسور مواجه می‌شدند. چنانکه وقتی روزنامه رعد از مورنارد که کارمند دولت ایران محسوب می‌شد انتقاد کرد، روزنامه را توقیف کردند. اما سایر روزنامه‌ها هم خبر سانسور را می‌نوشتند و گاه جنجال به پا می‌کردند تا روزنامه آزاد شود.

مسئله سانسور فقط به هنگام تعطیل مجلس مطرح نبود، بعد از افتتاح مجلس نیز گاه روزنامه‌ها را خاصه به علت طرح مسائل خارجی توقیف می‌کردند. روزنامه‌های "کوشش" و "عصر انقلاب" از جمله همین روزنامه‌ها بودند.<sup>(۴۳)</sup> رعد قبول داشت که گاه انتشار بعضی اخبار مقتضی نیست، ولی از عدم مساعدت دولت شکایت داشت و نوشت که «با این وضع روزنامه مجبور خواهد شد هر خبری یافت بدون استفسار از مقامات رسمی منتشر ساخته و دولت را وادار به تکذیب یا تصدیق آن نماید.»<sup>(۴۴)</sup> ضمناً از کابینه وزراء هم گله داشت که به افکار عمومی توجه ندارند.<sup>(۴۵)</sup>

هر یک از قدرتهای بزرگ نیز هوادارانی میان روزنامه نگاران داشتند. متین‌السلطنه مدیر روزنامه "عصر جدید" هوادار روس؛ و سیدضیاء‌الدین،

هوادار انگلیس محسوب می‌شدند بعد از انحلال مجلس سوم فقط همین روزنامه‌ها دایر ماندند. شایع بود که روس و انگلیس میان روزنامه‌نگارها پول می‌پراکنند؛ و وقتی از فرمانفرما در مجلس استیضاح به عمل شد انگلیس‌ها ۱۰۰۰ پاونده او دادند که خرج تبلیغات کند.<sup>(۴۶)</sup>

روزنامه‌ها پس از افتتاح مجلس نیز از نزدیک مراقب اوضاع بودند و آنچه را که در مجلس می‌گذشت از نظر دور نمی‌داشتند به همین علت بسیاری از وقایع مهم به عمد در جلسات خصوصی مجلس مطرح می‌شد و تصمیماتی اتخاذ می‌شد، تا روزنامه‌ها جنجال برنیا نگیرند. مثلاً هر بار که کابینه تغییر می‌کرد، میان احزاب و دولت مذاکرات بسیاری انجام می‌گرفت، که هیچ کدام در مطبوعات یا در مذاکرات مجلس منعکس نشده است. بی‌شک یکی دیگر از دلایل این پرده‌پوشی آن بود که عمق دخالت دولتهای خارجی مکتوم بماند. زیرا این دولتها چنانچه نشان داده خواهد شد، بطور مستقیم در تشکیل کابینه‌ها دخالت داشتند. شاید یکی از دلایل ابهام و سطحی‌نگری برخی از مقالات روزنامه‌ها نیز عدم شرکت مردم و روزنامه‌نگاران در مسائل مهم مملکتی و آگاهی از آنها بود.

از نظر دولتهای خارجی آزادی مطبوعات در ایران زیاد مطبوع نبود. خاصه اگر نظریات مطبوعات خارجی در ایران منعکس می‌شد. این مسئله بویژه در مورد مطبوعات انگلیس که آزادتر از روسیه بودند، صدق می‌کرد. مثلاً روزنامه تایمز متن سخنرانی در انجمن ایران\* و یا مذاکرات در مجلس عوام که از موضع دولت خود نسبت به وقایع ایران انتقاد می‌کردند منتشر می‌کرد و این اخبار در روزنامه‌های ایران نیز منعکس می‌شد،<sup>(۴۷)</sup> و ممکن بود تاثیر منفی نسبت به سیاست آن کشور ایجاد کند و باعث تشویق مخالفین گردد.

در آغاز جنگ، بخصوص پس از انحلال مجلس، سانسور شدید اخبار

باهت شد که روزنامه‌های ایران کمتر از پیش اخبار جالب توجه به استثنای اخبار حاکی از فتوحات متحدین درج کنند، و طبعاً انتقادات نیز پایان یافت. در تمام این مدت، وضع مردم ایران از لحاظ امنیت اجتماعی به شدت دچار بحران بود. حقوقها پرداخت نمی‌شد. و گرانی و قحطی گریبان مردم را گرفته بود. دولت بسیاری از وقایع دلخراش را از مردم مخفی می‌کرد. ولی این اخبار جسته گریخته به روزنامه‌ها می‌رسید و آن را درج می‌کردند. در مبارزهای که بین آزادیخواهان و دولتهای خارجی در این دوره در گرفت، البته دولتهای خارجی از قدرت بیشتری برخوردار بودند، و مطبوعات جز تهییج افکار عمومی و برانگیختن جنجال کاری از پیش نمی‌بردند با این همه اقدامات آنها در آگاه کردن مردم بسی مؤثر بود؛ و از این دوره نقش افکار عمومی در سیاست ایران از عناصر مهم تلقی گردید.

## یاداشتهای فصل اول

1. Townley to Grey, August, 1913, No 277, FO 416/ 57/ 4887.

همچنین:

Times, Cuttings From the Times, Originally Compiled by the Times Intelligence department, 20 September, 1912.

۲. در این دوره حفظ امنیت این منطقه مشکل چندانی ایجاد نمی‌کرد و در منابع انگلیس اشاره‌ای به مشکلات در آن حوالی نیست. برعکس، انگلیس در منطقه بی‌طرف با مشکلات بسیاری مواجه بود چنانچه اشارات زیادی در روزنامه تایمز، و در راپرت‌های قنسولی بایگانی آن کشور در این باره موجود است.

۳. در ۱۳۲۹ ق / ۱۹۱۱ م، یک بار دولت انگلیس به خاطر ناامنی راههای تجارتی، قوای مختصر به فارس اعزام داشت. در زمستان همان سال قنسول انگلیس اسمارت مورد حمله قرار گرفت. در زمستان سال بعد کاپیتان اکفورد به قتل رسید. آشوبهای ایلاتی منجر به غارت مال‌التجاره‌ها و زد و خورد دائم شده، و دولت مرکزی نیز قادر به کنترل وضع نبود. در عین حال انگلیسها بیم داشتند که اگر فارس را

## یادداشت‌های فصل اول / ۳۱

اشغال کنند روسها نیز تهران را تصرف کنند. آنها فقط به حکومت مخبرالسلطنه و قوای ژاندارمری که از ربیع‌الاول ۱۳۳۰ تشکیل شده بود امید بسته بودند.

4. Times, 8 December, 1911.

5. Townley to Grey, February 7, 1914, No 141, FO 416/ 59.

۶. ظاهراً انگلیسها به قوای ژاندارمری و کارمندان بلژیکی گمرک امید داشتند که تا حدی جلوی پیشرفت روسها را در منطقه تحت نفوذ آنها و احتمال تقسیم ایران را بگیرد. ولی روسها اصرار داشتند که حوزه عملیات ژاندارمری فقط به جنوب کشور محدود باشد، و امور شمال در دست قوای قزاق که تحت اداره خودشان بود، قرار گیرد.

Townley to Grey, February 7, 1914, No 141, FO 416/ 59.

7. Same to Same, Oct. 27, 1913 No, 124, FO 416/ 58/ 05422.

8. I bid.

9. Same to Same, June 5, 1912, No 479, FO 416/ 52/ 05366.

10. I bid.

11. Same to Same, June 10, 1913, No 483, FO 416/ 56/ 05422.

12. Same to Same, April 28, 1914, No 98, FO 416/ 60

13. Same to Same, April 11, 1914, No 62, FO 416/ 60.

14. Grey to Buchanan, January 10, 1913, No 58, FO 416/ 55.

15. Townley to Grey, March, 17, 1913, No 42, FO 416/ 56/ 05422.

۱۶. حبل‌المتین شماره ۸، ۴ شعبان ۱۳۳۴ هـ ق.

17. Townley to Grey, Oct 23 , 1912, No, 53, FO 416/ 54/ 05415.

آنگاه که مراجعت محمدعلی شاه شایع شده بود، صمصام‌السلطنه با تندى به تونلی گفته بود که با قوای خود به میان ایل بختیاری رفته و از آنجا بر ضد دولت قیام خواهد کرد. اما به گفته تونلی چند روز بعد که او با وزیر مختار روس مذاکره می‌کرد، اظهار داشته بود که اگر قرار است محمدعلی شاه بازگردد، مایل است از قبل مطلع

باشد تا با او از در سازش در آید.

Same to Same, September 3, 1912, No 521, FO 416/ 532.

18. Same to Same, May 10, 1913, No 342, FO 416/ 56/ 05422.

and Same to Same, September 1, 1913, No 370, FO 416/ 57/ 05432.

19. Same to Same, August 5, 1913, No, 284, FO 416/ 57/ 05432.

20. Same to Same, August 1, 1913, No 277, FO 416/ 57/ 4887.

21. Same to Same, August 5, 1913, No 284, FO 416/ 57/ 05432.

22. Same to Same, October 23, 1912, No 153, FO 416/ 54/ 05415.

23. Same to Same January 7, 1913, No 245, FO 416/ 55/ 05415.

24. Same to Same, September 2 1913, No 374, FO 416/ 57/ 05432.

25. Same to Same, December 23, 1913, No, 12, FO 416/ 59/ 05432.

26. Same to Same, August 19, 1913, No 247, FO 416/ 57/ 05432. and

27. Same to Same , October 29, 1913, No 131, FO 416/ 58.

۲۸. هر چند که تونلی از بی کفایتی مورنارد مطلع بود، ولی اشاره کرده که چون مالیات می گرفت ایرانیان از او ناراضی بودند. رئیس بانک شاهنشاهی نیز از مورنارد شکایت می کرد.

Greenway to Sir L. Mallet, September 2, 1912, No 539, FO 416/ 53.

Townley to Grey, September 2, 1913, No 371, FO 416/ 57/ 4887.

Same to Same, August 31 1912, No 517, FO 416/ 53/ 05366.

Same to Same, November 25, 1913, No 174, FO 416/ 58.

۲۹. احمد کسروی، تاریخ هیجده ساله آذربایجان، تهران، چاپ ششم ۱۳۵۳، ص ۳۲۳ - ۴۲۴.

صمدخان شجاع الدوله از دوران ناصرالدین شاه، رئیس فوج سوار مقدم بود، و از محرم ۱۳۳۰ ق توسط روسها تقویت شد، تا بالاخره او را به حکومت آذربایجان منصوب کردند و به دستور همانها مرتکب فجایع بسیاری شد. مقارن جنگ که

## یادداشت‌های فصل اول / ۳۳

مستوفی‌الممالک به ریاست وزراء رسید، صمدخان موقتاً ایران را ترک کرد. ولی پس از مدت کوتاهی بازگشت.

مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران، ۴ جلد، تهران ۱۳۵۷ جلد ۲، ص ۱۸۰.

30. Townley to Grey, January 17, 1913, No 245, FO 416/ 55/ 05415.

31. Same to Same, May 12, 1913, No 343, FO 416/ 56/ 05422.

32. Same to Same, November 4 1912, No, 139 FO 416/ 54.

۳۳. اهمیت روزنامه در این زمان آنقدر بود که وقتی دولت پس از اولتیماتوم، روزنامه‌ها را بست. خودش به چاپ روزنامه دولتی "آفتاب" مبادرت ورزید. در ماه صفر ۱۳۳۰ ق/ ژانویه ۱۹۱۲ م، آفتاب مقاله‌ای در حمایت از قرارداد چاپ کرد، و نوشت که قرارداد با استقلال ایران مغایرت ندارد. تونلی به این نتیجه رسید که احتمالاً دولت خیال دارد قرارداد را بپذیرد.

۳۴. گوئل کهن، تاریخ سانسور در مطبوعات ایران، ۲ جلد، تهران، ۱۳۶۲، جلد ۲ ص ۶۲۹-۶۱۵.

۳۵. احمد کسروی، تاریخ ۱۸ ساله، ص ۵۰۷.

بعضی از کسانی که تبعید شده بودند، در ذیقعد ۱۳۳۰ ق به تهران مراجعت کردند.

۳۶. محمد صدرهاشمی، تاریخ جراید و مجلات، ۴ جلد تهران، چاپ دوم ۱۳۶۳، جلد ۱ ص ۲۱۴.

۳۷. همان کتاب.

۳۸. روزنامه‌ها برای مردم وسیله‌ای بودند تا از وضع و رفتار عمال دولت و حتی حکام با قدرت شکایت کنند و نارضایتی خود را به اطلاع دولت مرکزی برسانند، و به نظر می‌رسد که بطور وسیعی از این امکان استفاده می‌شد. البته در بعضی مواقع سوءاستفاده‌هایی هم به عمل می‌آمد و دعوای خصوصی و دشمنی‌های فردی را با هوچیگری از این طریق پیش می‌بردند. ولی اساساً وسیله مفیدی بود برای جلوگیری از ستم حکام و مأمورین دولت.

۳۹. روزنامه رعد، شماره ۱۳، ۲ ذیحجه ۱۳۳۲.

۴۰. همان، شماره ۱۱، ۲۸ ذیقعده ۱۳۳۲.

۴۱. همان، شماره ۱۳، ۲ ذیحجه ۱۳۳۲.

۴۲. همان، شماره ۱۷، ۱۱ ذیحجه ۱۳۳۲.

۴۳. گونل کهن، تاریخ سانسور، ص ۴۷ - ۶۴۲.

۴۴. رعد، شماره ۱۱، ۲۸ ذیقعده ۱۳۳۲.

۴۵. همان، شماره ۳۸، ۱۰ ربیع‌الثانی ۱۳۳۳.

46. W. T. Olson, *Anglo - Iranian Relations during World War*, Frank Cass, G. B. 1984, P. 92.

۴۷. مثلاً رعد در شماره ۶۹، مورخ ۹ رجب ۱۳۳۲، از سخنرانی در "انجمن ایران" و تأکید اعضای آن در باز شدن مجلس شورای ملی ایران خبرداد و نوشت که ایرانیان در فکر خودشان نیستند و غیره باید در فکر مملکت باشد.



## فصل دوم

### کابینه صمصام السلطنه و نفوذ بختاریها\*

آخرین جلسه مجلس دوم که با اولتیماتوم روسها پایان پذیرفت، در ۲۹ ذیحجه ۱۳۲۹ ق تشکیل شد. روز بعد که وکلاء به بهارستان رفتند، درها را بسته یافتند و پلیس به فرماندهی پیرم خان رئیس نظمیه آنها را پراکند.<sup>(۱)</sup> این حرکت در واقع به منزله یک کودتا بود و پس از آن مجلس به مدت دو سال و ۱۱ ماه تعطیل ماند.

طی سه هفته‌ای که از اولتیماتوم دولت روس می‌گذشت وکلای مجلس با وجود فشار دولت از قبول آن سرباز می‌زدند. اما بالاخره با آغاز

---

\* کابینه صمصام السلطنه از ۲۹ رجب ۱۳۲۹ و تا ۱۷ جمادی‌الثانی ۱۳۳۳. بر سر کار بود. ولی لادرت و نفوذ بختاریها در صحنه سیاست از زمان فتح تهران در رجب ۱۳۲۷ آغاز شد و با سقوط کابینه صمصام السلطنه از بین نرفت. بلکه سردار اسعد و صمصام السلطنه و عده‌ای از خوانین ایل از شخصیت‌های مهم سیاسی باقی ماندند.

پیشروی قوای روس به سوی تهران کمیته‌ای تشکیل دادند که با دولت درباره قبول اولتیماتوم مذاکره کند. پس از آن مجلس منحل شد و وزیر خارجه در نامه‌ای خطاب به پک洛夫سکی وزیر مختار روس قبول دولت را اعلان کرد.<sup>(۲)</sup> صمصام‌السلطنه طی نامه‌ای به امضای وزرای کابینه، خطاب به نایب‌السلطنه توضیحاتی داد که در واقع شکایت از رفتار مجلس بود و همه گناه را به گردن وکلاء بویژه وکلای حزب دموکرات می‌انداخت. او نوشت وقتی دولت اولتیماتوم روس را به اطلاع مجلس رساند، وکلاء به تحریک دموکراتها آن را رد کردند و مردم را به برداشتن اسلحه برمی‌انگیختند. در نتیجه روسها دوباره اولتیماتوم دادند و سپس قوای خود را به حوالی قزوین آوردند. و عازم تهران شدند. بالاخره مجلس با ۳۷ رای، تشکیل کمیته‌ای را قبول کرد که از جانب دولت و مجلس با روسها مذاکره شود. بنابه قول صمصام‌السلطنه، تشکیل این کمیته مورد قبول وکلاء نبود، در حالی که دولت از آغاز موافق شرایط روسها بود. صمصام‌السلطنه خاطر نشان می‌کرد که در هر حال عمر مجلس به سر آمده بود، و تقاضای انحلال مجلس و تجدید انتخابات را می‌کرد.<sup>(۳)</sup> ولی باید توجه داشت که دولت و نایب‌السلطنه قانوناً حق انحلال مجلس را نداشتند.<sup>(۴)</sup>

بارکلی\* وزیر مختار انگلیس نیز در این باره اشاراتی دارد مبنی بر آنکه بختیاری‌ها حتی آمادگی خود را برای کودتا اعلام کرده بودند. بنا به گفته وی، وقتی سردار اسعد از اروپا بازگشت بر آن بود که باید عده‌ای از وکلارا و ادار به استعفا کرد تا مجلس از اکثریت بیفتد. ولی وکلا چنین نکردند و سردار اسعد از نفوذی که داشت استفاده کرد تا تشکیل کمیته را به مجلس بقبولاند. بارکلی از قول پیرم خان رئیس نظمیّه نوشت که وکلا تقریباً در حالیکه طپانچه موزر بر شقیقه‌هاشان قرار داشت اعضای کمیته را انتخاب کردند.<sup>(۵)</sup>

یک هفته بعد، روسها در تبریز ثقه الاسلام و عده‌ای از

مشروطه‌خواهان را بر دار کشیدند و حکومت ترور برقرار ساختند، که تا حد زیادی جبراً هیجانانگیز و کشمکشها را در تهران و آذربایجان کاهش داد.

نتیجه اولتیماتوم و انحلال مجلس خیلی زود پدیدار شد. یکی از نتایج فوری آن پس از عزیمت شوستر انتخاب مورنارد بلژیکی رئیس گمرک، به عنوان خزانه‌دار کل بود. ولی ایرانیان از این انتخاب ناخشنود بودند زیرا نه تنها او را برای این کار مناسب نمی‌دانستند بلکه انتصاب او را گسترش نفوذ روسیه به شمار می‌آوردند.<sup>(۶)</sup> دیگر از نتایج اولتیماتوم، تسلط روس و انگلیس بر قوای نظامی ایران و امور مالی، و از آن مهمتر وادار کردن دولت ایران به شناختن قرارداد ۱۹۰۷ م، بود که تا آن وقت آنرا نپذیرفته بودند.

در ۱۵ ژانویه ۱۹۱۲ م دولت انگلیس از روسها خواست که اکنون که شوستر از ایران می‌رود، باید بنا بر تعهد خود، قوایشان را از ایران خارج کنند و محمدعلی شاه را نیز وادار کنند ایران را ترک کنند.

در ۲۰ ژانویه بوکانن سفیر انگلیس در سنت پترزبورگ با سازانف وزیر خارجه روس مذاکره کرد و در ۲۹ ژانویه سازانف شرایط دولت روس را به اطلاع بوکانن رساند. این شرایط چنین بود:

۱- روس و انگلیس باید واسطه‌آشتی میان دولت ایران و شاه مخلوع (محمدعلی شاه) باشند.

۲- هر دو دولت مشترکاً وامی به دولت ایران بپردازند.

۳- هر دو دولت در تشکیل قوای نظامی ایران همکاری کنند. ضمناً سازانف معتقد بود که قوای قزاق که از سایر نیروهای نظامی ایران برتر بود، می‌بایست ۱۵۰۰ نفر دیگر بدان افزوده شود؛ و ژاندارمری تحت فرمان افسران سوئدی که برای حفظ امنیت می‌توانستند مفید باشند نیز تقویت شود. او نظر خوشی نسبت به تشکیل یک قوای منظم در ایران نداشت و می‌پنداشت که بهتر است آن را محدود کرد و تحت اداره افسران اروپائی در آورد. در باره فدائیان نظری کاملاً منفی داشت و معتقد بود آنها ضد روسی و

انقلابی‌اند و باید خلع سلاح شوند.

۴- تا قبل از آنکه قشون دولتی تشکیل گردد، نباید انتخابات مجلس انجام گیرد تا بتوان دموکراتها را کنترل کرد. همزمان با گشایش مجلس، مجلس سنا نیز باید تشکیل گردد، و بر انجمنها نیز که ضد روس بودند باید نظارتی اعمال شود.

۵- موافقت با ادامه سلطنت قاجار، زیرا به عقیده او انقراض آن باعث هرج و مرج می‌شد.

۶- ایران باید موافقت کند که روسها در منطقه نفوذ خود امتیازاتی کسب کنند، قروض اتباع روسی را پردازد، و به خانواده‌هایی که کشته داده بودند غرامت دهد.

۷- ایران باید نفوذ روسیه را در منطقه‌ای که طبق قرارداد ۱۹۰۷ م به آن تعلق گرفته، به رسمیت بشناسد.

سازانف در پایان این یادداشت اضافه کرده بود که روسیه طبق این شرایط حاضر است با دولت ایران همکاری و کمک کند.

این شرایط کاملاً با نظر گری توافق نداشت؛ تا پس از جرح و تعدیل، در ۱۸ فوریه ۱۹۱۲ م / ۲۹ صفر ۱۳۳۰ ق یادداشتی به دولت ایران داده شد که طبق آن پیشنهاد شده بود:

۱- دولتین روس و انگلیس هر کدام مبلغ ۱۰۰،۰۰۰ لیره در اختیار دولت ایران می‌گذارند. به محض اینکه جواب مساعد دولت ایران برسد، بانکهای شاهنشاهی و استقراضی اعتباری برای دولت ایران باز خواهند کرد، و مبلغ مذکور را در اختیار دولت قرار خواهند داد.

۲- این مبلغ با بهره سالیانه ۷ درصد، باید قبل از اینکه دولت ایران وام دیگری بگیرد پرداخت گردد. تا آن زمان تمام مازاد گمرکات شمال و جنوب که توسط بانکهای فوق‌الذکر در اختیار دولت ایران قرار می‌گرفت، باید برای استهلاک قروض به دولتین روس و انگلیس پرداخت گردد.

### کابینه مصمصام السلطنه و نفوذ بختیاریها / ۳۹

۳- این وام باید با نظارت خزانه‌دار کل و طبق برنامه‌ای که کابینه تهیه کرده با موافقت سفارتین، خرج گردد<sup>(۷)</sup> و قسمت اعظم آن می‌بایست به مخارج تشکیل ژاندارمری تحت فرمان افسران سویدی تعلق گیرد.

پیشنهادات و اهداف فوق مندرج در این یادداشت مشروط بود به اینکه: اولاً از این پس دولت ایران سیاست خود را با اصول قرارداد ۱۹۰۷ م بین روس و انگلیس تطبیق دهد. ثانیاً به محض خروج محمدعلی شاه<sup>(۸)</sup> و سالارالدوله از ایران، دولت ایران فدائیان و قوای غیرمنظم را مرخص کند. ثالثاً به منظور تشکیل یک قشون کوچک منظم با سفارتین وارد مذاکره شود. رابعاً راجع به حقوق و عفو هواداران و همراهان محمدعلی شاه توافق کنند.

پس از ارسال این یادداشت، در همان تاریخ، بارکلی، جرج چرچیل منشی سفارت را مأمور کرد تا با نایب‌السلطنه ملاقات کرده، از او بخواهد از نفوذ خود استفاده کند و وزراء را به پذیرش آن وادارد.

اولین جواب ایران در تاریخ ۲۲ فوریه به دست نمایندگان روس و انگلیس رسید که در بعضی از نکات تغییراتی داده بودند ولی از جانب دولتین مورد قبول واقع نشد. دولت ایران اساساً به شناسائی قرارداد اعتراض نداشت. مسائل مورد ایراد، مربوط به دخالت دولتین در نظارت بر مصارف وام و سرپرستی قوای نظامی بود.

در ۷ مارس مجدداً وثوق‌الدوله پیشنهادی همراه با تغییراتی در مفاد یادداشت ارائه کرد که می‌گفت ایران با اصول این مواد موافقت خواهد کرد. مورد مسئله نظام، دولت ایران نخواهد پذیرفت که در انتخاب افسرانی از کشورهای کوچک، و نیز در مورد تسلیحات با دولتین مشورت کند. ضمناً دولت ایران تقاضا می‌کرد که بعداً شرایط دیگری به این شرایط اضافه نشود و قشون خارجی خاک ایران را ترک کند، و مواد مربوط به حقوق محمدعلی شاه<sup>(۹)</sup> در قرارداد جداگانه‌ای گنجانده شود.<sup>(۱۰)</sup>

پس از جرح و تعدیل مجدد، این مواد بدین صورت توسط نمایندگان

## ۴۰ / احزاب سیاسی در مجلس سوم

روس و انگلیس به ایران پیشنهاد شد:

۱- در مورد استقراض، دولتین باید قبلاً از مصارف آن وام توسط دولت ایران، اطلاع داشته باشند.

۲- در باره قرارداد ۱۹۰۷ م، کافی است که دولت ایران بنویسد از مفاد آن مطلع است.

۳- در باره قشون می‌بایست نوشته شود که دولت ایران سفارتین روس و انگلیس را از طرح تشکیل قشون خود مطلع خواهد ساخت تا در باره نکات لازم تبادل نظر شود.

این بار نیز نمایندگان دولتین به نایب‌السلطنه متوسل شدند که در باره تصویب این یادداشت همراهی کند. او نیز موافقت کرد ولی وزیر خارجه در چندین ملاقات خصوصی با بارکلی و پکلوفسکی اظهار داشته بود که کابینه از این شرایط خشنود نیست<sup>(۱۱)</sup> بنابراین مذاکرات به درازا کشید. مشکل عمده تزلزل کابینه بود که در این مدت چندین بار دچار بحران شد. در حالیکه هر لحظه احتمال سقوط کابینه می‌رفت وزراء از قبول یادداشت خودداری می‌کردند تا بعداً دچار انتقاد نشوند. ولی سفرای روس و انگلیس اصرار داشتند که کابینه در این لحظه نباید استعفا دهد، چون به منزله مخالفت با یادداشت دولتین تلقی خواهد شد.

در ۱۸ مارس، ۲۷ ربیع‌الاول ۱۳۳۰، بار دیگر وزیر خارجه ایران و بارکلی و پکلوفسکی ملاقات و پیشنهادات دولت ایران را مرور کردند. سفرای دولتین پذیرفتند که شرط اول این یادداشت احساسات ایرانیان را جریحه‌دار می‌کند. پس قبول کردند که آن را تغییر بدهند. در مورد شرط دوم نیز که دولت ایران سیاست خود را با مفاد قرارداد تطبیق دهد، مشکل حل شده بود. چون قبلاً ادواردگری قبول کرده بود کافی است دولت ایران از مفاد قرارداد اظهار اطلاع کند. مسئله مهم، مسئله نظام بود. دولت ایران از آن بیم داشت که این ماده باعث گردد قشون روس در شمال و قشون انگلیس در

## کابینه صمصام السلطنه و نفوذ بختیاریها / ۴۱

جنوب مستقر گردند، و به این دلیل از مذاکره در باره آن خودداری می‌کردند. وثوق‌الدوله حتی گفته بود که اگر دولتین حاضر نشوند در این مورد تجدید نظر کنند، کابینه استعفا خواهد داد. نایب‌السلطنه نیز گفته بود که حتی اگر او این شرایط را قبول کند، کابینه زیر بار نخواهد رفت؛ و دشوارتر از آن، مردم هرگز راضی نخواهند شد.<sup>(۱۲)</sup> بارکلی و پکلوفسکی اطمینان داده بودند که با استخدام افسرانی از کشورهای کوچک مخالفتی ندارند و هدفشان محدود کردن نیروی نظامی ایران نیست. در این مورد روسها قوای قزاق را استثناء می‌کردند. وثوق‌الدوله اصرار داشت که کابینه از عبارت "یک قشون کوچک" ناراضی است و آن را نمی‌پذیرد. بالاخره سفرای روس و انگلیس رضایت دادند که ایران تعهد کند، در باره تشکیل قوا با آنها تبادل نظر کند.

پس از رفع این موانع، جواب رسمی ایران در ۲۰ مارس، اول ربیع‌الآخر به این شکل اعلام شد:

۱- بانک شاهنشاهی و استقراضی علی‌الحساب اعتباری به مبلغ ۲۰۰،۰۰۰ لیره بابت وامی که بعداً به ایران داده می‌شود، پرداخت خواهند کرد و دولت ایران موافقت می‌کرد که این مبلغ، علی‌الحساب بابت قسط اول وام محسوب گردد، و بهره سالیانه آن ۷٪ باشد. مازاد عواید گمرکات شمال و جنوب به استهلاك بهره این قرض تخصیص خواهد یافت.

۲- برای اطمینان و اطلاع دولتین از این که مبلغ مذکور به مصرفی خواهد رسید که از قبل توسط دولت ایران تعیین شده است، خزانه‌دار کل موظف خواهد بود که بر مصارف آن نظارت کند. مسلماً قسمتی از آن به مصرف تشکیل ژاندارمری دولتی، تحت کنترل افسران سوئدی خواهد رسید.

۳- در باره چهار ماده مندرج در یادداشت مشترک دولتین روس و انگلیس، دولت ایران با اعتقاد به این اصل که دولتین دوست، استقلال ایران را محترم می‌شمارند و اهدافشان صمیمانه است و خواهان صلح هستند، با میل این اهداف را استقبال می‌کند و به این یادداشت چنین پاسخ می‌دهد:

الف - برای برقراری رابطه با بریتانیای کبیر و روسیه براساس روابط کامله‌الوداد و اعتماد متقابل، دولت ایران، با توجه به تعهدی که در مقدمه آن قرارداد ذکر شده است سیاست خود را با اصول قرارداد ۱۹۰۷ م تطبیق خواهد داد.

ب - طبق برنامه دولت، پس از خروج محمدعلی میرزا و سالارالدوله از خاک ایران، مجاهدین مرخص خواهند شد و به مرور که قوای نظامی منظمی تشکیل گردد، سایر قوای غیرمنظم را در صفوف آن داخل خواهند کرد.

ج - به منظور برقراری امنیت در سراسر کشور، تشکیل یک قشون منظم و مفید، یکی از ارکان برنامه وزراء است، واضح است که قشونی که تشکیل خواهد شد، مطابق با احتیاجات کشور خواهد بود. برای اطمینان بخشیدن به دو قدرت همسایه مبنی بر اصرار دولت ایران به تشکیل این قوا دولت ایران سفارتین را از برنامه این تشکیلات مطلع خواهد کرد، تا در صورت لزوم مذاکره دوستانه انجام گیرد.

د - در مورد عزیمت محمدعلی میرزا، و پرداخت مقرری به او، به احترام تقاضای دولتین بریتانیای کبیر و روسیه، یادداشت جداگانه‌ای به همین منظور تهیه شده است. اما قبولاندن این شرایط به آسانی انجام نگرفته بود و بارکلی در ۲۸ مارس، ۸ ربیع‌الآخر به ادواریگری نوشت که تا دقیقه آخر معلوم نبود که بالاخره وزیر خارجه از طرف دولت آن را امضاء خواهد کرد یا نه. البته تا وقتی که نایب‌السلطنه ننوشت که از مفاد آن اطلاع دارد، آن را امضاء نکرد.<sup>(۱۳)</sup> در هر حال چگونگی پذیرش و امضاء این قرارداد مبهم است. چنانچه هنگام گشایش مجلس، نوبهار اشاره کرد که این از وظایف وکلا است که درباره امضاء تصدیق معاهده ۱۹۰۷ م که در اول حمل ۱۳۳۰ ق از طرف دولت ایران "سری به قبول آن جنبانده شد، تصمیم بگیرد" و اضافه کرده بود که وکلا باید دنباله اولتیماتوم سال ۱۳۲۹ ق را که عقیم مانده بود پی بگیرند.<sup>(۱۵)</sup>



## کابینه صمصام‌السلطنه و نفوذ بختیارها / ۴۳

سلیمان میرزا نیز پس از بازگشائی مجلس چندین بار اشاره کرد که باید به کارنامه دوره فترت دولت رسیدگی شود، ولی سخنان وی به جانی نرسید. دولت انگلیس سهم خود را از اعتبار ۲۰۰،۰۰۰ لیره که ۱۰۰،۰۰۰ لیره می‌شد، طی چکی به خزانه‌دار کل پرداخت، و مورنارد نیز چگونگی مصارف آن را که در جلسه وزراء به تصویب رسیده بود، به بارکلی گزارش داد.<sup>(۱۶)</sup> اما روسها مدتها به بهانه‌های مختلف زیربار نمی‌رفتند. البته اخبار این مذاکرات در مطبوعات ایران منعکس نمی‌شد، و همان وقت، دولت به بهانه اینکه توطئه‌ای در کار است، سران احزاب سیاسی را از تهران تبعید کرد.<sup>(۱۷)</sup>



این مذاکرات تقریباً یک ماه بطول انجامیده و در این مدت کابینه چندین بار دچار بحران شده بود. اگر چه به نظر می‌رسد که علت اصلی بحرانها نه مسئله یادداشت دولتین، بلکه بیشتر به موقعیت بختیاری‌ها و صمصام‌السلطنه مربوط بود.

در این وقت تونلی نوشت که نفوذ بختیاری‌ها رو به تنزل است و صمصام‌السلطنه چندان کاردانی ندارد<sup>(۱۸)</sup> و بر آن بود که: «رؤسای بختیاری مردان سیاسی نیستند و مردم از آنها خسته شده‌اند. کارآمدترین و بانفوذترین ایشان، سردار اسعد است که به علت توطئه و دخالت در امور، بیشتر دشمن تراشیده بود تا دوست. افراد ایل هم سودجو و دزدند و بیشتر برای زندگانی کوچ نشینی و سر بریدن و اسب دزدیدن و غارت کردن در کوهها آمادگی داشتند نه برای زندگانی و یکجانشینی در شهرها».<sup>(۱۹)</sup>

پس از عزیمت محمدعلی شاه و شکست سالارالدوله، احتیاج نظامی به قوای ایل بختیاری برطرف شد، و دیگر لازم نبود آنها را راضی نگهدارند. ظاهراً مردم مایل بودند از شرشان خلاص شوند. ضمناً در غیاب سران ایل اوضاع بختیاریها نابه‌سامان شده بود. مسئله دیگری که انگلیس را نگران کرده

بود<sup>(۲۰)</sup> به قول تونلی این بود که بختیاری‌ها اکنون به روسها تقرب می‌جستند. علاوه بر این، کابینه صمصام‌السلطنه نیز ضعیف بود. حکیم‌الملک وزیر مالیه به علت ناسازگاری با مورنارد استعفا داده بود. وثوق‌الدوله نیز در ماه مارس، از استعفا سخن می‌گفت. ولی او را منصرف کرده بودند. علت اصلی استعفای او عدم سازش با صمصام‌السلطنه بود. روسها می‌کوشیدند سپهدار را به جای صمصام‌السلطنه رئیس‌الوزراء کنند، و همین امر باعث شده بود که صمصام‌السلطنه خود صحبت از استعفا کند.<sup>(۲۱)</sup> چرچیل در گزارش ماه آوریل، جمادی‌الاول خود خبر داد که پست‌های وزارت پست و تلگراف و عدلیه خالی است.<sup>(۲۲)</sup> او اضافه کرده بود که ناصرالملک احساس ناراحتی می‌کند؛ خاصه که سپهدار نامه‌ای سرزنش‌آمیز به او نوشته و او را به ضعف متهم کرده است.<sup>(۲۳)</sup> در این میان روسها حرم مطهر حضرت رضا را بمباران کردند، و این شرایط را بیش از پیش بحرانی کرد.<sup>(۲۴)</sup> پس از امضای یادداشت، بحران کابینه همچنان ادامه یافت، درحالی که نایب‌السلطنه در صدد ترک ایران و مسافرت به خارج بود، سپهدار هم با وجود حمایت روسها موفق به تشکیل کابینه نشد، در عوض او را وادار کردند که حکومت آذربایجان را بپذیرد.<sup>(۲۵)</sup>

بالاخره صمصام‌السلطنه با نظر و کمک نمایندگان روس و انگلیس توانست کابینه را مجدداً تشکیل دهد، هر چند که تونلی از تشکیلات جدید اظهار رضایت نمی‌کرد. قوام‌السلطنه اکنون از وزرات داخله استعفا داده و احتشام‌السلطنه به جای او منصوب شده بود. وزارت مالیه را به معاون‌الدوله و عدلیه را به ممتازالدوله و پست و تلگراف را به مستشارالدوله دادند. طولی نکشید که وثوق‌الدوله نیز استعفا داد و علاء‌السلطنه به جای او منصوب شد. ولی تونلی معتقد بود که نارضایتی عمومی نسبت به صمصام‌السلطنه ادامه دارد.<sup>(۲۶)</sup>

هنگام عزیمت نایب‌السلطنه در ۱۱ ژوئن / ۲۵ جمادی‌الآخر بحران

دوباره آغاز شد. وثوق‌الدوله در نامه‌ای خطاب به تونلی از توطئه‌ای برای بازگرداندن محمدعلی شاه خبر داد.<sup>(۲۷)</sup>

غالب راپرتهای تونلی از توطئه رجال خبر می‌دهد. ولی به نظر می‌رسد که آنچه از نظر سیاستمداران ایرانی راه حل مسائل می‌نمود، او توطئه می‌دانست. او در همین اثناء اشاره کرد که سردار اسعد در صدد است انتخابات را آغاز و مجلس را بازگشائی کند. البته تونلی آن را جدی تلقی نمی‌کرد.<sup>(۲۸)</sup> بخصوص روسها چندین بار عدم موافقت خود را با گشایش مجلس اظهار داشته بودند. تونلی معتقد بود که ممکن است مراجعت محمدعلی شاه راه چاره‌ای باشد، چون بدون شک او مراجعت خواهد کرد.<sup>(۲۹)</sup>

بنا به قول تونلی، این شایعات کابینه را کاملاً فلج کرده<sup>(۳۰)</sup> و همه بیمناک می‌بودند. در این وقت دو گروه فعالیت سیاسی داشتند: یکی برای گشایش مجلس، دیگری برای رجعت دادن محمدعلی شاه. در واقع این دوگانگی را شاید بتوان جنبه‌ای از رقابت بین سیاست انگلیس و روس دانست. تونلی به نابسامانی و اغتشاش و ناامنی، و اینکه همه در انتظار واقعه‌ای هستند و شایعه مراجعت شاه همه را نگران ساخته اشاره دارد. خاصه که وزیر مختار روس رسماً از مراجعت شاه مخلوع جانبداری می‌کرد.<sup>(۳۱)</sup>

با این همه نایب‌السلطنه که ایران را به جهنم تشبیه کرده بود، کشور را ترک کرد و بازگشتش معلوم نبود. تونلی او را مردی ضعیف و ترسو که از مسئولیت می‌گریخت توصیف کرده<sup>(۳۲)</sup> و به جانشین مناسبی برای او می‌اندیشید. از جمله نام عین‌الدوله بر سر زبانها بود و او نیز به همین منظور با انگلیس‌ها تماس برقرار کرده بود. علاء‌السلطنه نیز از او به عنوان جانشین ناصرالملک نام می‌برد، ولی مسئله این بود که در غیاب مجلس انتخاب نایب‌السلطنه جدید ممکن نبود. در این شرایط بود که تونلی به فکر تقسیم

ایران افتاد.

در بحبوحه نگرانی‌های تونلی، در ماه سپتامبر ۱۹۱۲ م / شوال ۱۳۳۰ ملاقات بسیار مهمی میان ادوارد گری و سازانف در لندن انجام گرفت. (۳۳) در این ملاقات مسائل ایران یک به یک مطرح شد، و خط مشی آتی دولتین بر اساس همکاری متقابل تعیین گشت. گری شرح مذاکرات را برای تونلی نوشت و اظهار داشت که روسها با تقسیم ایران مخالف‌اند. سازانف گفته بود که روسها میل دارند قشون خود را از ایران خارج کنند، ولی افکار عمومی در روسیه مخالف است. در عوض پیشنهاد می‌کرد با تقویت قزاقها و ژاندارمری، دولت مرکزی بر اوضاع مسلط شود. در باره مراجعت محمدعلی شاه اصرار چندانی نداشت و پیشنهاد می‌کرد که چون نایب‌السلطنه ضعیف‌النفس است سعدالدوله را به جای او منصوب کنند. نظریات گری در باره خط مشی انگلیس‌ها، چنین بود، افکار عمومی در ایران با تقسیم این کشور و با اشغال شمال ایران توسط روسها مخالف بود. گری نظریاتش را در باره سعدالدوله بیان داشته و گفته بود که اگر او به جای ناصرالملک منصوب شود، باید منافع سوق‌الجیشی و تجارتي انگلستان و حکومت‌های منطقه تحت نفوذ و منافع انگلستان در جنوب ایران را به رسمیت بشناسد. گری بر آن بود که اگر ژاندارمها در تأمین امنیت راههای جنوب چندان موفق نشوند، این کار باید به عهده افسران انگلیسی واگذار شود، ولی سازانف با این پیشنهاد مخالفت می‌کرد. ضمناً گری به وسعت منطقه تحت نفوذ روسها، خاصه اینکه تهران نیز در آن منطقه قرار گرفته بود، و به حضور قشون روس در مشهد و قوچان اشاره کرده بود، سازانف گفته بود که اینها موقتاً در مشهد هستند.

روز بعد، بار دیگر در باره مسئله ایران بحث شده بود. گری مجدداً به وسعت منطقه تحت نفوذ روسها اشاره کرده و گفته بود که این قرارداد به ضرر انگلیس تمام شده و این دولت لازم می‌داند لااقل منافع تجارتي خود را در منطقه بی طرف تأمین کند. سازانف گفته بود که نباید در باره امنیت راههای

تجارتی با یکدیگر نزاع کنند. مسأله دیگر عدم تمایل طرفین بر تقسیم مستقیم و یا اشغال نظامی ایران بود. پس دولت مرکزی می‌بایست تقویت گردد؛ و چون نایب‌السلطنه مردی ضعیف بود، سازانف سعدالدوله را برای نیابت سلطنت پیشنهاد کرده و گفته بود که هر چند که بر معایب او واقف است ولی هیچکس مناسب‌تر از او نیست.<sup>(۳۴)</sup>

گری نیز موافقت خودش را در باره سعدالدوله به شرط آنکه در بعضی مسائل مانند امور مالی و عزل و نصب حکام در منطقه تحت نفوذ روس و انگلیس و منطقه بی‌طرف بدون مشورت طرفین دخالت نکند اعلام کرده بود. او همچنین می‌بایست امنیت راهها را تضمین کند تا با این همه، روس و انگلیس از او حمایت کنند.

از جمله مسائل دیگری که مورد بحث قرار گرفته بود، بازگشایی مجلس بود که گری می‌گفت اگر نایب‌السلطنه جدید موفق به بازگشایی مجلس شورا و تأسیس مجلس سنا شود، در انتظار جلوه خوبی خواهد کرد. ضمناً طرفین توافق کرده بودند که برای اداره امور ایران، لازم است وامی به این کشور داده شود. در پایان مذاکراتی هم در باره راه آهن و کمپانی مطالعاتی<sup>(۳۵)</sup> و مرز ایران و عثمانی انجام گرفت. سازانف پیشنهاد کرد که منطقه بی‌طرف را حذف کنند مبادا قدرت سومی در آن منطقه امتیاز راه آهن را به دست آورد. سازانف به ویژه از اعطای امتیاز خط آهن خانیقین - اصفهان به آلمان بیمناک بود. گری پیشنهاد کرد که اگر انگلیس امتیاز خرم‌آباد - تهران را بگیرد، و روسها در منطقه نفوذ خود امتیاز راه آهن تا اصفهان را بگیرند، مسئله حل خواهد شد.

گری در ۲۹ سپتامبر، ۱۶ شوال، نتیجه نهایی مذاکرات را به تونلی اطلاع داد و از او خواست که در باره بهترین وسیله تحمیل سعدالدوله بیندیشد.<sup>(۳۶)</sup> صمصام‌السلطنه نیز از سعدالدوله دعوت کرد که به ایران مراجعت کند. ولی تحمیل سعدالدوله کار آسانی نبود.

پیش از ورود او به ایران تونلی و پکلوفسکی آغاز به زمینه‌سازی کردند. در ۲۳ اکتبر / ۱۱ ذی‌قعدة علاء‌السلطنه نسبت به ناصرالملک اظهار تمایل کرده و گفته بود که شاید بهتر باشد نیابت سلطنت را تغییر ندهند و سعدالدوله در عوض رئیس‌الوزراء شود. در این زمان دولت انگلیس شاید برای راضی کردن ایرانیان به پذیرش سعدالدوله، علی‌الحساب مبلغی به حساب ایران ریخت، به شرط آنکه به مصرف ژاندارمری برسد. تونلی در ۴ نوامبر، ۲۴ ذی‌قعدة نوشت که با پکلوفسکی در صدد اقداماتی هستند تا مخالفت با سعدالدوله را به گونه‌ای رفع کنند. در ۲ نوامبر با علاء‌السلطنه بطور قاطع مذاکره کردند و به او فهماندند که سعدالدوله از حمایت دولتین برخوردار است. وثوق‌الدوله در جلسه دیگری اظهار داشت در صورت حمایت دولتین، شاید بتوانند مخالفت با سعدالدوله را زایل کنند. نظر خصوصی تونلی این بود که تنفر مردم از سعدالدوله بیشتر به این دلیل است که بطور وضوح بیگانگان می‌خواهند او را تحمیل کنند.<sup>(۳۷)</sup>

سعدالدوله ۱۷ نوامبر، ۶ ذیحجه، وارد تهران شد، و فوراً به ملاقات با تونلی و پکلوفسکی شتافت و قرار شد که ریاست وزراء را به او بدهند و ناصرالملک برجای بماند. صمصام‌السلطنه نیز قبول کرد که اگر سعدالدوله بتواند کابینه‌ای تشکیل دهد، خود کنارگیری کند.<sup>(۳۸)</sup>

ولی به تدریج مخالفت مردم با سعدالدوله آشکارتر شد. سعدالدوله پیشنهاد کرد که با کمک قوای قزاق کودتا کند.<sup>(۳۹)</sup> صمصام‌السلطنه نیز استعفا نداد و گفت باید روس و انگلیس به او تکلیف کنند که استعفا بدهد.<sup>(۴۰)</sup> تونلی نیز به این نتیجه رسید که بدون اعمال زور این کار عملی نیست ولی اعمال زور را صلاح نمی‌دانست.<sup>(۴۱)</sup> در ۲۹ نوامبر، ۱۸ ذیحجه، گری به تونلی جواب می‌دهد که گرچه اعمال زور صلاح نیست، ولی اگر یک کابینه قوی تشکیل شود، روسها، را راضی خواهد کرد تا وام را بپردازند.<sup>(۴۲)</sup>

شکست طرح تحمیل سعدالدوله در واقع شکست سیاست روس بود

## کابینه صمصام‌السلطنه و نفوذ بختیارها / ۴۹

و سقوط کابینه صمصام‌السلطنه را در پی داشت. صمصام‌السلطنه علی‌رغم موافقت ظاهری، با این طرح مخالفت کرد.<sup>(۴۳)</sup> و روسها هم از پرداخت وام خودداری کردند.<sup>(۴۴)</sup> اندکی بعد نیز پرداخت آن را مشروط به اعطای امتیاز خط آهن جلفا کردند.<sup>(۴۵)</sup>

علت استعفای صمصام‌السلطنه، وقایع آذربایجان بود. قبلاً تونلی نوشته بود که مردم، بخصوص در شمال از بختیاری‌ها خشنود نیستند. در ژانویه ۱۹۱۳ م / صفر ۱۳۳۱ کوان که به جای قنصل انگلیس در تبریز خدمت می‌کرد، نوشت که سپهدار و شجاع‌الدوله با عده‌ای از علماء و تجار ملاقاتهایی به نفع سعدالدوله و مخالفت با بختیاری‌ها ترتیب داده<sup>(۴۶)</sup> و تهدید کرده بودند که در غیر آنصورت آذربایجان را از ایران جدا خواهند ساخت. تلگرافاتی هم بدین مضمون از سایر نقاط آذربایجان به قنصل‌گری مخابره شده بود که خواستار عدم بازگشت نایب‌السلطنه به ایران، و سقوط کابینه بختیاری‌ها بودند و می‌گفتند دولت باید به ریاست سعدالدوله تشکیل گردد. ضمناً حملاتی نیز به مورنارد، خزانه‌دار بلژیکی می‌کردند. کوان حدس می‌زد که روسها پشتیبان این حرکتند زیرا بیشتر اینها از عناصر شناخته شده طرفدار روس بودند. عده‌ای هم به خاطر نارضایتی از بلژیکی‌ها به آنها ملحق شده بودند.<sup>(۴۷)</sup> در نتیجه این حرکت، کوان نوشت که ملیون که تا چندی پیش ناامید بودند، اکنون دست به فعالیت زده بودند.

نتیجه این تحریکات استعفای صمصام‌السلطنه بود. ولی سعدالدوله نیز موفق نشد کابینه‌ای تشکیل دهد. علاء‌السلطنه که نسبتاً بی‌طرف محسوب می‌شد، مأمور تشکیل کابینه گردید ولی از همان آغاز، روسها به کارشکنی مشغول شدند. تونلی نوشت وقتی متوجه عمق تنفر مردم نسبت به بختیاری‌ها و احتمال وقوع اغتشاشات شده بود به صمصام‌السلطنه دوستانه نصیحت کرده بود که استعفا دهد.<sup>(۴۸)</sup> نتیجه تفوق بختیاری‌ها که از آغاز ورود محمدعلی‌شاه به ایران در رجب ۱۳۲۹ رو به افزایش گذارده بود، در این

دوره به پایان رسید، هر چند که تا مدت‌ها دخالت‌های سران بختیاری در امور سیاسی ایران همچنان به قوت خود باقی ماند. محمدعلی شاه بالاخره ایران را ترک گفت ولی خطر مراجعت، وی کاملاً رفع نشد، و گاه گاه تونلی به امکان مراجعت وی اشاره می‌کرد و بر آن بود که در آن صورت باید ایران را تقسیم کنند. در این دوره، نفوذ دولتین انگلیس و روس در ایران بسیار گسترش یافت و کابینه‌ها و وزراء کاملاً به میل آنها انتخاب می‌شدند. و سرانجام شناخت قرارداد ۱۹۰۷ م را تحمیل کردند ضعیف مالی<sup>(۴۹)</sup> بخصوص باعث ضعف دولت و وابستگی هر چه بیشتر بود اگر چه چاره دیگری نداشت و حتی پرداخت حقوق‌ها به تعویق افتاده بود (به جای حقوق به اجزاء وزارت جنگ جو تحویل داده بودند).<sup>(۵۰)</sup> نایب‌السلطنه ایران را ترک کرد، ولی دولتین نتوانستند سعدالدوله را تحمیل کنند. باقی ماندن صمصام‌السلطنه نیز میسر نبود. به نظر می‌رسد که انگلیس نیز که زمانی با بختیاری‌ها نزدیک بود، در این زمان به عللی که توضیح داده شد از حمایت آنها دست کشید. بنابراین صمصام‌السلطنه استعفا داد و کابینه علاء‌السلطنه وارث همه مشکلات شد. او از حمایت روسها برخوردار نبود و حمایت انگلیسها هم بسیار محدود و موقتی، و تا جایی مؤثر بود که با مخالفت روسها مواجه نمی‌شد.



## یادداشتهای فصل دوم

۱. منصوره اتحادیه، پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت، دوره اول و دوم مجلس شورای ملی، تهران ۱۳۶۱، ص ۳۴ - ۳۱۳.
  2. Vosuk - ed Dowleh to M. Poklewski, December 24, 1911, No. 103, FO 416/ 51/ 05366
  3. Absract Translation of Letter From the cabinet to the Regent, Dated December 24, 1911, enclosed in letter of Barclay to Grey, December 30, 1911, No. 109, FO 416/ 51/05366
  ۴. طبق اصل ۴۸ قانون اساسی شاه و وزراء همراه با مجلس سنا می توانستند مجلس شورا را منحل کنند. ولی عملاً این کار امکان پذیر نبود؛ زیرا از مجلس اول به بعد از تشکیل مجلس سنا جلوگیری به عمل آمد.
- اتحادیه، پیدایش و تحول احزاب سیاسی، ص ۷ - ۸۶  
همچنین: Barclay to Grey. January 6, 1912, No 148, FO 416/ 51/ o5366.

5. Same to Same, December 24, 1911, No 103, FO 416/ 51/ 05366.

6. Same to Same, January 21, 1912 No 331, FO 416/ 51/ 4388.

7. Same to Same, February 23, 1912, No 411, FO 416/ 51/ 05366.

۸. در طول مذاکرات میان دولت ایران و دولتین روس و انگلیس، اوضاع مشهود رو به بحران می‌رفت.

هواداران محمدعلی شاه مخلوع، دست به تظاهرات زدند عده‌ای روس به تشویق قنصل آن کشور به تظاهرکنندگان ملحق شدند. روزی که یادداشت اولتیماتوم به دولت ایران داده شد، هواداران محمدعلی در حرم حضرت رضا(ع) جمع شدند و پشتیبانی خود را از شاه مخلوع اعلام کردند. در این زمان دولت ایران به این نتیجه رسید که هر چه زودتر باید با محمدعلی کنار بیاید تا دست از تحریکات بردارد. مسئله این بود که شاه مخلوع حقوق قدیم رابه علاوه ۱۰۰،۰۰۰ تومان مطالبه می‌کرد و دولت ایران قادر به پرداخت این مبلغ نبود. به وساطت دولتین روس و انگلیس مقرر شد که دولت ایران سالیانه ۷۵،۰۰۰ تومان بپردازد و ۱۰۰،۰۰۰ تومان نیز بابت قشونی که محمدعلی از ترکمانان جمع کرده بود بدهد. طبق توافق با ادواری و سازانف قرار شدن که نصف مبلغ ۱۰۰،۰۰۰ تومان را محمدعلی بپردازد و نصف را دولت ایران؛ و چون او همه این مبلغ را نمی‌توانست در یک سال بپردازد قرار شد از حقوق ۷۵،۰۰۰ تومان سالیانه محمدعلی شاه مبلغ ۱۰،۰۰۰ تومان کسر کنند. ضمناً دولتین روس و انگلیس هر کدام ۳۵،۰۰۰ تومان علی‌الحساب به دولت ایران به عنوان وام اعتبار دادند.

محمدعلی ۱۰ مارس ایران را ترک کرد. ولی سالارالدوله مدتها باقی بود و باعث دردسر و مشکلات زیادی برای دولت شد.

H. Nalzemi, *Russia and Great Britain in Iran, 1900 - 1914*, Tehran 1975, pp. 112 - 14, 120

و نیز منصوره اتحادیه (نظام‌مافی) «طغیان فتح‌الله میرزا سالارالدوله ۳۱ - ۱۳۳۰»

ق «مجله نگین، شماره ۱۳۶ سال ۱۲، ۳۱ شهریور ۱۳۵۵».

## یادداشتهای فصل دوم / ۵۳

۹. احتمالاً برای ترغیب دولت ایران به قبول یادداشت و برای فیصله کار محمدعلی، بارکلی به وثوق الدوله خبرداد که مبلغ ۳۵،۰۰۰ تومان از ۷۰،۰۰۰ تومان که می‌بایست به محمدعلی بپردازد، به بانک شاهنشاهی پرداخت شد. این مبلغ علی‌الحساب بابت ۲۰۰،۰۰۰ لیره پیش قسط قرض بود که ایران دریافت می‌کرد.

Barclay to Vosuk - ed - Dowleh, enclosed in Barclay to Grey, March 8, 1912, No4, FO 416/ 52/ 05366.

and also Same to Same, March 8, 1912, No 66, FO 416/ 52/ 05366.

10. Same to Same, March 7, 1912, No 514, FO 416/ 51/ 4288.

11. Same to Same, March 8, 1912, No, 67, FO 416/ 52/ 05366.

12. I bid.

13. Same to Same, March 28, 1912, No, 1, FO 371/ 1424/ o8699.

۱۴. نوبهار، شماره ۴۲، ۲ رجب ۱۳۳۲.

۱۵. همان.

۱۶. در ۲۷ مارس ۱۹۲۷ موناورد خزانه‌دار کل به بارکلی گزارش داد که در جلسه هیأت وزراء نحوه خرج استقراض ۲۰۰،۰۰۰ لیره به این شکل تقسیم شده بود.

محمدعلی میرزا	۷۰،۰۰۰ تومان
خرید اسلحه برای ژاندارمری	۱۴۰،۰۰۰ تومان
حقوق ماهیانه ژاندارمری	۲۸۰،۰۰۰ تومان
پلیس تهران	۱۰۰،۰۰۰ تومان
بختیاری‌ها	۱۲۵،۰۰۰ تومان
مخارج ضروری	۸۵،۰۰۰ تومان
حقوق وزراء	۱۰۰،۰۰۰ تومان

---

۱،۱۰۰،۰۰۰

جمع کل

Barclay to Grey, March 28, 1912, No, FO 371/ 1424/ 08699.

بارکلی در نامه‌ای به تاریخ ۹ مارس در باره عواید دولت ایران که وثیقه قرض قرار می‌گرفت چنین نوشته بود: جز مالیات، عایدی دولت ایران سالیانه ۴,۰۰۰,۰۰۰ تومان است. از این مبلغ ۲,۸۳۱,۰۰۰ تومان بابت مخارج پرداخت قروض قبلی به مصرف می‌رسد. پس از آنکه قروض ایران یک کاسه شود، دیگر هر سال ۶۵۰,۰۰۰ تومان بابت قروض روسیه پرداخت نخواهد شد، بنابراین از مبلغی که باقی خواهد ماند، می‌توانند ۱,۸۱۹,۰۰۰ تومان را بابت وثیقه کل قروض آتی محسوب بدارند.

17. Townley to Grey, May 14, 1912 No 391, FO 416/ 52/ 05366.

18. Same to Same, June 5, 1912, No 479, 52/ 05366.

19. I bid.

20. Ibid.

21. Memorandum by Churchill, enclosed in Barclay to Grey, March 15 1912, No 65, FO 416/ 52/ 4388.

22. Summary of events in Persia for Four weeks ending in April 17, 1912, Enclosed in No 270, Mr Young to Grey, April 17, 1912, FO 416/ 52/ 0566.

۲۳. قبل از آنکه نایب‌السلطنه تهران را ترک کند، سپهدار نامه سرگشاده‌ای خطاب به وی نوشت و مسئولیت همه چیز را بر عهده او قرار داد و گفت که وقتی خود وی رشته کارها را در دست داشت وضع ایران بد نبود، مالیاتها وصول می‌شد و حقوق‌ها پرداخت می‌گردید. ولی در مدت ۱۹ ماهی که نایب‌السلطنه مسئول کارها بوده، وضع خراب شده، همه جا خونریزی و اغتشاش و غارت پدید آمده، بختیاری‌ها قدرت را در دست گرفته و روسها در شمال پیشروی کرده‌اند. در حالی که شاه صغیر است، مجلس بسته است، استقراض‌های خارجی به هدر می‌رود و هیچ کس نه دولت، و نه ملت از حقیقت اوضاع آگاهی ندارد. با این همه نایب‌السلطنه در

## یادداشتهای فصل دوم / ۵۵

خارج شدن از ایران است و مردم در انتظارند تا بدانند که هدف و برنامه او چیست؟ نایب‌السلطنه به تفصیل پاسخ داد و طی آن به سیاست سپهدار در ایام ریاست وزرایش ایرادها گرفت. و از موضع خودش دفاع کرد. او نوشت که بر طبق قانون اساسی نایب‌السلطنه حکومت نمی‌کند و هیچ قدرت و مسئولیتی ندارد. در عین حال کسی به نصایح او عمل نمی‌کند. خرابی اوضاع هم سابقه دارد و مربوط به دوره نیابت سلطنت او نیست او بخصوص به مخالفت سپهدار در تشکیل قشون اشاره کرده او را مسئول شمرده بود. و نیز اضافه کرده بود که طبق قانون اساسی، قوه مجریه ضعیف است در حالی که هنگام تشکیل کابینه‌های سپهدار و مصمصام‌السلطنه، دولت تقاضای اختیارات تام کرده، ولی استفاده نکرده بود.

G. Demorgny, *La Question Persane et La Guerre*, Paris, 1916, PP. 173-189.

۲۴. با آنکه محمدعلی ایران را ترک کرد، اما طرفداران او دست‌بردار نبودند و همچنان در حرم بست نشسته بودند تا آنکه میان آنها و پلیس زد خورد شد. روسها از حاکم خراسان رکن‌الدوله خواستند که استعفا بدهد و قنصل روس بدون اجازه دولت خود، اعلان حکومت نظامی کرد و قوای روس را به بهانه اینکه به خانه روسها حمله شده، بر شهر مسلط گردانید. عده‌ای از بستی‌ها که مسلح بودند در حرم ماندند و عده‌ای دیگر نیز به آنها ملحق شدند. تعداد اینها ۶۰۰ تا ۷۰۰ نفر بود. روسها اولتیماتوم دادند که باید آنها را خلع سلاح کنند، ولی ایرانیان نپذیرفتند. حرم محاصره شد و تیراندازی آغاز گردید. و روسها حرم را به توپ بستند و عده زیادی را به قتل رساندند و ساختمانها را خراب کردند.

این را نیز باید اضافه کرد که در گزارشات محرمانه بارکلی به گری آمده که قنصل روس در مشهد بیماری روانی دارد. میجر سایکس قنصل انگلیس در مشهد گزارشات مفصلی از جریانات این شهر و آنچه از متولی باشی، مرتضی قلی خان طباطبائی و سایرین شنیده بود نوشت. او لیست زخمی‌هایی را که توسط کاپتین ویلسن در بیمارستان تهیه شده بود و کالاهایی را که غارت کرده بودند نیز ضمیمه

کرد.

Barclay to Grey, March 29, 1912, No, 690, FO 416/ 51/ 05366.

and Townley to Grey, May 11, 1912, No 385 enclosures, FO 416/ 52/ 4388.

۲۵. احمد کسروی در باره ماموریت سپهدار در آذربایجان و رابطه او با

صمدخان آگاهیهای مفصلی به دست داده است.

احمد کسروی، تاریخ ۱۸ ساله، ص ۷ - ۵۵۰

26. Townley to Grey, June 5, 1912, No 478, FO 416/ 52/ 05366.

27. Same to Same, July 7, 1912, No 149, FO 416/ 53.

28. Same to Same, September 3, 1912, No 521, FO 416/ 53.

29. Same to Same, July 9, 1912, No 154, FO 416/ 53/ 05366.

30. I bid.

31. I bid.

32. Same to Same, June 18, 1912, No 7, FO 416/ 53/ 05366.

ناصرالملک قبل از ترک ایران فرمان آغاز انتخابات را صادر کرده بود. او در مدت

اقامت خود در خارج، بیشتر در فرانسه و سوئیس به سر می برد و از جریانات امور زیاد اطلاع نداشت و حتی برای گرفتن خبر به انگلیس ها متوسل می شد.

Sir F. Bertie to Grey, Paris, October 17, 1912, FO 416/ 54.

33. Memorandum of Conversation between M. Sazanof and Sir E.

Grey, at Balmoral, September 24, 1912, No 538, FO 416/ 53.

۳۴. با اینکه ناصرالملک این زمان در اروپا بود، با او در باره این تصمیمات

مشورت نکردند. زیرا ناصرالملک بطور خصوصی در اروپا بسر می برد. لینچ

مصاحبه ای با نایب السلطنه به عمل آورد و نظریات خود را درباره ناصرالملک به

اطلاع دولت انگلیس رساند. او نوشت که ناصرالملک مایل نیست نیابت سلطنت را

از دست بدهد. فقط برای مراجعت به ایران بخصوص در مورد حق انحلال مجلس

شرایطی دارد.

Memorandum communicated by Mr Lynch, November 21, 1912, No 148, FO 416/54

and Townley to Grey October 17, 1912, No 51, FO 416/54.

نظر یحیی دولت‌آبادی نیز که آن هنگام در اروپا به سر می‌برد و دو بار با ناصرالملک ملاقات کرد این بود که ناصرالملک سعی دارد «... به حسن بیان و قوت منطق حقانیت خود را در رفتاری که می‌کند ثابت نماید...» ولی دولت‌آبادی از جواب‌های او قانع نشده بود.

یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی، ۴ جلد، تهران، چاپ دوم ۱۳۶۲ جلد، ص ۷-

۲۲۴.

۳۵. در سال ۱۹۱۰ قرار قبلی دولت ایران با روسیه که به مدت ده سال امتیاز راه‌آهن پایان یافت. ضمناً روس و انگلیس هم مایل بودند که امتیاز راه‌آهن سراسری ایران را بگیرند، و هم می‌خواستند جلوی آلمان‌ها را بگیرند. در عین حال چون دولت ایران حاضر نمی‌شد چنین امتیازی را به دولتین بدهد، تشکیل یک شرکت بین‌المللی الزامی شد. بنابراین شرکتی به نام شرکت بین‌المللی مطالعه راه‌آهن سراسری ایران با سرمایه روس و انگلیس و فرانسه تشکیل شد، که وظیفه آن تهیه مقدمات کار بود. ولی مدت‌ها بر سر مسیر خط‌آهن بین روسیه و انگلیس توافق حاصل نشد، و در آغاز جنگ هنوز کار به جایی نرسیده بود.

۳۶. ادواردگری در ۲۹ سپتامبر، نتیجه مذاکرات با سازانف را به تونلی خبر داد و از او خواست که با همتای روس خود صحبت کند و بهترین راه تحمیل سعدالدوله را به اطلاع او برساند. ضمناً نوشت که باید سعدالدوله قبول کند که در امور مالی دخالت نکند. در آن صورت کابینه‌ای که تشکیل می‌دهد از حمایت دولتین برخوردار خواهد بود، البته او این حق را داشت که بعضی از حکام ولایات را تغییر دهد، ولی نه در منطقه نفوذ روس و انگلیس؛ و برای تغییر حکام در منطقه بی‌نفوذ می‌بایست با دولتین مشورت کند. گری عقیده داشت که بهتر است او مجلس شورا و مجلس سنا

را نیز تأمین کند.

Grey to Townley, September 29, 1912, No 549, FO 416/ 53/ 05366.

37. Townley to Grey, November 4, 1912, No 139, FO 416/ 54.

38. Same to Same, November 17, 1912, No 201, FO 416/ 54.

39. Same to Same, November 28, 1912, No 260, FO 416/ 54.

40. Same to Same, November 27, 1912, No 370, FO 416/ 54.

۴۱. به گفته تونلی یکی از اشکالات کار این بود که سعدالدوله همه جا گفته بود که او کاندیدای روسها است و علت عمده مخالفت با او همین مطلب بود. مردم هم می ترسیدند که سعدالدوله شاه مخلوع را برگرداند.

42. Grey to Townley, November 29 1912, No 270, FO 416/ 54/ 05415.

43. Townley to Grey, November 27, 1912, No 370, FO 416/ 54.

44. An aide - memoir communicated to Buchanan, November 25, 1912, No 263, FO 416/ 54/ 05415.

45. Townley to Grey, November 27, 1912, No 370, FO 416/ 54.

۴۶. احمد کسروی در این باره توضیح داده است که سپهدار با همه بدرفتاری های روسها، چون از بختیاری ها و ناصرالملک کینه در دل داشت، با صمدخان و سعدالدوله ساخت و با عده ای از علما بازار را بستند و به لندن و تهران و پترزبورگ تلگراف کردند که کابینه صمصام السلطنه را نمی خواهند. پس از استعفای صمصام السلطنه، سپهدار در تبریز نماند و راهی اروپا شد. در تهران محمدحسن میرزا، ولیعهد را والی و صمدخان را پیشکار آذربایجان نامیدند.

احمد کسروی، تاریخ ۱۸ ساله، ص ۶ - ۵۵۲.

۴۷. در راپرت سالیانه ای که قنسول های انگلیس تهیه می کردند، متذکر شده بودند که علت مخالفت روسها با بلژیکی ها این بود که اینان به نفع دولت مرکزی کار می کردند و مرعوب روسها نبودند.

Annual Report, Cowan to Townley, January 20, 1913, enclosed in No



## یادداشتهای فصل دوم / ۵۹

453, February 15 1913, FO 416/ 55/ 05415.

48. Townley to Grey, January 17, 1913, No 245. FO 416/ 55/ 05415.

۴۹. تونلی در نامه‌ای به تاریخ ۳۱ اوت ۱۹۱۲ م، از مقاله مخبر روزنامه تایمز در باره اوضاع مالی ایران تعریف کرده و نوشته بود که مخبر روزنامه نشان داده که پیش قسط ۲۰۰،۰۰۰ لیره که در ماه مارس به ایران پرداخته‌اند، فقط برای مخارج چند ماه دولت کافی است.

شرایط بازپرداخت آن چنان بود، که اگر روسیه اصرار می‌ورزید تا سهم خود را از مازاد گمرکات شمال پس بگیرد، چیزی باقی نمی‌ماند. شاهد این مدعا طبق نظر نویسندگان تایمز این بود که در ۱۴ ژوئیه نصف مازاد درآمد گمرکات شمال یعنی ۴۰،۰۰۰ لیره را بانک استقراض فوراً طبق شرایط معهود از جانب دولت روسیه گرفته بود، در حالی که دولت برای امور کرمانشاه و سرکوبی سالارالدوله، به این مبلغ نیاز مبرم داشت، و ضمناً دولت روسیه قبول کرده بود که در بازپرداخت پیش قسط ماه مارس چندان اصرار نرورد. خزانه‌دار کل مالیه امیدوار بود که مبلغ ۵۰،۰۰۰ لیره اضافه بابت پیش قسط از دولتین دریافت کند. ماه مه گذشته این تقاضا را تکرار کرده بودند بعد از تردید زیاد، دولت روسیه در اواسط ژوئیه اعلام کرد که حاضر است پیش قسطی معادل ۲۵،۰۰۰ لیره بپردازد، مشروط به اینکه راه آهن جلفا - تبریز تا محلی در شمال دریاچه ارومیه که مشخص نشده بود امتداد یابد؛ خط آهن جلفا - تبریز بر روی جاده روسی احداث شود، و امتیاز آن راه تمدید گردد. دولت ایران خواه ناخواه حاضر به مذاکره شد. از این مبلغ، انگلیس نیز ۱۰،۰۰۰ لیره سهم خود را اختصاص به ژاندارمری داد و بنابراین از کل مبلغ فقط ۴۰،۰۰۰ لیره به دست دولت ایران رسید. صحبت فروش جواهرات نیز شده بود ولی هیچ کس حاضر به این کار نبود.

Townley to Grey, 31 August, 1912, No 517, FO 416/ 53/ 05366.

۵۰. رعد، شماره ۶، ۱۵ ذیقعدہ ۱۳۳۲.

## فصل سوم

### کابینه علاءالسلطنه و انتخابات تهران

طرح دو دولت روس و انگلیس برای روی کار آوردن سعدالدوله با شکست روبرو گشت، ولی سعدالدوله تهران را ترک نکرد و بنا به گزارش تونلی، همچنان به توطئه علیه دولت ادامه داد. کابینه صمصامالسلطنه در ۱۷ ژانویه ۷ صفر ۱۳۳۱ استعفا داد و چنانکه توضیح داده شد یکی از علل آن وقایع تبریز و نقش روسها بود. رفتار روسها نیز شاید تا حدی بازتاب همان رقابت دیرینه بین روس و انگلیس بود.

کابینه بعدی با نظر تونلی تشکیل شد. وی برای ادواردگری توضیح داد که در تشکیل آن نقش عمده‌ای داشته چون روسها خودشان را کنار کشیده بودند. او بر آن بود که اگر در این کار دخالت نکرده بود، حکومت منفور بختیاری باعث بروز اغتشاشات و انقلابات داخلی می‌شد. در عین حال در غیاب نایب‌السلطنه و با شکست سعدالدوله، هیچ یک از وزراء حاضر نبودند

اقدامی کنند زیرا هر لحظه ممکن بود از کار برکنار گردند. بنابراین وضع بحرانی شده و تونلی علاءالسلطنه را ترغیب کرده بود که ریاست وزراء را قبول کند.<sup>(۱)</sup>

ولی علاءالسلطنه تا زمانی که با روسها مشورت نکرد و از نظر مساعد آنها اطمینان نیافت این منصب را نپذیرفت.

عین‌الدوله در این کابینه با اصرار روسها وزارت داخله را پذیرفت و ثوق‌الدوله نیز به اصرار عین‌الدوله وزارت خارجه را قبول کرد. مستوفی‌الممالک نیز وزارت جنگ را پذیرفت و با اصرار تونلی موتمن‌الملک و برادرش مشیرالدوله هر کدام وزارت تجارت و معارف را به عهده گرفتند. بنا به گفته تونلی، این کابینه از بهترین عناصری که در صحنه سیاسی ایران وجود داشت تشکیل شده بود. او اضافه کرده بود که اگر هدف این کابینه پیشرفت حقیقی است به حمایت و نصایح دولتین دوست احتیاج خواهد داشت، البته اصل مسئله، کمک مالی بود که بدون آن کاری از پیش نمی‌رفت.

تونلی در باره عین‌الدوله می‌نویسد: او از وزرای کهنه کار و عضو خاندان قاجار است میان اشراف هواداران بسیار دارد و هیچ سیاستمداری به اندازه او در ایران شناخته شده نیست، و هیچکس مانند او ایران را نمی‌شناسد. عده‌ای از بختیاری‌ها با او مخالف بودند ولی گروه دیگری از او حمایت می‌کردند. راجع به مستوفی‌الممالک می‌گفت که بیشتر اسم است، ولی شخصاً ارزش دارد چون مورد اطمینان بختیاری‌ها است.

نظر تونلی راجع به موتمن‌الملک دو پهلو بود. در این باره می‌نویسد: «او بسیار تحصیلکرده و کار آمد است. شاید کمی محدود و لجوج ولی بدون شک بسیار درستکار و مورد اطمینان تجار و طبقه متوسط است به همین دلیل عده زیادی از این کابینه حمایت خواهند کرد. اما چون پیش از این رئیس مجلس بود روسها با او مخالف‌اند». همو در باره وثوق‌الدوله<sup>(۲)</sup> می‌نویسد که روسها به او اطمینان دارند و شاید به این دلیل شایع است که وثوق دوستدار

روسها است. تونلی همچنین او را مردی دلچسب، با هوش و ماهر توصیف کرده که به علت نزدیکی با روسها امضای امتیاز راه آهن جلفا - تبریز برای او آسان تر از دیگران خواهد بود.<sup>(۳)</sup>

موتمن الملک پست وزارت تجارت را به شرطی قبول کرده بود که برنامه عمرانی که در نامه مورخ ۲۱ دسامبر خطاب به علاء السلطنه نوشته شده بود مورد قبول واقع گردد. در این نامه متذکر شده بود که عایدی دولت ۱۰ کرور تومان و مخارج آن از این قرار است:

۳ کرور حقوق اجزاء دولت؛

$\frac{1}{4}$  کرور حقوق قزاقها و اروپائینی که در خدمت دولت بودند؛  
 $\frac{1}{4}$  کرور مستمریها.

با این مقدار عایدی و مخارج، دولت نمی توانست کاری از پیش ببرد زیرا برای احیاء و آبادی ایران احتیاج به  $\frac{4}{5}$  کرور قرض داشت و موتمن الملک پیشنهاد می کرد که بهره این استقراض را از طریق مالیات های نسبتاً متوسط داخلی تأمین کنند.

پیشنهاد مصرف وام از این قرار بود.

$\frac{1}{4}$  کرور برای مخارج ژاندارمری در هر سال؛

۳ کرور برای ایجاد کار در ایالات در هر سال؛

۳ کرور برای بازخرید مستمریات در طی ۳ سال که جمعاً  $\frac{9}{5}$  کرور

می شد.

طبق محاسبات موتمن الملک، پس از آنکه ۵ کرور مستمریات بیهوده کسر می شد، ۸ کرور به درآمد دولت افزوده می گشت. (نسبت لیره به تومان  $\frac{0}{5}$  بود)<sup>(۴)</sup> ولی اشکال عمده این طرح، مخالفت روسها با شخص موتمن الملک بود.

تونلی گزارش داد که برای موفقیت این طرح انگلیس می بایست ۵۰۰،۰۰۰ لیره، و روسیه ۶۰۰،۰۰۰ لیره علی الحساب پردازند. انگلیسها

قبلاً نیمی از آن مبلغ را برای مخارج ژاندارمری و نیم دیگر آن را برای سایر مخارج دولت پرداخته بودند. تونلی در ملاقاتی با موتمن‌الملک اظهار داشت که مطمئن نیست دولتین بتوانند چنین مبالغ هنگفتی را پردازند، ولی اضافه کرده بود که بعد از امضای امتیاز راه آهن<sup>(۵)</sup> علی‌الحساب مبلغی خواهند پرداخت، و اظهار امیدواری کرده بود که بعداً پرداخت تمام وام امکان‌پذیر شود.

روسها حاضر بودند که به عنوان مساعده مبلغ ۲۰۰،۰۰۰ لیره پردازند. دولت ایران خواستار بهره ۷٪ شد. درآمد گمرکات شمال را وثیقه قرار دادند و قبول داشتند که اگر تا اول ژانویه ۱۹۱۵ وام دیگری نگیرند، در هر نیم سال بابت مبلغی که به عنوان مساعده دریافت کرده بودند ۵۰،۰۰۰ لیره از درآمد گمرکات شمال پرداخت گردد. پیشنهاد روسها از این قرار بود: اضافه درآمد گمرکات شمال، وثیقه وام قرارگیرد. اصل و فرع آن با بهره ۷٪ در پایان یک سال پرداخت گردد. ولی دولت ایران قادر به پرداخت این مبلغ نبود. تونلی توضیح داد که ایران می‌اندیشد که این مبلغ را به مصرف پرداخت حقوق‌های عقب افتاده برساند و مقداری را نیز برای برقراری امنیت کنار بگذارد. بنابراین مخارج روزمره را می‌بایست از درآمد دولت، که قسمتی از آن از درآمد گمرکات تأمین می‌شد، تأمین کند؛ و اگر مازاد درآمد گمرکات شمال قبلاً به مصرف می‌رسید، برای مخارج روزمره چیزی نمی‌ماند.<sup>(۶)</sup>

دولت ایران پیشنهاد دیگری کرد که از این قرار بود: فعلاً روسها ۵۰،۰۰۰ لیره پردازند، بقیه مبلغ ۱۵۰،۰۰۰ لیره را در هر سه ماه به اقساط ۵۰،۰۰۰ لیره بدهند هرگاه وام بزرگ دیگری گرفتند، نخست آنچه مساعده گرفته بودند بازگرداندند؛ و تا آن زمان دولت سالیانه ۷٪ بهره می‌دهد و از اول ژانویه ۱۹۱۵ م هر شش ماه مبلغ ۵۰،۰۰۰ لیره پرداخت خواهد شد تا ۲۰۰،۰۰۰ تأدیه گردد.<sup>(۷)</sup>

جواب روسها از این قرار بود:

بهره ۷٪ باید هر نیمسال پرداخت گردد. باز پرداخت اصل پول در اقساط مساوی در طی سه سال از اول ژانویه ۱۹۱۴ م از محل مازاد درآمد گمرکات شمال پرداخت شود و اگر درآمد گمرکات کافی نباشد، از محل دیگر بپردازند؛ و اگر وام دیگری گرفته می‌شد اول آن مقدار از پیش قسط راکه تا آن زمان پرداخت نشده بود پرداخت کنند.

پس از این مذاکرات تا آوریل / جمادی‌الاول ۱۳۳۱ ق، روسها به بهانه تبدیل نرخ ارز هنوز چیزی نپرداخته بودند. (طبق محاسبه‌ای که می‌کردند، دولت ایران ۴۰۰۰ لیره ضرر می‌کرد<sup>(۸)</sup>.)

رفتار انگلیسها بدین شدت نبود هر چند شرایط آن دولت نیز سخت بود ولی لااقل مبلغی پرداخته بود. از نظر آنها امنیت جنوب بسی اهمیت داشت. و برای این کار می‌بایست ژاندارمری مرتب گردد. زیرا نفوذ انگلیسها در جنوب به قدرت روسها در شمال نبود. در ماه فوریه ۱۹۱۳ م / ربیع‌الاول ۱۳۳۱ تونلی نوشت که درآمد ماهانه گمرکات جنوب ۱۴،۰۰۰ لیره است و از آن مبلغ، بهره وامهای انگلیس و هند در ماه ۲،۵۰۰ لیره و بهره ماهانه بانک ۵،۲۰۰ لیره می‌شود. بنابراین مبلغ باقی مانده کمی بیشتر از ۶،۰۰۰ لیره است. دولت انگلستان علی‌الحساب ۴۰،۰۰۰ لیره به ایران به عنوان مساعده پرداخته بود. بنابراین اگر همه باقی مانده درآمد گمرکات را برای مدت دو سال بابت وام می‌پرداختند، هیچ پول دیگری برای پرداخت ۱۰۰۰ لیره بهره ماهیانه مساعده جدید باقی نمی‌ماند.<sup>(۹)</sup>

ادواردگری در ماه فوریه به تونلی نوشت که دولت با پرداخت مساعده‌ای به مبلغ ۲۰۰،۰۰۰ لیره با بهره ۷٪ که وثیقه آن مازاد درآمد گمرکات جنوب باشد موافق است. اگر تا اول ژانویه ۱۹۱۵ م، ایران وامی نگیرد می‌بایست اقساطی به مبلغ ۵۰،۰۰۰ لیره بپردازد. پیش قسط ۱۰۰،۰۰۰ لیره برای مصرف ژاندارمری نیز همان شرایط را داشت. ضمناً نوشته بود که فعلاً دولت انگلیس حاضر است از ۴۰،۰۰۰ لیره‌ای که بابت

پیش قسط می‌بایست دریافت کند چشم‌پوشد، به شرط آنکه دولت ایران ضمانت بدهد که مبلغ هر دو پیش قسط را که ۴۰،۰۰۰ لیره و ۳۰۰،۰۰۰ لیره می‌شد، بپردازد.

وقتی این مذاکرات انجام می‌گرفت، موتمن‌الملک و مشیرالدوله استعفا دادند. این دو به امید دریافت وام، امتیاز راه‌آهن را امضاء کرده بودند. ولی اکنون روسیه از پرداخت سهم خود به بهانه‌های مختلف طفره می‌رفت. ظاهراً روسها به این بهانه که انگلیس از آنها پشتیبانی می‌کند مخالف بودند. اما تونلی از استعفای آنها زیاد اظهار ناخرسندی نکرد و نرشت که هدف دولتین از عضویت ایندو در کابینه امضای امتیاز راه‌آهن بود که اکنون به دست آورده بودند.

در این وقت تونلی از اوضاع اظهار نگرانی می‌کرد، و گزارش داد که سپهدار و سعدالدوله دست به توطئه زده‌اند و صمصام‌السلطنه برای احیاء مجلس شورای ملی کوشش می‌کند و با دولت به مخالفت پرداخته است. ضمناً خبر داد که محمدعلی شاه از ادسا به آلمان سفر کرده و احتمال دارد به جنوب فرانسه یعنی محلی که ممکن است عده‌ای از ایرانیان گرد او جمع شوند برود. تونلی فکر می‌کرد عده‌ای از رجال، شاید حتی علاءالسلطنه، با مراجعت شاه سابق مخالف نباشند. وضع آذربایجان و پیشرفت روسها روز به روز خطرناک‌تر می‌شد، و نایب‌السلطنه نیز در باره مراجعت به ایران همچنان تردید داشت.<sup>(۱۰)</sup>

علاءالسلطنه به تونلی گفته بود که عده‌ای از اعضای کابینه با مراجعت ناصرالملک مخالف‌اند، ولی عده‌ای دیگر از بیم سعدالدوله مایل‌اند که ناصرالملک هر چه زودتر مراجعت کند؛<sup>(۱۱)</sup> و در فکر اعزام مستوفی‌الممالک به اروپا هستند تا با او مذاکره کند و او را بازگرداند.

با استعفای موتمن‌الملک و مشیرالدوله وضع کابینه نابسامان شد. تونلی در سپتامبر گزارش داد که تقریباً کابینه‌ای وجود ندارد. یکی دو وزیر و

چند نفر معاون در جلسات هیأت دولت حضور بهم می‌رسانند؛ با این شرایط کاری از پیش نمی‌رود. او بویژه به دو دستگی میان وزراء و رجال اشاره دارد و می‌گوید گروه جوان‌ترها با وجود اینکه در صدد پرکردن جیب‌هایشان هستند، معتقداند پیشرفت ایران به همکاری با بیگانگان بستگی دارد. تونلی خود نسبت به این گروه نظر خوبی نداشت و بخصوص معتقد بود که نفوذ چندانی ندارند.<sup>(۱۲)</sup> اما گروه محافظه‌کار می‌اندیشد که ایران نیازی به بیگانگان ندارد. بنابر این تونلی منتظر مخالفت از جانب آنها بود؛ و چون نفوذ افرادی مانند عین‌الدوله می‌توانست در نقاط دور از تهران مؤثر باشد، می‌بایست با فشار آنها را وادار ساخت که در ولایات از سیاست اروپائیان حمایت کنند.<sup>(۱۳)</sup>

تونلی بویژه از عین‌الدوله اظهار رضایت می‌کرد و گزارش داد که شهرت و نفوذ او در ولایات، خاصه در قائنات و سیستان و فارس باعث آرامش شده است.<sup>(۱۴)</sup> از نظر وی عین‌الدوله سیاستمدار واقعی ایران بود، و نسبت به منافع انگلیس همیشه موضعی دوستانه داشت. فقط شایعه استعفای عین‌الدوله کافی بود که برخی از حکام از اطاعت دولت مرکزی سرباز زنند. با این همه روسها از او خشنود نبودند و می‌گفتند وی با دموکراتها رابطه دوستانه دارد، و بعضی از عناصر انقلابی را از قفقاز به ایران راه داده است. اعلان انتخابات و تغییر حکام رشت و قزوین و حتی ارتباط دوستانه با شجاع‌الدوله از دیگر علل نارضایتی روسها از عین‌الدوله بود.<sup>(۱۵)</sup> البته آنچه تونلی صریحاً اظهار نمی‌کند، همان رقابت دیرینه بین روس و انگلیس است. تغییر وزیر مختار روس در ایران موضع عین‌الدوله را ضعیف‌تر کرد، خاصه که انگلیس حاضر نبود برای حمایت از وی، به رابطه خود با روسها لطمه وارد سازد.

در آوریل ۱۹۱۳ م / جمادی‌الاول ۱۳۳۱ ق که تونلی به مسافرت رفته بود، عین‌الدوله استعفا داد. بعداً وثوق‌الدوله به تونلی گزارش داد که روسها خواستار استعفای عین‌الدوله بودند و گفته بودند به جای یک شجاع‌الدوله،



## کابینه علاء السلطنه و انتخابات تهران / ۶۷

پنج شجاع الدوله خواهند تراشید.<sup>(۱۶)</sup> تونلی معتقد بود که وزیر مختار جدید روسها کروتوتز با این هدف به تهران آمده بود که عین الدوله را بیرون کند. ضمناً نوشت که از نظر انگلیس، عین الدوله نقش خودش را خوب ایفا کرده، و باقی ماندن او در کابینه اکنون باعث دردسر می شود.

کابینه علاء السلطنه مدتی باقی ماند.<sup>(۱۷)</sup> در ۲۲ سپتامبر ۱۹۱۳ م / ۱۱ رمضان ۱۳۳۱ ق، بالاخره نایب السلطنه وارد تهران شد.<sup>(۱۸)</sup> ناصرالملک موقتاً موفق شد که بعضی از وزرای ناراضی را آشتی داده، کابینه را نگهدارد.<sup>(۱۹)</sup> ولی یک ماه بعد تغییرات جزئی در کابینه رخ داد. ممتازالدوله وزیر عدلیه و حکیم الملک وزیر معارف شدند. و خود وی عهده دار پست وزارت داخله شد. مسئله مهم اواخر دوره ریاست علاء السلطنه مسئله انتخابات مجلس شورای ملی بود. با آنکه طبق قانون اساسی و متمم آن، مجلس شورای ملی قدرت بسیار داشت، هیچ ماده‌ای که بتواند از تعطیل آن جلوگیری کند پیش بینی نشده بود. فقط در ماده ۷ متمم قانون اساسی قید شده بود که اساس مشروطیت جزاً و کلاً تعطیل بردار نیست.<sup>(۲۰)</sup> طبق ماده ۵۳ سومین قانون انتخابات که در دوره دوم مجلس در ۲۸ شوال ۱۳۲۹ ق / ۲۴ سپتامبر ۱۹۱۱ م تصویب شد، سه ماه مانده به پایان هر دوره تقنینیه، دولت می بایست انتخابات جدید را اعلان کند.<sup>(۲۱)</sup> اما وقتی مجلس دوم با اولتیماتوم روسها و با شدت عملی شبیه به کودتا منحل شد، طبعاً اعلان انتخاباتی نیز عقیم ماند. ماده دیگری که وجود مجلس را الزامی می کرد، اصل ۳۹ متمم قانون اساسی بود که می گفت: «هیچ پادشاهی بر تخت سلطنت نمی تواند جلوس کند، مگر آنکه قبل از تاجگذاری در مجلس شورای ملی حاضر شود، و با حضور اعضای مجلس شورای ملی و مجلس سنا...<sup>(۲۲)</sup> و هیأت وزراء... قسم یاد نماید...»<sup>(۲۳)</sup> طبق این ماده مسئله تاجگذاری احمد شاه مسئله پراهمیتی بود. تا وقتی شاه به سن قانونی نرسیده بود،<sup>(۲۴)</sup> افتتاح مجلس سوم را می توانستند به تعویق اندازند. از این روی وقتی مجلس دوم منحل شد، بارکلی نوشت که

به نظر نمی‌رسد مجلس به این زودی باز شود. علی‌رغم فرمان تجدید انتخابات توسط ناصرالملک، بارکلی خاطر نشان کرد که تاریخی برای آغاز آن تعیین نشده و ظاهراً این کار بیشتر برای آرام کردن افکار عمومی است. هنگام مسافرت ناصرالملک به اروپا اعلان دیگری مبنی بر آغاز انتخابت داده شد که بدون شک آنهم برای آرام کردن افکار عمومی بود.<sup>(۲۵)</sup> رابطه مجلس و دولت در دوره دوم به هیچ وجه دوستانه نبود.<sup>(۲۶)</sup> هر چند که در غیاب مجلس، فعالیت‌ها و تصمیمات وزراء غیرقانونی محسوب می‌گردید، ولی اقدام جدی برای بازگشائی آن نکردند. البته دولتین، بخصوص روسها هم با گشایش مجلس مخالف بودند.<sup>(۲۷)</sup> و این مخالفت را مخفی نمی‌کردند. ضمناً طی مجلس اول و دوم به تجربه معلوم شده بود که هر وقت مجلس فعالیت داشت روزنامه‌ها آزادتر بودند، و مخالفت با اهداف دولتهای خارجی بیشتر و سرسختانه‌تر مورد بحث و رد قرار می‌گرفت. بنابر این تا می‌توانستند از گشایش آن جلوگیری می‌کردند.

انگلیسها نیز پس از انحلال مجلس دوم مدتی با گشایش مجدد آن موافق نبودند ولی به تدریج به وجود یک مجلس «خوب» رضایت دادند. در لندن رئیس انجمن ایران، لرد لامینگتن<sup>(۲۸)</sup> و نیز ادوارد براون برای بازگشائی مجلس ایران مجدانه فعالیت می‌کردند و مقالاتی در روزنامه‌ها به چاپ می‌رساندند و همه در ایران انعکاس می‌یافت و موضع مشروطه خواهان را تقویت می‌کرد. در هر حال به نظر می‌رسد که انگلیسها به مرور تغییر عقیده دادند. شاید هم این تغییر عقیده تا حدی برای جلوگیری از پیشرفت نفوذ روسها بود. سرانجام انگلیسها توانستند روسها را به گشایش مجلس و اجرای انتخابات راضی کنند، به شرط آنکه افرادی که قبلاً در ۱۱ سپتامبر ۱۹۱۰ م مورد اعتراض روسها بودند به مجلس جدید راه نیابند. البته روزنامه‌های ایران از طریق مطبوعات خارجی از این مسئله آگاه شدند، ولی اعتراض نکردند. نوبهار از قول روسکو اسلو نوشت که حکومت ایران حتی المقدور از

## کابینه علاءالسلطنه و انتخابات تهران / ۶۹

انتخاب نمایندگان چپ رو ممانعت می‌کند؛ و اضافه کرد که افتتاح مجلس منوط به نتیجه انتخابات تهران خواهد بود. و نیز نوشت که شایع است پارلمان آینده لزوماً می‌بایست محتاط، و متشکل از عناصر صالح باشد.<sup>(۲۹)</sup>

در ایام انحلال مجلس، اقداماتی برای باز شدن آن از سوی عده‌ای از رجال انجام گرفته<sup>(۳۰)</sup> و راه‌حلهایی نیز پیشنهاد شده بود. از جمله اینکه ۶۰ نفر وکیل از تهران مجلس را بگشایند، یا قانون انتخابات و یا قانون اساسی<sup>(۳۱)</sup> را تغییر دهند. ولی هیچکدام به جایی نرسیده بود. در ماه سپتامبر ۱۹۱۲ م / شوال ۱۳۳۰ ق تونلی طی یادداشت بسیار محرمانه‌ای خبر داد که با وجود اینکه همه می‌دانند روسها به شدت با گشایش مجلس مخالف‌اند، کمیته‌ای متشکل از ۱۵ نفر مأمور شده‌اند که در باره امکان تغییر قانون انتخابات مطالعه کنند ولی به نتیجه‌ای نرسیده‌اند، چون در غیاب مجلس نمی‌توانند کاری از پیش ببرند.<sup>(۳۲)</sup> همچنین انجمنی متشکل از ۵۰ نفر از علما و تجار و ملاکین و رجال دعوت شدند که به این مسئله رسیدگی کنند. در ۲۰ اکتبر همان سال تونلی در باره کمیته‌ای خبر داد که با ۵۶ نفر عضو از طبقات مختلف، چندین جلسه به ریاست سردار اسعد منعقد کرده‌اند تا در باره انتخابات بحث کنند. صمصام‌السلطنه نیز پس از استعفا از ریاست وزراء، هوادار انتخابات و گشایش مجلس گشت و تونلی که در باره انتخابت مردد بود به این نتیجه رسید که تهییج و تحریک مردم و دولت توسط بختیارها باعث شده که دولت<sup>(۳۳)</sup> خواستار انتخابات شود.

علاءالسلطنه پیش از این نیز موافق گشایش مجلس بود، چون باعث تقویت دولت می‌شد و به برقراری آرامش کمک می‌کرد. بنابراین شاه در روز تولد خود در اول اوت ۱۹۱۳ م / ۲۶ شعبان ۱۳۳۱ ق طی نطقی آغاز انتخابات را اعلان کرد، و اشاره‌ای نیز به تشکیل مجلس سنا نمود. این اعلان همراه با دو اعلامیه پیشین مورخ سپتامبر ۱۹۱۱ م / شوال ۱۳۲۹ ق و ۶ ژانویه ۱۹۱۲ م / شعبان ۱۳۳۱ ق، به چاپ رسید<sup>(۳۴)</sup> و حاکی از آن بود که یک ماه بعد

کمیته‌ای برای اجرای انتخابات در تهران و ولایات تشکیل خواهد شد. وقتی نایب‌السلطنه پس از ۱۵ ماه به ایران بازگشت، با اعلان انتخابات مواجه شد،<sup>(۳۵)</sup> در حالی که دولت با وی مشورت نکرده بود. وی از شتابزدگی وزراء به تونلی شکایت کرد و گفت که هنگام عبور از سنت‌پترزبورگ، سازانف به او قبولانده است که بدون مشورت با دولتین انتخابات آغاز نشود. اما اکنون پس از اعلان انتخابات دیگر امکان نداشت آن را عقب اندازند. ولی دولت کار را به کندی پیش می‌برد و مسئله استعفای عین‌الدوله نیز بر مشکلات می‌افزود.

طبق قانون انتخابات، هرگاه نیمی به اضافه یک نفر از وکلاء در تهران جمع می‌شدند،<sup>(۳۶)</sup> می‌توانستند مجلس را افتتاح کنند. تونلی حدس می‌زد که این تجمع کمتر از یک سال به طول نیانجامد. تهران ۱۵ نفر وکیل داشت که با آذربایجان،<sup>(۳۷)</sup> خراسان، مازندران، گیلان جمعاً ۴۵ نفر می‌شد و برای بازگشائی مجلس کافی نبود. تعداد نمایندگان سایر ایالات به نسبت کمتر بود. تونلی حتی بر آن بود که خود انتخابات هم به طول خواهد انجامید.<sup>(۳۸)</sup> چند ماه بعد تونلی نوشت که نایب‌السلطنه از بیم آنکه مخالفین، خاصه دموکراتها از تاجگذاری شاه ممانعت کنند و<sup>(۳۹)</sup> عمداً انتخابات را عقب می‌اندازد، تا مجلس بعد از تاجگذاری منعقد گردد. ضمناً نوشت عده‌ای که بر سر کار هستند، از انتخابات بی‌مناکند چون باید از عهده پاسخ به اعمال خود برآیند. بهار نیز که از این قبیل اطلاعات می‌داد، نوشت که انتخابات ولایات تا بعد از تاجگذاری آغاز نخواهد شد.<sup>(۴۰)</sup>

در تهران، دو بار انتخابات شد. زیرا طبق ماده ۳۲ متمم قانون اساسی، در صورتی که وکلای مجلس قبول پست دولتی کنند، می‌بایست از وکالت استعفا دهند. از ۱۵ نفر وکیل تهران و اطراف آن، ۶ نفر از جمله مستوفی‌الممالک،<sup>(۴۱)</sup> محتشم‌السلطنه، احتشام‌السلطنه، سید نصرالله اخوی، ذکاء‌الملک استعفا دادند، و حاجی آقا شیرازی نیز به علت رد

## کابینه علاء السلطنه و انتخابات تهران / ۷۱

اعتبارنامه اش،<sup>(۴۲)</sup> از مجلس کنار رفت. بنابر این در جمادی الاول ۱۳۳۲ ق مجدداً در تهران انتخابات آغاز شد. (رجوع به جدول ۱)

روزنامه رعد در ۱۹ ربیع الاول نوشت که ۱۸،۶۵۵ ورقه تعرفه در مدت ۱۵ روز در ۵ حوزه انتخابیه تهران پخش شده است: و اظهار امیدواری کرد که با اضافه کردن کن و سولقان و شمیران تعداد تعرفه به ۲۰،۰۰۰ برسد.<sup>(۴۳)</sup> تعداد ورقه‌هایی که برگشت ۱۵،۱۸۴ بود، یعنی ۳۴۷۱ رأی کمتر. (موتمن‌الملک، رئیس انجمن نظار بود و بیشترین رأی را نیز خود او آورد.) رعد نوشت که علت کاسته شدن آراء کمی وقت بود زیرا فقط ۵ روز برای رأی فرصت داده بودند.

در انتخابات دوم، مردم ۱۲،۳۰۸ تعرفه گرفته و ۱۰،۰۱۷ ورقه برگشته بود، یعنی ۲۲۹۱ تعرفه کمتر. اصولاً انتخابات اول و دوم، ۵۱۶۷ رأی اختلاف داشت. در هر دو انتخابات تعداد ۸۱٪ از تعرفه‌ها برگشته بودند. احتمال دارد که کاسته شدن رأی نتیجه بی‌علاقگی مردم بوده باشد. البته این احتمال نیز هست که چون کاندیداهای دوره اول سرشناس‌تر و با نفوذتر بودند، مردم از انتخابات بیشتر استقبال کردند.

روسها با انتخاب دموکراتها مخالف بودند و حتی رعد از قول روزنامه روسی و نیز نوبهار نوشتند که انتخابات سایر نقاط ایران به شرطی جریان خواهد یافت که اول از تهران افراد صالحی انتخاب شوند. وکلای اول تهران همه از افراد سرشناس و تقریباً بی‌وابستگی حزبی و یا از روحانیون بودند و از حزب دموکرات کسی انتخاب نشد. و گویا حتی به عنوان کاندیدا هم شرکت نکردند. رعد اسامی همه کاندیداها را نمی‌نوشت فقط به ذکر اسامی عده‌ای از رجال و یا افرادی که بیشترین رأی را می‌آوردند بسنده می‌کرد. و ضمناً یادآور می‌شد که گروهی ناصالح هم نامزد شده‌اند که شاید اشاره به بعضی دموکرات‌ها بود. نوبهار نوشت که "حزب" دست چپ یعنی کسانی که از بقایای معروفین آن حزب موجود بودند، بی‌طرفی و کناره‌گیری خود را معلوم

نموده و به تماشا ایستاده‌اند.<sup>(۴۲)</sup> انتخاب دوم تهران از جمادی‌الثانی، ۱۳۳۲ ق هم زمان با انتخابات ولایات آغاز شد. می‌بینیم که دموکراتها در این زمان جرأت شرکت در انتخابات پایتخت را یافته بودند.

تعداد نامزدهای وکالت تهران ۸۰۰ نفر ولی تعداد وکلای تهران که به مجلس راه می‌یافتند ۱۲ نفر بود (۳ نفر هم وکلای اطراف بودند). مردم در برگ رأی می‌توانستند فقط نام ۱۲ نفر را بنویسند. از میان افرادی که به آنها رأی می‌دادند، کسانی را که بیشتر از ۱۰۰ رأی می‌آوردند، اعلام می‌کردند. رعد در روزهای رأی‌گیری مرتباً تعداد آراء ۱۲ نفر از نامزدها را اعلام می‌کرد. ظاهراً عده‌ای افراد ناباب نیز خود را داخل کرده بودند چون از طرف نظمی‌ه اعلان شد که اوراق نامزدهایی که امضاء نداشته باشد باید قدغن شوند.<sup>(۴۵)</sup>

خواندن آراء به‌کندی آغاز شد، و در ۱۲ ربیع‌الاول رعد خبر داد که در مدت ۳ روز در ۵ حوزه فقط ۷۸۶ رأی خوانده شده است که به این حساب استخراج آراء دو ماه به طول خواهد انجامید؛ و به درستی حدس می‌زد که تا بعد از تاجگذاری ادامه خواهد داشت.<sup>(۴۶)</sup> تنها حوزه‌ای که خوب کار می‌کرد محله دولت بود که مشیرالدوله نظارت بر آنرا به عهده داشت.

در ۱۶ جمادی‌الاول ۱۳۳۲ ق رعد خبر داد که انتخابات اطراف تهران، ورامین، غار، فشابویه، ساوجبلاغ و حضرت عبدالعظیم نیز شروع شده و مخارج آن را دولت ۳۵۰۰ تومان برآورد کرده است. وزارت داخله از خزانه‌داری مبلغ ۱۵۰۰ تومان برای آغاز کار خواسته که هنوز پرداخت نشده است.<sup>(۴۷)</sup> روزنامه‌ها با شور و هیجان از جریان انتخابات و نتایج آن خبر می‌دادند و مردم را به دادن رأی تشویق می‌کردند. رعد ۱۲ نفر خبرنگار مخصوص داشت که در حوزه‌های مختلف شهر جریان انتخابات را گزارش می‌دادند. ولی گاهی نیز اظهار ناامیدی می‌کرد: «هیجان عمومی که طبعاً مستلزم انتخابات وکلای یک پایتخت می‌باشد نمودار نیست و حسن انتخابات بعضی از نقاط تهران هم محل شک است.»<sup>(۴۸)</sup>

## کابینه علاءالسلطنه و انتخابات تهران / ۷۳

نوبهار نیز بطور سرریسته به بعضی از مسائل اشاره می‌کرد و نوشت که اعضای انجمن نظار تهران استعفا داده‌اند: «خودشان می‌گویند پاکات آراء که در صندوق بوده عوض شده است.»<sup>(۴۹)</sup> و حدس می‌زد که اینها برای عقب انداختن کار است.

شکایت از جریان انتخابات تهران خیلی زود شروع شد. بهار در نوبهار نوشت که در تهران تعرفه خرید و فروش می‌شود و نرخ آن از ۳ شاهی الی ۴ قران است.<sup>(۵۰)</sup>

مخبر روزنامه تایمز جمعیت پایتخت را ۳۶۰،۰۰۰ نفر و مردان را ۱۵۰،۰۰۰ نفر تخمین می‌زد و می‌گفت از این تعداد ۱۷،۰۰۰ نفر رای داده‌اند. بنابر این در همه کشور فقط معدودی به تشکیل مجلس علاقمند هستند.<sup>(۵۱)</sup> طبق این محاسبه ۱۱/۳٪ از مردهای پایتخت رای داده بودند در حالی که رعد تعداد آراء انتخابات دفعه اول را ۱۵،۱۸۴ اعلان کرد، که در این صورت (با توجه به جمعیتی که تایمز نوشته بود) ۱۰٪ جمعیت مردان تهران رای داده بودند.

انتخابات ایالات با کندی و مشکلات بیشتری نسبت به تهران آغاز شد. در ماه مارس ۱۹۱۶ م / جمادی‌الاول ۱۳۳۲ ق، هنوز دستور انتخابات سایر نقاط صادر نشده بود.<sup>(۵۲)</sup> روزنامه‌ها بخصوص رعد، مسئله را مصرانه دنبال می‌کردند و همچنان به مسئله افتتاح مجلس توجه داشتند. ولی هنگام تاجگذاری شاه همانطوریکه مطبوعات پیش‌بینی کرده بودند، فقط معدودی از وکلا انتخاب شده بودند. بنابر این عده‌ای از وکلای سابق، و ۳۰ نفر از وکلانی که اخیراً انتخاب شده بودند در مراسم حضور یافتند.

علاءالسلطنه در ۲۸ شوال ۱۳۳۲ ق / ۲۱ ژوئیه ۱۹۱۴ م استعفا داد و مستوفی‌الممالک رئیس‌الوزراء شد، و علاءالسلطنه پست وزرات خارجه را گرفت. علت این تغییر را کهولت سن نوشته‌اند. ولی احتمالاً بدان سبب بود که با گشایش مجلس، مستوفی که وجهه ملی‌تری داشت و می‌بایست رأی

اعتماد از مجلس بگیرد مناسب‌تر می‌نمود. در هر حال روسها نیز با علاء‌السلطنه میانه خوبی نداشتند و او را متمایل به انگلیس می‌دانستند. چنانچه گذشت، فشار افکار عمومی و فعالیت روزنامه‌نگاران در بازگشائی مجلس مؤثر بود، و علی‌رغم میل باطنی دولتهای خارجی، بخصوص روسها، انتخابات آغاز شد. این در واقع موفقیتی برای مشروطه‌خواهان محسوب می‌شد. ولی جریان انتخابات با مشکلاتی روبرو شد که نشان می‌داد قانون انتخابات از جهاتی نارسا است بویژه که در صورت بسته بودن مجلس، وسیله‌ای در دست نبود تا افتتاح آن را الزامی کند. چنانچه میان مجلس دوم و سوم تقریباً ۳ سال فاصله افتاد و انتخابات ایالات نیز هشت ماه پس از آغاز انتخابات تهران شروع شد. مجلس چهارم پس از ۵ سال و ۸ ماه از انحلال مجلس سوم گشایش یافت. در مجلس چهارم می‌کوشیدند این مسئله و موارد دیگری از این قبیل را اصلاح کنند و قانون انتخابات را تغییر دهند، ولی این کار به جایی نرسید.



## یادداشتهای فصل سوم

1. Townley to Grey, January 17, 1913, No 245, FO 416/ 55/ 05415

2. Ibid

۳. تونلی به هنگام استعفای وثوقالدوله نوشت که او منافع کشورش را در نظر گرفته ولی شاید منافع شخصی خود را مقدم داشته است. او اضافه کرد که وثوقالدوله با تقاضاهای اروپائیان موافقت می‌کند، تا رابطه خوبی با آنها داشته باشد، به این امید که همکارانش در کابینه با او مخالفت نکنند.

Townley to Grey, June 11, 1912, No 486, FO 416/ 56/ 05422.

4. Motamin ul - Mulk to Ala- es- Sultaneh, Tehran, December 31, 1912, No 245, FO 416/ 55/ 05415.

۵. در غیاب مجلس، دولت ایران به امید دریافت وام، به مسئولیت خود با امتیاز راه‌آهن موافقت کرد. ولی روسها همواره شرایط خود را سخت‌تر می‌کردند و پس از موافقت دولت ایران با امتیاز راه‌آهن جلفا - تبریز، خواستار امتداد یافتن آن تا قزوین شدند و تهدید کردند که کابینه را بیرون خواهند کرد و سعدالدوله را سرکار خواهند

## ۷۶ / احزاب سیاسی در مجلس سوم

آورد. انگلیسها نیز امتیاز راه آهن خرم آباد - محمره را گرفتند.

Townley to Grey, February 3, 1913, No 192, FO 416/ 55.

and Telegram of Persian Minister for Foreign Affaires, December 31, 1912, No 359, FO 416/ 55.

6. Purport of Telegram from Persian Minister of Foreign Affaires, February 24,

1912, No 359, FO 41655.

7. I bid.

8. Townley to Grey, April 30, 1913, No 221, FO 416/ 56/ 4388.

9. Ibid.

۱۰. یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی جلد ۳، ص ۷ - ۲۲۵.

۱۱. ناصرالملک اصرار داشت که احمدشاه به سن قانونی رسیده و باید تاجگذاری انجام گیرد. نظر تونلی این بود که ناصرالملک نمی‌خواهد نیابت سلطنت را در دست داشته باشد و در عین حال میل ندارد کس دیگری آن پست را داشته باشد. در باره احمد شاه تونلی بر این باور بود که برای سلطنت هنوز آمادگی ندارد و تحصیلاتش کامل نیست و از اینرو مراجعت ناصرالملک را ضروری می‌دانست.

Townley to Grey, May 12, 1913, No 343, FO 416/ 56/ 05422.

12. Same to Same, October 1, 1913, No 54, FO 416/ 58.

13. Same to Same, September 2, 1913, No 374, FO 416/ 57/ 05422.

14. Same to Same, July 8, 1912, No 124, FO 416/ 57/ 05432.

۱۵. اسمارت قنصل تبریز در ۲۰ ژوئن نوشت که روسها تا حدی از حمایت

شجاع‌الدوله که خودشان به او نیرو بخشیده بودند، دست کشیده‌اند و به نظر آنها تا زمانی که شجاع‌الدوله را دولت ایران نمی‌شناخت، از نظر روسها مفید بود. از زمانی که شاه برای او شمشیر به هدیه فرستاده بود، روسها سعی می‌کردند او را تضعیف کنند. احمد کسروی نیز به این مسئله اشاره کرده است.

## یادداشت‌های فصل سوم / ۷۷

Acting Consul Smart to Townley, July 20, 1913, No 277, FO 41/57/4887.

16. Townley to Grey, April 11, 1914, no 62, FO 416/ 60.

در غیاب تونلی، عین‌الدوله با جرج چرچیل مشورت کرده و چرچیل به او گفته بود که دولت انگلیس از او کاملاً رضایت دارد، ولی سخنی در باره از حمایت از او نگفته بود. عین‌الدوله متوجه قضیه شده و استعفا داده بود.

۱۷. علاءالسلطنه در ۲۵ رمضان ۱۳۳۲ ق/ اوت ۱۹۱۴ استعفا داد و مستوفی‌الممالک زمام امور را در دست گرفت.

۱۸. ناصرالملک برای ملاقات ادوارد گری از فرانسه به انگلستان رفته و سپس عازم ایران شده بود. چگونگی ورود او به تهران عجیب و حاکی از ترس بود. چون تلفن کرده و خبر داده بود که از دروازه شیمران از او استقبال کنند، ولی خود با اتومبیل به دروازه باغشاه رفته و صبح زود سوار بر اسب وارد شهر شده بود.

Townley to Grey, September 30, 1913, No 47, FO 416/ 58/ 05422.

19. Summary of events in Persia for September 1913, No 99, FO 416/ 58.

۲۰. مجموعه مصوبات ادوار اول و دوم قانون‌گذاری مجلس شورای ملی، تهران

۱۳۱۸ ش، ص ۱۶.

۲۱. همان، ص ۳۳۲.

۲۲. قانون اساسی تشکیل مجلس سنا را با ۶۰ عضو پیش‌بینی کرده بود.

اصل ۴۳ و ۴۴ و ۴۵.

مصوبات، ص ۱۴.

۲۳. همان، ص ۲۵.

۲۴. تعیین سن قانونی احمدشاه خود مسأله‌ای شده بود. از طرفی نایب‌السلطنه عجله داشت احمدشاه تاجگذاری کند، از طرف دیگر سن او به ۱۸ سال، که سن قانونی تعیین شده بود، نمی‌رسید. بنابراین، محاسبه را بر اساس سالهای قمری انجام دادند

که بیشتر نشان دهد.

25. Townley to Grey, May 15, 1912, enclosure in No 309, FO 416/ 52/ 05366.

۲۶. مخبر روزنامه تایمز از هواداران بازگشائی مجلس بود و نوشت که هر چند مجلس سابق ایران خرد پیشه‌ترین مجلس‌ها نبود، ولی وکلا حاضر بودند که دولت آنها را هدایت کند. در حالی که هیأت مجریه هیچ‌گاه حاضر به این کار نشد، بلکه از آن مجلس می‌ترسیدند.

Times, 13 March, 1913.

در ۲ مه ۱۹۱۲م تونلی بطور محرمانه به ادوارد گری نوشت که وزیر مختار روسیه گفته که دولت متبوع او از تشکیل مجلس بطور جدی ناخشنود خواهد شد.

Townley to Grey, May 2, 1912, No 250, FO 416/ 52/ 4388.

۲۸. لرد لامینکتن وکیل مجلس لردها و رئیس انجمن ایران، در بهار سال ۱۹۱۲ م به ایران آمد و با عده‌ای از رجال و حتی وکلای دموکرات که به قم تبعید شده بودند ملاقات کرد. ظاهراً بیشتر نظری از این سفر جمع‌آوری اطلاعات از عملیات روسها بود. تونلی به علت فعالیت‌های انجمن ایران در انگلیس و انتقاد از سیاست دولت انگلیس در همکاری با روسها، از آمدن لامینکتن زیاد دلخوش نبود.

۲۹. نوبهار، شماره ۲۵، ۹ جمادی‌الاول ۱۳۳۲ ق.

۳۰. حزب دانشناکسیون ارامنه به رهبری پیرم‌خان رئیس نظمیخواستار گشایش مجلس و تضمین آزادی بیان و قلم شده بود.

Townley to Grey, May 15, 1912, No 394, FO 416/ 52/ 05366.

۳۱. یکی از پیشنهادات دولتین تشکیل شورای دولتی بود تا بعداً به مجلس سنا تبدیل گردد. هدف از این پیشنهاد، کنترل مجلس شورای ملی بود.

32. Townley to Grey, September 3, 1912, No 521, FO 416/ 53.

33. Same to Same, August 5, 1913, No 284, FO 416/ 57/ 05432.

تونلی در راپرات دیگری به تاریخ ۸ ژوئیه همان سال، می‌نویسد که: از

## یادداشت‌های فصل سوم / ۷۹

صمصام‌السلطنه پرسیده بود که چرا او اکنون از هواداران انتخابات و مجلس شده، در حالی که وقتی رئیس‌الوزراء بود تمایلی نشان نمی‌داد؟ صمصام‌السلطنه جوابی نداده بود.

Townley to Grey, July 8, 1913, No 127, FO 416/ 57/ 05432.

34. Same to Same, August 4, 1913, No 280, FO 416/ 57/ 05432.

35. Same to Same, September 30, 1913, No 47, FO 416/ 58/ 05422.

۳۶. تعداد وکلا در این دوره قرار بود ۱۳۶ نفر باشد.

۳۷. انتخابات آذربایجان به علت مخالفت صمدخان انجام نشد.

احمد کسروی، تاریخ ۱۸ ساله ص ۹ - ۵۷۷.

38. Townley to Grey, September 30, 1913, No 47, FO 416/ 58/ 05422.

39. Same to Same, April 11, 1914, No 63, FO 416/ 60.

۴۰. نوبهار، شماره ۲۴، جمادی‌الثانی ۱۳۳۲.

۴۱. مستوفی‌الممالک به عنوان وکیل تهران انتخاب شده بود و می‌بایست تصمیم بگیرد که اگر ریاست وزراء را قبول کند، باید از وکالت استعفا بدهد. گاه وکلانی را که نمی‌خواستند در مجلس بمانند، بدین وسیله از آنجا خارج می‌کردند. قاسم‌خان صوراسرافیل از وکلای اعتدالی در جواب استعلام مشارژدافر آلمان گفته بود که بعضی از وزراء طرفدار روس و انگلیس را که ضمناً به وکالت انتخاب شده‌اند، خیال دارند در دولت ابقاء کنند، تا مجبور شوند از وکالت استعفا بدهند. بعد از عضویت حکومت هم آنها را کنار خواهند زد.

مورخ‌الدوله سپهر، ایران در جنگ بزرگ، تهران، ۱۳۳۵ ص ۱۴۱.

۴۲. رجوع شود به فصل ۵.

۴۳. رعد شماره ۱۶، ۲۵ صفر ۱۳۳۲.

۴۴. نوبهار، شماره ۷، ۲ ربیع‌الاول ۱۳۳۲.

۴۵. رعد، شماره ۱۲، ۱۱ صفر ۱۳۳۲.

۴۶. همان، شماره ۲۱، ۱۲ ربیع‌الاول ۱۳۳۲.

۸۰ / احزاب سیاسی در مجلس سوم

۴۷. همان، شماره ۵۹، ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۳۳۲.

۴۸. همان، شماره ۱۶، ۲۵ صفر ۱۳۳۲.

۴۹. نوبهار، شماره ۸، ۶ ربیع‌الثانی ۱۳۳۲.

۵۰. همان، شماره ۲۰، ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۳۲.

51. Times, July 22, 1914.

52. Townley to Grey, March 14, 1914, No 23, FO 416/ 60.

## فصل چهارم

### افتتاح مجلس سوم و انتخابات در ایالات

روزنامه رعد در ۱۶ جمادی الاول ۱۳۳۲ ق / ۱۴ آوریل ۱۹۱۴ خیر داد که کمیون انجام انتخابات ایالات با عضویت شریف الدوله، ادیب السلطنه، موتمن الملک، مشیرالدوله، ذکاءالملک و حاجی سید نصرالله تشکیل شده است. در جمادی الثانی انتخابات آغاز شد. از آن پس اخبار جریان انتخابات ایالات در مطبوعات زیاد است.

مجلس سوم قبل از پایان انتخابات، در تاریخ ۱۶ محرم ۱۳۳۳ ق / ۷ دسامبر ۱۹۱۴ م بطور رسمی با حضور فقط ۶۸ نفر از وکلای منتخب، که تا آن زمان به تهران رسیده بودند، پس از نطق افتتاحیه احمد شاه گشایش یافت. جلسات رسمی یک ماه بعد یعنی در صفر آغاز شد. مجموعاً ۷۹ جلسه تشکیل شد و مدت آن تا ۲۹ ذیحجه ۱۳۳۳ ق / ۶ نوامبر ۱۹۱۵ م ادامه داشت.

در این مدت سایر وکلاء تدریجاً به مجلس وارد می‌شدند، ولی هیچ وقت تعداد کامل یعنی ۱۳۶ نفر که طبق قانون انتخابات پیش‌بینی شده بود گرد نیامدند. ۴۳ نفر از وکلاء طولانی‌ترین مدت یعنی ۱۰ ماه و چند روز در مجلس بودند. ۱۵ نفر ۷ تا ۹ ماه، ۱۱ نفر ۳ تا ۶ ماه و ۹ نفر بین ۲ ماه تا چندروز در مجلس حضور داشتند. ۱۵ نفر یا به مجلس نرسیدند و یا اعتبار نامه‌شان تصویب نشد.<sup>(۱)</sup>

چنانچه قبلاً ذکر شد در آذربایجان به علت مخالفت شجاع‌الدوله انتخابات انجام نگرفت، صرف‌نظر از کسانی که انتخاب نشدند یا رد شدند، تعداد وکلای مجلس به ۹۸ نفر می‌رسید. در سراسر ایران تقریباً ۴۷۵،۱۰۷ رأی داده شد.<sup>(۲)</sup> چون آمار دقیقی از جمعیت ایران در این زمان وجود ندارد، باید از آمار تقریبی موجود استفاده کرد تا دریافت چه درصدی از جمعیت کشور رأی داده‌اند. خبرنگار تایمز که ایران را خوب می‌شناخت و سفرهای متعددی به این کشور کرده بود، می‌نویسد که برغم آنچه کرزن می‌گفت که جمعیت ایران ۱۲،۰۰۰،۰۰۰ نفر است، او تصور می‌کند بیشتر از ۴ میلیون نیست.<sup>(۳)</sup>

البته این رقم به نظر اندک می‌نماید، و با تخمین کرزن تفاوت فاحشی دارد. طبق سرشماری سال ۱۳۴۷ ق / ۱۳۰۷ ش که برای تهیه سجد احوال انجام گرفت، جمعیت ایران ۸،۴۲۲،۲۰۰ نفر ذکر شده است. با در نظر گرفتن سالهای جنگ و قحطی که باعث کاسته شدن جمعیت شد، و ضمناً با در نظر گرفتن رشد طبیعی جمعیت، شاید این رقم در سال ۱۳۳۲-۳ ق که انتخابات انجام می‌گرفت، قابل قبول باشد. در آن صورت اگر مردان را  $\frac{1}{3}$  کل جمعیت بدانیم، تعداد رأی دهندگان کل کشور  $\frac{3}{8}$  است.<sup>(۴)</sup> اگر این محاسبه نسبتاً صحیح باشد، نشان می‌دهد که با وجود تبلیغات گسترده روزنامه‌ها، و اصرار و تشویق مردم به رأی دادن، هیجان چندانی در بین مردم وجود نداشت. جز تهران، بیشترین رأی در غرب ایران داده شد، (نک: جداول این



## افتتاح مجلس سوم و انتخابات در ایالات / ۸۳

بخش) در کرمانشاه ۷۳۶۱، زنجان ۶۱۵۰، همدان ۴۸۲۹، رشت ۴۴۳۴، شیراز ۴۲۶۵. و در دو شهر بزرگ و مهم اصفهان و مشهد هر کدام ۱۰۱۹ و ۲۸۱۳ رأی داده شد. جالب توجه است که در دو شهر کم اهمیت تر خراسان یعنی قوچان تعداد ۲۹۱۴ و تربت حیدریه ۳۶۲۷ رأی داده شد، که بدون شک به شخصیت نمایندگان این دو شهر یعنی سردار معظم خراسانی<sup>(۵)</sup> از قوچان، و متین السلطنه<sup>(۶)</sup> از تربت بستگی داشت. اصفهان از لحاظ جمعیت سومین شهر ایران بود که در جریان مشروطیت نیز فعالیت سیاسی مهمی داشت. در این هنگام یکی از نمایندگان اصفهان (۳ نفر نماینده داشت) سلیمان میرزا بود که رهبر حزب دموکرات بود و با ۹۱۶ رأی انتخاب شد. حزب دموکرات که ضد روسی بود و روسها نیز با آن شدیداً مخالف بودند. ضمناً حکومت در دست صمصام السلطنه بود، که در مجلس دوم با سلیمان میرزا سابقه مخالفت داشت. بنابر این شاید یکی از علل کمی رأی مربوط به این مسئله باشد. دو نفر دیگر، سید اسدالله چهار سوئی ۹۶۹ رأی و میرزا حسین خان نائینی ۱۰۱۹ رأی آوردند؛ شاید علت کمی رأی در مورد این دو تن نداشتن شهرت و نفوذ محلی بود.

طبق قانون انتخابات هیچ شرطی برای انتخاب کنندگان وجود نداشت،<sup>(۷)</sup> در حالی که در قانون انتخاباتی دوم، شرط مالی، از قرار ۲۵۰ تومان علاقه ملک یا ده تومان مالیات یا ۵۰ تومان عایدی سالیانه در نظر گرفته شده بود؛ انتخاب کنندگان می بایست تحصیل کرده باشند.<sup>(۸)</sup> حذف هر گونه شرطی برای انتخاب شدن باعث شد که در مجلس سوم تغییرات جالب توجهی از لحاظ طبقات، تحصیلات و مشاغل وکلاء در مقایسه با مجلس دوم پدید آید.<sup>(۹)</sup>

بعضی از این تغییرات و نکات دیگری در باره وضع احزاب و انتخابات در جدولهای ۲ تا ۱۲ نشان داده شده است. جدول ۲ حاوی تعداد رأی در هر حوزه انتخابیه است و کاهش تعداد رأی را می نمایاند. در

جدول‌های ۳، ۴ و ۵ با استفاده از محاسبات خانم شجیعی،<sup>(۱۰)</sup> مقایسه‌ای شده با مشاغل، وابستگی‌های طبقاتی و سطح تحصیلات وکلای مجلس دوم و سوم. چنانکه دیده می‌شود در مجلس سوم، تعداد ملاکین و روحانیون افزایش یافته در حالی که تعداد بازرگانان و صاحبان مشاغل آزاد کمتر از مجلس دوم است. همچنین در جدول ۴ می‌بینیم که از صاحبان تحصیلات جدید چه در سطح متوسط و چه در سطح عالی نسبت به مجلس دوم کاسته شده است،<sup>(۱۱)</sup> در حالیکه تعداد افرادی که تحصیلات قدیم داشتند در مجموع تغییری نکرده، ولی در سطح اجتهاد بخصوص بالاتر رفته که نشان دهنده افزایش تعداد روحانیون در مجلس سوم است که بطور استثنایی از همه دوره‌های دیگر بیشتر بود. جدول شماره ۶ افزایش رأی را نسبت به قبل نشان می‌دهد که بطور متوسط ۶/۸ برابر شده است. فقط در کردستان تعداد آراء ۴۷۸ به ۳۵۴ عدد تقلیل یافت که بدون شک مربوط به جنگ و اغتشاشات آن حوالی بود.

جدول ۵ که بر اساس آمار کتاب خانم شجیعی تهیه شده است پایگاه اجتماعی، طبقات و مشاغل وکلای احزاب را نشان می‌دهد. در اینجا نیز می‌بینیم که از لحاظ اجتماعی، طبقاتی و شغلی، احزاب مشابه یکدیگرند و تفاوت محسوسی به چشم نمی‌خورد.

طبق آمار شجیعی ۴۹٪ از وکلای مجلس ملاک بودند.<sup>(۱۲)</sup> و بررسی تعلقات ملکی وکلاد در حوزه‌های انتخاباتی آنها نمایانگر قدرت و نفوذ محلی آنان است. مثلاً سهم‌الملک وکیل عراق از ملاکین بزرگ عراق بود. ادیب‌السلطنه سمیعی از ملاکین گیلان، وکیل رشت شد؛ امیر نظام قراگوزلو وکیل همدان از عمده مالکین آن ایالت بود. همچنین محمدهاشم میرزا افسر داماد نیرالدوله والی خراسان بود که وکیل نیشابور شد. محمد مهدی میرزا جهانسوزی مرآت‌السلطان از عمده ملاکان کرمانشاه وکیل کرمانشاه بود.

## افتتاح مجلس سوم و انتخابات در ایالات / ۸۵

هزالممالک اردلان وکیل کردستان، از ملاکان آن ایالت بود. ضمناً باید به روابط خانوادگی نیز توجه داشت که بدون شک تأثیر فراوان داشته است. البته نفوذ سیاسی و وابستگیهای حزبی نیز در انتخابات تا حدی مطرح بود. سلیمان میرزا که در مجلس دوم از تهران انتخاب شده بود، در مجلس سوم از اصفهان به مجلس راه یافت. شیخ ابراهیم زنجانی و دهخوارقانی هر دو دموکرات بودند و در دور دوم از تهران انتخاب شده بود. گاه نفوذ مذهبی و یا محبوبیت نامزدها و یا سابقه مبارزات سیاسی آنان نیز در انتخاب شدن آنها موثر بود. از جمله سیدحسن مدرس هم از قوچان و هم از تهران انتخاب شد و تهران را قبول کرد.

تعداد تعرفه‌ای که پخش می‌شد همیشه بیشتر از تعداد رأی بود. جدول ۶ تعداد تعرفه را نسبت به تعداد رأی نشان می‌دهد. میانگین تقلیل رأی نسبت به تعرفه ۵۶٪ است. چنانچه از شکایات انتخاباتی مشهود است، تقسیم تعرفه بسیاری اوقات بستگی داشت به مسائل سیاسی. زیرا از آن طریق می‌توانستند جریان انتخابات را به نفع یا ضرر افراد تغییر دهند. در ساوجبلاغ کردان (نزدیک تهران) تقریباً ۱۰،۰۰۰ تعرفه تقسیم شده بود و ۶۴۰۹ رأی به میرزا قاسم خان صوراسرافیل از وکلای اعتدالی داده شد. شاید این تعداد تعرفه به عمد پخش شد که میرزا قاسم خان با اعتبار بسیار وارد مجلس گردد.<sup>(۱۳)</sup> انتخابات آمل و بارفروشی نیز همینطور بود.<sup>(۱۴)</sup>

روزنامه‌ها نسبتاً بطور مفصل منعکس‌کننده جریان انتخابات بودند مانند مسائل انتخابات که اکثر مردم خود به روزنامه‌ها می‌نوشتند. رعد مخبرهائی در ولایات داشت که اخبار را مخابره می‌کردند. البته احتمال دارد که بعضی اوقات غرض ورزی نیز در کار بوده باشد. روزنامه‌ها اشاراتی نیز به مسئله احزاب در انتخابات دارند. حبل‌المتین و رعد با ملاحظه‌تر می‌نوشتند ولی نوبهار به علت اینکه ملک‌الشعرا بهار از اعضای حزب دموکرات بود، آشکارا از موضع حزب دفاع می‌کرد و از بسیاری جریان‌ات انتقاد می‌نمود.

دموکراتها در انتخابات سایر نقاط کشور فعالانه دست به مبارزه زدند.<sup>(۱۵)</sup> در جدول ۸، ۹، ۱۰ زمانی که وکلاء در مجلس بودند محاسبه شده است و می‌بینیم که دموکراتها از سایر احزاب عقب‌تر نبودند بنابراین می‌توان استنباط کرد که نفوذ روسها در همه جا مؤثر نبود و به تدریج کاهش می‌یافت. زیرا علی‌رغم خواسته آنها، دموکراتها توانستند بطور مؤثری عرض‌اندام و مبارزه کنند.<sup>(۱۶)</sup> تفسیر بهار در این مورد جالب توجه است. وی در نوبهار نوشت: «آنچه تاکنون ظاهر گردید، اکثریت مجلس در این دوره با حزب دموکرات نخواهد بود. ولی قوت آنان در مجلس بیش از دوره سابق است. همسایگان ما خیلی ساعی بودند که حزب دموکرات در مجلس اکثریت پیدا نکنند. باید دید که فعالیت دموکرات در این موقع هم کاری از پیش خواهد برد یا نه.»<sup>(۱۷)</sup> گاه اشاراتی هم به دخالت روسها در امر انتخابات شده است. چنانچه رعد شکایت از انتخابات استرآباد را منتشر کرد، شیخ محمد باقر معروف به وطن فروش، رئیس انجمن انتخابات شده و اشاره می‌کند که این به خواست روسها<sup>(۱۸)</sup> یکی از مشخصات انتخابات در این دوره، مانند دوره دوم، این است که احزاب در هیچ یک از ایالات پایگاه حزبی مشخص ندارند، و نتیجه انتخابات از لحاظ حزبی در هم و نامشخص است. در واقع می‌توان گفت که در بیشتر مواقع انتخابات یک مبارزه حزبی نبوده است.

جدول ۱۱ تقسیم وکلای احزاب را در حوزه‌های انتخاباتی ایالات نشان می‌دهد. می‌بینیم که بیشتر ولایات و شهرهایی که بیش از یک نماینده داشتند، وکلاء از طرف دو یا چند حزب انتخاب شده‌اند. تهران شاید در این مورد استثناء باشد چون هنگام بحث در مورد اعتبارنامه حاجی آقا شیرازی از بعضی فعالیت‌های حزبی هنگام انتخابات پرده برداشته شد.<sup>(۱۹)</sup>

طبق قانون انتخابات، انجمن‌های نظار که مسئول تقسیم تعرفه و سرپرستی انتخابات و شمارش آراء بودند، توسط حکام انتخاب می‌شدند. به محض آغاز انتخابات در ایالات، شکایات بسیاری به روزنامه‌ها نوشته شد،

## افتتاح مجلس سوم و انتخابات در ایالات / ۸۷

که تا پس از باز شدن مجلس و هنگام بررسی اعتبارنامه‌های وکلاء همچنان ادامه یافت.

رعد از روزنامه‌های دیگر به نظر کوشاتر می‌آید. یک بار در این باره نوشت: «با کمال تأسف باید گفت که گویا در ایران تنها روزنامه رعد است که می‌خواهد از روی بصیرت و اطلاع خود خواطر اهالی این کشور از اوضاع آتیه و مخاطرات مهم آینده جلب و وظیفه یک روزنامه جدی ملی را تا درجه‌ای که ممکن است ادا نماید.»<sup>(۲۱)</sup> گاه لحن تهدیدآمیزی می‌گرفت و هشدار می‌داد که دست از «پارتی بازی» و اعمال نادرست بردارند.<sup>(۲۲)</sup> گاهی نیز می‌کوشد اذهان را تسکین دهد که در آتیه از این گونه تلگرافات شکایت زیاد خواهد شد، نباید به آنها توجه کرد، «چه امر انتخابات به تعویق خواهد افتاد.»<sup>(۲۳)</sup> البته بعضی از این شکایات اصولی نبودند، بلکه به نظر می‌رسد که شکایت یک دسته بر ضد یک دسته دیگر بود. در ژوئیه ۱۹۱۴ رمضان ۱۳۳۲ روزنامه تایمز نیز در باره انتخابات مقاله مفصلی منتشر کرد و نوشت که جمع‌آوری اطلاعات از جریان انتخابات ایالات آسان نیست. در اصفهان مشهد، قم، رشت، همدان و سلطان آباد که اکنون انتخابات انجام شده سوءاستفاده کم نبوده است. گاه لازم می‌شد که از انتخاب شدن عده‌ای جلوگیری به عمل آید. حاکم اردستان هزار تعرفه فرستاد که انجمن نظار پذیرفته بود، چون همه با یک دست خط نوشته شده بودند. در کرمانشاه<sup>(۲۴)</sup> گفته می‌شود که دموکرات‌ها پیش افتاده‌اند در صورتی که تمایل حاکم با میانه‌روها است. در کرمان در ۱۸ آوریل دستور آغاز انتخابات ارسال شد و اواخر ژوئن به آنجا رسید، در حالی که تا آن وقت دستور آغاز انتخابات به بیرجند نرسیده بود.<sup>(۲۵)</sup>

انتخابات ولایات در جمادی‌الثانی ۱۳۳۲ ق آغاز شد. در همان تاریخ به حکام ابلاغ شد، و حکام همکاری خود را به تهران مخابره کردند و از انتخاب هیأت انجمن نظار خبر دادند.<sup>(۲۶)</sup> رعد نیز نوشت که حکام نباید

نوکران خودشان را نماینده ایالات کنند، و بارها تأکید می‌کرد که حکام باید در تسریع انتخابات بکوشند. ولی ظاهراً این نوع مطالب چندان مؤثر نبود چون انتخابات به کندی بسیار پیش می‌رفت. در روزنامه‌ها بخصوص در رعد شکایت از سوء استفاده، کارشکنی، اعمال نفوذ حکام و اعضای انجمن نظار و ملاکین و یا عدم آگاهی مردم، دسته‌بندی‌ها و دشمنی‌ها و رقابت‌های محلی و خصوصی بسیار است. (۲۷)

مردم هم همیشه رغبت به انتخابات نداشتند، چنانچه مثلاً بهار در باره انتخابات نیشابور نوشت: «... در یک روز تمام هیأت انجمن نظار از صبح تا شب نشسته ۲ تعرفه داده شد.» (۲۸) جبل‌المتین در باره فارس نوشت: «به خوبی معلوم است. که متتخبین، وکلای حکام‌اند، نه وکلای ملت» و اضافه کرد که «اکثریت این مجلس با احرار نیست، اگر چه در بعضی از ولایات زحمت زیاد کشیده شد ولی نتوانستند بیش از یکی دو نفر وکیل دست‌چپ معین نمایند.» (۲۹)

در باره انتخابات کرمان نیز رعد نوشت که مردم از انتخاب وکلای آنجا اکراه دارند، مگر در مورد چند نفر از «متنفذین». در زرنند نیز حاکم می‌خواست به قوه قهریه برادرش سالار فیروز را انتخاب کند. در جیرفت مردم نه آگاه بودند نه مایل، و در بم همه خوانین سعی داشتند انتخابات را عقب اندازند. (۳۰)

از قم تقاضای مفتش برای رسیدگی به انتخابات کردند. (۳۱) در باره عراق رعد نوشت که متنفذین غالباً ملاک هستند، و رعایای آنها از دهات به شهر ریخته بودند بطوریکه یک نفر از شهر فرصت گرفتن تعرفه نکرده بود. هنگام دادن تعرفه میان یک دسته و دسته دیگر جنگ شد و چند نفر مجروح شدند. (۳۲) به یک نفر از رعایائی که تعرفه به او نرسیده بود، گفته بودند روز دیگر بیاید، جواب داده بود که «من فقط خرجی یک روز، یعنی دو هزار گرفته‌ام، دو هزار دیگر بدهید، تا فردا هم بمانم.» (۳۳)

## افتتاح مجلس سوم و انتخابات در ایالات / ۸۹

انجمن‌های نظار هم گاه نامناسب بودند، یا مرتکب کارهای ناشایست می‌شدند. مثلاً از شهریار نوشتند که بعضی از اعضای انجمن نظار سواد فارسی هم ندارند.<sup>(۳۴)</sup> از بارفروش نوشتند فقط ۵۰۰ تعرفه به آمل فرستاده شده، و اعضای انجمن نظار بارفروش برای وکالت خود سنگ به سینه می‌زنند. از بندرگز نوشتند که انجمن نظار نامزد وکالت‌اند.<sup>(۳۶)</sup>

انتخابات ساوه به ویژه با مشکلات بسیاری روبرو گشت و تلگرافات متعددی به وزارت داخله مخابره شد که در روزنامه‌ها درج گردید. ظاهراً علی‌اصغر خان تحصیلدار مالیه عده‌ای را مجبور کرده بود به رئیس مالیه رأی بدهند. یک بار انجمن نظار را منحل می‌کنند ولی مفتشی که از تهران می‌فرستند کاری از پیش نمی‌برد.<sup>(۳۷)</sup>

انتخابات کرمانشاه نیز با مشکل روبرو شد. در این وقت حاکم کرمانشاه عبدالحسین میرزا فرمانفرما بود که از دیر باز با حزب دموکرات رابطه خوبی نداشت. چنانچه بعداً نیز خواهیم دید در مجلس توسط همان حزب مورد استیضاح واقع شد. حبل‌المتین در باره انتخابات کرمانشاه نوشت که پس از آنکه دموکرات‌ها اکثریت را به دست آوردند، فرمانفرما، اگر چه خودش را بی‌طرف جلوه می‌داد، ولی حسن نامی را تحریک کرد تا مجلس نظار را به آن بهانه که این انتخابات صحیح نیست بستند. اهالی شورش کردند و بازار بسته شد. نتیجه این بود که «فرقه بندی شده، خلخال‌ها خودشان را اعتدالی و ایل سنجابی و قسمتی از کلهر هم منسوب به فرقه دموکرات‌اند». سپس اضافه می‌کند امروز کرمانشاهان مرکزیت فرقه دموکرات را تشکیل می‌دهد، اگر مردم رنجبر ملتفت حقوق خودشان بشوند، مسلک دموکرات اختیار و برضد اعتدالیون اشراف پسند، اقدام می‌نمایند.»<sup>(۳۸)</sup>

البته در بعضی از ولایات انتخابات با وجود مشکلات، نسبتاً خوب انجام شد. از آن جمله همدان تحت حکومت سالار لشکر، بروجرد تحت حکومت نظام‌السلطنه، فارس تحت حکومت مخبرالسلطنه، اصفهان تحت

حکومت صمصام السلطنه و مشهد تحت حکومت نیرالدوله را می‌توان نام برد.

این احتمال را نیز نباید از نظر دور داشت که در محلی که حاکم نیرومند بود، امکان شکایت کم‌تر بود، و بعید نیست تلگرافات از رضایت انتخابات را اتباع و هواداران خود حکام مخابره کرده باشند. در حالی که روزنامه‌ها اعتراضات و شکایت از جریان انتخابات را به تفضیل منعکس می‌کردند، مطالب زیادی راجع به فعالیت احزاب ندارند؛ و چنانچه ذکر شد به نظر می‌رسد که انتخابات کمتر بر پایه تبلیغات حزبی بود، و مردم به افراد رأی می‌دادند نه به نمایندگان حزبی. یکی از علل آن، ضعف احزاب بود که نه تنها مدتی تعطیل بودند، بلکه سابقه فعالیت و رابطه آنها با مردم زیاد نبود.

البته عدم آگاهی مردم در بی‌تفاوتی آنها هم مؤثر بود. چنانچه اشاره شد حبل‌المتین راجع به انتخابات کرمان نوشت «مردم چیزی نمی‌فهمند.» راجع به یزد نوشت: «فعلاً بازار، احزاب را بخوبی رواج داده جمعی خود را دموکرات و برخی اعتدالی و به محض اینکه هر کدام به دیگری باید قوت خود را به خرج داده، غالبیت حزب خود برسانند، بنای پارتی بازی گذاشته، گاهی دموکرات عرض اندام می‌نماید و زمانی اعتدالی. خودنمایی و مزه اینجا است هیچ کدام هم (مثل همه) پی به حقیقت احزاب نبرده...»<sup>(۳۹)</sup>

بیشتر روزنامه‌ها با فعالیت حزبی موافق بودند چنانچه رعد نوشت: «تصادم افکار و تعاطی عقاید و آراء لازم است، و اگر چنانچه اقلیت معارضی نداشته باشد وجود پارلمان از میان می‌رود.» و تاکید داشت که «... یک اقلیت معارضی باید باشد که مواظب حال اکثریت باشد»<sup>(۴۰)</sup>.

بالاخره علی‌رغم دشواریهای یاد شده مجلس گشایش یافت. وکلای ایالات نیز کم‌کم می‌رسیدند. انعقاد جلسات مرتب مجلس از تاریخ ۱۷ صفر ۱۳۳۳ ق یک ماه پس از افتتاح آن آغاز شد. احمد شاه اکنون تاجگذاری کرده



## افتتاح مجلس سوم و انتخابات در ایالات / ۹۱

و ناصرالملک از صحنه سیاست کنار رفته بود، ولی تغییرات در نهایت، تأثیر چندانی در امور نداشت، چون وظایف و نقش شاه در قانون اساسی چندان زیاد نبود. احمد شاه نیز از تجربه چندانی برخوردار نبود که نفوذ مؤثری داشته باشد. فقط رقابت برای اشغال منصب نیابت سلطنت اکنون از بین رفته بود. احمد شاه را ضعیف و ترسو و پول پرست توصیف کرده‌اند. ولی باید توجه داشت که هیچ یک از این خصوصیات اگر صحت داشته باشد، مختص شخص او نبود. بلکه سایر سیاستمداران معاصر نیز چنین بودند، با این تفاوت که آنها می‌توانستند استعفا بدهند و او نمی‌توانست.

این را نیز باید اضافه کرد که احمد شاه در دورانی بر تخت نشست که از لحاظ جنگ بین‌المللی و همه‌گیر استثنائی بود. جنگ موازین موجود را بهم ریخت و ایران را دچار بحران بی‌سابقه‌ای کرد و اتخاذ خط مشی مشخص را دشوار گردانید.

احمدشاه در سخنرانی خود در جلسه افتتاحیه مجلس، بی‌طرفی ایران را اعلام کرد. ولی مسأله این بود که دولت قدرت و استقلال لازم را برای حفظ این بی‌طرفی نداشت.

نه احزاب سیاسی و آزادیخواهان و نه دولتهای خارجی هیچ یک حاضر نبودند که از این سیاست پیروی کنند. از نظر ملیون ایرانی، جنگ و مداخله آلمان و عثمانی در ایران فرصتی بود برای مقابله با دو دولت رقیب و دشمن یعنی روس و انگلیس. بروز جنگ باعث شد که موقتاً از سختگیرهای روس و انگلیس کاسته شود، و در نتیجه حزب دموکرات قدرت بیشتری یافت و این معنی از انتخابات ایالات و تجدید انتخابات تهران مشهود است. همین امر موجب شد که هدایت احزاب در مجلس به دست این حزب که برای اولین بار اکثریت کوچکی یافته بود، بیفتد.

## یادداشتهای فصل چهارم

۱. مذاکرات مجلس دوره سوم تقنینیه، روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران، مهر ۱۳۲۷ ش، ص ۲ - ۵.  
۲. این رقم از کل تعداد آرائی که در مذاکرات مجلس ثبت شده به دست آمده است.

۳. طبق گفته این خبرنگار جمعیت ۳ شهر ایران: تهران و تبریز و اصفهان جمعاً ۷۰۰,۰۰۰ نفر بود و جمعیت اصفهان را حدود ۸۰,۰۰۰ نفر تخمین می زدند. مشهد، شیراز، همدان، قم، کاشان، کرمان و کرمانشاه دارای ۵۰,۰۰۰ تا ۲۵,۰۰۰ نفر جمعیت بود. از سایر شهرها، ۴۵ شهر مانند آباده، کازرون و غیره را از ۲۰,۰۰۰ تا ۷,۰۰۰ نفر؛ و جمعیت ۴۵ شهر کوچک دیگر و بعضی از قصبات را جمعاً ۱۵۰,۰۰۰ نفر نوشته است.

Times, July 22, 1914.

طبق این برآورد، و در صورتی که تعداد مردان را  $\frac{1}{3}$  جمعیت محسوب کنیم

## یادداشت‌های فصل چهارم / ۹۳

درصد رأی در بعضی از شهرها از این قرار بود:

کرمانشاه ۴۴٪، زنجان ۷۳٪، همدان ۲۸٪، رشت ۱۷٪، شیراز ۲۵٪، اصفهان ۳/۸٪.

۴. در فصل پیشین به محاسبه مخبر روزنامه تایمز در باره تعداد رأی‌دهندگان در تهران اشاره شد. او بر این اساس جمعیت تهران را ۳۶۰،۰۰۰ نفر و مردان را ۱۵۰،۰۰۰ نفر محاسبه کرده که ۴۱٪ کل جمعیت است. در این صورت ۱۱/۳٪ جمعیت تهران رأی داده بودند. ولی اگر مردان را ۱ جمعیت به حساب آوریم ۱۴٪ کل جمعیت رأی داده بودند. در هر حال رأی‌دهندگان پایتخت نسبت به سایر شهرها بطور قابل ملاحظه‌ای بیشتر بود.

۵. سردار معظم خراسانی، تیمورتاش، از وکلای بسیار پرشور و فعال بود که از دوره اول مجلس برای مشروطه فعالیت کرده و در این دوره شناخته شده و معروف بود.

۶. متین‌السلطنه مدیر، روزنامه عصرجدید بود.

۷. مصوبات، ص ۲۴ - ۴۰۳.

۸. همان، ص ۴۶ - ۴۴.

برای مقایسه با مجلس دوم، رجوع شود به، زهرا شجیعی، نمایندگان مجلس شورای ملی در بیست و یک دوره قانونگذاری، تهران ۱۳۴۴ ش.

۱۰. همان ص ۲۲۳ - ۱۷۴.

۱۱. حبل‌المتین در این باره نوشت: «...گویا دولت تمام کوشش خود را در تنزل رتبه افکار وکلای این دوره برده و از ترس استنطاقات شدید و حرارت مفرط دوره قبل که معدودی وکیل دست چپ و غیره مشاهده افتاد...»

حبل‌المتین، شماره ۲۷، ۲۷ ذیحجه ۱۳۳۲ ق.

نوبهار نیز در باره اهمیت علم برای وکلا مقاله مفصلی نوشت (شماره ۳۱، جمادی‌الثانی ۱۳۳۲).

۱۲. زهرا شجیعی، نمایندگان مجلس شورای ملی، ص ۱۸۱.

۱۳. رعد متن شکایت از انتخابات ساوجبلاغ را چنین آورده است:  
«به ما گفتند که حکم حاکم است و مرگ مفاجات باید رعیت تعرفه بگیرد و بعد از تعرفه گرفتن به ما گفتند که عموم رعیت ساوجبلاغ به حکم دولت باید آقای میرزا قاسم خان تبریزی را وکیل کنند.

شهاب‌السلطان عضو انجمن نظار شخصاً سوار شده در دهات و آبادیهای ساوجبلاغ مردم را تهدید نمود... خواستیم به حاکم شکایت کنیم ولی آقای حسین‌زاده به ضرب شلاق حالی کرد؛ و خواستیم به قوام‌الدوله حاکم تهران شکایت کنیم، معلوم شد خود او قاسم‌خان را از حکومت محلی خواسته؛ و اگر بخواهیم به هیأت دولت شکایت کنیم اتفاقاً هیأت دولت برای جلب رضایت یک قسمت از حزب محترم اعتدالیون باکمال لاقیدی این انتخابات اجباری را در پشت دروازه تهران تماشاچی سده و شاید هم نظریات خودشان را مخصوصاً در اجرای این مقصود دخالت بدهند، در این صورت چه باید کرد؟»

در این باره که هیچکس قاسم خان را در ساوجبلاغ نمی‌شناسد آورده:  
«حزب محترم اعتدالیون که دارای یک عقیده و یک مسلک و یک نظام نامه بودند، موقع انتخابات شهر آن همه اختلاف نشان دادند. با کدام نیرنگ و حقه‌بازی تمام اهل ساوجبلاغ را یک حزب سیاسی میتوان تصور کرد؟»

بر تهدید ریش سفیدان و کدخدایان از طرف حکومت در وجوب انتخاب آقای میرزا قاسم‌خان، طهماس نام سوار قاطر حکومتی شده، در دهات ساوجبلاغ به اهالی اطلاع می‌دهد که هر کس به غیر از آقای میرزا قاسم‌خان رأی بدهد مورد مؤاخذه قرار خواهد گرفت. دو نفر دیگر خازن دیوان و منظم دیوان مستأجرین خالصه مقداری رأی به حکومت می‌دهند و می‌گویند چون رعایا باید مشغول امور زراعتی باشند خود آنها از این که یک در محل انجمن نظار حاضر شده رأی بدهند معاف فرموده آراء آنها مطابق دستورالعمل حکومتی حاضر شد.

رعد، شماره ۴۷، ۱۳ صفر ۱۳۳۳ ق.

۱۴. رعد، شماره ۷۲، ۱۹ رجب ۱۳۳۲ ق.

## یادداشت‌های فصل چهارم / ۹۵

۱۵. رعد اعلان مفصلی از طرف "یک نفر دموکرات" با امضای س. ن. در باره اینکه چه کسی را باید مردم انتخاب کنند درج کرد:

«باید افرادی که به آزادی علاقه دارند انتخاب کنند. افرادی که مقاصد شخصی ندارند... به چه وسیله می‌توان اینها را شناخت؟ باید حال اشخاص را مطالعه کنند که در این مدت انقلاب خود را به معرض امتحان آورده‌اند.

آیا اگر اشخاص را بشناسیم که برای پیشرفت مطالب مملکتی و مقاومت در مقابل محافظه استقلال وطن تا آن پایه جلو رفته باشند که به تبعید از مملکت و تهدید به قتل روبرو شده باشند، آن اشخاص نباید امروز در موقع انتخاب از نظر ما به نام وطن‌خواهان حقیقی دفیله دهند؟

آیا کسانی که سالها در مجرای سیاست مملکتی صاحب مداخله قوی بوده همه وقت اقتدارات ملی را حائز بوده‌اند و حالا بدون دیناری سرمایه حتی بدون مدد معاش زیست می‌کنند، آیا نمی‌توان آن اشخاص را ضد ارتشاء و امین بیت‌المال مسلمین دانست و نام خجسته آنها را در اوراق رأی با قلبی راضی و مطمئن نوشت؟»  
رعد، شماره ۹۵، ۲۱ جمادی‌الاول ۱۳۳۱ ق.

۱۶. مدت حضور وکلا در مجلس نامعین بود. بنابر این تعداد آرائی که در جدول ۷ مشاهده می‌شود از کل وکلای مجلس کمتر است.

۱۷. نوبهار، شماره ۳۰، ۳ صفر ۱۳۳۳ ق.

۱۸. رعد، شماره ۱۰۰، سلخ جمادی‌الثانی ۱۳۳۳ ق.

۱۹. حسن اعظام قدسی از اعضای حزب دموکرات در این باره نوشته است: «در آن روز من نویسنده در مجلس بودم که در موضوع اعتبارنامه حاج آقا شیرازی مذاکرات در رد و قبول به قدری شدت کرد که دو مرتبه مجلس متشنج شد و بالاخره دموکراتها در رد اعتبارنامه موفق شدند.» سپس اضافه کرده که اعتدالی‌ها از نظر مسلکی با او مخالف بودند. و در این مورد با دموکراتها همکاری کردند.

حسن اعظام قدسی، خاطرات من یا روشن شدن تاریخ صدساله، ۲ جلد، تهران، ۱۳۴۲ ش؛ جلد ۱، ص ۶۸-۲۶۷.

۲۰. برای اطلاع از مواد مربوط به انتخاب انجمن نظار رجوع شود به مصوبات، ص ۴۰۶.

۲۱. رعد شماره ۴۰، غره جمادی الاول ۱۳۳۲ ق

۲۲. واژه "پارتی بازی" جالب توجه است، چون از آن به عنوان گروه ذینفع استفاده می‌شد، و نشان‌دهنده بعد منفی حزب (پارتی) است.

رعد، شماره ۵۹، ۱۶ جمادی الثانی ۱۳۳۲ ق.

۲۳. همان، شماره ۵۸، ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۳۲ ق

۲۴. حاکم کرمانشاه در این تاریخ عبدالحسین میرزا فرمانفرما بود.

25. Times, July 22, 1914.

۲۶. رعد، شماره ۵۹، ۱۶ جمادی الثانی ۱۳۳۲ ق.

۲۷. والی عربستان (خوزستان) شیخ خزعل سردار ارفع، مدتها انتخابات را عقب انداخت. پس از تأکید دولت، محمدعلی سالار معظم پسر رضاقلی خان نظام‌السلطنه، از ملاکین معروف محلی و والی لرستان، که دوستی دیرینه با وی داشت، انتخاب شد ولی به مجلس نرسید.

رعد، شماره ۳، ۸ ذیقعد ۱۳۳۲ ق.

۲۸. نوبهار، شماره ۵۳، غره شعبان ۱۳۳۲ ق.

۲۹. جبل‌المتین، شماره ۲۷، ۲۷ ذیحجه ۱۳۳۲ ق.

۳۰. رعد، شماره ۱۰۳، ۱۷ شوال ۱۳۳۲ ق.

۳۱. همان، شماره ۵۸، ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۳۲ ق.

۳۲. همان، شماره ۶۹، ۹ رجب ۱۳۳۲ ق.

۳۳. نوبهار، شماره ۳۹، ۲۵ جمادی الثانی ۱۳۳۲ ق.

۳۴. رعد، شماره ۷۲، ۱۹ رجب ۱۳۳۲ ق.

۳۵. همان.

۳۶. همان، شماره ۱۸، ۱۳ ذیحجه ۱۳۳۲ ق.

۳۷. همان، شماره ۹۶، ۲۷ رمضان ۱۳۳۲ ق.

## یادداشت‌های فصل چهارم / ۹۷

۳۸. حبل‌المتین، شماره ۱۵، ۲۴ رمضان ۱۳۳۲ ق.

عبدالحسین میرزا فرمانفرما در ذیقعدہ ۱۳۳۲ ق کرمانشان را ترک کرد. در آن هنگام وکلا انتخاب شده بودند. او در تلگرافی به دولت، قبل از حرکت، خبر داد که چون عده‌ای از انتخابات ناراضی هستند، معترض شده و از جریان انتخابات شکایت کرده‌اند.

همان، شماره ۲۳، ۲۱ ذیقعدہ ۱۳۳۲ ق.

۳۹. همان.

۴۰. رعد، شماره ۱۶، ۲۵ صفر ۱۳۳۲ ق.

## فصل پنجم

### احزاب سیاسی در مجلس سوم

مجلس سوم در ۱۷ محرم ۱۳۳۳ ق افتتاح و از یک ماه بعد جلسات آن بطور مرتب منعقد شد.

با گشایش مجلس، فعالیت احزاب نیز آشکارا رونق گرفت؛ و از آن گذشته باعث شد که روس و انگلیس نتوانند بطور دلخواه در اداره امور کشور اعمال نفوذ کنند. این رونق و آزادی دولت ایران را نیز دچار مشکل بسیار کرد. زیرا اکنون روزنامه‌ها ناشر افکار عمومی بودند.

ضمناً عامل جدیدی را که در این زمان بطور فعال وارد صحنه سیاست ایران شد نباید فراموش کرد. از آغاز جنگ جهانی اول آلمان و ترکیه عثمانی به تبلیغات و فعالیت گسترده‌ای بر ضد سلطهٔ دیرین روس و انگلیس، خاصه در ایران دست زدند. تبلیغات آلمان و گرایش مردم به آن، دولت ایران را که می‌کوشید بی‌طرفی خود را حفظ کند، با دشواریها روبرو ساخت. زیرا روسها



فشار می آوردند که دولت از فعالیت آلمانها ممانعت کند، و این خود در واقع نقض بی طرفی بود؛ و از سوی دیگر مردم و خاصه حزب دموکرات می خواستند از این جنگ بهره برداری کرده و نفوذ دولتیین مذکور را در ایران خنثی سازند.

کابینه ها مانند سابق با نظر روس و انگلیس تشکیل می شد ولی اکنون نظر آلمان نیز در بسیاری از موارد می بایست مراعات می شد. به علاوه اکنون با گشایش مجلس ممکن بود با استیضاح و رأی عدم تمایل به دولت، آنرا ساقط کنند. و این در واقع به منزله انتقاد از دولتهای خارجی بود که در تشکیل کابینه اعمال نفوذ می کردند. به همین دلیل روس و انگلیس هر دو از گشایش مجلس ناخرسند بودند.

سوء ظنی که نسبت به عملکرد دولت ایران و حس بدبینی نسبت به آنها بطور ضمنی از سوی وکلاء اظهار می شد، گاه باعث یأس از پیشرفت امور می گردید<sup>(۱)</sup> و در مطبوعات انعکاس می یافت. دولت نیز تا آنجا که می توانست از انتشار اخبار کشور ممانعت می کرد. یکی از شکایات مطبوعات این بود که از وقایع کشور بی خبرند. چنانچه رعد نوشت بواسطه سانسور از اوضاع آذربایجان خبری در دست ندارند.<sup>(۲)</sup> همچنین اجازه بحث در باره امور خارجی به وکلاء و تا آنجا که ممکن بود به مطبوعات داده نمی شد. شاید اگر وکلاء می توانستند مسائل خارجی را مطرح کنند، دولت ایران در برابر دول خارجی، از پشتیبانی ایرانیان و قدرت بیشتری برخوردار می شد. ولی چون مسائل بین المللی از دیده بیشتر مردم مخفی بود، دولتیین روس و انگلیس تقریباً می توانستند دولت ایران را تحت فشار قرار دهند. یکی از دلایل عدم انتشار اخبار مربوط به روابط خارجی، بدون شک برای اجتناب از عکس العمل ملیون بود. زیر بعضی از خواسته های دولتیین روس و انگلیس و سازش دولت ایران با آنها، با مواضع ملیون مغایرت داشت. بنابر این مسائل مهم روابط خارجی در جلسات علنی مجلس مطرح نمی شد. البته قانون

اساسی نیز تشکیل جلسات خصوصی برای بحث در اطراف برخی مسائل را اجازه داده بود.

\*\*\*

درست است که احزاب سیاسی در مجلس دوم ظاهر شده و فعالیت می‌کردند، ولی رشد و تحول صحیح نیافتند و از ایفای نقش موثر و مفید منحرف شدند که این البته به سود مجلس و مشروطه نبود.

طبق ماده ۳۲ متمم قانون اساسی وکلاء به محض قبول شغل دولتی می‌بایست از وکالت استعفا دهند.<sup>(۴)</sup> بنابراین هیچ دولتی منتخب واقعی حزب نبود، و مجلس و احزاب از کابینه جدا بودند و تنها به هنگام تشکیل کابینه، در باره ریاست وزراء و انتخاب بعضی از وزیران، با آنها مشورت می‌شد. در واقع احزاب به دلیل ضعف سیاسی و سازمانی خود در این گونه مسائل زیاد به حساب نمی‌آمدند. اگر هم حزبی در صدد پشتیبانی از کابینه برمی‌آمد، چندان مؤثر نبود. چنانچه یک بار که کابینه مشیرالدوله را احزاب انتخاب کردند، روسها او را واداشتند دو ماه بعد استعفا بدهد. رجال بزرگ نیز که به کابینه وارد می‌شدند اغلب عضو هیچ حزبی نبودند.

ضعف احزاب تا حدی ناشی از طولانی بودن دوره انتخابات و راه یافتن تدریجی وکلاء به مجلس بود. ضمناً از حمایت چندانی نیز از سوی مردم برخوردار نبودند. چنانچه پیش از این نموده شد، تعداد آراء احزاب اندک بود و انتخابات غالباً پایه حزبی نداشت. و مردم به افراد خاصی رأی می‌دادند. بنابراین این دول خارجی نیز به خواسته‌های آنها چندان توجه نمی‌کردند. از جمله دیگر علل ضعف احزاب، نامشخص بودن نقش آنها در ساختار سیاسی عصر، و ابهام مواضع آنها بود.

نخستین بار به هنگام بحث درباره پروگرام دولت مستوفی الممالک به نقش احزاب اشاره شد. دولت مستوفی با موافقت و استقبال وکلاء رأی تمایل گرفته بود، اما چون برنامه خود را در مجلس مطرح کرد، با انتقاد روبرو

شد. (۵)

شهاب‌الدوله وزیر پست و تلگراف به این قضیه اشاره کرده که: «این مسئله هنوز در مملکت ما مسلم و محرز نیست که مقصود از پروگرام هیأت دولت چه چیز است... می‌بینم از روی نظریات شخصی یک شرایطی برای پروگرام وزراء ذکر می‌کنند. (۶) و سپس اضافه کرده که: «... من گمان نمی‌کنم آنهایی که اطلاع دارند از ممالک خارجه، این مسئله را ندانند. اگر مقصود از مشی، "پارتی" باشد، آن قبلاً معلوم است، زیرا که اگر پارتی اکثریت وزرانی انتخاب می‌کنند، یا فرقه احرارند یا از فرقه محافظیون هستند، یا تندروها هستند، یا کندروها هستند. بهر اصطلاح یا هر چه هستند، قبلاً معلوم است مشی پلتیکی اساسی آنها چه چیز است... خوب است مجلس از این باب قانون وضع کند که معلوم شود مقصود از پروگرام دولت چه چیز است...» (۷)

شیخ اسدالله نظر هیأت علمیه را چنین بیان کرد: «با وجود اینکه رئیس‌الوزراء را اکثریت تأیید کرد و اظهار اعتماد به او کرد، باید پروگرام او هم مورد تأیید قرار گیرد.

وظیفه انتقاد کردن از دولت باید وظیفه اشخاصی باشد که با دولت ربطی ندارند. این ایراد بر مانیتست بجهت آنکه ما مخالف هستیم با پروگرام و وظیفه ما تنقید است.» (۸)

هنگام بحث در باره برنامه مشیرالدوله، چون وی از حمایت اکثریت برخوردار بود، مخالفت‌های علمیه به جانی نرسید. کابینه عین‌الدوله، و بخصوص عضویت فرمانفرما، به عنوان وزیر داخله مورد قبول دموکراتها نبود، او را به سبب نابسامانیهای کرمانشاه استیضاح کردند که منجر به استعفای کابینه شد. دولت دوم مستوفی‌الممالک مورد تأیید دموکراتها بود، ولی به علل خارجی دوامی نیافت و مسئله‌ای که بدان اشاره شد حل نگشت. در مجلس سوم چهار گروه سیاسی ظاهر شد: دو حزب قدیمی دموکرات و اعتدالی، و دو گروه دیگر یعنی جناح بی‌طرف (۹) و گروه جدیدی

به نام هیأت علمیه. چنانچه اشاره شد عده‌ای از وکلای مجلس سوم قبلاً نیز در مجلس بودند و بعضی از آنها چنانچه خواهیم دید تغییر حزب داده بودند. از این بین ۱۳ نفر وکیل دموکرات که در مجلس دوم حضور داشتند، ۱۱ نفر قبلاً نیز جزء دموکرات‌ها بودند، دو نفر آنها از اعتدالیون بودند. ۳ وکیل اعتدالی قبلاً در مجلس دوم نیز عضو همین حزب بودند. ۲ نفر وکیل از هیأت علمیه قبلاً اعتدالی بودند. همچنین ۳ نفر از گروه بی‌طرف نیز قبلاً از اعتدالیون بودند. بنابر این می‌بینم که نسبت به سایر احزاب، بیشترین تعداد از این حزب جدا شدند و به سایر احزاب و دستجات دیگر پیوستند. پس از گشایش مجلس عده‌ای از اعضای حزب که وکیل مجلس نبودند نیز از این حزب استعفا دادند.<sup>(۱۰)</sup>

احتمالاً این تغییرات به علت ضعف ایدئولوژیک<sup>(۱۱)</sup> یا رهبری حزب، و یا به علت انشعابات بود که در دوره فترت در این حزب رخ دادند. در مجلس دوم ۴۸٪ وکلای مجلس از اعتدالیون و ۲۲٪ از دموکرات‌ها بودند. اکنون این نسبت به ۳۱٪ از دموکرات‌ها و ۲۴٪ از اعتدالیون تغییر کرده بود. بطوری که در فصل پیشین ذکر شد، وکلاء به تدریج وارد مجلس می‌شدند و حتی تا آخرین روزهای مجلس نمایندگان جدید بدان راه می‌یافتند. به این جهت قدرت و نفوذ احزاب در مجلس همواره متغیر بود. این تحول در جداول شماره ۹ و ۱۰ نشان داده شده است.

جدول شماره ۹ تعداد وکلای هر حزب را در مجلس در طی ماههای مختلف و جدول شماره ۱۰ افزایش تدریجی تعداد وکلای هر حزب را در آن ماهها نشان می‌دهد. طبق این جدول از آغاز کار مجلس فاصله بین تعداد وکلای احزاب چندان زیاد نیست ولی از ماه شعبان ۱۳۳۲ ق، تعداد وکلای حزب دموکرات به نسبت قابل ملاحظه‌ای افزایش می‌یابد. در فصل هفتم، اکثریت یافتن دموکراتها در مجلس مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

بنابر قول بهار، با آنکه انتظار می‌رفت از دموکراتها و چپ‌روها کسی

## احزاب سیاسی در مجلس سوم / ۱۰۳

اکثریت یافتن دموکراتها در مجلس مورد بررسی قرار خواهد گرفت. بنابراین قول بهار، با آنکه انتظار می‌رفت از دموکراتها و چپ‌روها کسی انتخاب نشود، در خراسان، اصفهان، فارس و کرمان اکثریت با دموکراتها بود.<sup>(۱۲)</sup> و در انتخابات مجدد تهران نیز همانطور که قبلاً اشاره شد، ۴ نفر از دموکراتها انتخاب شدند.<sup>(۱۳)</sup> این را نیز باید اضافه کرد، که دموکراتها از هواداران آلمان بودند، که بازتاب آن در خارج از مجلس بیشتر بود. زیرا هر اندازه جنگ به نفع آلمانها پیش می‌رفت بر نفوذ دموکراتها در شهرستانها نیز افزوده می‌شد.

اختلافاتی که در مجلس اول ظاهر شد اختلاف میان دو دیدگاه تندروها و میانه‌روها بود. در مجلس دوم این اختلافات آشکارتر و مشخص‌تر شد و به شکل اختلاف ایدئولوژیک میان چپ و راست، چپ تندرو و راست میانه رو، دموکرات و اعتدالی؛ ظاهر شد. در این مجلس این دو گروه با یکدیگر ائتلاف کردند و در برابر گروه تندرو علمیه، جناح دست راست و محافظه‌کار قرار گرفتند. شاید آخرین بار در مجلس سوم بود که اختلافات ایدئولوژیک هنوز مطرح می‌شد. زیرا از مجلس چهارم اختلاف ایدئولوژیک حزبی به تضاد بین "فراکسیون"هایی که اطراف افراد شاخص تشکیل می‌شد تبدیل گشت.<sup>(۱۴)</sup>

## حزب دموکرات

ریاست حزب دموکرات همچنان با سلیمان میرزا بود و مرامنامه و تشکیلات آن ظاهراً تغییر نکرده بود. حزب در ربیع‌الثانی ۱۳۳۳ ق، طی بیانیه‌ای مواضع خود را اعلام کرد ولی بیشتر جنبه تبلیغاتی داشت و مسلک حزب را چندان مشخص نمی‌کرد. فقط عنوان کرده بود که از اهداف خود

منحرف نشده است. (۱۵)

در مجلس سوم حزب دموکرات از بعضی از مواضع تند خود نزول کرده بود. این شاید به سبب تجربه‌ای بود که از مجلس دوم به دست آورده که طی آن به خصومت روسها دامن زده و دموکراتها را مسئول پیشروی روسها می‌دانستند. (۱۶)

ولی علت اصلی این نزول از تندروی را باید بروز جنگ دانست زیرا دموکراتها بیشترین فعالیت را برای کمک به آلمانها انجام دادند. ولی در مسائل داخلی تا جایی که به رابطه با آلمانها و منافع آنها مربوط نبود چندان پافشاری نکردند و به همین دلیل توانستند با اعتدالیون ائتلاف کنند. البته رابطه خصمانه‌ای که دموکراتها از سابق با علماء داشتند در این دوره نیز به چشم می‌خورد.

از جمله اهداف حزب که سلیمان میرزا همواره مطرح می‌کرد، رسیدگی به اقدامات دولت در سه سال دوره فترت، (۱۷) مجازات خائنین، اجرای اصلاحات در زمینه‌های مالی و فرهنگی، سربازگیری، و رساندن حقوق ژاندارمری که از نظر امنیت بسی اهمیت داشت بخصوص که ژاندارمری از هواداران آلمانها محسوب می‌شد (۱۸) بود. ولی چنانکه ذکر شد، در جلسات عمومی مجلس در باره مسائل خارجی سخن گفته نمی‌شد در حالی که روابط خارجی در سالهای جنگ از عمده‌ترین مسائل کشور بود. به هر حال در خارج از مجلس دموکراتها رابطه نزدیکی با آلمانها داشتند که سایر جنبه‌های عملیات حزبی آنها را تحت الشعاع قرار می‌داد.

حزب دموکرات مدعی بود که حزب اقلیت است. این موضوع هنگام استیضاح فرمانفرما وزیر داخله کابینه عین‌الدوله مطرح شد که بعداً توضیح داده خواهد شد. ولی باید خاطر نشان کرد که برغم این ادعا دموکراتها در این مجلس نسبت به سایر احزاب در اکثریت بودند. و چون بعید است که حزب خود متوجه تغییرات کمی در وکلای وابسته به خود نشده باشد، پس باید

گفت لابد به دلایل سیاسی چنین ادعائی داشت.

## حزب اعتدالی

این حزب در مجلس دوم "اجتماعیون اعتدالیون"<sup>(۱۹)</sup> نام داشت. اکنون دارای ۲۲ عضو بود.<sup>(۲۰)</sup> بهار در تاریخ مختصر احزاب سیاسی، در باب این حزب نوشته است که چون مجلس منحل شد، انشعابی در این حزب رخ داد، بدین شکل که اعتدالی‌ها به دو دسته آزادی‌خواه و روحانی تقسیم شدند.<sup>(۲۱)</sup> وی در نوبهار توضیحات بیشتری داده که به نظر کمی مغشوش و شاید حتی مغرضانه بنماید. وی در شماره مورخ ۳ رمضان ۱۳۳۲ ق نوبهار اشاره کرد که پس از انحلال مجلس، اعتدالیون به چند دسته، با نامهای گوناگون تقسیم شدند: یک فرقه "اجتماعیون، اتحادیون"، منشعب از فرقه اجتماعیون اعتدالیون بود که انشعابیون مدتی خارج از حزب بودند، تامجدداً داخل فرقه شدند. دیگر "هیأت عالی" به رهبری حاج آقا شیرازی بود که با جماعت محتشم السلطنه تشکیل شد. این دسته نیز به هنگام انتخابات دو بخش شد: یکی به نام "هیأت مؤتلفه اعتدال"، که بعضی از اعضای آن اعتماد الاسلام، فخرالملک، اعلم‌الدوله و متین‌السلطنه بودند. بخش دیگر به نام "اجتماعیون، اعتدالیون" باقی ماندند که میرزا علی محمد دولت‌آبادی و سید محمد صادق طباطبائی و آقا سید احمد در آن عضویت داشتند. بنا به قول بهار "فرق منشعبه اسماً متفق و جزئیات مرامشان نیز متحد بود، ولی در واقع از چند فرقه "متضاد‌المسلک متباین‌العقیده" تشکیل شده بود که پیوسته برضد یکدیگر قیام و اقدام می‌کردند. بهار اضافه کرده که از متنفذین آنها حاجی میرزا محمد علی دولت‌آبادی بود که روزنامه شورا ارگان فرقه را با سرمایه ۳۰۰۰ تومان داشت که ظاهراً نایب‌السلطنه، فرمانفرما و قوام‌السلطنه

و سردار محی تهیه کرده بودند.<sup>(۲۲)</sup>

ستاره ایران نیز به همین نکته اشاره کرده و نوشته که عناصر صالح حزب اعتدال از آن فرقه خارج شده و بقیه به ناصرالملک نزدیک گشته بودند. هنگام انتخابات، دسته طباطبائی و دسته حاجی آقا شیرازی به دشمنی با هم برخاستند. جریده مشورت که ارگان یک گروه بود تاب نیاورده، علیه شورا که متعلق به دسته طباطبائی بود شروع به "اتریگ" کرد و روزنامه شورا توقیف شد. ستاره ایران می افزاید که این ضدیت به مجلس سوم کشیده شد و دسته قوی تری به نام "ائتلاف" سایر دستجات اعتدالی را از بین برد و حاج آقا شیرازی را از عضویت مجلس محروم کردند، و دموکراتها که نقشه اینها را می دانستند از ترس یک ناصرالملک دیگر، تن به ائتلاف دادند.<sup>(۲۳)</sup>

از نخستین جلسات مجلس سوم صحبت از ائتلاف<sup>(۲۴)</sup> این دو حزب در میان است. گروه بی طرف نیز با این ائتلاف همراه بود. بهار در تاریخ مختصر احزاب سیاسی در آن باره اطلاعاتی داده است.<sup>(۲۵)</sup> ولی توضیحات سپهر مفصل تر است. او اظهار داشته که ائتلاف به تشویق کاردار سفارت آلمان، فن کاردوف برای حمایت از کابینه مستوفی الممالک ایجاد شد.<sup>(۲۶)</sup> البته نباید فراموش کرد که عده ای از وکلای سابق نیز در مجلس سوم بودند و شاید بر اساس تجربیات سابق خود، تشکیل هیأت مؤتلفه را لازم می دانستند،<sup>(۲۷)</sup> محتملاً ستاره ایران این گزارش را به هنگام استیضاح فرمانفرما و بهم خوردن ائتلاف نوشته و در باره علت تشکیل این هیأت از جانب اعتدالیون اغراق کرده است. به هر حال تمام این چهار گروه ضعیف بودند و به تنهایی نمی توانستند کاری از پیش ببرند و بدون شک وخامت اوضاع سیاسی کشور در تشکیل این ائتلاف بی تأثیر نبوده است. هیأت علمیه به مؤتلفین نپیوست، و هر چند که دلیل آن را بیان نکرده اند،<sup>(۲۸)</sup> ولی احتمال دارد که به خاطر اختلاف ایدئولوژیک و مواضع سیاسی بوده است.



## هیأت علمیه

هیأت علمیه گروه جدیدی بود که در این مجلس ظاهر شد.<sup>(۲۹)</sup> در منابع موجود نام این گروه جزء احزاب سیاسی در مجلس سوم آمده ولی نقش آن چندان بررسی نشده و به مواضع آن توجه نشده است. سیاستمداران و وکلای مجلس فعالیت حزبی را محدود در چهارچوب سابق حزب‌گرایی یعنی تضاد بین چپ و راست یا حزب اکثریت و اقلیت می‌دیدند و در این چهارچوب هیأت علمیه جایی نداشت. هیأت علمیه در اقلیت بود، ولی در عین حال راست‌گرای تندرو به شمار می‌رفت. این پدیده جدید، یعنی بوجود آمدن یک حزب راست‌گرای تندرو، بی‌سابقه بود، و سایر احزاب را به اشتباه می‌انداخت، و درگیری‌های حزبی که گاه بین هیأت علمیه و هیأت مؤتلفه و بخصوص با دموکراتها پدید آمد که اغلب نسبت به اعضای علمیه اهانت‌آمیز بود.

اگر چه تعداد وکلای علمیه ۱۶ نفر بود، ولی تعداد کلی وکلای روحانی در مجلس سوم بیشتر بود. طبق محاسبه شجیعی ۳۱٪ از وکلای این مجلس از علما بودند.<sup>(۳۰)</sup> بنابر این روحانیون در این مجلس قدرت بیشتری داشتند و شاید یکی از دلایل تشکیل هیأت علمیه نیز قدرت نسبی این طبقه بود. البته همه علما عضو این هیأت نبودند و چنانچه در جدول شماره ۷ نشان داده شده، در سایر احزاب نیز عده‌ای روحانی عضویت داشتند که به نظر می‌رسد در بعضی موارد موافق هیأت علمیه رای می‌دادند. مثلاً در مورد اعتبارنامه بهار که علیمه با آن مخالف بود، ۴۴ رای موافق و ۲۵ رای مخالف داده شد<sup>(۳۱)</sup> که نشان می‌دهد احتمالاً عده‌ای از روحانیون عضو سایر احزاب رای مخالف داده بودند.

پیدایش هیأت علمیه نشانه انسجام علماء در مبارزات سیاسی است که

با فعالیتهای پیشین آنها تفاوت دارد. در واقع مبارزه عده‌ای از علما با مجلس و مشروطه از دوره اول مجلس با شیخ فضل‌الله نوری آغاز شد، و به اعدام او منجر گشت.<sup>(۳۲)</sup> در مجلس دوم این مبارزه هر چند بطور محتاطانه ادامه یافت به قتل سید عبدالله بهبهانی انجام پذیرفت. به نظر می‌رسد که علماء اکنون مبارزه را به داخل مجلس کشیده و به این دلیل این گروه را تشکیل داده بودند. این اقدامی بود منحصر به فرد و خاص این دوره و بهار در این باره نوشت که مدرس بعدها متوجه ضرر این کار شد<sup>(۳۳)</sup> و از ادامه فعالیت دست کشید. هر چند بهار بیش از این توضیحی نداده ولی گویا منظور وی این بود که روحانیون در معرض توهین دیگران و احتمالاً اشتباه‌کاری قرار می‌گرفتند و کار از پیش نمی‌بردند. چنانچه به نظر می‌رسد که با تشکیل این هیأت جبهه‌ای بر ضد آنها تشکیل شد که نگذاشت ماده دوم متمم قانون اساسی به اجرا در آید.

ریاست یا رهبری این گروه با سیدحسن مدرس بود که در مجلس دوم از اعضای حزب اعتدالی به شمار می‌رفت. نظر مدرس این بود که به هر نحوی باید مجلس را باز نگهداشت و از تضعیف آن جلوگیری کرد، زیاد به بعضی مسائل جزئی توجه نداشت. هنگامی که اعتبار نامه حاج آقا شیرازی مطرح شد، گفت: «راجع به این نوشتجاتی که خوانده شد عرضی ندارم... لیکن عرض می‌کنم که خیلی مجلس مقدس باید ملاحظه بکند که این زحماتی که کشیده شده برای انعقاد یک همچو مجلسی، این زحمات را بهدر نداده باشند. از اول تشکیل و افتتاح مجلس احساسات همچو می‌نماید که روز به روز ما به دست خودمان قوای خودمان را می‌کاهیم، و بنده یک نفر که شخص خودم را حامی مشروطه می‌دانم، عرض می‌کنم که زیاده بر این قوای خودمان را نکاهیم.<sup>(۳۴)</sup>

شیخ اسدالله از دیگر اعضای فعال این هیأت بود. هیأت علمیه بیش از همه با دموکراتها کشمکش داشتند. نو بهار ارگان حزب دموکرات از پیش از انتخابات، حملاتی هر چند کنایه‌آمیز نسبت به علماء و موضع آنها آغاز کرده

بود.<sup>(۳۵)</sup> در مذاکرات مجلس نیز این کشمکش‌ها دیده می‌شود. اهداف هیأت علمیه نیز که از همین مباحث مشخص می‌گردد عبارت بود از: حمایت از فقراء و ضعفاء که از اهداف دموکراتها نیز محسوب می‌شد؛<sup>(۳۶)</sup> حفظ شریعت و قوانین اسلام<sup>(۳۷)</sup> و هماهنگ کردن قانون با مقتضیات مملکت.<sup>(۳۸)</sup> به همین علت با بعضی از قوانین به دلیل اینکه از قوانین خارجی اقتباس و ترجمه شده بود مخالفت می‌کردند.<sup>(۳۹)</sup> به نظر می‌رسد که نسبت به کارگزاران دولت احساس بدبینی می‌کردند و با تمرکز قدرت دولت و وزراء چندان موافق نبودند.<sup>(۴۰)</sup> آنها بویژه در بارهٔ مالیه به تفکیک وظایف علاقمند بودند. یکی از مسائل که از نظر علمیه اهمیت خاص داشت، اصلاح قانون عدلیه و لایحه قانون جزا بود، چون در حیطه وظایف علما محسوب می‌شد. با این همه هیأت علمیه از آنجا که در اقلیت بود، چندان توفیق نیافت. مثلاً در رأی گیری برای انتخاب نایب رئیس مجلس در ۱۸ جمادی الاول ۱۳۳۳ ق سلیمان میرزا ۴۶ رای از مجموع ۶۹ رای را کسب کرد. شیخ اسدالله ۱۰ رای و مدرس ۱ رای آوردند.<sup>(۴۱)</sup> احتمالاً تعداد علما در مجلس و تشکیل هیأت علمیه باعث شد که فضای مخالفی بر ضد آنان در مجلس ایجاد گردد. نشانه بارز این اختلاف، مسئله انتخاب علمای طراز اول بود که طبق اصل ۲ متمم قانون اساسی می‌بایست انجام می‌گرفت.<sup>(۴۲)</sup> ولی در این دوره انتخابات انجام نگرفت. گفتگو در این باره هنگامی آغاز شد که در باره قانون عدلیه بحث و گفتگو در گرفته بود. شیخ اسدالله بر آن بود که هیچ قانونی رسمیت نخواهد یافت مگر آنکه علمای طراز اول در مجلس انتخاب شوند و عدم اختلاف آن قانون را با شرع تصدیق کنند<sup>(۴۳)</sup> وزیر عدلیه ذکاءالملک بر آن بود که چون اصلاح و تصویب قانون عدلیه ضروری است و عده‌ای از وکلاء روحانی، خود مجتهد به شمار می‌روند، می‌توانند لوایح را بررسی و تصویب کنند. هیأت علمیه با این نظر مخالف بود، اما کاری از پیش نبرد و لایحه تصویب شد.

یکی از مسائلی که نشان‌دهنده رابطه مبهم میان دولت و احزاب به سبب روشن نبودن مواضع سیاسی آنها است، بحث بر سر اعتبارنامه‌ها و رسیدگی به انتخابات در مجلس بود که در شعب ششگانه مجلس انجام می‌شد. در این گونه مواقع بود که اختلافات حزبی نمایان می‌شد. جنجالی‌ترین بحث‌ها بر سر اعتبارنامه حاجی آقا شیرازی در گرفت. او در مجلس دوم نیز وکیل اعتدالی بود<sup>(۴۵)</sup> و اکنون از تهران به مجلس راه یافته بود. سلیمان میرزا مخبر شعبه ۴ که به پرونده او رسیدگی می‌کرد به شکایاتی که از انتخاب او شده بود اشاره کرد و چند فقره از آن شکایات در مجلس خوانده شد. از همین رهگذر مسائلی بر ملا شد که از آن جمله تشکیل کمیسیون توسط آقا میرزا هاشم نامی، با عضویت اشخاص با نفوذی بود که از آنها پول گرفته و تحصیل رأی کرده بودند.<sup>(۴۶)</sup> در محله دروازه قزوین که یکی از حوزه‌های رأی‌گیری بود، انجمنی با شرکت هزار نفر تشکیل شده بود و حاجی آقا سخنرانی کرده و در همانجا لیست نامزدهایی را که می‌بایست به آنها رأی بدهند پخش کرده بود. نیز گفته شد که حاجی آقا برای اخذ رأی به مردم پول داده بود. از اینرو جنجالی بر سر اعتبارنامه او بر پا شد تا بالاخره با ۴۸ رأی مخالف در مقابل ۱۳ رأی موافق وکالت حاجی آقا رد شد.<sup>(۴۷)</sup> در مورد انتخابات دو نفر از وکلای دموکرات از جمله بهار هیأت علمیه هم کوشید مخالفت کند ولی توفیقی نیافت.<sup>(۴۸)</sup>

چنانکه دیدیم انتخابات و افتتاح مجلس سوم با مشکلات بسیار روبرو بود. از جمله مخالفت بیگانگان، و اکراه دولت و نایب‌السلطنه از برگزاری انتخابات. ولی بالاخره با فشار افکار عمومی که بخصوص در مطبوعات منعکس بود، انتخابات آغاز شد و پس از یک سال مجلس گشایش یافت. در این مجلس احزاب از نو ظاهر شدند؛ دو حزب قدیمی دموکرات و اعتدالی، و هیأت علمیه که توسط علما و به ریاست سیدحسن مدرس تشکیل شد. عده قابل ملاحظه‌ای هم بی طرف بودند.

با این همه، تشکّل احزاب در این دوره سیاسی آغاز شده و به تدریج با شرایط زمان هم‌آهنگ می‌شد. احزاب ایران پس از ده سال که از انقلاب مشروطه می‌گذشت، تجربیات مفیدی یافته بودند. ولی آنچه تا این زمان هنوز روشن نشده بود، نقشی بود که احزاب می‌بایست در داخل ساختار سیاسی کشور ایفا کنند. عده‌ای متوجه این مسئله بودند، ولی یا راه حل آن را تشخیص نمی‌دادند، یا اشکال اصلی آن را درک نمی‌کردند. از این رو وجود احزاب بیشتر به مشکلات می‌افزود و باعث می‌شد که وجود آنها در اذهان عمومی جنبه منفی و تفرقه‌افکنانه جلوه کند.

مجلس سوم قوانین مفیدی را تصویب یا بینانگذاری کرد که در فصول بعدی همراه با نقش احزاب در آن باره، بررسی خواهد شد. آنچه شایسته توجه است این معنی است که هرگاه مجلس فعال بود، آزادی نسبی، افکار عمومی و فعالیت احزاب، دولت و کابینه را دچار مشکل می‌کرد. در چنین اوقاتی مطبوعات آزادانه به انتقاد می‌پرداختند و دولت را در مورد روابط خارجی اش با دول بیگانه استیضاح و دچار محظوراتی می‌کردند، در نتیجه هیچ کابینه‌ای دوام نمی‌یافت. البته این را نیز باید ذکر کرد که هدف کسانی که قانون اساسی را تدوین کرده بودند عمداً ضعیف نگهداشتن کابینه بود. اما حتی در غیاب مجلس نیز دولت همچنان ضعیف بود، زیرا هیچ یک از اقدامات آن مشروعیت نداشت و یا همواره روس و انگلیس برای تحقق اهداف خود آنرا زیر فشار قرار می‌دادند، در چنین فضائی اگر وزیری حاضر به همکاری می‌شد، مورد حمله قرار می‌گرفت. بنابراین غالباً و پی در پی استعفا می‌دادند و همواره دولت را بحرانهای گوناگون تهدید می‌کرد.

## یادداشت‌های فصل پنجم

۱. رعد نوشت: «... تا به امروز مسئله تشکیل کابینه از این قرار بود که شخص را مثلاً انتخاب می‌کردند چون مضر نیست، یا اینکه قبلاً هم وزیر بوده، یا اسم خانوادگی بزرگ داشت.»

نظر رعد این بود که همین امر باعث بدبختی ایران بود زیرا «هیچ کابینه صحیحی نداشتیم.»

رعد، شماره ۶۰، ۱۱ ربیع‌الاول ۱۳۳۲ ق.

۲. رعد حتی قبل از آغاز به انتقاد وکلاء از برنامه دولت مستوفی شروع به حمله کرد و نوشت: «در باره مسائل مهمه حیاتی مثل اینکه اولیاء دولت نخواسته‌اند تصمیمات و تفکرات قطعی خویش را اظهار دارند... از ضرورت حتی غیر قابل انصراف امروزی سخن راند نشده...» و نیز معتقد بود که اگر وکلا سکوت کنند مطبوعات نباید ساکت باشند: «... درست است بعضی مسائل را باید مسطور داشت، ولی با زیر و رو شدن آذربایجان و اشغال عربستان، برای دولت دیگر سیاستی نمانده که مسطور باشد.»

## یادداشتهای فصل پنجم / ۱۱۳

- رعد، شماره ۷۸، ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۳۳۲ ق و شماره ۷۹، ۱۶ ربیع‌الثانی.  
۳. اتحادیه، پیدایش و تحول احزاب سیاسی، اکثر صفحات.  
۴. مصوبات ص ۲۳.  
۵. ظاهراً دلیل اصلی مخالفت با مستوفی‌الممالک، نقض بی‌طرفی ایران توسط دولتهای خارجی بود که وکلا نمی‌توانستند مستقیماً در باره آن بحث کنند، بنابراین به برنامه او ایراد می‌گرفتند.  
۶. مذاکرات مجلس ۳، جلسه ۱۴، ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۳۳۳ ق، ص ۴۶.  
۷. همان ص ۴۷.  
۸. همان.  
۹. روزنامه کاوه، چاپ دوم، تهران، ۱۳۵۵ ق، ص ۲۲۶.  
۱۰. در ۸ رمضان ۱۳۳۳ ق، ستاره ایران از قول جریده عصر جدید اسامی عده‌ای از اعضاء اعتدالی را که استعفا داده بودند نوشت که از این قرار بود: علی اکبر دهخدا، نصرت‌السلطان، میرزا اسدالله کردستانی، میرزا محسن انصاری.  
در شماره بعد نیز نام غلام علی معظم‌الملک را ذکر کرد که از حزب استعفا داده بود.  
ستاره ایران، شماره ۱۲، ۸ رمضان ۱۳۳۳ ق.  
۱۱. اتحادیه، پیدایش و تحول احزاب سیاسی، ص ۳۵ - ۲۲۵.  
۱۲. محمدتقی بهار، (ملک‌الشعرا) تاریخ مختصر احزاب سیاسی، جلد ۱، ص ۱۳.  
۱۳. رجوع شود به فصل ۴.  
۱۴. محمدتقی بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی، جلد ۱ و ۲.  
۱۵. بیانیه فرقه دموکرات، نمره ۱:  
فرقه دموکرات ایران که پیوسته پیرو حکومت ملی و اقتدارات مجلس شورای و ناشر افکار دموکراسی بود، در توسعه و تقویت اصول استقلال و آزادی ایران جان فشانی می‌کرده است، و فقط به واسطه پیش‌آمدهای ناگوار که سیل حوادث در پایان دوره مجلس شورای ملی گذشته به میان آورد، تشکیلات خود را بر حسب رای

اکثریت فرقه مدتی تعطیل و با حالت تأسف اوضاع ناگوار مملکت را می‌نگریست. امروزه که دوره سیم مجلس شورای ملی شروع و بالطبع افکار فرق سیاسی ایران در محور مسلک خود متحرک و فرقه دموکرات هم نمی‌توانست بیش از این در نشر عقیده خود در امور سیاسی مملکت ساکت بماند، لهذا جداً در صدد تنظیم تشکیلات برآمده رسمیت خود را با انتخاب کمیته تهران احراز و برای استحضار خاطر عموم اخطار می‌نماید که فرقه دموکرات ایران به هیچ وجه من‌الوجود از اصول مسلکی و مرام و خط فرقه سیر حرکت خود در حفظ استقلال مملکت و آزادی که در دوره مشروطیت نشان داده است منحرف نگریده.

فرقه دموکرات ایران با تمام قوا بر ضد دشمنان وطن و عناصر ارتجاع و حفظ اساس مشروطیت از هر گونه مجاهدت و کوشش مضایقه ننموده و هیچ وقت از جاده استقامت که حفظ حرکت دیرینه اوست خارج نخواهد گردید؛ و البته چنانچه نظامات فرقه اقتضا می‌نماید، هیچ یک از افراد فرقه و یا هیأتی از آنان در هر مقام و مسندی که هستند حق این را نخواهند داشت که بدون اجازه و اعتبارنامه رسمی به نام فرقه دموکرات با یک نفر یا هیأتی داخل در امور و جریانات سیاسی بشوند.

کمیته تهران فرقه دموکرات ایران

رعد، شماره ۹۳، ۲۳ ربیع‌الثانی ۱۳۳۳.

۱۶. رعد، شماره ۱۶۱، ۳ شوال ۱۳۳۳ ق.

۱۷. مذاکرات مجلس ۳، جلسه ۱۷، ۲۷ ربیع‌الثانی ۱۳۳۳ ق، ص ۵۶؛ و جلسه

۴۰، ۱۰ رجب ۱۳۳۳ ق، ص ۱۹۹.

۱۸. قوای ژاندارمری تحت فرماندهی افسران سوئدی به آلمانها گرایش داشت.

یکی از دلایل اصرار دموکراتها به پرداخت حقوق آنها، بدون شک این بود که مبادا این قوای ژاندارمری مضمحل شود. بعد از آغاز جنگ، انگلیسها که حقوق ژاندارمری را تقبل کرده بودند، از پرداخت آن به بهانه‌هائی سرباز زدند. رجوع شود به کشف تلخیص، از سلسله انتشارات اداره کاوه، برلن، ۱۳۳۶ هـ ق، ص ۸۲ - ۶۴.

۱۹. اتحادیه، پیدایش و تحول احزاب سیاسی، ص ۳۷ - ۲۲۵.



## یادداشتهای فصل پنجم / ۱۱۵

۲۰. نباید فراموش کرد که این ارقام در منابع مختلف متفاوت است.
۲۱. محمدتقی بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی، جلد ۱ ص ۱۴.
۲۲. نوبهار، شماره ۶۲، ۳ رمضان ۱۳۳۲ ق.
۲۳. ستاره ایران، شماره ۱۹، ۲۸ شعبان ۱۳۳۳ ق.
۲۴. مذاکرات مجلس ۳، جلسه ۷، ۴ ربیع الاول ۱۳۳۳ ق، ص ۲۶.
۲۵. محمدتقی بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی، جلد ۱، ص ۱۴.
۲۶. مورخ الدوله سپهر، ایران در جنگ بزرگ ۱۸ - ۱۹۱۴ م، تهران ۱۳۳۶، ص ۴۸ - ۴۷.
۲۷. اتحادیه، پیدایش و تحول احزاب سیاسی، ص ۹۸ - ۲۸۵.
۲۸. در دوره مهاجرت، وکلای احزاب یک چند با یکدیگر ائتلاف کردند.
- M. J. Lustig, *The Muhajerat and the Provisional Government of Kirmanshah, 1915 - 17, Unpublished thesis, N. Y. University, 1987, PP. 119 - 20*
۲۹. روزنامه کاوه ص ۲۲۶.
- یحیی دولت‌آبادی که خود از وکلای مجلس پنجم بود، در باره هیأت علمیه در مجلس پنجم نوشته: «یک هیأت روحانی و روحانی‌نما در مجلس هست به نام هیأت علمیه که بعضی از غیرروحانی هم به آنها ملحق شده‌اند. عده‌شان به ۱۵ نفر می‌رسد، و در رأس آنها آقا سیدحسن مدرس اصفهانی قرار دارد.»
- حیات یحیی، جلد ۴، ص ۱۲ - ۳۱۱.
- ولی ملک‌الشعرا بهار که او نیز در این مجلس وکیل بود، از چنین گروهی نام نبرده و احزاب موجود در مجلس پنجم را سوسیالیست، اصلاح طلب، تجدد و گروه اقلیت نامیده، که مدرس رهبر آن بود.
- تاریخ مختصر احزاب سیاسی، جلد ۲ ص ۲۸.
۳۰. زهرا شجیعی، نمایندگان مجلس شورای ملی، ص ۱۹۴.
۳۱. مذاکرات مجلس ۳، جلسه ۲۴، ۵ جمادی الاول ۱۳۳۳ ق.

## ۱۱۶ / احزاب سیاسی در مجلس سوم

در این جلسه از طرف علمیه سعی شد که علاوه بر رد اعتبارنامه بهار، عقاید او را فاسد قلمداد کنند.

۳۲. دموکرات‌ها متهم بودند که در قتل سیدعبدالله بهبهانی دست داشتند.

اتحادیه، پیدایش احزاب سیاسی، ص ۶۰ - ۲۵۹.

۳۳. در مجلس چهارم و پنجم، علمای مبارز مانند مدرس و سیداسدالله به عضویت سایر احزاب درآمدند و حزب جداگانه‌ای تشکیل ندادند. بهار در جلد اول کتاب تاریخ مختصر احزاب سیاسی به این مسئله اشاره کرده و در باره خط مشی مدرس نوشته است که: «...هیچ وقت متوسل به حربه دین و سلاح مذهب نگردید و کمال ملاحظه را در این باره مبذول می‌داشت. خاصه که اعتماد او در مجلس چهارم و درمیان افراد اکثریت به کسانی بود که به انفکاک قوه سیاسی از روحانی موافق بودند، و نمی‌توانست به خلاف عقیده آنها سیاستی به دست گیرد، و خودش هم چنان که گذشت این کاره نبود. یعنی از مجلس سوم مزه مضار این سیاست را درک کرده بود...»

بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی، ص ۱۳۲.

۳۴. مذاکرات مجلس ۳، جلسه ۶، غره ربیع‌الاول ۱۳۳۲، ص ۲۲.

۳۵. نوبهار، شماره ۸، ۶ ربیع‌الاول ۱۳۳۲ ق؛ و شماره ۲۸، ۲۱ جمادی‌الاول ۱۳۳۲ ق.

۳۶. منصوره اتحادیه، مرامنامه‌ها و نظام‌نامه‌های احزاب سیاسی ایران در دومین دوره مجلس شورای ملی، تهران، ۱۳۶۱ ش، ص ۸-۳.

۳۷. مذاکرات مجلس ۳، جلسه ۱۴، ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۳۳۳ ق. ص ۵۰.

۳۸. همان، جلسه ۳۳، ۲۱ جمادی‌الثانی ۱۳۳۳ ق، ص ۱۲۹؛ و جلسه ۳۷، ۲۸ ربیع‌الثانی، ص ۱۶۲ و ۱۶۵.

۳۹. همان، جلسه ۳۳، ص ۱۲۶.

۴۰. همان، جلسه ۳۴، ۲۳ جمادی‌الثانی ۱۳۳۳ ق ص ۱۳۵؛ و جلسه ۳۸، ۵

رجب، ص ۱۶۷ الی ۱۷۲.

## یادداشتهای فصل پنجم / ۱۱۷

یک بار راجع به مأمورین دولت گفتند که: «ملاحظه احوال و اخلاق مأمورین ما که برای احدی مخفی نیست، و محل شبهه نیست که اگر اشرفی به دست آنها بدهیم مشکل است از دست آنها پول سیاه بیرون آورد.»

مذاکرات مجلس ۳، جلسه ۳۸، ۵ رجب، ۱۳۳۳ ق. ص ۱۷۲.

۴۱. مذاکرات مجلس ۳، جلسه ۲۱، ۱۸ جمادی الاول ۱۳۳۳ ق، ص ۷۹.

۴۲. مصوبات، ص ۱۸ - ۱۷.

۴۳. مذاکرات مجلس ۳، جلسه ۱۹، غره جمادی الاول ۱۳۳۳ ق، ص ۷۲.

۴۴. همان جلسه ۲۰، ۱۲ جمادی الاول ص ۷۳.

۴۵. حاجی آقا شیرازی رساله‌ای تحت عنوان «واقعات دو ساله یا تاریخ بدبختی ایران» نگاشت که طی آن شدیداً به دموکراتها که آنها را انقلابی دانسته حمله کرده بود. تاریخ نگارش این اثر احتمالاً مقارن با آغاز انتخابات است زیرا می‌نویسد که «وقت انتخابات جدید است (ص ۷۲). او تذکر داده که دموکراتها می‌گفتند: «ما از هیچ وسیله در بهم زدن و تزلزل و تخریب دولت فرو گزار نکرده و نخواهیم کرد. خرابی‌ها را موجب آبادی می‌دانیم.» (ص ۳۲)، یا می‌نویسد که او را دائم تهدید به مرگ می‌کردند. (ص ۷۳). جای دیگر می‌گوید «اینها هر کس برخلافشان تکلم کند اناً محکوم به قتل مخفی است، و انتشار داده‌اند که دولت روس پول فوق‌العاده به علما داده که اولتیماتوم را مهر کنند، ... تف بر این وجدان، تف بر این رو است...» (ص ۱۳)

۴۶. مذاکرات مجلس ۳، جلسه ۶، غره ربیع الاول ۱۳۳۳ ق، ص ۲۳.

۴۷. ستاره ایران مقاله تندی در این باره نوشت و تذکر داد که خارج کردن حاج آقا

شیرازی مربوط به مسائل داخلی حزب اعتدال است. شماره ۹.

مدرس نیز به دشمنی با خود و حاجی آقا اشاره کرد و گفت:

«در وقت انتخابات اغلب قوای این شهر بر ضد انتخاب من و حاج آقا و حاج امام جمعه بود و به جهت این، مساعی جمیله هم صرف و پول‌ها خرج شد، ولی موفق نگشتند. حاج آقا هم خوب وبد، این حزب‌های زهرماری که در این مملکت تشکیل شده، او هم یکی از حزبها بود. این همه که می‌گویند حاج آقا پول خرج کرده، نمی‌دانم

این پولها را از کجا آورده بود، چرا گیر ما نیامد. قوای این شهر از اعالی تا ادانی بر ضد انتخاب شخص من و حاج آقا و حاج امام جمعه بودند، چون مایل به مشروطه نبودند. ما فشار آوردیم تا این مجلس را درست کردیم... عقیده من این است که هر چه مذاکرات زیادتر بشود اهمیت و کلاء مجلس می‌کاهد...»

مذاکرات، جلسه ۶، غره ربیع الاول ۱۳۳۳ ق، ص ۲۳. ظاهراً در رد اعتبارنامه حاج آقا شیرازی، آلمانها نیز مشوق بودند، زیرا او از هواداران بلژیکی‌ها بود. سپهر، ایران در جنگ بزرگ ص ۱۴۱.

۴۸. مذاکرات مجلس ۳، جلسه ۲۴، ۵ جمادی الاول ۱۳۳۳ ق، ص ۷ - ۸۶.

## فصل ششم

### احزاب سیاسی و کابینه مستوفی الممالک\* ومشیرالدوله (۵ ربیع الثانی - ۱۱ جمادی الثانی ۱۳۳۳ ق)

اشاره شد که پیش از گشایش مجلس سوم جنگ در اروپا میان روسیه، انگلیس و فرانسه از یک سوی و ترکیه، اطریش و آلمان از سوی دیگر آغاز شده و خطر آن می‌رفت که دامنه آن به داخل ایران نیز کشیده شود. به همین

---

\* مستوفی الممالک از تاریخ ۲۵ رمضان ۱۳۳۲ ق رئیس دولت بود. پس از افتتاح مجلس کابینه جدیدی تشکیل داد که فقط ۲۲ روز دوام یافت. اعضای آن از این قرار بودند. رئیس‌الوزراء و وزیر داخله میرزا حسن مستوفی الممالک؛ وزیر عدلیه میرزا محمدعلی خان ذکاءالملک؛ وزیر خارجه میرزا محمدعلی خان علاءالسلطنه؛ وزیر مالیه میرزا حسن خان محتشم السلطنه؛ وزیر علوم و فوائد عامه و تجارت، میرزا نظام‌الدین خان مهندس الممالک و زیرپست و تلگراف؛ اسدالله میرزا شهاب‌الدوله.

دلیل دولت ایران نیز احساس خطر می‌کرد،<sup>(۱)</sup> چون اندکی بعد کردها در مرزهای غربی ایران به تحریک دولت عثمانی، به هیجان آمده بودند. در ۹ ذی‌عقده ۱۳۳۳ ق، علاء‌السلطنه وزیر امور خارجه ایران با عاصم‌بیک سفیر عثمانی ملاقاتی کرد و پرسید اگر ایران اعلان بی‌طرفی بکند، آیا دولت عثمانی آن را رعایت خواهد کرد یا خیر؟ جواب دولت عثمانی، که بعداً بارها تکرار شد، این بود که در صورتی که قشون روس آذربایجان را تخلیه کند، رعایت بی‌طرفی خواهد شد، و در غیر آن صورت تعهدی نخواهد کرد.<sup>(۲)</sup>

در طول ماه ذی‌عقده دامنه آشوب گسترش یافت. دولت از روسها تقاضا کرد قوای خود را از ایران خارج کند<sup>(۳)</sup> تا عثمانی هم دست از تحریکات بردارد. و نیز اعلان کرد که ولیعهد محمدحسن میرزا را به تبریز خواهند فرستاد.<sup>(۴)</sup> ولی جواب وزیر مختار روس منفی بود.<sup>(۵)</sup>

اوضاع به تدریج وخیم‌تر می‌شد. گزارشی که به تهران رسید حاکی از آن بود که روسها آرامنه را بر ضد ترکها مسلح می‌کنند.<sup>(۶)</sup> سرانجام ترکها نیز وارد جنگ شدند و رعد در ۱۳ ذیحجه ۱۳۳۲ ق خیر آنرا منتشر کرد<sup>(۷)</sup> روز پیش طی فرمان شاه، دولت ایران رسماً اعلان بی‌طرفی کرده و به سفارت‌خانه‌های مختلف نیز اطلاع داده بود.<sup>(۸)</sup>

دو روز بعد در ۱۵ ذیحجه از وزارت داخله و اداره نظمیّه خواسته شد به دلیل سیاست بی‌طرفی دولت از مجامع برله یا علیّه دول متخاصم جلوگیری می‌کند.<sup>(۹)</sup> در همان تاریخ، مستوفی‌الممالک نیز از اربابان جراید خواست که مراتب بی‌طرفی ایران را حفظ کنند.<sup>(۱۰)</sup> ولی این تمهیدات به جایی نرسید و دامنه جنگ به داخل ایران کشیده شد. مسئله‌ای که باعث پیچیدگی بیشتر اوضاع می‌شد، ورود صمدخان شجاع‌الدوله از تفلیس به مراغه بود.<sup>(۱۱)</sup>

صمدخان در صدد تجهیز قوا برای جنگ با ترکیه برآمد؛ و به اعتراضات دولت ایران که از محرم ۱۳۳۳ ق از پطروگراد، و سفارت روس در

تهران می خواست، که مانع حرکات او گردند به جایی نرسید و روسها پاسخ دادند که شجاع الدوله برای سرکشی املاکش به آذربایجان آمده است.<sup>(۱۲)</sup> ورود شجاع الدوله باعث ناخشنودی ترکها شد و به آنها فرصت داد تا حملاتشان را به ساوجبلاغ توجیه کنند.<sup>(۱۳)</sup>

پس از آن دولت ایران به انگلیس متوسل شد، ولی آنها نیز گفتند که روسها معتقدند ایرانیان در بی طرفی خود نسبت به عثمانی جدی نیستند، بنابراین حضور شجاع الدوله برای جلوگیری از تحریکات عثمانی مفید است.<sup>(۱۴)</sup>

مجلس شورای ملی ایران تحت چنین شرایطی در ۱۷ محرم ۱۳۳۳ توسط احمد شاه افتتاح شد. شاه در نطق خود تأکید کرد که «دولت با رعایت روابط و دادیه با دول متحابه در موقع جنگ حاضره، مسلک بی طرفی اتخاذ کرده...» و دولت فقط به آن خواهد کوشید<sup>(۱۵)</sup>

رابطه دولت مستوفی با مجلس و دول خارجی در این زمان تحت تأثیر نوسانات جنگ اروپا قرار داشت. به عبارت دیگر آنچه در جبهه های غرب اتفاق می افتاد، بی درنگ در وضع ایران موثر واقع می شد. مهمترین مسئله ای که دولت و احزاب سیاسی با آن مواجه بودند، مسئله جنگ و بی طرفی ایران بود. ولی حفظ بی طرفی با ضعف دولت مرکزی و اشغال ایران توسط قوای بیگانه غیرممکن بود. انگلیس و روس مایل بودند دولت ایران با گرایشهای دوستانه نسبت به آنها بی طرف بماند. آلمانها و ترکها می کوشیدند ایران را وارد جنگ کنند. دموکراتها که در این دوره نفوذشان در کشور روی به

---

\* اعضای کابینه مستوفی الممالک: وزیر عدلیه میرزا مهدی قلی خان مخبرالسلطنه؛ وزیر خارجه میرزا ابراهیم خان معاون الدوله؛ وزیر داخله عبدالمجید میرزا عین الدوله؛ وزیر مالیه میرزا حسن خان محتشم السلطنه؛ وزیر جنگ غلامحسین خان صاحب اختیار؛ وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه میرزا محمدعلی خان علاء السلطنه؛ وزیر فرائد عامه و تجارت، میرزا نظام الدین مهندس الممالک؛ وزیر پست و تلگراف اسدالله میرزا شهاب الدوله.

افزایش داشت، مخالف بی طرفی بودند آنها ظاهراً نسبت به سیاست بی طرفی اظهار موافقت می کردند، در حالی که در حقیقت طرفدار و پشتیبان آلمانها بودند.

مستوفی الممالک در ۵ صفر با وزرای مختار انگلیس و روس ملاقات کرد و تقاضای خود را مبنی بر خروج قشون روس تکرار کرد. وزیر مختار انگلیس اظهار داشت که فعالیت ترکها و آلمانها بر ضد متحدین افزایش یافته و خاصه آلمانها پول گزافی در این راه خرج می کرده و<sup>(۱۶)</sup> مردم را بر ضد متحدین تحریک کنند. مستوفی جواب داد حضور قشون روس و مراجعت صمدخان باعث نارضایتی مردم شده و خود بر تخلیه ایران از قوای روس پای فشرده بود. اصولاً مستوفی با روس و انگلیس روابط حسنه نداشت. روسها بویژه از مستوفی ناراضی بودند و او را مدافع آلمان می دانستند.<sup>(۱۷)</sup>

به این ترتیب کابینه مستوفی روی به تزلزل نهاد. یکی از دلایل این تزلزل وضع نابسامان مالی ایران بود. مطبوعات همواره عدم تأدیه حقوق کارمندان دولت را منعکس می کردند.<sup>(۱۸)</sup> دولت برای بهبود اوضاع مالی می کوشید از تجار یاری بطلبد. مستوفی که از ادامه کار و موفقیت در اداره امور نا امید شده بود، از تمایل خود به استعفا نزد تونلی سخن گفته بود.<sup>(۱۹)</sup>

از طرف دیگر، افتتاح مجلس باعث شد که وکلا به انتقاد از او پردازند که چرا کابینه خود را زودتر به مجلس معرفی نمی کند. آنها حتی به شاه متوسل شدند که مستوفی را وادار سازد کابینه را هرچه زودتر معرفی کند. ظاهراً مستوفی به پیشنهاد فن کاردوف کاردار سفارت آلمان، به فکر ترمیم کابینه افتاد.<sup>(۲۰)</sup> در ۲۸ ربیع الاول در دفاع از خود در مجلس گفت: «از آنجائی که نمایندگان مشکلات تشکیل کابینه را به خوبی می دانند، امیدوارم بنده را معذور بدانند...» ولی توضیح بیشتری نداد.<sup>(۲۱)</sup> روزنامه رعد نیز به تعلق مستوفی در معرفی اعضای کابینه اشاره کرد و نوشت که علل استنکاف مستوفی از تشکیل کابینه مجهول است، اما افزود که «آنچه از محافل مطلع



## احزاب سیاسی و کابینه مستوفی الممالک و... / ۱۲۳

مذاکره می‌شود، گویا تأخیر معرفی کابینه جدید به واسطه نظریات احزاب پارلمانی و شخص رئیس‌الوزراء است.<sup>(۲۲)</sup> در واقع بطوریکه توضیح داده خواهد شد، کابینه جدید مستوفی به میل احزاب، یا لاقلاً حزب دموکرات تشکیل نشد.

نظریه رعد تا حدی صحیح است. ولی علت تشکیل نشدن کابینه پیشتر ناشی از دخالت بیگانگان بود. تونلی به ویژه می‌کوشید که شاید فرمانفرما و وثوق‌الدوله را وارد کابینه کند.<sup>(۲۳)</sup> ولی مستوفی زیر بار نمی‌رفت. سپهر نیز اشاراتی به مذاکرات میان رجال ایرانی و نماینده آلمان دارد، و چنانچه ذکر شد نوشت که تشکیل هیأت مؤتلفه به اشاره نماینده آلمان برای حمایت از مستوفی بود.

سرانجام کابینه جدید مستوفی در ۵ ربیع‌الثانی ۱۳۳۳ ق به مجلس معرفی شد. ولی اعضاء آن از نظر روس و انگلیس رضایتبخش نبودند. انگلیس‌ها می‌خواستند مستوفی هر چه زودتر مخبرالسلطنه<sup>(۲۴)</sup> را از فارس احضار کند؛ و همانطور که قبلاً ذکر شد روسها نیز اساساً با مستوفی مخالف بودند.<sup>(۲۵)</sup> دموکراتها نیز با عضویت عین‌الدوله در کابینه مخالفت می‌کردند<sup>(۲۶)</sup>. وقتی برنامه دولت مستوفی در مجلس مورد ایراد قرار گرفت، رعد اشاره کرد که بهتر بود مستوفی در انتخاب وزرای خود با احزاب مؤتلفه مشورت می‌کرد.<sup>(۲۷)</sup>

پس از معرفی کابینه، برنامه دولت توسط محتشم‌السلطنه وزیر مالیه در ۱۰ ربیع‌الثانی در مجلس قرائت شد.<sup>(۲۸)</sup> طبق این برنامه، سیاست خارجی دولت بر اساس نطق شاه، یعنی رعایت بی‌طرفی استوار بود. سیاست داخلی دولت، شامل ۲۲ ماده، و نکات بارز آن از این قرار بود: نسخ لایحه قانون ۲۳ جوزا،<sup>(۲۹)</sup> پیشنهاد اصلاح مالیه، تعدیل بودجه، تهیه لوايح تکثیر عایدات، استقرار داخلی، تجدیدنظر در ترتیب سربازگیری، تشکیل نظمیه، حفظ اساس ژاندارمری، تأسیس چند مدرسه برای تربیت نسوان، تشکیل اساس

وزارت فوائد عامه، وزارت تجارت، وزارت داخله، وزارت فرهنگ و تقدیم لایحه پست و تلگراف<sup>(۳۰)</sup> از جلسه بعد، در ۱۵ ربیع‌الثانی و کلاً به انتقاد از برنامه مستوفی دست زدند.<sup>(۳۱)</sup> از جمله ایرادات، اعتراض به سیاست خارجی مستوفی بود که گفته بود بی‌طرفی ایران را رعایت خواهد کرد، در حالی که جنگ عملاً به داخل خاک ایران کشیده شد و این نقض بی‌طرفی ایران بود.<sup>(۳۲)</sup> البته بحث بر سر سیاست خارجی دولت ادامه نیافت و اصل ایرادات به سیاست داخلی او معطوف شد.

از جمله ایراداتی که متفقاً بر دولت مستوفی وارد می‌کردند و حتی هیأت مؤتلفه و هیأت علمیه در آن مورد هم عقیده بودند، آن بود که بخشی از برنامه وی مسائل کلی و بخشی حاوی جزئیات کارها بود. شهاب‌الدوله وزیر پست و تلگراف از جانب دولت دفاع کرد و گفت که به دلیل تنگی وقت، پیش از تهیه برنامه با آقایان مشورت نشده بود.<sup>(۳۳)</sup> در هر حال شور در مواد برنامه به جایی نرسید. زیرا فقط پس از مذاکره در باره سه ماده، مجلس تعطیل شد. مستوفی در دو جلسه بعدی حاضر نشد، و سپس در ۲۷ ربیع‌الاول، اعلان شد که دولت استعفا داده است.<sup>(۳۴)</sup>

دشواریهای دولت مستوفی فقط ناشی از موضع‌گیری مجلس نبود، انگلیس‌ها نیز همواره از او می‌خواستند که از فعالیت آلمانها ممانعت کند. خود در ماه مارس / جمادی‌الاول، در جنوب ایران قوا پیاده کرده بودند. مخالفت روسها نیز جلوی هر گونه مسالمت را می‌گرفت. مسئله دیگر مستوفی بی‌پولی دولت بود که در واقع آن را فلج کرده بود. اگر با آلمانها نزدیک می‌شد، بی‌شک روس و انگلیس بی‌درنگ ایران را اشغال می‌کردند چنانچه بعداً نیز همینطور شد. در آذربایجان جنگ آغاز شده بود و مامورین آلمانی و ترک ایرانیان را به جهاد<sup>(۳۵)</sup> و قیام بر ضد متحدین دعوت می‌کردند. پیشرفت و بسط فعالیت مامورین آلمان به ویژه در اصفهان، شیراز و کرمانشاه چشمگیر بود.<sup>(۳۶)</sup> حتی عثمانی‌ها سالارالدوله عموی شاه را به مرز ایران

آورده بودند به امید اینکه در غرب قیام آغاز گردد.<sup>(۳۷)</sup>  
در واقع علت اصلی استعفای مستوفی مسائل روابط خارجی بود. البته تردید نیست که مخالفت احزاب نیز که نشان می داد او در مجلس پشتیبانی ندارد موقعیت او را سست کرد و در کناره گیری بی تاثیر نبود.



در همان جلسه که موتمن الملک خیر استعفای مستوفی را به اطلاع وکلای رسانید اضافه کرد که شاه از او خواسته که نظر اکثریت مجلس را در باره دولت آینده استفسار کند. چون اکثریت مجلس به مشیرالدوله متمایل بود، بنابراین وی را به عنوان رئیس الوزراء معرفی کرد.<sup>(۳۸)</sup> مشیرالدوله نیز اعضای کابینه خود را فوراً معرفی کرد\* و گفت که برنامه دولت در سیاست خارجی بر اساس حفظ بی طرفی و در سیاست داخلی انجام اصلاحات است، اضافه کرد که دو هفته دیگر برنامه خود را به مجلس خواهد آورد.<sup>(۳۹)</sup> رعد اظهار کرد که اکثریت اکنون مسئولیت سنگینی بر عهده دارد.

مشیرالدوله مورد تأیید همه احزاب بود. سلیمان میرزا ضمن استقبال از او تقاضا کرد که دولت هر چه زودتر بودجه را تهیه کند، به وضع ژاندارمری و نظمی رسیدگی نماید و حقوقها را بپردازد. از نظر سلیمان میرزا آنچه اهمیت داشت، رسیدگی به عملکرد دولت در سه سال گذشته به ویژه به قروض دولت بود. مشیرالدوله نظریات سلیمان میرزا را تأیید کرد و موافقت خود را با لزوم پرداخت حقوق ژاندارمری نشان داد. معین التجار بوشهری به

---

\*. اعضای این کابینه از این قرار بودند: رئیس الوزراء، میرزا حسن خان مشیرالدوله؛ وزیر عدلیه میرزا محمدعلی خان ذکاء الملک؛ وزیر خارجه میرزا ابراهیم خان معاون الدوله؛ وزیر داخله میرزا صادق خان مستشار الدوله؛ وزیر مالیه میرزا اسدالله خان مشارالسلطنه؛ وزیر جنگ میرزا حسن خان مشیرالدوله، وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه میرزا ابراهیم خان حکیم الملک؛ وزیر فوائد عامه و تجارت و پست و تلگراف حسنعلی خان نصرالملک.

نمایندگی از جناح بی طرف مجلس در باره معارف؛ شیخ اسدالله از جانب هیأت علمیه در باره لزوم لغو هر چه سریعتر قانون ۲۳ جوزا سخن گفتند<sup>(۴۰)</sup> مشیرالدوله با وجود حمایت احزاب از او، کابینه نیرومندی تشکیل نداد. مشکل این کابینه همچنان رابطه با دولت های روس و انگلیس بود. از نظر دولتین، مستشارالدوله و مخبرالسلطنه متمایل به آلمان محسوب می شدند. بخصوص رفتار مخبرالسلطنه در فارس باعث شده بود که انگلیس کراراً احضار او را بخواهند. ضمناً هر کدام از دولتین جداگانه با سران عشایر تماس برقرار کرده بودند تا دولت مرکزی را تحت فشار قرار دهند. انگلیس ها ضمناً به این فکر افتاده بودند که با اعزام قوای از طرف روسها به تهران دولت مطلوب خود را بر سر کار آوردند<sup>(۴۰)</sup>

تونلی و کروستوتز شرایط روس و انگلیس را برای مشیرالدوله چنین بیان کردند: عدم اعتراض به حضور قشون روس؛ عزل مخبرالسلطنه از فارس؛ جلوگیری از توطئه های دشمن.<sup>(۴۱)</sup> ولی مشیرالدوله همچنان به خروج قوای روس اصرار داشت و می گفت این، تنها راه حفظ بی طرفی ایران است؛ او حتی مخبرالسلطنه را نیز معزول نکرد.

ضمناً مشیرالدوله از دولتین تقاضای "موراتوریوم" \*، یا استمهال کرد. موراتوریوم بدین مفهوم بود که دولتین از دریافت قسط بهره های قروض خود که از درآمد گمرکات حاصل می شد، صرف نظر کنند و به جای آن، مبلغی برابر با درآمد گمرکات ماهیانه به ایران بپردازند. این قرار را به شکل موراتوریوم معرفی می کردند. چون وام احتیاج به تصویب مجلس داشت و بعید بود که دموکراتها آن را قبول کنند. البته لازمه این کار از طرفی موافقت روسها، و از طرف دیگر برقراری یک دولت با دوام و قابل اعتماد دولتین بود. در نتیجه چون دولت های ایران همواره ضعیف، و از نظر دولتین غیر قابل اعتماد

## احزاب سیاسی و کابینه مستوفی الممالک و... / ۱۲۷

بودند، مذاکرات مدتها به طول انجامید تا سرانجام پس از انحلال مجلس در محرم ۱۳۳۴ ق و آغاز مهاجرت، قسط اول آن را به دولت پرداختند.<sup>(۴۲)</sup> البته این حربه‌ای بود که روس و انگلیس بدان وسیله دولت دلخواه خود را بر سر کار می‌آوردند.

در میان این مذاکرات، در اواسط آوریل / رثوف بیک فرمانده ترک با قوای خود در غرب ایران دست به عملیات نظامی زد. این امر باعث شد که قنصل‌های روس و انگلیس کرمانشاه را ترک کنند.

\*\*\*

یکی از علل ناخشنودی روس و انگلیس از مشیرالدوله، لغو قانون ۲۳ جوزا بود که مستوفی الممالک آنرا پیشنهاد کرده و اکنون مشیرالدوله آن را به انجام رسانیده بود.<sup>(۴۳)</sup>

این قانون برای استخدام شوستر در ایران تدوین شده بود. پس از خروج شوستر از ایران، ژوزف مورنارد رئیس بلژیکی گمرک به سمت خزانه‌دار کل منصوب شد و همان اختیارات به او تفویض گردید. این انتصاب باعث ناخرسندی ایرانیان شد. زیرا او را دست‌نشانده روس‌ها می‌دانستند. یک بار مدرس در مجلس گفته بود: «در دوره سابق یک قانون که از مجلس گذشت اسمش قانون ۲۳ جوزا بود، و بدبختانه از روزیکه از مادر متولد شد، اسباب زحمت شد...»<sup>(۴۴)</sup> عبدالله مستوفی که شوستر او را به ریاست اداره مالیات مستقیم گمارده بود، در باره مورنارد نوشت که: «جز ماشین امضاء چیزی نیست.»<sup>(۴۵)</sup> او همچنین به تفصیل در باره علل نارضایتی مردم سخن گفته است.<sup>(۴۶)</sup> مورنارد نیز مانند بیگانگان دیگری که در ایران کار می‌کردند، معتقد بود علت نارضایتی ایرانیان، آن است که او جلوی سودجویی آنها را گرفته است.

مورنارد در اوایل رمضان ۱۳۳۲ ق، استعفا داد، و مستوفی الممالک به

محض قبول ریاست وزراء استعفای او را قبول کرد. ظاهراً مورنارد انتظار نداشت که به سادگی از او دست بکشند.<sup>(۴۷)</sup> اکنون مشیرالدوله حتی پیش از ارائه برنامه خود، تقاضای لغو قانون ۲۳ جوزا را کرده و وکلا بدون تردید و با هم آهنگی بی سابقه‌ای آن را پذیرفته بودند. گفته‌اند که احتمالاً قبلاً میان آنها در این مورد تباہی شده بود.<sup>(۴۸)</sup> دولت در ازای لغو این قانون، تقاضا کرد برای رسیدگی به امور مالیه، تا قبل از تدوین لایحه تشکیل وزارت مالیه مجلس از میان ده نفری که دولت پیشنهاد کند ۳ نفر را برای عضویت در کمیسیون تحت ریاست وزارت مالیه انتخاب کند.

سلیمان میرزا و شیخ اسدالله هر دو بر آن بودند که کمیسیون سه نفری نباید به انتخاب مجلس باشد، بلکه دولت باید این مسئولیت را بپذیرد. مذاکرات به ضول انجامید و در نخستین رأی گیری ۳۳ نفر از ۶۶ نفر به دخالت مجلس در این کار رأی موافق دادند. چون این آراء قاطع نبود، بار دوم رأی گرفته شد. این بار از ۶۸ نفر ۳۶ نفر رأی موافق دادند، و لایحه به تصویب رسید.<sup>(۴۹)</sup>

در واقع لغو قانون ۲۳ جوزا، برضم میل روس و انگلیس موفقیتی برای دولت و مجلس محسوب می شد و نشان می داد که اگر دولت مورد تائید اکثریت مجلس باشد، می تواند به اهداف خود دست یابد؛ روزنامه ها نیز همواره این نکته را متذکر می شدند.

برنامه دولت مشیرالدوله با برنامه مستوفی الممالک چندان تفاوتی نداشت ولی از آن کاملتر و منسجم تر بود. این برنامه در ۱۲ جمادی الاول ارائه شد و مورد بحث قرار گرفت. سیاست خارجی دولت در این برنامه در حفظ بی طرفی ایران خلاصه می شد. اما برخی از اصول سیاست داخلی آن چنین بود: حفظ امنیت و مصونیت ژاندارمری و نظمیه؛ طرح تشکیلات اساسی وزارت مالیه در مرکز و ولایات؛ قرار دادن تمام ادارات تحت ریاست وزیر مالیه؛ تعیین مرجع برای رسیدگی به تظلمات مردم از ادارات مالیه؛ ازدیاد

منابع عایدات؛ تعدیل بودجه؛ ممیزی مالیاتهای مستقیم؛ لایحه قانون تشکیلات محاکم تجارت و اصول محاکمات تجاری؛ لایحه قانون جزاء<sup>(۵۰)</sup> لایحه قانون افلاس تجارتمی؛ اصلاحات لازم در محاکم عدلیه مرکز؛ تشکیلات محاکم عدلیه در ولایات؛ مطالعه در ترتیب ثبت اسناد؛ اصلاحات لازم در نظام متناسب با بودجه، اصلاحات اساسی در مدارس ابتدائی؛ تأسیس دارالمعلمین و دارالمعلمات؛ اتخاذ وسایل لازم برای تهیه کتب درسی؛ تبدیل مدرسه سیاسی به مدرسه حقوق و سیاست؛ و تأسیس اتاق تجارت.<sup>(۵۱)</sup>

انتقاد از برنامه دولت مشیرالدوله توسط هیات علمیه انجام گرفت هیات علمیه با تأسیس دارالمعلمات و شورای معارف و نیز افزایش مالیات و اصلاحاتی که در لایحه وزارت مالیه پیشنهاد شده بود مخالف بود. بیشترین درگیری حزبی بین هیات علمیه و هیات متولفه در مورد تکمیل قوانین عدلیه رخ داد. مسئله عدلیه از جمله مسائلی بود که در حیطه اختیار علما قرار داشت و قوانین جدید اختیارات آنها را محدود می کرد.

هنگام بحث در کلیات برنامه، شیخ اسدالله در مورد لایحه قانون جزاء اظهار داشت که: «بنده تصور می کنم مملکت ما قانون جزاء دارد و قانون جزاء همان قوانین شرعیه است...» کمی بعد در ادامه بحث افزود که: «... باید این قوانین به مجلس شورای ملی بیاید و به مجرد این که کمیسیون تصویب کرد نباید به موقع اجراء گذاشته شود زیرا به موجب اصل دوم متمم قانون اساسی،<sup>(۵۲)</sup> هیچ قانونی رسمیت و قانونیت پیدا نمی کند مگر بعد از این که عدم مخالفت او را با شرع طراز اول از علما که در مجلس انتخاب می شوند تصدیق نمایند...»<sup>(۵۳)</sup> ذکاءالملک وزیر عدلیه در پاسخ او گفت که عدلیه را نمی شود بدون قانون اداره کرد. فعلاً عده ای از وکلا، از علما هستند و می توانند قوانین را از نظر شرع رسیدگی کنند. شیخ اسدالله با او موافقت نکرد و گفت علمائی که در مجلس اند وکیل هستند «... نظر نمایندگی و وکالت

است، نظر طرازی نیست...»

ظاهراً مسئله حساس بود. مدرس کوشید جلسه را ختم کند، ولی با او مخالفت کردند،<sup>(۵۴)</sup> و هنگام رای‌گیری، اغلب وکلا برنامه دولت را تصویب کردند.<sup>(۵۵)</sup>

در دوره دو ماهه‌ای که مشیرالدوله بر سر کار بود، بیشترین مسئله مورد مذاکره در مجلس، لایحه تشکیلات مالیه بود که پس از لغو قانون ۲۳ جوزا، در جلسه بیست و پنجم مجلس در ۷ جمادی‌الثانی ۱۳۳۳ ق پیشنهاد شد؛ و هیات علمیه همچنان در موضع مخالف قرار داشت.

عبدالله مستوفی می‌نویسد که چون اطلاعات وی در باره مالیه از سایرین بیشتر بود اعتقاد داشت که وزارت مالیه باید مستقل باشد و خزانه‌داری تحت نظارت وزیر مالیه قرار گیرد، در ایام بی‌کاری قانونی برای مالیه نوشته که در این زمان به دولت مشیرالدوله پیشنهاد کرد. مشیرالدوله نیز آنرا پس از تغییرات جزئی به مجلس برد. مستوفی می‌افزاید که سردار معظم خراسانی با کفیل خزانه‌داری مسیو لولو بلژیکی ساخته بود و می‌کوشید خزانه‌داری را مانند سابق مستقل کند. بنابراین مستوفی شبها به شیخ اسدالله کردستانی وکیل مجلس که همسایه او بود تعلیم می‌داد که در مجلس چگونه از لایحه دفاع کند، تا نظر سردار معظم اعمال نشود. مستوفی همچنین آورده که: «سردار معظم خراسانی را خوب می‌شناختم، درجه تهور و بیباکی او را در راه جاه‌طلبی خوب می‌دانستم و می‌فهمیدم که با جزئی غفلت ممکن است زحمات یک ساله من هدر برود...» نیز نوشته است: «وکلا به کارهای همراهی با آلمان و یا ضدیت با این سیاست مشغول بودند. در اکثر موارد نظر من تأمین می‌شد...»<sup>(۵۶)</sup>

ولی مطابق آنچه از مذاکرات مجلس استنباط می‌شود، مذاکرات شیخ اسدالله و سردار معظم به این صورت نبوده است. سردار معظم مخبر کمیسیون مالیه بود و از لایحه دفاع می‌کرد و غالباً نظریات هیات علمیه به



جائی نمی‌رسید. نظر هیأت علمیه تجزیه سه وظیفه خزانه داری، یعنی به قول مدرس، تشخیص عایدات، وصول، و خرج آن بود. سردار معظم مخالفت کرده توضیح داد که اداره تشخیص عایدات مستقل خواهد شد، و اداره وصول و خرج تفکیک می‌شوند؛ و افزود که آنچه قبلاً عیب داشت: «باب عملیات خرج نبود، بلکه راجع به اختیار حدود حواله بود... وقتی خرج را محدود کردیم به حواله دیگری، آن اشکالات فرضیه آقا مرتفع می‌شود.»<sup>(۵۷)</sup> ولی هیأت علمیه به اشکال تراشی ادامه داد و غیر از مدرس و شیخ اسدالله آقا سید فاضل نیز به تفصیل صحبت کرد. ولی کلیات قانون با قیام اکثریت به تصویب رسید.<sup>(۵۸)</sup>

پس از آن وارد مواد قانون شدند، ولی همانطور که پیش از این متذکر شدیم، نظرات هیأت علمیه غالباً تصویب نشد. حتی گاه مذاکرات و پرسشها و پاسخها با هیأت علمیه به تندی و خشونت می‌گرایید.<sup>(۵۹)</sup>

مخالفت هیأت علمیه در مورد وظایف مدعی‌العموم و محکمه مالیه نیز تکرار شد. حاج شیخ اسدالله اعتراض می‌کرد که در این ماده، مدعی‌العموم فقط حقوق دولت را در محکمه حفظ خواهد کرد، در صورتی که باید مدافع قوانین مقرره باشد. مخبر جواب داد که این محکمه مالیه است و با محاکمات عدلیه فرق دارد. ولی حاج شیخ اسدالله به اعتراضات خود بدون آنکه به نتیجه برسد ادامه داد.

در مورد حقوق محکمه نیز مقرر شد صدی پنج، از محکوم علیه اخذ شود، و ربع آنرا شاکی در حین دادن عرضحال به صندوق بپردازد. مدرس اعتراض کرد که این بدان معنی است که کسی شکایت نکند... خوب است اگر بخواهیم این محاکمات که صدای عدل است موقوف نشود، پول گرفتن را از اول موقوف کنیم.»<sup>(۶۰)</sup> ولی این اعتراض نیز به جائی نرسید.

شور اول قانون مالیه در تاریخ ۱۷ جمادی‌الثانی پایان گرفت بدون اینکه هیأت علمیه بتواند در آن تغییراتی بدهد. شور دوم در ۵ رجب شروع

شد. اعتراضات هیأت علمیه همچنان تکرار شد و چندان ایستادگی کردند تا یک بار همه اعضای کمیسیون قوانین مالیه استعفا دادند، و آقا سید فاضل که تندی کرده بود، مجبور شد عذرخواهی کند.<sup>(۶۱)</sup>

مسئله تشکیلات مالیه در ولایات نیز وقت زیادی گرفت علمیه می خواست که محکمه هائی در ولایات برای رسیدگی به تظلمات مردم دایر شود. ولی این نظر با تندی رد شد. قانون مالیه بالاخره در ۲۱ رجب تکمیل شد، در حالی که شیخ یوسف آن را ناقص می دانست.<sup>(۶۲)</sup>

در واقع به نظر می رسد درگیری و مخالفت هیأت علمیه با قوانینی که دولت پیشنهاد می کرد، و در کابینه های بعدی نیز تکرار شد، چنین دلائلی داشت: جلوگیری از تمرکز قدرت، کاستن از مخارج و حمایت از فقرا، بخصوص مخالفت با هرگونه نوگرایی و یا غرب گرایی، یا جنبه هائی که به نظر آنها بدعت بود.

مدرس در مورد مالیات مستغلات گفت که این یک مالیات جدیدی است و همه از آن کمی واهمه دارند. «ذهن آقای مخبر را مستحضر می کنم که پرعجله نکنند، زیرا که این مطلب یک مطلب نظری و تازه ایست و واقعاً خیلی اشکال دارد...»<sup>(۶۳)</sup>



قبل از این تاریخ، مشیرالدوله به سبب فشارهای خارجی، تهاجم ترکها و روسها در غرب، بی پولی و خطر پیشروی قوای روس از قزوین به سوی تهران، استعفا داده،<sup>(۶۴)</sup> و در ۲۸ جمادی الثانی عین الدوله به عنوان رئیس الوزراء به مجلس معرفی شد. بامداد روشن، این استعفا را تقبیح کرد و نوشت که مشیرالدوله به اندازه کافی فداکاری از خود نشان نداد.<sup>(۶۵)</sup> روزنامه رعد نیز همان وقت یک ستون از مقاله را تحت عنوان «ایران در چه حالی است، سرگذشت بحران هولناک» سفید باقی گذارد، و در صفحه بعد نوشت: «بیش

## احزاب سیاسی و کابینه مستوفی الممالک و... / ۱۳۳

از این به نشر حقایق نمی‌پردازم، کشف اسرار را به ستون ایران در چه حالی است رجوع می‌دهیم،<sup>(۶۶)</sup> چند روز بعد نیز نوشت که کابینه عین‌الدوله زائیده یک کودتا است.<sup>(۶۷)</sup>

در دوره ریاست وزرانی مشیرالدوله، موضع وکلا در مجلس به خوبی روشن شده بود. هیأت مؤتلفه هنوز متحد بود، و مخالفت‌ها از جانب هیأت علمیه ابراز می‌شد. با این همه مشیرالدوله برغم حمایت مجلس از او نتوانست در برابر مشکلات خارجی دوام آورد. البته فعالیت دموکراتها در خارج از مجلس، به ویژه در ولایات افزایش یافته و باعث دشمنی هر چه بیشتر انگلیسها و روسها شده بود. ولی هیچ یک از این مسائل در مجلس و مذاکرات آن منعکس نمی‌شد، و وکلا با پشتکار و دقت در آن نابسامانیها به بررسی جزئیات قوانین می‌پرداختند. و این خود نشانه جدائی میان کابینه و مجلس است چنانچه پس از آنکه کابینه استعفا داد، لوایح مورد بحث وکلا همان لوایحی بود که در دولت مشیرالدوله پیشنهاد شده بود.

## یادداشتهای فصل ششم

۱. کتاب سبز، به کوشش رضاقلی نظام‌مافی، تهران ۱۳۶۳ ق ص ۱.
۲. خبر این وقایع در ایران زیاد پخش نمی‌شد. رعد نوشت: «شایان تأسف است که خبر فرستادن یادداشت دولت ایران را به سفارت روسیه در جراید روسیه بخوانیم و جریان امور مملکت خود را از مطبوعات خارجه مستحضر گردیم.» رعد، شماره ۱۱، ۲۷ ذیقعدہ ۱۳۳۲ ق.
۳. کتاب سبز، ص ۲.
۴. خبر تهیه وسائل برای روانه کردن ولیعهد به آذربایجان در رعد بسیار است از جمله نوشت: «در ماه صفر دولت طی تصویب نامه‌ای برای حرکت ولیعهد به آذربایجان مقرر داشت که کلیه مالیات دهندگان مملکت  $\frac{1}{3}$  معادل مالیات نقدی توشقان ثیل خود را به صیغه مساعدہ به خزانه بپردازند.» رعد، شماره ۵۳، ۲۶ صفر ۱۳۳۳ ق. ولیعهد حوالی ۱۵ جمادی‌الاول ۱۳۳۳ ق به تبریز رسید.
۵. کتاب سبز، ص ۹ و ۱۰.

## یادداشتهای فصل ششم / ۱۳۵

۶. همان، ص ۱۳ و سایر صفحات.
۷. رعد، شماره ۱۸، ۱۳ ذیحجه ۱۳۳۲ ق.
۸. کتاب سبز، ص ۲۰ و ۲۱.
۹. رعد، شماره ۱۹، ۱۵ ذیحجه ۱۳۳۲ ق.
۱۰. همان، شماره ۲۰، ۱۶ ذیحجه ۱۳۳۲ ق.
۱۱. صمدخان شجاعالدوله رئیس فوج سوار مراغه که پس از بسته شدن مجلس دوم دست نشانده روسها شد، به فجایع و قتل عده بسیاری دست زد که احمد کسروی به تفصیل آنرا شرح داده است. او در این دوره توسط روسها به آذربایجان برگشت.
- احمد کسروی، تاریخ ۱۸ ساله، ص ۵۹۲ و صفحات دیگر.
۱۲. کتاب سبز، ص ۴۳، ۴۶، ۴۸.
۱۳. همان، ص ۵۰ و ۵۶.
۱۴. همان، ص ۵۸.
۱۵. مورخالدوله سپهر، ایران در جنگ بزرگ، ص ۱۰۱.
۱۶. آلمانها از آغاز جنگ، مبالغ هنگفتی پول برای فعالیت‌های خود در ایران خرج می‌کردند. یکی از طرق تأمین اعتبار این بود که آلمانها مخفیانه به تجار ایرانی در خارج پول می‌پرداختند و تجار ایرانی پول رایج کشور را به عمال آنها در ایران می‌دادند. انگلیسها که از این مبادلات آگاه شدند اسامی تجار را در لیستی که معروف به "لیست سیاه" بود گنجانده اعتبار آنها را در کشورهایی که تحت سیطره داشتند توقیف کردند. تا آنکه از این تجار تعهد کتبی و وثیقه‌ای نقدی گرفتند که دیگر با آلمانها معامله نکنند. سپس سرمایه‌هایشان را آزاد کردند.
- منصوره اتحادیه "لیست سیاه ایران در جنگ جهانی اول"، ۱۸ مه ۱۹۱۴ م، مجله نگین، شماره ۱۴۶، ۳۱ تیر ۱۳۵۶ ش.

17. W. J. Olson, Anglo - Iranian Relations, P. 68.

۱۸. درباره نرسیده حقوق‌ها مطالب بسیاری در مطبوعات هست. البته این مسئله از

قبل از جنگ نیز مطرح بود.

۱۹. مورخ الدوله سپهر نیز به ناامیدی مستوفی الممالک از اوضاع اشاره کرده

است. ایران در جنگ بزرگ، ص ۱۴۲.

۲۰. مذاکرات مجلس ۳، جلسه ۱۰، ربیع الاول ۱۳۳۳ ق، ص ۳۴.

۲۱. همان.

۲۲. رعد، شماره ۵۷، ۵ ربیع الاول ۱۳۳۳ ق.

23. W. J. Olson, Anglo - Iranian Relations, P. 70.

۲۴. مستوف الممالک، مخبر السلطنه را به وزرات عدلیه برگزیده بود. ولی او

همچنان در فارس باقی ماند، و نصرت الدوله کفیل وزرات عدلیه شد. انگلیسها

مخبر السلطنه را مسئول گسترش فعالیت آلمانها در جنوب می دانستند. بخصوص

سعی داشتند جلوی فعالیت واسموس قنسول آلمان را بگیرند، ولی واسموس به

شیراز گریخت و مخبر السلطنه از او حمایت کرد. در این هنگام انگلیسها برای دفاع از

امنیت چاههای نفت قوایی در جنوب ایران پیاده کردند و عده‌ای از آلمانها را دستگیر

کرده به هند فرستادند.

W. J. Olson, Anglo - Iranian Relations, P. 33.

۲۶. رعد، شماره ۸۴، ۲۴ ربیع الثانی ۱۳۳۳ ق.

همچنین هنگامی که فرمانفرما وزیر داخله کابینه عین الدوله بود، و توسط

دموکراتها مورد استیضاح قرار گرفت، بامداد روشن و ستاره ایران هر دو اشاره کردند

که دموکراتها نسبت به عین الدوله هم بدبین هستند. رجوع شود به فصل ۷.

۲۷. مذاکرات مجلس ۳، ۱۰ ربیع الثانی ۱۳۳۳ ق، ص ۴۰.

۲۸. قانون ۲۳ جوزا ۱۳۲۹ ق. به نام قانون تشکیل ترتیبات مالیاتی مملکت

ایران، مصوبه ۱۵ جمادی الثانیه ۱۳۲۹ ق بود که وظایف خزانه دار را که در آن وقت

شوستر بود تعیین می کرد. اشکال این قانون اولاً این بود که چون مجلس به شوستر

اعتماد بسیار ابراز می کرد، قدرت نامحدودی به او تفویض کرده بود، و پس از رفتن

شوستر، این قدرت به مورنارد رسید، که ایرانی‌ها با او مخالف بودند، و از اولین

فرصت برای رد او استفاده کردند.

مصوبات، ص ۳ - ۳۹۱ و ص ۵۱۷.

۲۹. مذاکرات مجلس ۳، جلسه ۱۳، ۱۰ ربیع‌الثانی ۱۳۳۳ ق، ص ۴۰.

۳۰. در فصل قبل راجع به برنامه دولت در مورد احزاب سیاسی اشاره شد. در این کابینه برنامه دولت مبهم دانسته شد، ولی در کابینه‌های بعدی چندان مشکلی ایجاد نکرد. چون احزاب از کابینه مشیرالدوله حمایت می‌کردند، و عین‌الدوله نیز اظهار کرد که برنامه مشیرالدوله را دنبال خواهد کرد. مستوفی نیز که برای بار دوم رئیس‌الوزراء شد، فرصت چندان‌ی پیدا نکرد تا برنامه خود را در مجلس مطرح کند.

۳۱. مذاکرات مجلس ۳، جلسه ۱۴، ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۳۳۳ ق، ص ۴۵.

۳۲. همان، ص ۴۸.

۳۳. همان، جلسه ۱۷، ۲۷ ربیع‌الثانی ۱۳۳۳ ق، ص ۵۵.

رعد احزاب را تقبیح کرد زیرا اکثریت می‌بایست از مستوفی‌الممالک حمایت می‌کردند.

رعد، شماره ۸۴، ۲۴ ربیع‌الثانی ۱۳۳۳ ق.

۳۴. سپهر، ایران در جنگ بزرگ، ص ۷۰.

۳۵. برای اطلاع بیشتر رجوع شود به: C. Sykes, Wassmuss,

\*The German Lawrence, Longmans UK., 1936.

36. W. J. Olson, Anglo - Iranian Relations, P. 72.

۳۷. مذاکرات مجلس ۳، جلسه ۱۷، ۲۷ ربیع‌الثانی ۱۳۳۳ ق، ص ۵۵.

۳۸. رعد اظهار خرسندی کرد که این اولین باری است که رئیس‌الوزراء در عرض ۴۸ ساعت کابینه را معرفی کرده است. همچنین اظهار امیدواری کرد که چون دولت فعلی نماینده افکار اکثریت است، دیگر نباید بین دولت و مجلس اختلافی رخ دهد.

رعد، شماره ۸۶، ۲۸ ربیع‌الثانی ۱۳۳۳ ق.

مذاکرات مجلس ۳، جلسه ۱۷، ۲۷ ربیع‌الثانی، ۱۳۳۳ ق، ص ۶ - ۵۵.

۳۹. همان، ص ۵۷ - ۵۶.

40. W. J. Olson, *Anglo - Iranian Relations*, P. 38.

دیگر از مسائلی که به مشکلات مشیرالدوله می‌افزود آمدن مارلینگ به عنوان وزیر مختار انگلستان بود، چون این دو نفر با یکدیگر روابط حسنه نداشتند.

*Ibid*, P. 78.

41. *Ibid*.

42. Townley to Grey, May 4, 1915, FO 371/2429.

also, W. J. Olson, *Anglo - Iranian Relations*, p. 75.

۴۳. مذاکرات مجلس ۳، جلسه ۱۸، سلخ ربیع‌الثانی ۱۳۳۳ ق، ص ۶۵.

۴۴. همان، جلسه ۲۵، ۷ جمادی‌الثانی، ۱۳۳۳ ق، ص ۸۹.

۴۵. عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من، جلد ۲ ص ۳۴۶.

مستوفی میانه چندان خوبی با مورنارد نداشت و چنانچه متذکر شده، در حمل

۱۳۳۳ ق، استعفا داد و طی نامه‌ای همه ایرادات خود را برمی‌شمرد، ص ۵۳ - ۴۴۹.

47. A. Destree, *Les Fonctionnaires Belges au Service de la Perse*, 1895

- 1915, Brill, Leiden, 1976, PP. 265, 277.

عبدالله مستوفی نیز به همین مسئله اشاره کرده است.

۴۸. مذاکرات مجلس ۳، جلسه ۱۸، سلخ ربیع‌الثانی ۱۳۳۳ ق، ص ۶۵.

۴۹. در دهم جمادی‌الاول ۱۳۳۳ ق، بنا به تقاضای دولت، چون قوانین مالیه

هنوز تکمیل نشده بود، مدت مأمورت کمیسیون تجدید شد.

۵۰. قانون جزا در این مجلس تکمیل نشد. آن را به کمیسیون عدلیه ارجاع دادند

ولی به واسطه تعطیل شدن مجلس ناتمام ماند. فیروز میرزا نصرت‌الدوله که در این

دوره مدتی کفیل وزرات عدلیه بود، کمیسیونی تشکیل داد و قانون جزای عرفی را

در ۳۴۸ ماده تکمیل کرده، اجرای موقت آن را از دولت خواست و دولت در

جمادی‌الاول ۱۳۳۵ ق، با اجرای آن موافقت کرد.

۵۱. مذاکرات مجلس ۳، جلسه ۲۰، ۱۲ جمادی‌الاول ۱۳۳۳ ق، ص ۷۸ - ۶۷.

مدرس می‌خواست برنامه معارف و مدارس تحت نظر مجلس باشد. ولی تمایل



## یادداشتهای فصل ششم / ۱۳۹

نداشت که فعلاً دارالمعلمات تأسیس گردد و می‌گفت برای نسوان زود است. ضمناً می‌خواست دولت بر برنامه معارف نظارت داشته باشد. شاید معتقد بود که کنترل علما بر برنامه معارف از طریق مجلس مؤثرتر خواهد بود، تا از کنترل شورای معارف. همان ص ۷۷.

۵۲. بد نیست اینجا تذکر داده شود که بعضی از پیش‌بینی‌های هیأت علمیه تحقق یافت. شش ماه بعد از لغو قانون ۲۳ جوزا، و تصویب قانون تشکیلات مالیه در ۱۸ رمضان ۱۳۳۳ ق، روزنامه رعد مقاله مهمی در باره اوضاع مالیه ایران درج کرد و به انتقاد از قانون جدید پرداخت و نوشت که دولت بدون فکر و تأمل قانون را لغو کرده و بیشتر به تخریب اساس خزانه‌داری اهتمام نشان داده تا اصلاح اساس مالیه؛ و توجه نکردند که اگر اختیار خزانه‌دار کل را در مرکز سلب کنند، نباید همان کار را در ولایات انجام دهند به این دلیل که: «همه کس می‌داند که در مملکت ایران وقتی که مردم مأمورین دولتی را طرف توجه و مساعدت حکومت مرکزی نبیندند، ندرتاً مالیات خود را به سهولت می‌پردازند» و اضافه کرد که اکنون مأمورین مالیه آلت دست حکام شده و وصول مالیات لطمه خورده است. رعد شماره ۱۵۷، ۱۸ رمضان ۱۳۳۳ ق.

۵۳. مذاکرات مجلس ۳، جلسه ۲۰، ۱۲ جمادی‌الاول ۱۳۳۳ ق، ص ۳ - ۷۲.

۵۴. هنگام بحث، مدرس تقاضای ختم جلسه کرد و وقتی وکلا مخالفت کردند گفت: «حالا که آقایان تصویب نمی‌کنند، من خسته شدم، آقایان گوش می‌دهند، من باید فکر کنم.» ولی مؤتمن‌الملک مانع رفتن او شد. همان، ص ۷۴.

۵۵. همان.

۵۶. عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من، ص ۶۵ - ۴۶۱.

۵۷. مذاکرات مجلس ۳، جلسه ۲۵، جمادی‌الثانی ۱۳۳۳ ق، ص ۷۹.

۵۸. همان، ص ۹۳.

۵۹. همان.

۶۰. همان، جلسه ۳۱، ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۳۳۲ ق، ص ۱۹ - ۱۱۸.



## فصل هفتم

### از کابینه عین الدوله تا انحلال هیأت مؤتلفه ( ۱۱ جمادی الثانی ۱۳۳۳ - رمضان ۱۳۳۳ ق )

پس از استعفای مشیرالدوله، روسها و انگلیسها کوشیدند سعدالدوله را به ریاست الوزراء برسانند، ولی مجلس مخالفت می کرد. سپهر می نویسد: در این جریان آلمانها ملیون را از ملاقاتهایی که میان شاه و سعدالدوله رخ داده بود آگاه کرده بودند.<sup>(۱)</sup> بنا بر قول او، فن کاردوف و عاصم بیک سفیر عثمانی شاه را متقاعد کرده بودند که سعدالدوله را قبول نکند.<sup>(۲)</sup>

در پی توافق احزاب، عین الدوله مأمور تشکیل کابینه شد، و وقتی در مجلس گفت: « اعلیحضرت اقدس همایونی امروز بنده را به فرح آباد احضار فرمودند و نظر به اکثریتی که در مجلس مقدس نسبت به بنده حاصل شده بود...»، عده‌ای از نمایندگان گفته بودند: «اتفاق بود»<sup>(۳)</sup>

ولی خواهیم دید که کابینه‌ای که عین الدوله معرفی کرد چندان مورد

تأیید وکلا نبود. بدون شک بیم ریاست وزراء سعدالدوله، موجد این "اتفاق" شد که عین‌الدوله ریاست وزرائی یابد. زیرا همانطور که ستاره ایران و بامداد روشن بعداً یادآور شدند، وقتی عین‌الدوله در کابینه مستوفی‌الممالک وزیر داخله بود، وکلا با او مخالفت کرده بودند.<sup>(۴)</sup>

عین‌الدوله در ۱۶ جمادی‌الثانی کابینه خود را به مجلس معرفی کرد.\*  
موتمن‌الملک از او ستایش کرد و گفت که وکلا باید از رئیس‌الوزراء ممنون باشند که در مدت سه روز بحران را خاتمه داده وزراء را معرفی کرد. ضمناً سفارش کرد که باید وکلا همانطور که با او موافقت کرده‌اند با کابینه هم موافقت کنند.<sup>(۵)</sup> ظاهراً در باره کابینه توافقی حاصل نشده بود. زیرا رعد در ۲۷ جمادی‌الثانی نوشت که گویا بعضی از وکلا با رئیس دولت مساعد نیستند؛ سپس به سدت به انتقاد برخاست که: وضع مجلس ثابت می‌کند که ایرانیان لایق مشروطیت نیستند.<sup>(۶)</sup> بامداد روشن نیز در ماه رمضان هنگام استیضاح وزیر داخله، نوشت که: «عین‌الدوله هنگامی که بیم هجوم کودتای سعدالدوله در میان بود، با یک عجله و اضطرابی مورد اکثریت تامه یا اتفاق مجلس شورای ملی واقع شد، در آن وقت هیچ کس تعرضی نکرد...» و سپس اضافه کرد که «در همان وقت بعضی لیبرها گفتند که ما فقط به شاهزاده رئیس‌الوزراء اعتماد داریم و بس...»<sup>(۷)</sup>

واضح بود که کابینه کماکان با نظر مارلینگ و وزیر مختار روس تشکیل شده و سرانجام توانستند فرمانفرما، و وثوق‌الدوله را بالاخره وارد کابینه کنند.<sup>(۸)</sup> در مقابل، آلمانها هم حکیم‌الملک را تحمیل کردند.<sup>(۹)</sup>

---

\*. اعضای این کابینه از این قرار بودند: رئیس‌الوزراء عبدالحمید میرزا عین‌الدوله، وزیر عدلیه فتح‌الله خان سردار منصور؛ وزیر خارجه میرزا حسن خان محتشم‌السلطنه؛ وزیر داخله عبدالحسین میرزا فرمانفرما؛ وزیر مالیه عبدالله خان همدانی حاج امیرنظام؛ وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه میرزا ابراهیم خان حکیم‌الملک؛ وزیر فوائد عامه و تجارت و پست و نگلراف دکتر اسماعیل خان مؤدب‌السلطنه.

## از کابینه عین‌الدوله تا انحلال هیأت مؤتلفه / ۱۴۳

اولین اقدام عاجلانه دولت پیش از معرفی اعضای کابینه، بررسی و اتخاذ تصمیم در باره هجوم مردم به بانک شاهنشاهی برای گرفتن نقره در مقابل اسکناس بود<sup>(۱۰)</sup> که شاید تا حدی در اثر تحریک آلمانها رخ داده بود تا بانک در مضیقه مالی واقع گردد. عین‌الدوله بی‌درنگ در ۱۲ جمادی‌الثانی لایحه‌ای را که شبانه تهیه کرده بودند به مجلس آورد. در این لایحه آمده بود که چون راهها مسدود است، نقره به دشواری وارد می‌شود،<sup>(۱۱)</sup> بنابراین برای حفظ تعادل در تبدیل اسکناس، بانک شاهنشاهی ایران مکلف است که از برج ثور (خرداد) به مدت ۶۰ روز در مقابل اسکناس‌های خود، روزی فقط ده هزار تومان نقره مسکوک تأدیه کند. این لایحه فقط شامل تهران می‌شد و با موافقت وکلا که حاکی از تبادل نظر قبلی است، تصویب شد.<sup>(۱۲)</sup>

در برنامه دولت عین‌الدوله که در ۵ رجب به مجلس ارائه شد،<sup>(۱۳)</sup> اولاً آمده بود که «چون پروگرام دولت سلف با خط مشی این دولت موافق است» این دولت نیز همان برنامه را پیشنهاد می‌کند؛ ثانیاً بر حفظ بی‌طرفی ایران تأکید می‌ورزید؛ ثالثاً خواستار اختیاراتی برای حفظ و اجرای سیاست بی‌طرفی بود. این ماده اخیر بگونه‌ای مبهم طرح شده بود: «شرط موفقیت در این مقصود (مصالح واقعی مملکت) اختیاری است که لازمه یک حکومت مقتدری می‌باشد که با مساعدت و معیت مجلس شورای ملی در تهیه و اسباب وسایل آن اقدام نماید.»

رهبران هر یک از احزاب، و نیز گروه بی‌طرف، به نوبت سخن گفتند. مدرس اظهار موافقت کرد. سلیمان میرزا اظهار داشت که خواست مجلس هم حفظ بی‌طرفی است و از دولت که همکاری مجلس را برای حفظ بی‌طرفی طلب کرده تمجید کرد. سپس تکرار کرد مبنی بر آنکه دولت باید به مسائل مالی، امنیت (آنچه را که قبلاً در کابینه مشیرالدوله گفته بود) و ژاندارمری توجه کند. ناصرالاسلام نیز از جانب گروه بی‌طرف گفت که موقع بسیار فوق‌العاده‌ای است و اقدامات فوق‌العاده لازم است. سپس بنابر

تقاضای عین‌الدوله رای گرفته شد.<sup>(۱۴)</sup> از ۶۶ نفر، ۶۲ نفر ورقه سفید یعنی رای اعتماد به کابینه عین‌الدوله دادند. با اینکه جلسه به خوبی برگزار شده بود، اما اختیاراتی که خواسته بود به وی اعطاء نشد. سپهر می‌نویسد که پیش از آنکه عین‌الدوله تقاضای اختیارات تام کند، سفیر آلمان مطلع شده، وکلا را خبر کرد تا برای جلوگیری از اعطای اختیارات دست به اقداماتی زنند. مدرس نیز با اختیارات تام موافق نبود.<sup>(۱۵)</sup> ظاهراً عین‌الدوله را راضی کرده بودند که به جای "اختیارات تام" لفظ "اقتدار" نوشته شود تا مورد موافقت وکلا قرار گیرد.<sup>(۱۶)</sup>

یکی از دلایل ناکامی عین‌الدوله در کسب این اختیارات آن بود که در ۱۸ ماه مه / ۴ رجب، رئیس بانک روس به نام وان کاور را در اصفهان به قتل رساندند. عین‌الدوله می‌خواست استعفا بدهد، ولی شاه و عده‌ای از وکلا او را راضی کردند که استعفایش را پس بگیرد. ولی این واقعه موضع وی را ضعیف کرد و توانست اختیاراتی را که مد نظر داشت به دست آورد.

قبل از این واقعه، در ۱۳ مه / ۲۸ جمادی‌الثانی، طی ملاقاتی میان عین‌الدوله و محتشم‌السلطنه وزیر خارجه با مارلینگ و دواتر، دولت ایران تقاضای موراتوریوم<sup>(۱۷)</sup> را که مشیرالدوله عنوان کرده بود، تجدید کرد. ضمناً نقطه نظرات دولت ایران را برشمرد که از آن جمله شکایت از رفتار روسیه بود. زیرا نمایندگان آن دولت در آذربایجان خود مالیات می‌گرفتند، از ایرانیان مخالف دولت حمایت می‌کردند؛ و اتباع روس ملک می‌خریدند. روسها مایل به قبول موراتوریوم نبودند، ولی حاضر شدند که در باره سایر مسائل وارد مذاکره شوند.

مارلینگ از عین‌الدوله خواست که بی‌طرفی دولت ایران را با جدیت بیشتری اعمال کند، ولی راجع به موراتوریوم صحبت نشد. مارلینگ پذیرفت که ایران به کمک مالی احتیاج دارد و نیز پذیرفت که ایران مبلغ ۴۰،۰۰۰ تومان، (۷۵،۰۰۰ لیره) از بانک شاهنشاهی علی‌الحساب وام بگیرد.

## از کابینه عین الدوله تا انحلال هیأت مؤتلفه / ۱۴۵

ولی عین الدوله می‌بایست در برابر این امتیاز، مخبرالسلطنه را از حکومت فارس معزول کند؛ و گویا مجلس را هم مدتی تعطیل کند.<sup>(۱۸)</sup> ولی ۵ روز پس از آن، قتل رئیس بانک روس نتایج این مذاکرات را خنثی کرد و چنانچه ذکر شد مارلینگ به فکر اعزام قوای روس به سوی تهران افتاد.

بار دیگر در اواخر ژوئن / رمضان، عین الدوله مسئله موراتوریم را پیش کشید. مذاکرات به طول انجامید و تا آغاز بحران کابینه و استعفای عین الدوله، به نتیجه نرسید.

قبل از آغاز بحث در باره بحرانی که به استعفای عین الدوله انجامید، به آنچه که باعث فروپاشی هیأت مؤتلفه گردید، و به لوایحی که در این دوره در مجلس مورد مذاکره واقع شد می‌پردازیم.

در کابینه عین الدوله، وکلا به تکمیل بقیه قانون مالیه و سپس قانون پست پرداختند. شور اول قانون پست در مجلس دوم انجام گرفته بود، و اکنون به تکمیل شور دوم آن مشغول شدند. موضع هیأت علمیه فوراً مشخص شد. هدف آن جلوگیری از انحصار پست توسط دولت بود، و اصرار داشت که قانون باید با مقتضیات مملکت متناسب باشد، و نباید از قوانین فرنگی نقل شود. مخبر کمیسیون اصرار می‌ورزید که این قانون با قوانین بین‌المللی منطبق است.<sup>(۱۹)</sup> قانون پست سرانجام در جلسه ۵۶ در ۱۵ رمضان، هنگامی که کابینه بواسطه استیضاح از فرمانفرما دچار بحران شده بود به تصویب رسید.

\*\*\*

انتقاد از کابینه عین الدوله منحصر به استیضاح از فرمانفرما نبود. در جلسه ۶ شعبان که قانون پست رو به اتمام بود و قانون مستغلات هنوز مطرح نشده بود، سلیمان میرزا مسئله بودجه را پیش کشید و از دولت انتقاد کرد که سه ماه از سال می‌گذرد و هنوز بودجه‌ای به مجلس نیامده. «از طرفی گفته می‌شود در بودجه دولت ۸ کروور کسر پیدا شده است و بعضی دیگر بودجه را

۱۱ کرور می‌گویند. با چنین کسر بزرگی ما چطور می‌توانیم صبر کنیم.» در جلسه روز بعد وزیر مالیه جواب می‌دهد که در این ۷ سال هیچ دولتی موفق نشده بود بودجه‌ای ترتیب بدهد، ولی اکنون دست به کار شده‌اند و جز چند وزارتخانه بقیه بودجه‌هاشان حاضر شده است.<sup>(۲۰)</sup>

ولی بحران اصلی با استیضاح از فرمانفرما توسط دموکراتها، در ۹ شعبان شروع شد. رابطه فرمانفرما با این حزب از قبل خراب بود،<sup>(۲۱)</sup> و او را از هواداران روس و انگلیس می‌دانستند، روزنامه‌کوشش و عصر انقلاب را نیز توقیف کرده بود و این بیشتر باعث دشمنی دموکراتها شده بود. به همین دلیل نیز دموکراتها به استیضاح از او برخاستند. حسن اعظام قدسی که خود از اعضای حزب دموکرات بود نوشته است از طرف کمیته حزب به حوزه‌های پایتخت «متحدالمال سفارش شده بود که روز استیضاح در مجلس حاضر شوند و قبلاً از طرف وکلای دموکرات تهیه بلیط ورودی شده بود که سهم من پنجاه بلیط شده بود.»<sup>(۲۲)</sup>

در روز ۱۳ شعبان، استیضاح به امضای ۲۰ نفر بدین شرح خوانده شد:

«مقام محترم مجلس شورای ملی، ما امضاکنندگان ذیل از وزیر داخله راجع به وقایع ناگوار و پریشانی امور امروز کرمانشاهان که نتیجه مسامحه و سوءتدبیر و اقدامات حضرت معظم‌له است، استیضاح داریم. متمنی است مراتب رابه وزیر داخله اطلاع داده جلسه روز را به فوریت برای استیضاح فوق‌الذکر معین فرمائید.»

عین‌الدوله طی نامه‌ای خطاب به رئیس مجلس نوشت که چون استیضاح در باره مسئله کرمانشاه نه تنها به وزیر داخله بلکه به کابینه نیز مربوط است، لذا هیأت دولت برای جواب به مجلس می‌آید.<sup>(۲۳)</sup>

نام امضا، کنندگان در مذاکرات مجلس ذکر نشده، ولی ستاره ایران نام ۱۷ تن از وکلای دموکرات را بدین قرار ذکر کرده است: حسین (کزازی)،



## از کابینه عین الدوله تا انحلال هیأت مؤتلفه / ۱۴۷

مؤیدالاسلام، سید محمدرضا (مساوات)، محسن (سلیمان میرزا)، مخبرالممالک، دکتر لقمان، محمدطاهر (تنکابنی)، محمدجواد (بلورفروشی)، وحیدالملک، محمدنجات، خان باباخان، مرآت السلطان، عمادالسلطان، حاجی میرزا حسین، مشارالدوله، ملک الشعراء، و یحیی کرمانی.

در این تاریخ حزب دموکرات تقویت شده و نفوذش گسترش یافته بود. زیرا چندین شهرستان که انتخابات انجام شده بود وکلای دموکرات انتخاب شده بودند، و در این تاریخ تعدادشان به ۳۱ نفر رسیده بود. (رجوع شود به جدول شماره ۸). ضمناً پیشرفت آلمان در ایران بر جرأت آنها افزوده بود، شاید هم بر این باور بودند که آلمانها در جنگ پیروز خواهند شد. حسن اعظام قدسی می نویسد روز استیضاح «روحیه افراد دموکرات در مقابل افراد اعتدالی مانند قشون فاتح، بشاش و خندان بود، برای اینکه می دانستند فاتح خواهند بود.»<sup>(۲۴)</sup> دموکراتها در این استیضاح، از حمایت جناح بی طرف نیز برخوردار بودند، ولی هیأت علیمه کاملاً با آنها مخالفت می ورزید. یکی از نتایج این استیضاح انحلال هیأت مؤتلفه بود که سپس شرح داده خواهد شد. در این جلسه، حاج عزالممالک وکیل کرمانشاه و سپس سلیمان میرزا، سیدحسین کزازی، وحیدالملک، مرآت السلطان، و ملک الشعراء بهار وکلای دموکرات، یکی پس از دیگری به توصیف وضع نابسامان و اسف انگیز کرمانشاه پرداختند. البته هیچ اشاره مستقیمی به عملیات ترکها، که فرمانده شان رثوف بیک، از دوره مشیرالدوله به آن ایالت حمله کرده بود، نشد. پس از توصیف وضع کرمانشاه توسط حاج عزالممالک و اینکه وزیر داخله مسئول نفرستادن حکومت است، سلیمان میرزا حمله را با یک نطق مفصل و پراحساس، و تاحدی عوام فریبانه، آغاز کرد. از ایرادات او به فرمانفرما این بود نایب الحکومه کرمانشاه از طرف اهالی تلگراف کرده که اوضاع را سامان خواهد داد،<sup>(۲۵)</sup> بعداً معلوم شده که این تلگراف را از طرف

خود مخابره کرده بوده است. با اینکه وکلا به دولت اصرار می‌کردند که وضع را اصلاح کند و حاکم بفرستد، ولی اثری نبخشیده است: «بنده حقیقتاً نمی‌دانم چگونه می‌توان تصور کرد که مجلس شورای ملی موجود باشد و مصونیت جان و مال افراد مردم در قانون اساسی باشد، و ما اینجا بنشینیم و قانون پستی بگذرانیم و به وزراء بگوئیم جان و مال مردم آتش گرفت...» سپس اضافه کرد که وکلا امکان جمع‌آوری خبر مانند دولت نداشتند، و از مخابراتی که دولت با کرمانشاه کرده بی‌خبر بودند، در حالی که قسم خورده بودند که حافظ قانون اساسی باشند:

«...در این صورت آیا به چه ترتیب می‌توانند وکلاء را مطمئن بکنند که در پیش خودمان و وجدانمان به حفظ قانون اساسی مطمئن باشیم و روی این صندلیها بنشینیم و بدانیم این اهالی بدبخت که هست و نیست مملکت بواسطه دسترنج آنها است، تمام این پولها را آنها به زحمت در گرما و سرما تحصیل می‌کنند و به ما می‌دهند که وکیل، وزیر و مدیر اداره و فلان می‌شویم، راحت هستند و بدانیم این ولی‌نعمتهای حقیقی ما یک ساعت راحت می‌خواهد.»

آقا سید حسین کزازی وکیل دیگر کرمانشاه که از اعضای قدیمی حزب دموکرات بود گفت: «اگر وزیر داخله به قدری که در حفظ علاقجات شخصی خود که در مدت حکومت آنجا تهیه کرده جدیت دارد، قدری هم اظهار علاقه‌مندی با این آب و خاک و جدیت در ایفای او می‌کرد، یقیناً مملکت باین روز سیاه نبود. اگر شاهزاده وزیر داخله که از شاهزادگان بزرگ ایران است، قدری ابراز حس ایرانیت می‌نمود روزگار ما این قسم نبود...» (۲۶)

وحیدالملک نیز از جانب دموکراتها حمله را ادامه داد که اولاً چرا وزیر داخله جواب نمی‌دهد؟ آنگاه فرمانفرما را مسئول مستقیم نابسامانیهای کرمانشاه معرفی می‌کرد. مرآت‌السلطان نیز با تندی سؤال کرد که دولت چه اقداماتی کرده و چرا وقتی می‌خواهند از وزیر داخله استیضاح کنند همه

## از کابینه عین‌الدوله تا انحلال هیأت مؤتلفه / ۱۴۹

هیأت وزراء می‌آیند، در صورتی که امور کرمانشاه جزء مسئولیت وزیر داخله است؟

نطق ملک‌الشعرا بهار جالب توجه است زیرا به نظر می‌رسد که می‌خواهد خود را به این وسیله از اتهام ضد‌مذهبی بودن نیز تبرئه کند. وی اشاره کرد که به سه دلیل سخن می‌گوید. یکی به علت سیاست مملکت، دیگر اینکه سابقه افکار عمومی است، سابقه مذهبی است که در این خصوص هم نمی‌خواهم فناتیکی و دماغ‌گزی به خرج دهم و البته هم از بنده این ترتیبات را منتظر نیستند... ولی کسی که می‌خواهد در مملکتی که دارای سی‌کرور نفوس است در روی افکار عمومی عرض اندام نکند، البته باید ملاحظه سابقه مذهبی را داشته باشد. بهار این موضوع را ادامه نداده، و سومین علت سخن گفتن خود را وضع کرمانشاه و موضوع استیضاح فرمانفرما بیان کرده است: «وزراء مسئول جان و مال مردم‌اند، در حالی که تاکنون چندین بار کرمانشاه بواسطه سوء تدبیر لگدکوب شده است» سپس به عین‌الدوله خطاب می‌کند که با اینکه استیضاح فقط از وزیر داخله است، نباید رئیس‌الوزراء محبوبیت دیرینه خود را فدای این کار کند. (۲۷)

شیخ اسدالله کوشید از استعفا و بحران کابینه ممانعت کند و گفت اگر دیگران حفظ بی‌طرفی را نمی‌کنند، تقصیر کابینه نیست: «همسایگان رثوف ما باید قدری نظر رأفت و تفقد به ما بفرمایند...» اما رئیس مجلس او را از ادامه سخن بازداشت. میان مدرس و سلیمان میرزا نیز درگیری لفظی سختی پدید آمد. و مدرس از شخص فرمانفرما دفاع کرد و جنبه اسلامیت میان ایرانیان و ترکها را میان کشید و گفت در ایران یک نفر مسلمان پیدا نمی‌شود که بخواهد بین دو دسته از مسلمین کدورت ایجاد کند.

سلیمان میرزا جواب سختی داد و گفت که مسئله شخصی نیست، سیاسی است. این شخص که چند روزنامه را توقیف کرده، اگر شبی صد هزار رکعت نماز بخواند، «در نظر من مقصر است. در مجلس گفتگو بر اساس

سیاست است و نه اخلاق ثواب و عتاب.»

پس از آن حاج میرزا حسین، آقا میرزا محمدعلی خان و عدل‌الملک نیز سخن گفتند. تا سرانجام رئیس‌الوزراء به پاسخگوئی برخاست. (۲۸) وی گفت که دولت مسئولیت مشترک دارد، و موقع کدورت بین وکلاء و وزراء نیست. دولت فقط دو ماه است سرکار آمده در حالی که وضع کرمانشاه از قبل خراب بوده و: «از هر طرف فشار آورده و می‌آورند و هیأت دولت گرفتار مسائل آنی است و هر دقیقه برایش یک بلائی پیش می‌آید...» در حالی که این دولت کوشیده کارها انجام دهد و «خادم بوده». اگر به اقدامات دولت در کرمانشاه نگاه کنند خواهند دید قصوری نشده، و دولت همه‌گونه سفارشات کرده. «هیأت دولت به آن پروگرامی که به مجلس داده است باید به اعلی درجه حفظ بی‌طرفی را بنماید...» و ادامه داد که حاکم را هم معین کرده‌اند و ۳۰ هزار تومان وجه هم علاوه بر مخارجش آماده شده و قرار است راه بیفتد و وکلای کرمانشاه هم خوب بر مسائل واردند. عین‌الدوله سپس افزود که وضع کابینه را متزلزل می‌بیند: «من یک شخصی هستم... که وطنم را خیلی بی‌اندازه دوست می‌دارم و این حال امروزه را بی‌اندازه برای مملکت مضر می‌دانم و با این ترتیب این کابینه دیگر نمی‌تواند کار بکند بهتر این است آقایان وکلا... یک کابینه دیگری را در نظر بگیرند.» (۲۹)

پس از رئیس‌الوزراء فرمانفرما به پاسخگوئی و دفاع از خود پرداخت و گفت کسانی که اظهار کردند با رمز خصوصی با ایلات کرمانشاه تماس دارد، افترا می‌زنند، زیرا وزرات تلگراف حق ندارد رمز خصوصی مخابره کند. اگر تلگراف رمز بوده از طرف وزرات داخله و به مهر وزرات داخله بوده که در دست میرزا سلیمان خان معاون وزراتخانه است. اداره و منشی رمز هم معلوم هستند. بنابر این نباید اینگونه حرف‌ها زده شود. در باره نفوذ خود در کرمانشاه گفت: «...بنده بی‌حد و اندازه نفوذ دارم. یک روزی بنده در آنجا حکومت کرده‌ام و یک اشخاصی را می‌شناسم. صحیح است من نفوذ

دارم... برای نفوذ من همینقدر کافی است که اگر نفوذ من در این موقع نبود، و سابقه من در کار نبود، حالا کلهر و رفقایش در همدان بلکه بالاتر بودند...» در پایان نیز اضافه کرد که در مطالب سیاست خارجی همه کابینه مسئول هستند نه یک وزیر تنها.<sup>(۳۰)</sup>

آشکار است که چون بطور واضح نمی توانستند همه مطالب را اظهار کنند، به گونه ای مبهم به دستهایی اشاره شده که در کرمانشاه آشوب می کردند. بخصوص در باره حرکات ایلات محلی اشاراتی هست، ولی در مذاکرات مجلس در این زمینه سخنان زیادی گفته نمی شد. زیرا وزیر امور خارجه وقت اشاره کرده که صلاح نیست زیاد در این باره صحبت کنند. «... شاید در مذاکره زیاد ذکر بعضی اسامی بشود و مطالبی روی کار بیاید که مناسب نباشد در مجلس شورای ملی این مطالب علناً مذاکره شود...»<sup>(۳۱)</sup>

مدرس و هیأت علمیه می کوشیدند از کابینه دفاع کنند: زیرا در کابینه همه مسئولند و مجلس به رئیس الوزراء رای اعتماد داده و تا خلاقی دیده نشده باید از آن حمایت کند. آنگاه مدرس می گوید: «اشاره شده که چرا حکومت را نفرستاده اند؟ ولی وکلای کرمانشاه مسبوق هستند که دولت در صدد تجهیز قوا بود تا با حاکم اعزام بدارد.» مدرس افزود سؤال کردن از وزراء خوب است ولی باید مجلس از دولت حمایت کند و نباید راضی به بحران کابینه باشند: «امروز ما به این کابینه محتاجیم باید این کابینه را نگاهداریم... نباید خودمانرا در تمام روی زمین معرفی کنیم که بگویند این مخصوص به ایرانی است که هر وقت مجلس تشکیل شد در چهار پنج ماه سه کابینه عوض می کنند که وقتی مجلس منقضی شد دیگر موفق به تشکیل مجلس نشویم...»<sup>(۳۲)</sup> سپس می افزاید که: «... اگر قدری بیاناتم تند است، از تمام آقایان عذر می خواهم... اگر عیبی در کابینه هست باید آن عیب را رفع کرد و اگر یک عیبی در یک فردی از افراد کابینه باشد، باید آن را درست کرد. با اینکه الحمداله امروز عیب در هیچ فردی از افراد کابینه نیست و تمامش

حکایت روزنامه و شب‌نامه و حرفهای سرکوچه و بازار است... تمامش می‌گویند فرمانفرما بد است ولی جهتش را نمی‌دانم چیست؟... تکلیف تمام مردم این است پرسند چرا بد است...» سرانجام اعلام کرد که این حرفهایی که از وزیر داخله می‌گویند «هیچ اصل ندارد و تمامش شعر است...» پس از او شیخ اسدالله نیز در دفاع از کابینه و فرمانفرما سخن راند.

سلیمان میرزا سخت به مدرس و شیخ اسدالله تاخت<sup>(۳۳)</sup> نظر، نظر سیاسی است و حزبی، نه شخصی. کسی به خوبی و بدی اشخاص کار ندارد. این شخص روزنامه‌ها را توقیف کرد، و اگر شبی صد هزار رکعت نماز بخواند باز به نظر او مقصر است: در «مجلس گفتگوی اخلاقی و ثواب و عقاب نیست، در مجلس نظریه سیاست...»

گفتگو به درازا کشید و به تدریج لحن سخنان تندتر شد، رئیس‌الوزراء پس از نطق مجدد، با اظهار تأسف از اینکه با این وضع نمی‌تواند کار کند گفت: «انشالله کابینه بهتری در نظر گرفته‌اید» و هم‌اره با سایر وزراء، جلسه را ترک کرد. سرانجام رئیس مجلس در باره کفایت مذاکرات رأی گرفت عده کثیری موافقت کردند. ولی در باره استیضاح رأی داده نشد و به جلسه بعد موکول گردید.

در این کشمکش‌ها هیأت مؤتلفه منحل شد. همچنن موضع احزاب طی مطالبی که عنوان شد آشکارتر گردید: جالب توجه است که حزب دموکرات با آنکه در اکثریت بود هنوز مانند قدیم، خود را حزب اقلیت معرفی می‌کرد که می‌توانست از دولت انتقاد کند. البته شاید برای سلب مسئولیت ایجاد بحران از خود، چنین ادعائی می‌کرد. سلیمان میرزا در این باره گفت: «تنقید و استیضاح با اقلیت است. در دوره گذشته هم خوب یا بد با اقلیت بوده است. اقلیت هیچ وقت نمی‌تواند یک کابینه را نگاه بدارد و نمی‌تواند یک کابینه را تشکیل بدهد. مسئول بحران هم اقلیت نیست...» سپس در باره حمایت اکثریت از وزراء سخن گفت.<sup>(۳۴)</sup>

## از کابینه عین‌الدوله تا انحلال هیأت مؤتلفه / ۱۵۳

سردار معظم اعتراض کرد که این نخستین بار است که از اقلیت و اکثریت سخن به میان می‌آید؛ و تاکنون در تمام پیش آمدها، میان احزاب ائتلاف بود. او سپس به نکته‌ای اشاره کرد که بعداً روزنامه‌ها نیز آن را تکرار کردند: «با این وضع ممکن است اکثریت حاضر نباشد مسئولیت را قبول کند...» و سپس اضافه کرد که هیأت ائتلاف مسئول همه وقایع فعلی است.<sup>(۳۵)</sup> در پایان این جلسه جنجالی و مهم، مدرس به دفاع از خود پرداخت و گفت اکثریت امروز دست کسی است که می‌خواهد مملکت را رو به لوسیون ببرد.

هدف دموکراتها از این استیضاح چه بود؟ احتمالاً هدف اصلی این بود که عین‌الدوله را وادار به استعفا کنند؛ و چون نمی‌توانستند کابینه‌ای را که اندکی پیش به آن رأی اعتماد داده بودند ساقط کنند، فرمانفرما را وجه‌المصالحه قرار دادند. از سوی دیگر شاید آلمانها که موقع را برای تشکیل کابینه دلخواه خود مناسب می‌دیدند، خواستار این کشمکش بودند. ولی می‌توان پرسید که چرا دموکراتها جدا از اعتدالیون و بدون اطلاع آنها دست به این کار زدند، و بدین وسیله موجبات انحلال هیأت مؤتلفه را فراهم آوردند؟ شاید بدان سبب که حدس می‌زدند اعتدالیون حاضر به استیضاح نیستند. شاید هم چون پیروزی را نزدیک می‌دیدند، خود را از آنان بی‌نیاز می‌پنداشتند. این را نیز باید اضافه کرد که همانطور که در بالا اشاره شد، احزاب تا این وقت دیدگاه قبلی خود را از دست نداده با همان نظر به اوضاع مملکتی و حزب خود می‌نگریستند. وقتی دموکرات‌ها و اعتدالیون ائتلاف کردند، جنگ تازه آغاز می‌شد و نقش فعال آلمان در ایران هنوز مسائل را در مسیر جدید نینداخته بود؛ و مسأله اصلی همانا مقابله با روس و انگلیس به روش قدیم بود. از این روی شاید ائتلاف برای تقویت موضع حزبی در مقابله با روس و انگلیس مفید بود. خاصه که این دو دولت نسبت به اعتدالیون اعتماد بیشتری داشتند. اما پس از آنکه گسترش جنگ مواضع متخاصمین را

روشن‌تر ساخت، ائتلاف به نظر بی‌فایده و یا بی‌تأثیر می‌نمود و دموکراتها از زیر آن شانه خالی کردند زیرا آنها را از حمایت همه جانبه از آلمان باز می‌داشت.

بحرانی که در نتیجه استیضاح آغاز شد، ۵۰ روز به طول انجامید. در این میان عین‌الدوله کوشید کابینه جدیدی تشکیل دهد و پست دیگری به فرمانفرما واگذار کند، ولی دموکراتها زیر بار نرفتند. از طرفی، رفتن فرمانفرما هم از نظر روسها و انگلیسها به منزله موفقیت آلمانها محسوب می‌شد، و از آن خشنود نبودند. حتی مبلغ ۱۰۰۰ لیره به فرمانفرما پرداختند تا به مصرف تبلیغات به نفع خود برسانند.<sup>(۳۶)</sup> عین‌الدوله در ۲۳ شعبان استعفا داد ولی شاه نپذیرفت. بالاخره در ماه رمضان استعفا داد و رعد به حق نوشت که یک بحران پایان یافت، اکنون بحران دیگری شروع خواهد شد که انتخاب رئیس‌الوزراء بعدی است.<sup>(۳۷)</sup> پس از استیضاح، و در طول مدت بحران وکلای مجلس کماکان به بحث و تدوین لوایح مشغول بودند که در فصل آینده توضیح داده خواهد شد. در مجلس از استیضاح و عدم تشکیل کابینه جدید چندان صحبت نشد. این روزنامه‌ها بودند که مخاطرات ادامه این وضع و عدم تشکیل دولت را یادآور می‌شدند.



## یادداشتهای فصل هفتم

۱. بامداد روشن نوشت که مؤتمن الملک خیر کاندایدائی سعدالدوله را به وکلاء داده و عده‌ای از وکلا از رئیس مجلس خواسته‌اند که جلسه‌ای برای ضدیت و اظهار تنفر نسبت به سعدالدوله و «یا هر کسی که تمایلات اجانب طرفدار او باشد.» تشکیل دهد.
- بامداد روشن، شماره ۳۳، ۱۱ جمادی‌الثانی ۱۳۳۳ ق.
۲. سپهر، ایران در جنگ بزرگ، ص ۵ - ۱۶۳.
۳. مذاکرات مجلس ۳، جلسه ۲۸، ۱۱ جمادی‌الثانی ۱۳۳۳ ق، ص ۱۰۹.
۴. بامداد روشن، شماره ۶۷، ۶ رمضان ۱۳۳۳ ق، و ستاره ایران، شماره ۹، ۲۸ شعبان، ۱۳۳۳ ق.
۶. رعد، شماره ۱۱۱، ۲۷ جمادی‌الثانی، ۱۳۳۳ ق.
۷. بامداد روشن، شماره ۶۷، ۶ رمضان ۱۳۳۳ ق.
- روزنامه ستاره ایران، تندتر از سایرین بود و از دموکراتها حمایت می‌کرد، مقاله تندى در شماره ۱۲ (۸ رمضان) هنگام بحران کابینه منتشر کرد، و پس از حمله به

عین‌الدوله که در خیانت شریک فرمانفرما بود، و ایران را دچار بحران ساخته بود و استعفا نمی‌داد یا اگر می‌داد پشتیبان می‌شد، مقاله‌ای تحت عنوان "احساسات یک نفر حروفچین" منتشر کرد که جالب توجه است: از قول این شخص آمده که ده سال است در خدمت مطبوعات است و انتظار آزادی دارد ولی: «اگر ما طبقات کارگر حب وطن داشتیم، اگر رگهای وجود ما برای پیشرفت مقاصد صنف خودمان هشیار بود، اگر طبقه رنجبر احساس می‌کرد که گاو شیرده و مزرعه آمال اشراف و اصحاب جور واقع شده، به مجرد این حس از کنار بحر خزر تا دریای عمان و از حدود افغان علقه‌های باطنی و رشته‌های اجتماعی پیوند می‌داد.

همکاران! صرف نظر از اوضاع گذشته ۵ سال است که حکومت اشرافی تیشه‌های برنده خود را به بن ریشه اسلام و مملکت و قومیت ما گذاشته از دست رنج عناصر فقیر کارگر دیکتاتوری تشکیل داده...

من نمی‌گویم زارع در مقابل آفتاب گرم سرطان چه می‌کند. من می‌گویم فعله و مزدور و طبقات زیردست چه خون‌دلی برای بدست آوردن قوت لایموت خود می‌خوردند. من نمی‌گویم فقرا و مساکین و عجزه با چه اندازه به باد دادن آبرو و عزت نفس موفق به تحصیل یک لقمه نان فطیر سوخته می‌شوند.

من دائره را تنگ گرفته می‌گویم: ماطبقه کارگر و صنف حروفچین، آیا ملتفت سنگینی بار مشقتی که به عهده گرفته‌ایم هستیم؟

آیا سزاوار است در این روزهای ممتد و شبهای گرم تابستان خصوصاً در این ماه مبارک رمضان که طبقات عالی و آن کسانی که از حاصل دست رنج رعیت و کارگر به گردش پارک‌های شمیران و خوردن انواع ماکولات و مشروبات و آماده نمودن اقسام تفریح و تفریح مشغولند، ماها، یعنی همان کسانی که برای یک سطر چیدن حروف تمام قوای خود را به کار می‌اندازیم وسیله پیشرفت مقاصد عالی جنابان مردمان محافظه کار کنسرواتور، بوده روغنهای چشم خودمان را در این شبهای تیره و تاریک نمونه‌ای از روزگار فلاکت‌آمیز ما است صرف مندرجات روزنامه جاتی بکنیم که برای خاطر پولهای فرمانفرماها عرض اندام نموده...»

آیا حَب در هم و دینار اینقدر شما را کور و کر کرده که تمام قوای ظاهری و باطنی خود را بر علیه منافع اجتماعی خودتان استعمال می‌کنید؟  
نباید آلت پیشرفت مقاصد اینها شد. صفوف کارگر و مذهب و مسلک، شما را نفرین و توبیخ خواهد کرد.  
دشمنان طرفداران رنجبر فقط به شب‌نامه‌های بهتان‌آمیز و افتراهای رنج‌بر کش متوسل شده...»

8. W. J. Olson, *Anglo - Iranian Relations*, P. 81.

۹. ظاهراً کمی بعد از معرفی کابینه خود، عین‌الدوله به دیدن وزیر مختار آلمان پرنس رویس رفته بود و در باره فشار روس و انگلیس صحبت کرده بود، و توضیح داده بود که چرا نمی‌توانست همه اعضای کابینه را بجز حکیم‌الملک، از هواداران آلمان انتخاب کند.

سپهر، ایران در جنگ بزرگ، ص ۷۰ - ۱۶۸.

۱۰. از ۱۹۱۰ تنها واردکننده نقره برای دولت، بانک شاهنشاهی بود.

G. Jones, *Banking and Empire in Iran, The History of the Bank of the Middle East*, Vol. 1, Cambridge University Press, U.K. 1987, P. 175.

۱۱. مذاکرات مجلس ۳، جلسه ۲۹، ۱۲ جمادی‌الثانی ۱۳۳۳ ص ۱۱ - ۱۱۰

۱۲. همان.

۱۳. همان، جلسه ۳۸، ۵ رجب ۱۳۳۳ ق، ص ۱۷۳.

رعد نوشت که وکلا در آغاز با این برنامه مخالف بودند و عین‌الدوله تصمیم می‌گرفت استعفا بدهد.

رعد، شماره ۱۱۷، ۴ رجب ۱۳۳۳ ق.

۱۴. مذاکرات مجلس ۳، جلسه ۳۸، ۵ رجب ۱۳۳۳ ق، ص ۱۷۳.

۱۵. همان.

۱۶. سپهر، ایران در جنگ بزرگ، ص ۱۷۵.

رعد از تظاهرات مردم در برابر مجلس، و بر ضد اختیاراتی که عین‌الدوله

میخواست مطالبی نوشت.

رعد، شماره ۱۱۷، رجب ۱۳۳۳ ق.

۱۷. از ماه مارس تا نوامبر ۱۹۱۵ م / جمادی‌الاول ۱۳۳۳ تا محرم ۱۳۳۴ ق، مذاکرات در باره موراتوریزم ادامه داشت. مسئله از این قرار بود که دولتین از دریافت قسط بهره‌های خود از درآمد گمرکات صرف نظر کنند، و به جای آن ماهیانه مبلغی به ایران پردازند، که مطابق می‌شد با درآمد گمرک. این را به شکل استمهال یا موراتوریوم در باز پرداخت قروض ایران معرفی کردند چون در غیر آنصورت مجلس مخالفت می‌کرد. لازمه موفقیت این طرح از طرفی رضایت روسیه از طرف دیگر تشکیل یک دولت قابل اعتماد در ایران بود. ولی به علت بحران‌های کابینه‌ها پی در پی انجام این کار به تعویق افتاد.

W. J. Olson Anglo - Iranian Relations, PP. 57 - 59.

18. Ibid, P. 84.

۱۹. مذاکرات مجلس ۳، جلسه ۳۳، ۲۱ جمادی‌الثانی ۱۳۳۳ ق، ص ۱۲۶.

۲۰. همان، جلسه ۵۰، ۶ شعبان ۱۳۳۳ ق، ص ۲۶۷.

۲۱. علاوه بر مسئله انتخابات کرمانشاه که قبلاً توضیح داده شد، از دوران مجلس اول رابطه تندروهای مجلس که بعداً تبدیل به حزب دموکرات شدند در مورد مسائل کرمان با فرمانفرما بد بود. اکنون نیز حمله اول توسط شیخ یحیی، وکیل کرمان شروع شد.

جلسه ۴۷، ۲۶ رجب ۱۳۳۳ ق ص ۲۳۹؛ و مقدمه کتاب مجموعه مکاتبات اسناد، خاطرات و آثار فیروز میرزا نصرت‌الدوله، جلد دوم، خاطرات محبس، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران ۱۳۷۰ ش.

۲۲. حسن اعظام قدسی، خاطرات من، ص ۲۷۲. اعظام قدسی با ذکر مطلب

جالب توجهی در باره جریان استیضاح اشاره کرده که:

«عده‌ای از استیضاح‌کنندگان روز قبل از استیضاح در منزل سلیمان میرزا جمع شده بودند و قدسی هم با ۲۰ نفر از افراد حوزه حضور داشت: «فریاد مرده باد فرمانفرما»

بلند بود که فرمانفرما وارد شد و با عصائی که در دست داشت با صدای بلند گفت: زنده باد عمواغلی و جمعیت با صدای بلند گفتند: زنده باد عمواغلی (مقصود سلیمان میرزا است).

حاج شیخ یوسف که مشغول صحبت بود گفت اجازه می‌دهید ادامه بدهم؟ و فرمانفرما پاسخ داد به شرط آنکه بدون ملاحظه هر چه می‌خواهید جلوی خودم فحش بدهید. شیخ یوسف سعی می‌کند میانه را بگیرد، و منظورش این بود که باید از افرادی مانند فرمانفرما استفاده کنند. فرمانفرما می‌گوید: «من در همین ساعت حاضر دو قریه از دهات نزدیک طهران خود را به طیب خاطر به این عمواغلی خودم نان خانه بدهم که محصول برداشت نماید، تا معلوم شود که می‌تواند از عهده برآیند یا نه؛ و نیز این آقایان که در اینجا جمع و طرفدار رنجبر هستند بر ایشان معلوم شود که من طرفدار رنجبرم یا عمواغلی لیدر حزب دموکرات هواخواه رنجبر است.» سپس با سلیمان میرزا روبوسی می‌کند و می‌گوید: «دیدار فردا در مجلس شورای ملی».

۲۳. مذاکرات مجلس ۳، جلسه ۵۲، شعبان ۱۳۳۳ ق. ص ۲۷۲.

۲۴. اعظام قدسی، خاطرات من، ص ۱۷۰.

۲۵. مذاکرات مجلس ۳، جلسه ۵۲، ۱۳ شعبان ۱۳۳۳ ق، ص ۲۷۳.

۲۶. همان، ص ۲۷۴.

۲۷. همان، ص ۲۷۵.

۲۸. رابطه شخصی عین‌الدوله و فرمانفرما خوب نبود، و حمایت او در این وقت

از فرمانفرما بدون شک علت سیاسی داشت.

رجوع شود به مجموعه اسناد عبدالحسین میرزا فرمانفرما، ۴۰ - ۱۳۲۵ هـ ق، به

کوشش منصوره اتحادیه، سیروس سعدوندیان، ۳ جلد، تهران ۱۳۳۶ ش، جلد ۱،

ص ۱۷۸، ۱۹۰.

۲۹. مذاکرات مجلس ۳، جلسه ۵۲، ۱۳ شعبان ۱۳۳۳ ق، ص ۲۷۷.

۳۰. همان، ص ۲۷۸.

۳۱. سلیمان میرزا در نطق بعدی خود گفت که هفت هشت نفری که اول صحبت کردند مراتب نزاکت را کاملاً رعایت کردند: «حرفهای خودمان را هم کم زدیم و از حرف اصلی خودمان مضایقه کردیم و در حقیقت محدود شدیم در یک دایره خیلی تنگ که عبارات خودمانرا به زحمت پیدا می کردیم...»

همان، ص ۲۸۴.

۳۲. همان، ص ۲۸۱.

۳۳. همان، ص ۲۸۳.

سلیمان میرزا به مدرس حمله کرده گفت: «... اگر مقصود از حرفهای سرکوچه و بازار، افکار عمومی است، بنده هواخواه و حامی افکار عمومی هستم... بنده از آن اشخاصی هستم که پشتیبان خود را افکار عمومی می دانم و حامی افکار عمومی. هر وکیلی که حامی افکار عمومی نباشد وکیل نیست... همین حرفهای سرکوچه و همین کوچه گردها ما را انتخاب کرده اند...»

۳۴. همان.

۳۵. همان، ص ۲۸۷.

۳۶. نقل از نامه های مارلینگ به گری W. J. Olson, Anglo - Iranian Relations P. 92.

۳۷. رعد، شماره ۱۴۶، ۲۹ شعبان ۱۳۳۳ ق، و شماره ۱۴۷.

## فصل هشتم

### از کابینه مستوفی الممالک تا پایان مجلس سوم (۶ شوال ۱۳۳۳ - ۲۵ ذیحجه ۱۳۳۳ ق)

پس از استعفای عین‌الدوله، رعد در باره وقایع ۵۰ روزه بحران دولت او به انتقاد غیرمستقیم از دموکراتها پرداخت: «اگر صاحب منصبان آلمان با ۲۰۰ یا ۳۰۰ نفر سوار به قائنات نمی‌رفتند،<sup>(۱)</sup> روس و انگلیس بهانه سوق قشون به بیرجند و سیستان نمی‌یافتند. اگر واسموس آلمانی در جنوب شیراز ۱۰۰۰ نفر سوار جمع نمی‌کرد، انگلیس بوشهر را اشغال نمی‌کرد. اگر بحران نبود، قنسول کرمانشاه با قوایی که جمع کرده به بیستون و صحنه حمله نمی‌کرد و قشون روس را به صفحات غرب نمی‌کشاند. و اگر بحران نبود، دکتر پوژن<sup>(۲)</sup> و سایر عوامل مأمور انقلاب ایران به ایلات و عشایر ما نرفته دعوت به هرج و مرج نمی‌کردند.<sup>(۳)</sup> سپس اضافه کرد که: «دست خارجی بی‌بهره و وسیله داخلی کار نمی‌کند.»

مذاکرات سران احزاب و عده‌ای از رجال برای باقی ماندن عین‌الدوله بر سر کار به جائی نرسید و او سرانجام در ماه رمضان استعفا داد. مشیرالدوله و مستوفی‌الممالک نامزد دموکراتها و جناح بی طرف مجلس، و عین‌الدوله نامزد بقیه بود. ولی مشیرالدوله به تشکیل کابینه موفق نشد. یک ماه از ۱۸ شعبان تا ۱۸ رمضان جلسات مجلس تشکیل نشد. در این میان شایع شد که قوای روس در انزلی پیاده شده به قزوین و از آنجا به تهران پیش می‌آید. سرانجام مستوفی‌الممالک ریاست‌الوزرائی را پذیرفت و در ۶ شوال کابینه خود را به مجلس معرفی کرد.\*

در این وقت ائتلاف دموکراتها و اعتدالیون کاملاً به هم خورده و قدرت به دست دموکراتها افتاده بود. انگلیسی‌ها از ترس رخنه آلمانها به افغانستان، رفتار خود را با دولت خشن‌تر کردند، و قتل دو نفر انگلیسی در ۱۲ ژوئیه / ۲۹ شعبان در بوشهر، باعث شد که قوای بیشتری در بوشهر پیاده کنند، و مارلینگ بار دیگر اعزام قشون روس را به سوی تهران ضروری خواند.<sup>(۴)</sup> وضع زندگی در کشور نیز از لحاظ گرانی و قحطی روی به وخامت نهاده بود، روزنامه‌های آن عصر آکنده از این گونه اخبارند.<sup>(۵)</sup> با همه این مشکلات و کلا در جلسات علنی مجلس به بحث در باره قانون پست و مالیات مستغلات مشغول بودند و بجز بحث در باره کمبود نان، به اوضاع مملکت و یا سیاست خارجی نمی‌پرداختند. از جانب ناصرالاسلام وکیل اعتدالی ایراد گرفته شد که: «... خیلی مضحک خواهد بود که در یک همچو موقع مهمی ما

---

\*.اعضای این کابینه از این قرار بودند: رئیس‌الوزراء، میرزا حسن خان مستوفی‌الممالک؛ وزیر عدلیه، میرزا محمد علی خان علاء‌السلطنه؛ وزیر خارجه، میرزا حسن خان مستوفی‌الممالک؛ وزیر داخله، میرزا حسن خان محتشم‌السلطنه؛ وزیر مالیه، میرزا حسن خان وثوق‌الدوله؛ وزیر جنگ، محمدولی خان سبهدار اعظم؛ وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، میرزا ابراهیم خان حکیم‌الملک؛ وزیر فوائد عامه و تجارت، اسدالله میرزا شهاب‌الدوله؛ وزیر پست و تلگراف، میرزا محمد صادق خان مستشارالدوله.



## از کابینه مستوفی الممالک تا پایان مجلس سوم / ۱۶۳

در مجلس بنشینیم و قانون پست را بگذرانیم.»<sup>(۶)</sup> حتی در یکی از جلسات ۱۴ نفر از وکلا که غالباً از جناح بی طرف مجلس بودند تقاضا کردند که به جای قانون پست به بحران خاتمه داده شود، ولی این تقاضا به جایی نرسید<sup>(۷)</sup>، و مجلس به بحث پیرامون قانون پست ادامه داد.

اما مخالفت هیأت علمیه با قانون پست، بیشتر مربوط به امتیاز انحصار دولتی پست بود. ولی به جایی نرسید و بالاخره پس از مدتها مجادله بر سر این قانون، در ۱۲ رمضان به تصویب رسید. پس از آن مجلس به بحث در اطراف قانون مالیات مستغلات پرداخت. طبق این قانون، به مستغلاتی از قبیل خانه‌های اجاره‌ای، انبار و کاروانسرا و دکان مالیات تعلق می‌گرفت. هیأت علمیه اساساً با هر گونه افزایش منابع مالیات مخالف بود، و تأکید می‌کرد که اول باید بودجه دولت مشخص گردد. باید اول معلوم گردد که مملکت محتاج به پول است. مدرس در این باره گفت: «ولکن امروزه بر تماماً معلوم است آن پولی را که مردم می‌دهند، اغلبش به وجهی که باید صرف شود، صرف نمی‌شود.»<sup>(۸)</sup> از دیگر علل مخالفت هیأت علمیه این بود که این مالیات را صحیح نمی‌دانستند و بر آن بودند که مالیات باید بر استفاده از خانه وضع شود نه بر دخل از خانه؛ همچنین خانه‌های کوچک و افراد بی‌بضاعت را می‌بایست مستثنی کنند.

جالب توجه است که در مورد مالیات مستغلات نظر دموکراتها و هیأت علمیه مشابه است، زیرا دموکراتها نیز به دلایل دیگری با این مالیات مخالف بودند. سلیمان میرزا بر آن بود که فقط کسانی که خانه‌های بزرگ دارند مالیات پردازند، و می‌گفت که چون این یک مالیات شهری است و برای اداره نظمیه و بلدیة مصرف می‌شود، باید اغنیا آن را پردازند: «هر کس بیشتر از مملکت استفاده می‌کند باید بیشتر خرج آن استفاده را بدهد.»<sup>(۹)</sup>

سردار معظم مخبر کمیسیون از این لایحه دفاع کرد و گفت که این قانون با شرایط و امکان اجرای آن در ایران تنظیم گشته و رعایت حال فقرا نیز

شده است. این مالیاتی است بر عایدات صاحبان خانه نه بر ساکنین. هیأت علمیه می‌خواست مالیات حداقلی برای اجاره قائل شوند، ولی این پیشنهاد مورد توجه قرار نگرفت. قبل از آنکه شور در کلیات این قانون به پایان برسد، کابینه عین‌الدوله مستعفی شده بود. از این روی کلیات آن قانون، بعد از تشکیل و معرفی کابینه مستوفی‌الممالک تصویب شد. از ۶۱ نفر رای دهنده، ۴۹ نفر رای مثبت، ۵ نفر ممتنع بدون اسم و ۷ نفر رای منفی دادند.<sup>(۱۰)</sup>

\*\*\*

اما کابینه مستوفی، برغم نابسامانی اوضاع مملکت، از حمایت احزاب که ظاهراً به ائتلاف با یکدیگر تن داده بودند برخوردار شد. مستوفی همه وزراء جز وزیر جنگ را در ۶ شوال به مجلس معرفی کرد، و رای اعتماد گرفت. سپهدار، وزیر جنگ دو هفته بعد معرفی شد. بامداد روشن در این باره نوشت که گویا با سپهدار وزرات داخله را می‌خواست ولی مستوفی آن را برای خود نگاه داشت و به این دلیل سپهدار روز معرفی وزراء در مجلس حاضر نشد.<sup>(۱۱)</sup>

بامداد روشن در همانجا از قول روزنامه روسی تفلسکی لیستوک نوشت که سپهدار رابه سفارش روسها و انگلیس‌ها داخل کابینه کرده بودند تا بدان واسطه از آن دولت طلب کمک کنند. در واقع هر یک از وزراء به دلیلی انتخاب شده بود. مستوفی‌الممالک، مستشارالدوله و حکیم‌الملک از هواداران آلمان محسوب می‌شدند. وثوق‌الدوله، علاء‌السلطنه و شهاب‌الدوله و سپهدار هوادار روس و انگلیس بودند و محتشم‌السلطنه بی‌طرف محسوب می‌شد.

روزنامه‌ها به هواداری از این کابینه برخاستند. انتساب و تمایل آن را به آلمانها و دموکراتها رد کردند. ستاره ایران قبلاً در ۵ رمضان گزارش آژانس پطروگراد را که حاکی از آن بود که مستوفی‌الممالک نامزد دموکراتها است، و

## از کابینه مستوفی الممالک تا پایان مجلس سوم / ۱۶۵

آلمانها و عثمانی ها به او کمک می کنند نادرست خواند و اظهار تأسف کرد که همسایگان شمال و جنوب کابینه را خفیف می کنند.<sup>(۱۲)</sup> همین روزنامه چند روز بعد تکرار کرد که کابینه مستوفی با موافقت همه احزاب تشکیل خواهد شد، و در شرایط هولناک فعلی ایران هیچ حزبی جرأت نخواهد کرد به تنهایی مسئولیت امور را قبول کند، و کسانی که کابینه را به دموکراتها نسبت می دهند تجاهل می کنند.<sup>(۱۳)</sup>

این کابینه نیز بیش از ۲ ماه عمر نکرد. در این مدت هم وکلاء در جلسات علنی مجلس بحث در مورد لوایح مالیات مستغلات و مالیات دخانیات و فروش خالصجات و سرپازگیری را ادامه دادند، و به سیاست خارجی دولت اشاره ای نشد. حتی رعد نوشت که مستوفی از بیم ایجاد بحران جرأت طرح پروگرام خود را در مجلس ندارد.<sup>(۱۴)</sup>

در ۵ ذیقعه ۱۳۳۲ ق قانون مالیات دخانیات در مجلس مطرح شد که مقرر می داشت ۳۰٪ مالیات از قیمت توتون دریافت گردد.<sup>(۱۵)</sup> از جمله ایراداتی که بر این قانون می گرفتند این بود که دولت مأخذی و اطلاعی از وضع توتون ندارد؛ و دیگر اینکه بیم داشتند توتون خارجی به رقابت با محصول داخلی برخیزد. هیأت علمیه بیم داشت این مالیات به زارعین توتون تحمیل شود. نظر مخبر کمیسیون<sup>(۱۶)</sup> این بود که این قانون کامل نیست و می بایست در عمل تجربه شود.<sup>(۱۷)</sup> از این روی بیشتر اعتراضات رد شد. بحث شور دوم در کلیات آن قانون مفصل و طولانی شد. رأی گیری در ۸ ذیقعه انجام گرفت و از ۵۷ نفر ۳۶ نفر رأی مثبت دادند، ۱۵ نفر مخالفت کردند و ۶ نفر رأی ممتنع دادند.

از جمله لوایح دیگری که در این کابینه به بحث گزارده شد، لایحه تبدیل مالیات خالصجات انتقالی،<sup>(۱۸)</sup> بود به مالیات اربابی و فروش خالصجات دولتی غیر از خالصجات اطراف تهران<sup>(۱۹)</sup> وزیر مالیه و ثوق الدوله توضیح داد که دولت تصمیم گرفته تفاوت میان مالیات خالصگی و مالیات را

بردارد، و در این قانون نه تنها رعایت افزایش مالیات بلکه رعایت اصلاحات نیز شده است. شور اول این لایحه در همان جلسه اول، در ۱۸ ذیقعدہ به پایان رسید و مخالف واقعی نداشت. مسئله فروش خالصجات بیشتر مورد بحث قرار گرفت، هیأت علمیه تأکید داشت که پول حاصل از فروش آنها به هدر نرود. (۲۰)

آخرین قانونی که در این مدت از مجلس گذشت قانون سربازگیری بود. این قانون در کابینه سابق مطرح شد، و چون با مسئله ترفیع رتبه توأم بود، و کلاً با ترفیعات مخالف بودند، مقرر شد که این موضوع از هم جدا شود. پس از آنکه سپهدار وزیر جنگ شد، این لایحه را در ۲۱ ذیقعدہ به مجلس آوردند. (۲۱) طبق قانون سربازگیری سابق تعداد قشون ۷۵،۰۰۰ نفر بر اساس بنیچه بود. یعنی دولت از هر دهی که مقتضی می‌دانست تعدادی برای خدمت سربازی می‌گرفت. اما چون وضع دهات تغییر کرده، بعضی آبادتر شده، و بعضی خراب گشته بود، بنابر این لازم بود در این باره تجدید نظر شود. طبق قانون جدید سربازگیری بنیچه را خدمت "اجباری خصوصی" تعبیر کردند، که مورد ایراد قرار گرفت. ولی سردار معظم توضیح داد که البته خدمت اجباری عمومی بهتر است ولی فعلاً مقدور نیست و نمی‌توانند سیستم بنیچه را تغییر بدهند. هیأت علمیه اساساً با سربازگیری مخالف نبود، فقط بیم داشت که قدرت زیادی به وزیر جنگ تفویض گردد. زیرا آنوقت مأمورین دولت می‌توانستند بطور مستقیم سرباز بگیرند، و از این طریق به رعایا ستم می‌کردند. (۲۲)

ماده پنج این قانون یکی از موارد اختلاف در مجلس بود. طبق این قانون سرباز باید مسلمان باشد. سلیمان میرزا به اعتراض پرداخت، در حالی که هیأت علمیه موافق آن بود و می‌گفت: «اهالی این مملکت مسلمانند و باید قشون هم مسلمان باشد.» در این مورد نظر هیأت علمیه با نظر کمیسیون نظام و معاون وزرات جنگ متفق بود و از این روی ماده مذکور به تصویب رسید. از

## از کابینه مستوفی الممالک تا پایان مجلس سوم / ۱۶۷

مواد دیگری که نسبتاً به تفصیل مورد بحث قرار گرفت، ماده ۹ همین قانون یعنی تعیین افراد قشون هر محل مطابق بنیچه بود که می‌بایست از اشخاص "پادار" باشند، و اینکه چه اشخاصی پادار محسوب می‌شدند. پس از مدتی بحث قرار شد این ماده به کمیسیون ارجاع شود. سرانجام در جلسه ۷۸، در ۲۳ ذیحجه کلیات این قانون به تصویب رسید. از جلسه بعد که آخرین جلسه علنی مجلس سوم بود، بحث بر سر تشکیلات وزرات جنگ آغاز شد که به جانی نرسید. زیرا در روزهای پایان ذیحجه و اوایل محرم ۱۳۳۴ ق، جلسات علنی مجلس تشکیل نشد، ولی ظاهراً چند جلسه خصوصی پیش از آغاز مهاجرت تشکیل گردید و سپس آنچه که ایرانیان بدان "کعبه آمال" خود می‌گفتند برای مدت ۴ سال و ۸ ماه تعطیل شد.



مهمترین مشکل دولت مستوفی پیاده شدن قوای روس در انزلی بود، که در واقع چنان حساب شده انجام گرفت که حتی انتخاب اعضاء کابینه او را نیز تحت تأثیر قرارداد. افزایش قوای روس موجب بروز هیجانات و تظاهراتی در تهران شد. در این مدت نفوذ آلمان در سایر شهرهای ایران به استثنای شمال رو به تزاید بود، و از بهار همان سال آلمانها با کمک دموکراتها در غرب ایران قوای تشکیل داده بودند. (۲۳)

در این موقع روزنامه‌ها بیانیه‌ای از طرف حزب دموکرات منتشر کردند که ظاهراً حاکی از خطری بود که حزب احساس می‌کرد. این بیانیه خطاب به هم مسلکان حزبی بود و با اشاره به آشفتگی اوضاع تحریکات خائنین داخلی که مورد تأیید دشمنان خارجی بودند، می‌گفت اینان آتش فساد را در کشور گشوده‌اند و می‌خواهند قوای اقتصادی و دفاعی و روحیه ملی را تحلیل برند، با این هدف استیلای کامل یابند. اما به سبب وجود عناصر صالحه در کشور، تاکنون موفقیت حاصل نکرده‌اند: و «حزب دموکرات ایران چنانکه دشمنان

وطن نیز تصدیق می‌نمایند، در این مبارزه معنوی، صفوف مقدم دفاعی را حائز گشته...» در این بیانیه همچنین هشدار داده شده که اگر صفوف دفاعی دموکرات از هم بگسلند، دیگر... مانعی در مقابل تطاول و تجاوز دشمن نخواهد بود...» زیرا دشمن با نیرنگ می‌خواهد حزب دموکرات را از میان بردارد، ولی حزب از این گونه دسیسه‌ها نمی‌هراسد و آن را به اساس محکم و تزلزل‌ناپذیر خود راه نمی‌دهد: «مرام فرقه دموکرات، خود یگانه وسیله حفظ اساس متین آن است.» (۲۴)

ستاره ایران در ۲۲ ذی‌قعدة جواب قابل تأملی به اعتراضاتی که در سایر روزنامه‌ها شده بود منتشر کرد. گویا به این بیانیه اعتراض شده بود که چرا... حزب دموکرات یگانه حافظ استقلال وطن است... ستاره ایران نوشت که حزب دموکرات فقط اعضای کمیته تهران را مخاطب قرار داده نه بقیه کسانی را که در راه حفظ وطن می‌کوشند، و اضافه کرده که یک کمیته حزبی این حق را دارد که اعضای حزب خود را مخاطب قرار دهد.

در این موقع وضع مجلس بیش از پیش به نابسامانی گرائیده و مسائل خارجی باعث بروز مشکلاتی در داخل آن شده بود. هر چند در مذاکرات اشاره‌ای به این مسائل نیست، ولی موتمن‌الملک رئیس مجلس که تا این زمان با جدیت تا حدی با تحکم مجلس را اداره کرده بود، به بهانه خستگی در صدد برآمد که استعفا بدهد ولی او را از آن کار بازداشتند.

وضع پایتخت نیز بسی نابسامان بود و خاصه کمبود نان و نرسیدن حقوق‌ها این نابسامانی را دامن زد. روزنامه رعد نیز همواره به بدی وضع نان و گرانی ارزاق اشاره می‌کرد. امور مالیاتی نیز از هم گسیخته بود. زیرا پس از لغو قانون ۲۳ جوزا دولت نمی‌توانست مالیات‌ها را گردآوری کند و از جمع‌آوری گندم به جای مالیات نیز ناتوان بود. آنگاه که حرکت قشون روسی به سوی تهران از اول محرم بطور جدی آغاز شد، دیگر نان در تهران پیدا نمی‌شد. روز ۶ محرم رعد بار دیگر یک ستون سفید و خبر توقیف نوبهار را

منتشر کرد. (۲۵)

مستوفی الممالک تقریباً آشکارا یک سیاست دو پهلو اتخاذ کرده بود. او می‌کوشید یک قرارداد سیاسی با آلمانها منعقد کند. شرایط این قرارداد اخراج اتباع روسی و انگلیسی، کمک نظامی آلمان و عثمانی، ضمانت تمامیت ارضی و استقلال ایران، لغو قراردادهای قبلی و الغاء امتیازات روسی و انگلیسی در ایران، و انعقاد قراردادهای جدید تجارتي با شرکت‌های آلمانی بود. (۲۶) از سوی دیگر می‌کوشید با دولتین روس و انگلیس در باره موراتوریوم وارد مذاکره شود. (۲۷) آلمانها نیز از سوئی در صدد بودند دولت را تشویق کنند تا پایتخت را تغییر دهد و دست از سیاست بی‌طرف بردارد. سپهر این موضوع را به تفضیل شرح داده است. (۲۸) از سوی دیگر قشون روس با توافق و در واقع به دعوت انگلیس رو به تهران نهاده بود.

مستوفی الممالک از اوایل سپتامبر، با پرنس روس وزیر مختار آلمان مذاکره بسیار سری خود را آغاز کرد که فقط مستشارالدوله و حکیم‌الملک از میان وزراء، و معدودی از دموکراتها از آن آگاه بودند. ظاهراً ترکها نیز از این مذاکرات بی‌خبر بودند. اما چون انگلیسها آگاه شده و روسها رانیز مطلع ساختند، مستوفی مجبور شد مجدداً با انگلیسها و روسها وارد مذاکره گردد، و پیشنهاد بی‌طرفی مثبت می‌کند. ولی مارلینگ که امید نداشت ایران بتواند مدت طولانی بی‌طرف باقی بماند، او را با مذاکره مشغول داشت، در حالی که برنامه آنها اشغال تهران بود.

روسها در ۱۱ نوامبر / ۳ محرم ۱۳۳۳ ق، به ینگه امام رسیدند و در ۷ محرم بنا به پیشنهاد مستوفی هواداران آلمان آغاز به ترک پایتخت کردند؛ صحبت از این بود که شاه نیز به آنها ملحق می‌گردد. وزیران مختار روس و انگلیس می‌کوشیدند تا احمد شاه را در تهران نگه دارند. پس از مذاکراتی طولانی، قرار شد قوای روسی از کرج نزدیکتر نیاید و در عوض شاه تهران را ترک نکند. (۲۹)

در آغاز مهاجرت، دموکراتها که شاید قبلاً چنین حرکتی را پیش‌بینی می‌کردند، خود را بیشتر متشکل کردند و سازمان دادند. در قم کمیته‌ای به نام کمیته دفاع ملی تشکیل دادند که شاخه‌هایی در سایر شهرهای جنوب و غرب داشت.<sup>(۳۰)</sup>

سایر وکلا که به قم رفته بودند، چون مطلع شدند که شاه و مستوفی‌الممالک به آنها ملحق نخواهند شد، با وساطت پرنس روس با دموکراتها ائتلاف کردند و در کمیته‌ای که از این پس تشکیل شد، سلیمان میرزا از حزب دموکرات، محمد صادق طباطبائی از اعتدالیون، سیدحسن مدرس از هیأت علمیه و غلام‌علی خان نظام‌السلطان از جناح بی‌طرف شرکت جستند.<sup>(۳۱)</sup> این کمیته تصمیم گرفت که برغم دعوت دولت از آنها برای بازگشت، به تهران بازنگردند. پس از آنکه عده‌ای از وکلای مجلس و سایر هواداران آلمان و بسیاری از روزنامه‌نگاران تهران را ترک گفتند، مجلس از اکثریت افتاد، ولی جلسات آن تا اواسط صفر تشکیل می‌شد. در ۱۶ محرم وکلای تهران به ملاقات رئیس‌الوزراء رفتند. و از دولت کسب تکلیف کردند، و قرار شد نمایندگان، را به مراجعت دعوت کنند.<sup>(۳۲)</sup> در ۲۰ محرم این تقاضا تکرار شد. از آن سوی وکلایی که به قم رفته بودند هر روز عصر در "عمارت شاهی" جلسه کرده با دولت و مجلس در تهران تماس می‌گرفتند. در ۲۱ محرم خبر می‌رسد که قشون روس به طرف قزوین عقب‌نشینی کرده و در ۲۷ محرم رعد خبر داد که ۷ نفر از وکلا به تهران مراجعت کرده‌اند.

در ۴ صفر رعد ضمن گزارش از اینکه وکلا از رئیس‌الوزراء خواسته‌اند که در غیاب مجلس تصمیمی اتخاذ نگردد، خبر داد که به نظر نمی‌رسد نمایندگان از قم بازگردند.<sup>(۳۳)</sup> در ۱۲ صفر مجلس شورا تشکیل شد و دولت ۳ نفر از وکلا: ارباب کیخسرو، عدل‌الملک و قاسم‌خان صوراسرافیل را برای مذاکره با نمایندگان به قم فرستاد؛ ولی در آن زمان مهاجرین به کاشان رفته بودند، چون قوای روس به ساوه نزدیک شده بود. به گفتهٔ اعظام قدسی



## از کابینه مستوفی الممالک تا پایان مجلس سوم / ۱۷۱

عدل‌الملک بین مهاجرین نفاق می‌اندازد و وعده مراجعت می‌کنند.<sup>(۳۴)</sup> فرمانفرما رئیس‌الوزرا شد و دولتین روس و انگلیس کاملاً بر تهران مسلط شدند.

\*\*\*

در ایام مهاجرت، و تا زمانی که مهاجرین در قم و سپس اصفهان بودند، رهبری نهضت در واقع با دموکراتها بود. از ۴۱ وکیل مجلس که تهران را ترک کرده بودند، ۲۰ نفر دموکرات، ۸ نفر اعتدالی، ۸ نفر بی‌طرف و ۵ نفر از هیأت علمیه بودند (رجوع شود به جدول شماره ۱۲).<sup>(۳۵)</sup> علاوه بر این، دموکراتها دارای تشکیلات، و نیز پول بودند که آلمانها در اختیار آنها قرار داده بودند. ضرورت جنگ باعث شد که این احزاب ائتلاف کنند، و هیأت علمیه که شاید علت اصلی تشکیل آن، مقابله با دموکراتها بود، اکنون متفق با بقیه، جبهه واحدی در مقابل دشمن تشکیل می‌دادند. اما این ائتلاف چندان پایدار نماند و سرانجام رهبری نهضت به دست رهبران سنتی جامعه، از جمله نظام‌السلطنه مافی<sup>(۳۶)</sup> و سیدحسین مدرس افتاد.

همانطور که اولتیماتوم روسها باعث انحلال مجلس دوم شده بود، اکنون نیز جنگ، و حمایت دموکراتها از آلمان و عثمانی باعث حرکت قوای روس به سوی تهران و انحلال مجلس سوم شد. هر چند که حزب دموکرات در مجلس سوم ظاهراً ایدئولوژی سوسیالیستی را کنار گذاشته بود، ولی در سیاست خارجی همچنان تندرو، ملی‌گرا و بخصوص ضدروسی بود که نتیجه آن را دیدیم. بنابر این یک بار دیگر نشان داده شد که در شرایط نیمه‌استعماری، حرکت‌های ملی‌گرایانه و استقلال‌طلبانه، و پیشرفت به سوی دموکراسی و آزادی تا چه اندازه دشوار است و فداکارها می‌طلبند.

## یادداشتهای فصل هشتم

۱. برای اطلاع بیشتر رجوع شود به: اسکارنیدر مایر، "زیر آفتاب سوزان ایران" ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران ۱۳۶۳ ش.
۲. این شخص از اهالی شیلی بود که به نفع آلمان در اصفهان فعالیت می‌کرد.
۳. رعد، شماره ۱۶۱، ۳ شوال ۱۳۳۳ ق.

W. J. Olson, Anglo - Iranian Relations, P.44.

۵. رعد از ۱۸ ذیحجه ۱۳۳۳ ق به بعد همواره قیمت ارزاق را چاپ می‌کرد. در کمتر از یکسال قیمت گندم ۲۸٪، جو ۳۹٪، روغن ۷٪، هیزم ۳۴٪، و لوبیا ۱۲٪ افزایش یافت. اخبار گرسنگی و قحطی در همه نقاط ایران در مطبوعات به چشم می‌خورد. دولت و مردم می‌کوشیدند تا آنجا که مقدور است چاره‌ای بیندیشند. یک بار در سینمای جدید خیابان علاءالدوله فیلمی نشان دادند و ۹۵۲ قران جمع شد که پس از کسر مخارج، ۲۸۰ قران برای خرید نان برای فقرا باقی ماند. رعد نوشت که خزانه‌داری اعتبار داده که از اطراف هر چه می‌توانند گندم برای تهران تهیه کنند. در مجلس نیز چندین بار صحبت از قحطی شد.

## یادداشت‌های فصل هشتم / ۱۷۳

- رعد، شماره ۱۶۲، ۱۱ ذیقعدہ ۱۳۳۳ ق و شماره ۱۸۱، ۲۶ ذیحجه، و شماره ۳۴، ۴ محرم ۱۳۳۴ ق.
۶. مذاکرات مجلس ۳، جلسه ۵۳، ۱۸ شعبان ۱۳۳۳ ق، ص ۲۸۸.
۷. همان، جلسه ۵۴، ۸ رمضان ۱۳۳۳ ق، ص ۲۹۶.
۸. همان جلسه ۵۵، ۱۲ رمضان ۱۳۳۳ ق، ص ۳۰۹.
۹. همان.
۱۰. همان، جلسه ۶۴، ۲۰ شوال ۱۳۳۳ ق، ص ۳۵۴.
۱۱. بامداد روشن، شماره ۹۶، ۲۱ ذیقعدہ ۱۳۳۳ ق.
۱۲. ستاره ایران شماره ۱۱، ۵ رمضان ۱۳۳۳ ق.
۱۳. همان، شماره ۱۹، ۱۰ شوال ۱۳۳۳ ق.
۱۴. رعد شماره ۱۶۶، ۱۰ شوال ۱۳۳۳ ق.
۱۵. مذاکرات مجلس ۳، جلسه ۶۵، ۵ ذیقعدہ ۱۳۳۳ ق، ص ۳۵۹.
۱۶. سردار معظم مخبر کمیسیون با این قانون مخالف بود و بنابر این رئیس کمیسیون، حاج عزالممالک از آن دفاع می‌کرد.
۱۷. دولت این لایحه را در روزنامه رعد نیز اعلان کرد تا مردم نظریاتشان را در آن باره ابراز کنند.
۱۸. برای اطلاع بیشتر در باره خالصجات انتقالی رجوع شود به:  
**A. K. S. Lambton, Landlord and Peasant in Persia, Oxford University Press, U. K. 1953, P. 152.**
۱۹. خالصجات اطراف تهران برای تأمین گندم و نان پایتخت نقش مؤثری در برنامه‌ریزی دولت داشت، و تا زمان پهلوی به فروش نرفت.
۲۰. مذاکرات مجلس ۳، جلسه ۶۸، ۱۸ ذیقعدہ ۱۳۳۳ ق، ص ۳۸۳.
۲۱. همان، جلسه ۶۹، ۲۱ ذیقعدہ ۱۳۳۳ ق.
۲۲. همان، جلسه ۷۷، ۲ ذیحجه ۱۳۳۳ ق، ص ۴۳۴-۸.
۲۳. در رمضان و شوال ۱۳۳۳ ق/ ژوئیه ۱۹۱۵ م، با پیشروی روسها و پیاده

کردن قوا در انزلی، آلمانها و دموکراتها در صدد تشکیل قوای در غرب و نیز تغییر پایتخت افتادند. هدف آنها جلوگیری از بسط نفوذ روس به سوی جنوب بود. هسته این قوا را ژاندارمری و قوای عشایری تشکیل می‌داد و کارها از طریق کمیته‌های حزب دموکرات انجام می‌گرفت. و از طرف آلمانها کنت کانیتز مأمور این کار شد. مهمترین قوای ژاندارمری در غرب، در بروجرد قرار داشت که رئیس سوئدی آن با آلمانها همکاری می‌کرد. چون رهبری این قوا به فرد قابل و پر نفوذی احتیاج داشت، با حاکم لرستان رضاقلی خان نظام‌السلطنه تماس برقرار شد و در ماه ژوئن، ملاقاتهای مخفی با کانیتز و دوماره، فرمانده ژاندارمری انجام گرفت. شرط مشارکت نظام‌السلطنه این بود که قراردادی که منعقد می‌شود، به امضای سفیر وزرات خارجه آلمان برسد. پس از توافق بر سر این موضوع، تشکیل قوا در غرب بطور جدی آغاز شد.

Lustig, The Muhajerat, P. 135,

و نیز سپهر، ایران در جنگ بزرگ، ص ۱۷۳.

۲۴. بامداد روش، شماره ۹۴، ۱۶ ذی‌قعدة ۱۳۳۳ ق، و ستاره ایران، شماره ۳۰، ۱۸ ذی‌قعدة ۱۳۳۳ ق. همین روزنامه در شماره ۳۳ نامه‌ای از "عالم نسوان، کمیته زنان تهران" به تاریخ ۲۹ ذی‌قعدة درج کرد که متن آن در ذیل آمده است. عالم نسوان هم روزنامه‌ای بود که توسط فارغ‌التحصیلان کالج دخترانه آمریکائی‌ها منتشر می‌شد، و نیز نام انجمنی بود که توسط همین زنان تشکیل شده بود.

E. Sanasnarian, The Women's, Rights Movement in Iran, Praeger, USA, 1982, P. 33.

«آقای مدیر بدیهی است هر وقت علمای اعلام هر ملتی در صدد اصلاح معایب اجتماعی هیات خود برآیند، آن عیوب بزودی بدون اندک صدمه و خسرانی اصلاح شده و آن هیات قدم به دایره ترقی و سعادت می‌گذارد. خوشا به حال هر گروهی که علمایش سر دسته اصلاحیون واقع شده باشند زیرا احتیاج طبیعی ملل به اصلاح آنها را ناچار به حرکات اصلاح طلبانه می‌نماید. خرابی حالت روحیه زنان ایران بر

همه معلوم و کمتر متفکری است که از تیرگی زندگانی پر مذلت زنان دلخور نباشد. قطعاً اگر علمای اعلام خود قبل از آنکه هیأت اجتماعی ما در زیر بار عیوب و نواقص خورد و مضمحل گردد در صدد اصلاحات برآیند، می‌توان امیدوار شد که ایران سالخورده بزودی در زیر بار حوادث کمر راست نموده و جوانی خود را از سر خواهد گرفت. اینک با یک دنیا مسرت و انبساط اولین اقدام علمای اعلام را در اصلاح حال زنان و لزوم دخالت زنان چون مردان در امورات زندگان در نمره ۸۶ بامداد روشن در تلگرافی که از طرف علمای اعلام همدان به طهران مخابره شده زیارت کردیم که می‌فرماید: (در این موقع خطرناک که حفظ منافع پلتیکی بر هر مسلم و مسلمه حتم و لازم است، مسلم است دخالت زن در امور پلتیکی فوق دخالت اوست در امور معاشی و سیاسی ما.)

پس از عرض تشکرات صمیمانه خود، خدمت آن ذرات محترم اصلاح طلب نظر دقت سایر علمای اعلام را نیز به این مسئله جلب می‌کنیم تا به موافقت همه بدون اینکه تولید شائبه محرومیت از نور علم و معرفت و حقوقی که صاحب شریعت برای ما معین کرده، از ما مرتفع شده و ما زنان مشرق هم بتوانیم چون خواهران غربی خود کمکی به مردان در ترقی هیأت اجتماعی خود بنمائیم.

۲۵. رعد، شماره ۱۶۲، ۶ شوال ۱۳۳۳ ق.

۲۶. نقل از:

**U. Gherke, Persien in der Deutschen Orient Politik Wahernd des Ersten Weltkiesges, 1916.**

**Lustig, The Muhajerat, P. 171.**

**27. W. J. Olson, Anglo - Iranian Relations, P. 113.**

۲۸. سپهر، ایران در جنگ بزرگ ص ۱۶ - ۲۱۱ و ۲۹ - ۲۲۸.

۲۹. همان، ص ۲۳۹.

۳۰. کمیته دموکراتها از قم در ۲۳ محرم ۱۳۳۴ ق اعلامیه بدین مضمون درج کرد

که رعد از قول جراید اصفهان آنرا منتشر نمود:

«توسط کمیته‌های محترم ایالتی و ولایتی فرقه دموکرات به محضر آقایان حجج الاسلام و عموم ایرانیان استقلال دوست و وطن خواه، دشمنان ما یعنی روس و انگلیس که سالها خاک و وطن عزیز ایرانیان را جولانگاه تاخت و تاز خویش قرار داده، حیثیت دیانت و ناموس ملیت و شرف قومیت ما را در مهلکه انداخته، اینک قشون به سمت تهران گسیل و هستی ما را جداً تهدید می‌نماید؛ اقدامات دیرینه و عملیات امروز آنان جای شکی برای ما باقی نمی‌گذارد که جز اضمحلال قطعی ایران و ایرانیان منظوری نیست. کمیته دفاع ملی با صدای بلند از قاطبه هم وطنان عزیز استمداد می‌طلبد. امروز روزی است که مردان ایران بکوشند تا اسم آنان در صفحات تاریخ به مردی و مردانگی ثبت گردد. دفاع دین و وطن بر قاطبه ایرانیان فرض و متمم است. بشتابید بطرف دشمن و قوای خودتان را تا آخرین تفنگ و فشنگ که دارید در مراکز قوا که بعداً اعلام می‌شود تمرکز داده منتظر اطلاعات و دستورالعمل‌های بعد باشید»

از طرف کمیته ملی

سلیمان میرزا، میرزا سلیمان خان، وحیدالملک، سیدمحمد رضا مساوات، میرزا

محمدعلی کلوب

رعد، شماره ۵۰.

31. Lustig, The Muhajerat, P. 197 - 8.

۳۲. رعد، شماره ۴۴، ۱۶ محرم ۱۳۳۴ ق.

۳۳. همان، شماره ۵۹، ۴ صفر ۱۳۳۴ ق.

۳۴. اعظام قدسی، خاطرات من، ص ۲۹۲.

۳۵. این جدول بر اساس لیستی که توسط لاستیگ در صفحه ۱۷ - ۲۱۶

رساله‌اش تهیه شده، قرار گرفته است. لاستیگ از منابع مختلف، استفاده کرده و در

این جدول بدانها اشاره شده است، اقوال نویسندگان مختلف متفاوت است.

۳۶. رضاقلی خان نظام‌السلطنه در آن وقت حکمران لرستان بود.

Lustig, The Muhajerat, PP. 162 - 6, 314.

## نتیجه گیری

شاید سخن ملک‌الشعرا بهار که گفت «انقلاب روسیه یک معجزه سیاسی بود.» در مورد ایران که موجب شد سلطه جوئی دیرین این دولت، لاقلاً در آغاز انقلاب از میان برود درست باشد. در واقع می‌توان گفت که در هیچ دوره‌ای مانند دوره پس از اولتیماتوم روس، که باعث انحلال مجلس دوم شد، دولتهای بزرگ روس و انگلیس تا این حد بر ایران مسلط نشده و ضعف مالی و قدرت مرکزی تنزل نکرده و استقلال ایران به مخاطره دچار نشده بود. کابینه‌ها به خواست روس و انگلیس تغییر می‌کردند، و هیچ یک پایدار نبودند. یک علت آن مربوط بود به تقاضای دولتین که همیشه قبول بسیاری از خواسته‌های این دو دولت برای سیاستمداران ایرانی در این دوره قابل قبول نبود. رقابت دیرینه میان روس و انگلیس که علی‌رغم قرار داد ۱۹۰۷ م هنوز جریان داشت از دیگر علل سقوط پی در پی کابینه‌ها بود. بروز جنگ جهانی اول و دخالت آلمانها موقتاً تسلط این دو دولت را در ایران به هم زد، ولی پس

از انحلال مجلس سوم، و آغاز مهاجرت وکلا و آزادیخواهان از تهران، این سلطه باز برقرار شد.

قبل از جنگ نفوذ و قدرت بختیاری‌ها که از دوره استبداد صغیر بر اوضاع مسلط شده بودند، تزلزل یافته و سعدالدوله نیز که توسط دولت روس تقویت می‌شد نتوانست کابینه‌ای تشکیل دهد. دولت همچنان در دست عده‌ای محدود از سیاستمداران قدیمی قرار داشت. یکی از نویسندگان، به نکته جالب توجهی در این باره اشاره کرده است. وی می‌نویسد که «مشکل بتوان ثابت کرد، ولی انسان چنان حدس می‌زند که شاید در سطوح بالاتر دولت، بین کاندیداهای ریاست وزراء تاحدی تبانی بود که سیاستی به نفع ایران اجرا کنند. در حالی که به نظر می‌رسید هر کدام نماینده حزب یا قدرت بزرگی بودند.»

در این اوضاع نابسامان که حتی تقسیم ایران و مراجعت محمدعلی شاه به کشور مطرح بود، احمدشاه و مجلس مظهر استقلال و تمامیت ارضی ایران به شمار می‌رفتند. احمدشاه مقارن آغاز جنگ جهانی اول تاجگذاری کرد و ناصرالملک از صحنه سیاست خارج شد. احمدشاه می‌کوشید نقش سلطان مشروطه را ایفا کند و تا آنجا که قانون اساسی اجازه می‌داد در امور مداخله نماید. اما از سوئی جوان و بی‌تجربه بود و بدون شک مرعوب سیاستمداران کهنه کار و خاصه سفرای خارجی واقع می‌شد.

فشار افکار عمومی که مطبوعات نیز بیانگر و هم محرک آن بودند، بالاخره به بازگشائی مجلس سوم انجامید. ولی این مجلس نیز نتوانست دولت را تقویت کند بلکه بیشتر باعث تضعیف آن و تغییر سریع کابینه‌ها بود.

در ایام جنگ مسئله عمده‌ای که به مشکلات دیگر افزوده شد، سیاست بی‌طرفی بود. همه کابینه‌ها موافق بی‌طرفی بودند، ولی حزب دموکرات نه تنها مخالف این سیاست بود، بلکه با همکاری با آلمانها آشکارا آن را نقض می‌کرد، همچنانکه روس و انگلیس و ترکیه هم آن را نقض



می‌کردند.

با گشایش مجلس، احزاب سیاسی نیز ظاهر شدند. در این دوره، احزاب کوچکتر ایام مجلس دوم از بین رفته و تنها حزب مهم اعتدالیون و دموکرات که باقی مانده بودند در مجلس سوم همراه با دسته‌ای به نام بی‌طرف و حزب جدیدی به نام هیأت علمیه ظاهر شدند. دموکرات‌ها و اعتدالیون در این مجلس ائتلاف کردند، و عده‌ای از بی‌طرفها نیز به آنها ملحق شدند. این دسته برضد "هیأت علمیه" که یک اقلیت راستگرا و تندرو بودند، جبهه گرفتند. مبارزه ایدئولوژیک چپ و راست که در مجلس دوم ظاهر شد اکنون از میان رفته بود؛ و همانطور که ائتلاف دموکراتها و اعتدالی‌ها نشان می‌دهد، اکنون مبارزه میان هیأت علمیه محافظه‌کار و تجددخواهان و غرب‌گرایان هیأت مؤتلفه در گرفته بود.

ائتلاف دموکراتها و اعتدالیون مانند مجلس دوم چندان پایدار نبود، ولی نشان می‌داد که مواضع سوسیالیستی و تندروهای دموکراتها تعدیل شده است. ولی در سیاست خارجی، همچنان به شدت ضدروسی بودند و فعالانه آلمانها را کمک می‌کردند. در نتیجه همانطور که تندروی‌های سرسختانه آنها در مجلس دوم باعث اولتیماتوم روسها و انحلال مجلس شد، در این زمان نیز موجب پیشروی روسها به سوی تهران و مهاجرت وکلا و انحلال مجلس شد و نشان داد که لازمه سیاست حزبی، آزادی است که در شرایط نیمه استعماری آن روز بسی دشوار بود.

## فهرست اعلام

آ

آذربایجان: ۹، ۲۱، ۲۶، ۳۷، ۴۹، ۷۰، ۷۲، ۹۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۴

آژانس پتروگراد: ۵، ۱۶۴

آفتاب روزنامه: ۲۶

آقاسید احمد: ۱۰۵

آقاسید فاضل: ۱۳۱، ۱۳۲

آمل: ۸۵، ۸۹

آقای مور: ۸

آنت دستره: ۱۶

آلمان: ۱، ۸، ۹، ۱۲، ۶۵، ۹۱، ۹۹، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۲

۱۲۳، ۱۲۴، ۱۳۰، (۱۴۱ - ۱۴۴)، ۱۴۷، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۶۱، ۱۶۴، ۱۶۵

۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۷، ۱۷۹

- اجتماعیون اتحادیون: ۱۰۵  
اجتماعیون اعتدالیون: ۱۰۵  
احتشام السلطنه: ۴۴، ۷۰  
احمد شاه، شاه: ۶، ۱۰، ۶۷، ۶۹، ۸۱، ۹۰، ۹۱، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲،  
۱۲۳، ۱۲۴، ۱۴۱، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۹  
اخوی سیدنصرالله: ۷۰  
ادیب السلطنه سمیع: ۸  
ارامنه: ۱۲۰  
اریاب کیخسرو: ۱۷۰  
اردستان: ۸۷  
ارویا، اروپائی: ۸، ۲۵، ۳۶، ۳۷، ۶۶، ۶۵، ۶۸، ۱۱۹، ۱۲۱  
استبداد صغیر: ۸، ۹، ۲۰، ۱۷۸  
استرآباد: ۸۶  
اسدالله، شیخ (کردستانی): ۱۰۱، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۲۹،  
۱۳۰، ۱۳۱، ۱۴۹، ۱۵۲  
استقراض، وام، قرض: ۲۰، ۴۰، ۴۷، ۶۱، ۶۳، ۶۵، ۱۲۵، ۱۲۶  
استیضاح فرمانفرما: ۸۹، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۴۲، (۱۴۹ - ۱۴۵)،  
(۱۵۲ - ۱۵۴)  
اصفهان: ۱۸، ۲۲، ۴۷، ۸۳، ۸۴، ۸۷، ۸۹، ۱۰۳، ۱۲۴، ۱۴۴، ۱۷۱  
اطریش: ۱۱۹  
اعتدالی، اعتدالیون، حزب اعتدالی: ۸۵، ۸۹، ۹۰، (۱۰۶ - ۱۰۱)،  
۱۰۸، ۱۱۰، ۱۴۷، ۱۵۳، ۱۶۲، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۹

## ۱۸۲ / احزاب سیاسی در مجلس سوم

- اعتمادالاسلام: ۱۰۵  
اعظام قدسی، حسن: ۸، ۱۴۶، ۱۴۷  
اعلم الدوله: ۱۰۵  
امیر نظام، عبدالله خان همدانی: ۱۴۲  
انتخابات: ۲، ۵، ۱۰، ۳۶، ۴۵، ۶۰، (۶۶ - ۷۴)، ۸۵، ۸۶ (۹۱ - ۸۹)،  
۱۰۳، ۱۰۶، ۱۱۰، ۱۴۷  
انجمن: ۳  
انجمن ایران: ۲۸، ۶۸  
انجمن نظار: ۷۱، ۷۳، ۸۶، ۸۸، ۸۹، ۱۸۷  
انزلی: ۱۶۲، ۱۶۷  
انگلیس، انگلیسیان: در اغلب صفحات  
اولتیماتوم روس: ۲۰، (۳۵ - ۳۶)، ۴۲، ۶۷، ۱۷۱، ۱۷۷، ۱۷۹  
اولسن: (۱۵ - ۱۲)  
ائتلاف: ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۵۴، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۷۱، ۱۷۹

## ب

- باستانی پاریزی: ۸  
بارفروشی: ۸۵، ۸۹  
بارکلی، سر جرج: ۳۶، ۴۰، ۶۳، ۶۷، ۶۸  
بامداد روشن: ۱۳۲، ۱۴۲، ۱۶۴  
بانک شاهنشاهی: ۳۸، ۴۱، ۴۴، ۱۴۳، ۱۴۴  
استقراضی: ۲۱، ۳۸، ۴۱، ۱۴۴  
بختیاری‌ها: ۱۹، ۲۱، ۲۳، ۲۵، ۳۵، ۴۳، ۴۹، ۵۰، ۶۰، ۶۱، ۶۹  
برق: ۲۶

- بروجرد: ۸۹  
بریتانیای کبیر: ۳۲  
بلدیه: ۱۶۳  
بلژیکی: ۴۹، ۱۶  
بلوچستان: ۱۹  
بلور فروش، محمد جواد: ۱۴۷  
بم: ۸۸  
بندربوشهر: ۱۹  
بنیچه: ۱۶۷، ۱۶۶  
بودجه: ۱۶۳، ۱۴۵  
بوکانن، سر جرج، ۳۷  
بهار (ملک الشعراء)، محمد تقی: ۲۶، ۷۰، ۷۳، ۷۵، ۸۸، ۱۰۳، ۱۰۵،  
۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۰، ۱۴۰، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۷۷  
بهبهانی، سید عبدالله: ۱۰۸  
بیرجند: ۱۶۱  
یستون: ۱۶۱  
بی طرفی ایران: ۱۰، ۱۵، ۹۱، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۴۴، ۱۴۹،  
۱۵۰، ۱۷۸  
بی طرف، جناح بی طرف: ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۶، ۱۱۱، ۱۲۶، ۱۴۳، ۱۴۷،  
۱۶۲، ۱۶۳، ۱۷۰، ۱۷۱

## پ

- پارلمان: ۶۹، ۹۰، ۱۲۳  
پروگرام دولت: ۱۰۱، ۱۴۳، ۱۵۰

پترزبورگ: ۳۷

پتروگراد: ۱۲۰

پک洛夫سکی: ۲۱، ۲۲، ۲۵، ۳۶، ۴۰، ۴۷، ۴۸

پلیس جنوب: ۱۴

پوژن، دکتر: ۱۶۱

## ت

تاجگذاری احمدشاه: ۶۷، ۷۰، ۷۲، ۷۳، ۹۰، ۱۷۸

تایمز: ۷، ۲۸، ۷۳، ۸۷

تبریز: ۸، ۱۸، ۲۲، ۳۶، ۴۹، ۶۱، ۱۲۰

تریت حیدری: ۸۳

ترک، ترکها، ترکیه: ۴، ۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۷، ۱۳۲، ۱۴۷

۱۴۹، ۱۶۹، ۱۷۸

تفلیس: ۱۲۰

تفلیسکی لیستوک: ۱۶۴

تقی زاده، حسن: ۹

تنکابنی، محمد طاهر: ۱۴۷

تونلی، سرولتر: ۱۱، (۲۰ - ۲۴)، (۴۳ - ۵۰)، (۶۰ - ۷۰)، ۱۲۲، ۱۲۳

۱۲۶

تهران: ۱، ۲، ۸، ۱۰، ۱۸، ۲۱، ۲۲، ۲۶، (۳۷ - ۳۵)، ۴۳، ۴۶، ۴۷، ۶۰

۶۹، ۷۰، ۷۳، ۸۲، (۸۷ - ۸۴)، ۱۰۳، ۱۱۰، ۱۲۱، ۱۳۲، ۱۴۱، ۱۴۵، ۱۶۲

۱۶۵، ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۸، ۱۷۹

## ث

ثبت اسناد: ۱۲۶

ثقة الاسلام: ۳۶

## ج

جلفا: ۶۱

جنگ جهانی اول: ۱، ۵، ۶، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۲۸، ۲۹، ۹۱،

۹۸، ۹۹، ۱۰۳، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۴۷، ۱۵۳، ۱۷۱، ۱۷۷، ۱۷۸

جیرفت: ۸۸

## چ

چرچیل، جرج: ۳۹، ۴۴

## ح

حبل المتین: ۶، ۲۲، ۸۸، ۸۹، ۹۰

حرم مطهر حضرت امام رضا(ع): ۴۴

حزب، احزاب سیاسی: (۱-۵)، ۹، ۱۶، ۲۶، ۴۳، ۴۶، ۹۰، ۹۸، ۱۰۰،

۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۵۲،

۱۵۳، ۱۶۵، ۱۷۸، ۱۷۹

حسین، حاج میرزا: ۱۵، ۱۴۷

حشمت الملک: ۲۴

حکیم‌الملک، میرزا ابراهیم: ۶۷، ۱۲۵، ۱۴۲، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۹

## خ

خالصجات: ۱۶۵، ۱۶۶

خان باباخان: ۱۴۷

خاتقین: ۴۷

خاورمیانه: ۱۵

خراسان: ۲۶، ۷۰، ۸۳، ۸۴، ۱۰۳

خرم‌آباد: ۴۷

خزانه دار کل، خزانه داری: ۱۶، ۲۰، ۳۷، ۳۹، ۴۳، ۱۲۷، ۱۳۰، ۱۳۱

خزعل، شیخ: ۱۹

خلخال‌ها: ۸۹

خلیج فارس: ۱۵

خیابانی، شیخ محمد: ۹

## د

دروازه قزوین: ۱۱۰

دموکرات، دموکراتها، حزب دموکرات: ۴، ۶، ۹، ۱۴، ۳۶، ۳۸، ۶۶،

۷۰، ۷۱، (۸۳-۹۱)، ۹۹، (۱۰۱-۱۰۴)، (۱۰۶-۱۱۰)، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۳۳،

(۱۴۸-۱۴۶)، (۱۵۴-۱۵۲)، ۱۶۱، (۱۶۵-۱۶۳)، (۱۷۱-۱۶۷)، ۱۷۸،

۱۷۹

دواتر: ۱۴۴

دولت‌آبادی، یحیی: ۸، ۱۵



دومورنی: ۱۰، ۱۲

دهخوارقانی: ۸۴

## ذ

ذکاء الملک فروغی: ۷۰، ۷۱، ۱۰۹، ۱۱۹، ۱۲۵، ۱۲۹

## ر

راه آهن: ۲۲، ۲۵، ۴۷، ۴۹، ۶۱، ۶۵، ۹۸

رشت: ۶۶، ۸۳، ۸۷

رعد: ۵، ۶، ۲۶، ۲۷، (۷۱ - ۷۳)، ۸۵، ۸۷، ۸۸، ۹۰، ۹۹، ۱۲۲، ۱۲۳

۱۲۵، ۱۳۲، ۱۴۲، ۱۶۱، ۱۶۸، ۱۷۰

روسکو اسلو: ۶۸

رئیس الوزراء، ریاست وزراء: ۴، ۶۱، ۶۹، ۷۳، ۱۰۱، ۱۱۹، ۱۲۳

۱۲۵، ۱۲۸، ۱۵۲، ۱۶۲، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۸

رئیس مجلس: ۶۱، ۱۴۲، ۱۴۶، ۱۴۹

روزنامه، مطبوعات: (۶ - ۴)، ۲۵، (۲۹ - ۲۷)، ۴۳، ۶۸، (۷۱ - ۷۳)،

۸۱، ۸۲، (۸۷ - ۸۵)، ۹۰، ۹۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۳۲، ۱۴۶، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۶۴

۱۶۵، ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۸

رویس، پرنس، وزیر مختار آلمان: ۱۷، ۱۶۹

رئوف بیک، فرمانده قوای عثمانی: ۴، ۱۲۷، ۱۴۷

## ز

زنجان: ۸۳

زنجانی، شیخ ابراهیم: ۸۴

زرند: ۸۸

## ژ

ژاندارمری: ۳۷، ۳۹، ۴۱، ۴۶، ۴۸، ۶۱، ۶۳، ۶۴، ۱۰۴، ۱۲۳، ۱۲۵،

۱۴۳، ۱۴۸

## س

سازانف: ۳۷، ۳۸، ۴۶، ۴۷، ۷۰

سالار فیروز: ۸۸

سالار لشکر: ۸۹

سانسور: ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸

ساوجبلاغ: ۷۲، ۸۵، ۱۲۱

ساوه: ۸۹

سپهدار، محمدولی خان: ۲۱، ۴۴، ۶۵، ۱۶۴، ۱۶۶

سپهر، مورخ الدوله: ۹، ۱۲۳، ۱۴۴

ستاره ایران: ۱۰۶، ۱۴۲، ۱۴۶، ۱۶۴، ۱۶۸

سربازگیری: ۱۶۵، ۱۶۶

سردار اسعد: ۴۳، ۴۵، ۶۹

سردار محی: ۱۰۶

سردار معظم خراسانی (تیمورتاش): ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۵۳، ۱۶۳، ۱۶۶  
سعدالدوله، میرزا جوادخان: ۲۳، ۲۵، ۳۹، ۴۲، ۴۳، (۴۷-۵۰)، ۶۰،  
۶۵، ۱۲۴، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۷۸  
سردار منصور، فتح‌الله خان: ۱۴۱  
سلیمان خان: ۱۵۰  
سلیمان میرزا محسن اسکندری: ۸۴، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۲۵،  
۱۲۸، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۲، ۱۶۳، ۱۶۶  
سمعی، ادیب‌السلطنه: ۸۴  
سنت پترزبورگ: ۷۰  
سوسیالیستی: ۱۷۱، ۱۷۹  
سولقان: ۷۱  
سیستان: ۱۶، ۱۹، ۲۴، ۶۶

## ش

شاه عبدالعظیم: ۷۲  
شجاع‌الدوله، صمدخان: ۹، ۲۵، ۶۶، ۶۷، ۸۲، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲  
شجعی، زهرا: ۱۶، ۸۴، ۸۶  
شرق: ۲۶  
شرکت نفت: ۱۹  
شمیران: ۷۱  
شومتر، مورگان: ۹، ۱۶، ۲۵، ۳۷، ۱۲۷  
شورا: ۶، ۱۰۵، ۱۰۶  
شورای دولتی: ۱۱  
شورای معارف: ۱۲۹

## ۱۹۰ / احزاب سیاسی در مجلس سوم

شوکت‌الملک علم: ۱۹

شهاب‌الدوله، اسدالله میرزا: ۱۰۱، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۶۲

شهریار: ۸۸

شیخ محمدباقر معروف به وطن‌فروش: ۸۶

شیراز: ۱۲، ۸۳، ۱۲۴، ۱۶۱

شیرازی، حاجی آقا: ۷۰، ۸۶، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۱۰

## ص

صاحب اختیار، غلام حسین خان: ۱۲۱

صحنه: ۱۶۱

صدرهاشمی، محمد: ۱۵

صمصام‌السلطنه: ۲۳، ۳۵، ۳۶، ۴۳، ۴۴، ۴۷، ۴۸، ۵۰، ۶۰، ۶۵، ۶۹

۸۳ ۸۹

صوراسرافیل، میرزا قاسم خان: ۱۷، ۸۵

صولت‌الدوله: ۲۴

## ض

ضرفام بروجنی، جمشید: ۱۵

## ط

طباطبائی، سیدضیاء‌الدین: ۶، ۲۶، ۲۷

طباطبائی، سیدمحمدصادق: ۶، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۷۰

## ظ

ظل السلطان: ۲۱، ۲۲

## ع

عاصم بیگ، سفیر عثمانی: ۱۲۰، ۱۴۱

عثمانی، ترکیه: ۱۲، ۴۷، ۸۹، ۹۱، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۴۸، ۱۶۵، ۱۶۹

عدل الملک: ۱۵۰، ۱۷۰، ۱۷۱

عراق: ۸۴، ۸۸

عربستان (خوزستان) ۱۹

عزالممالک، حاج، اردلان: ۸۴، ۱۴۷

عصر انقلاب: ۲۷: ۱۴۶

عصر جدید: ۶، ۲۷

علاء السلطنه، محمد علی خان: ۲۴، ۲۵، ۲۸، ۴۴، ۴۵، (۴۸-۵۰)،

۶۰، ۶۱، ۶۷، ۶۹، ۷۴، ۷۳۷، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۶۲، ۱۶۴

عماد السلطان: ۱۴۷

عمارت شاهي: ۱۷۰

عين الدوله، سلطان مجيد ميرزا: ۴، ۲۲، ۲۴، ۴۵، ۶۱، ۶۶، ۷۰، ۱۰۱،

۱۰۴، ۱۲۱، ۱۳۲، ۱۳۳، (۱۴۱-۱۴۶)، ۱۵۰، ۱۵۳، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۴

## ف

فارس: ۸، ۱۹، ۲۳، ۲۴، ۶۶، ۸۸، ۸۹، ۱۰۳، ۱۲۳، ۱۲۶، ۱۴۵

## ۱۹۲ / احزاب سیاسی در مجلس سوم

فترت، دوره فترت: ۴۳، ۱۰۲، ۱۰۴

فخرالملک: ۱۰۵

فدائیان: ۳۷

فرانسه: ۱۱، ۶۵، ۱۱۹

فرح آباد: ۱۴۱

فرمانفرما، عبدالحسین میرزا: ۴، ۱۰، ۲۸، ۸۹، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۰۶،

۱۲۳، ۱۴۲، (۱۵۰ - ۱۴۵)، (۱۵۴ - ۱۵۲)، ۱۷۱

فرنگ: ۱۴۵

فشابویه: ۷۲

فن کاردوف: ۱۰۶، ۱۲۲

## ق

قاجار: ۹، ۳۸، ۶۱

قانون اساسی: ۱۱، ۶۷، ۶۹، ۱۴۸، ۱۷۸، ۹۰، ۱۰۰، ۱۱۱

قانون اساسی، متمم: ۶۷، ۷۰، ۱۰۰، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۲۹

قانون انتخابات: ۶۹، ۷۴، ۸۲، ۸۳، ۸۶

قائیات: ۱۹، ۶۶، ۱۶۱

قانون عدلیه: ۱۰۹

قانون مالیه: ۱۰، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۴۵

قانون پست: ۱۴۵، ۱۶۳

قانون مستغلات: ۱۴۵، ۱۶۲

قانون ۲۳ جوزا: ۱۶، ۱۲۳، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۶۸

قرارداد، معاهده ۱۹۰۷: ۱، ۱۸، ۲۲، ۳۷، ۳۸، ۴۰، ۴۲، ۱۷۷

قراگوزلو، امیرنظام: ۸۴

قزاقها: ۴۶  
قزوین، ۳۶، ۶۶، ۱۳۲، ۱۶۲، ۱۷۰  
قشقائی: ۱۹  
قفقاز: ۶۶  
قم: ۱۷۰، ۱۷۱  
قوچان: ۴۶، ۸۳، ۸۵  
قوام السلطنه، احمد: ۲۴، ۴۴، ۱۰۶  
قوام الملک: ۱۹

## ک

کابینه: ۴، ۲۷، ۳۶، ۳۹، ۴۱، ۴۳، ۴۴، ۶۱، ۶۵، ۶۷، ۹۹، ۱۰۰، ۱۱۱،  
۱۱۹، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۶، ۱۴۹، (۱۵۴ - ۱۵۰)،  
۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۷۷، ۱۷۸  
کاشان: ۱۷۰  
کاوه، مجله: ۱۲  
کزازی، سید حسین: ۱۴۶، ۱۴۸  
کرج: ۱۶۹  
کردها: ۱۲۰  
کرزن، لرد: ۱۴، ۲۶، ۸۲  
کسروی، احمد: ۹  
کرمان: ۱۹، ۸۷، ۸۸، ۹۰  
کرمانشاه: ۴، ۱۰، ۱۶، ۸۳، ۸۴، ۸۷، ۸۹، ۱۰۱، ۱۲۴، ۱۴۴، ۱۴۶،  
(۱۴۸ - ۱۵۱)، ۱۶۱  
کرمانی، یحیی: ۱۴۷

کروستوتز: ۲۰، ۶۷، ۱۲۶

کلهر: ۸۹، ۱۵۱

کمپانی مطالعاتی: ۴۷

کمیته ایران: ۱۴

کمیته دفاع ملی: ۱۷۰

کمیته شرق: ۱۴

کمیسیون انتخابات: ۸

کمیسیون مالیه: ۱۳۰

کودتا: ۳۵، ۶۷، ۱۳۳

کوان: ۴۹

کوشش: ۲۷، ۱۴۶

کونالی: میجر: ۲۳

## گ

گمرکات: ۵، ۱۶، ۲۸، ۴۱، ۴۳، ۴۴، ۱۲۶، ۱۲۷

گری: سر ادوارد: ۳۸، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۶۰

گیلان: ۷۰، ۸۴

## ل

لامینگتن، لرد: ۶۸

لقمان دکتر: ۱۴۷

لندن: ۴۶، ۶۸

لولو، مسیولولو بلژیکی: ۱۳۰



م

- مارلینگ، سرچارلز: ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۴۵  
مازندران: ۷۰  
متین السلطنه: ۶، ۲۷، ۸۳، ۱۰۵  
مجاهدین: ۴۲  
مجلس: اغلب صفحات  
محتشم السلطنه: میرزا حسن خان: ۱۰۵، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۴۲،  
۱۴۴، ۱۶۲  
محمد علی شاه، (میرزا): ۲۱، ۳۷، ۳۹، ۴۲، ۴۳، ۴۵، ۴۶، ۴۹، ۵۰،  
۱۷۸، ۶۵  
مخبر السلطنه (هدایت) میرزا مهدیقلی: ۲۳، ۸۹، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲۶،  
۱۴۵  
مخبر الممالک: ۱۴۷  
محمره (خرمشهر): ۱۹  
مدرسه دارالمعلمات و دارالمعلمین: ۱۲۹  
مدرسه سلطنتی: ۱۱  
مرآت السلطنه: محمد مهدی میرزا: ۸۴، ۱۴۷، ۱۴۸  
مراغه: ۱۲۰  
مساوات، سید محمد رضا: ۱۴۷  
مستشار الدوله میرزا صادق: ۴۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۶۲، ۱۶۴  
مستوفی الممالک، میرزا حسن خان: ۱۷، ۲۱، ۶۳، ۶۵، ۷۰، ۷۳، ۷۴،  
۱۰۶، (۱۲۵ - ۱۱۹)، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۴۲، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۷،  
۱۷۰، ۱۶۹

## ۱۹۶ / احزاب سیاسی در مجلس سوم

مستوفی، عبدالله: ۱۰۹، ۱۳۰

مشارالدوله: ۱۴۷

مشیرالدوله، میرزا حسن خان: ۲۵، ۶۵، ۸۱، ۱۰۰، ۱۱۹، (۱۳۰) -

۱۲۵، ۱۳۳، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۷، ۱۶۲

مشارالسلطنه، میرزا اسدالله خان: ۱۲۵

مشروطیت، مشروطه خواهان: ۲، ۳، ۹، ۲۶، ۳۷، ۶۷، ۶۸، ۷۴، ۸۳

۱۰۰، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۴۲، ۱۷۸

مشهد: ۱۸، ۲۶، ۴۶، ۸۷، ۸۳۷، ۸۹

مطبوعات: رجوع شود به روزنامه‌ها

معاون الدوله، میرزا محمد ابراهیم: ۴۴، ۱۲۱، ۱۲۵

معین التجار بوشهری: ۱۲۵

موراتوریوم: ۱۵، ۱۲۶، ۱۴۵، ۱۶۹

موبرلی (سرتیب): (۱۵ - ۱۳)

موتمن الملک: ۲۵، ۶۱، ۶۵، ۷۱، ۸۱، ۱۴۲، ۱۶۸

مؤدب السلطنه، اسماعیل خان: ۱۴۲

ممتاز الدوله: ۴۴، ۶۷

ملیون: ۱۴، ۴۹، ۹۱، ۹۹، ۱۴۱

مؤتد الاسلام: ۱۴۷

مورنارد، ژوزف: ۵، ۹، ۱۶، ۲۵، ۲۷، ۳۷، ۴۳، ۴۴، ۱۲۷

مهاجرت: مهاجرین: ۸، ۱۰، ۱۶، ۱۲۷، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۹

مهندس الممالک، میرزا نظام‌الدین: ۱۱۹، ۱۲۱

## ن

ناصر الاسلام: ۶، ۱۴۳، ۱۶۲

- ناصرالملک، قراگوزلو، نایب السلطنه: ۸، ۹، ۲۶، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲،  
(۴۴-۵۰)، ۶۰، ۶۵، ۶۷، ۶۸، ۷۰، ۹۰، ۹۱، ۱۰۶، ۱۱۰، ۱۷۸  
نائینی، میرزا حسین خان: ۸۳  
نایب السلطنه، رجوع شود به ناصرالملک  
نجات، محمد: ۱۴۷  
نصرالله، حاج سید: ۸۱  
ناصرالملک، حسن علی خان: ۱۲۵  
نظام السلطان، غلام علی خان: ۱۷۰  
نظام السلطنه، رضاقلی خان: ۸۹  
نظام مافی، رضاقلی، ۱۵  
نظام نامه: ۳  
نظمیه: ۳۵، ۷۲، ۱۲۵، ۱۲۸  
نوبهار: ۶، ۲۶، ۴۲، ۶۸، ۷۱، ۷۳، ۸۵، ۱۰۸، ۱۶۸  
نوز، ژوزف: ۱۶  
نیشابور: ۸۴، ۸۸  
نیرالدوله: ۸۴، ۸۹

## و

- واسموس: ۸، ۱۶۱  
وان کاور، رئیس بانک روس: ۲۱، ۱۴۴  
وثوق الدوله، میرزا حسن خان: ۵، ۱۵، ۲۱، ۳۹، ۴۱، ۴۴، ۶۱، ۶۶،  
۱۲۳، ۱۴۲، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۵  
وحیدالملک شیبانی: ۱۴۷، ۱۴۸  
ورامین: ۷۲

۱۹۸ / احزاب سیاسی در مجلس سوم

وزارت جنگ: ۱۴، ۵۰، ۱۶۷

وزارت خارجه: ۱۴، ۷۳

وزارت داخله: ۷۲، ۱۵۰

وزارت فرهنگ و فوائد عامه: ۶۱، ۱۲۴

وزارت فوائد عامه تجارت و پست و تلگراف: ۴۴، ۶۱، ۱۲۴، ۱۵۰

وزارت مالیه: ۴۴، ۱۲۴، ۱۲۸

وزیر خارجه: ۲۴، ۳۶، ۴۰، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۵، ۱۴۲، ۱۴۴

۱۵۱، ۱۶۲

وزیر داخله: ۴، ۲۴، ۱۰، ۱۲۱، ۱۲۵، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۹

۱۵۲، ۱۶۲، ۱۶۴

وزیر فوائد عامه و تجارت و پست و تلگراف: ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۵، ۱۴۲

۱۶۲

وزیر مالیه: ۲۴، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۴۲، ۱۶۲، ۱۶۵

وزیر عدلیه: ۱۰، ۴۴، ۶۷، ۱۰۹، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۵، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۴۲

۱۶۲

ولیعهد (محمد حسن میرزا): ۱۲۰

هـ

هاشم میرزا افسر، محمد: ۸۴، ۱۱۰

هیأت عثمانیه: ۴، ۱۰۱، ۱۰۲، (۱۰۸-۱۰۶)، ۱۱۰، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۹

(۱۳۰-۱۳۳)، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۵۱، (۱۶۳-۱۶۶)، ۱۷۰، ۱۷۱

هیأت مؤتلفه: ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۴۱، ۱۴۵

۱۴۷، ۱۵۲، ۱۵۳

هدایت، مخبر السلطنه: ۸

همدان: ۸۳، ۸۴، ۸۷، ۱۵۴

هند: ۱۳، ۱۴، ۶۴

ی

پیرم خان: ۳۵، ۳۶

یزد: ۱۸، ۹۰

ینگه امام: ۱۶۹

## فهرست منابع

### اسناد و منابع اصلی:

Public Record Office,

FO 416, VOL. 51 - 63 Further Correspondence respecting the Affaires  
of Persia etc.

### روزنامه‌ها و مجلات

بامداد روشن

حبل‌المتین، تهران

رعد

ستاره ایران

نوبهار

مجله کاوه، برلن

## فهرست منابع / ۲۰۱

**Times, Cuttings From the Times, Originally Compiled by the Times Intelligence Department.**

اتحادیه، (نظام مافی) منصوره، مرامنامه‌ها و نظام‌نامه‌های احزاب سیاسی مشروطیت در دوره اول و دوم مجلس شورای ملی. تهران ۱۳۶۱.

اعظام قدسی، حسن، خاطرات من یا روشن شدن تاریخ صد ساله، ۲ جلد، تهران ۱۳۴۲.

بهار (ملک‌الشعرا) محمدتقی، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، انقراض قاجاریه، ۲ جلد، تهران ۱۳۶۳ و ۱۳۵۷.

دولت‌آبادی، یحیی، حیات یحیی، ۴ جلد، تهران چاپ دوم ۱۳۶۲.  
فرمانفرما، عبدالحسین میرزا، گزیده‌ای از مجموعه اسناد عبدالحسین میرزا فرمانفرما، ۴۰ - ۱۳۲۵ هـ ق به کوشش منصوره اتحادیه، سیروس سعدوندیان، ۳ جلد، تهران ۱۳۶۶.

کتاب سبز، به کوشش رضاقلی نظام‌مافی، تهران ۱۳۶۳.  
کسروی، احمد، تاریخ ۱۸ ساله آذربایجان، تهران چاپ ۶، ۱۳۵۳.  
مذاکرات مجلس شورای ملی، مجلس سوم.  
مستوفی عبدالله، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، ۳ جلد، تهران ۱۳۴۵.

مصوبات ادوار اول و دوم قانونگذاری مجلس شورای ملی، تهران ۱۳۱۸.  
نصرت‌الدوله فیروز، خاطرات و آثار فیروز میرزا نصرت‌الدوله، به کوشش منصوره اتحادیه، سیروس سعدوندیان، ۲ جلد، تهران ۱۳۷۰.

نیدمایر، اسکارفن، زیر آفتاب سوزان، ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران ۱۳۶۳.  
هدایت (مخبرالسلطنه) مهدیقلی، خاطرات و خطرات، تهران ۱۳۴۴

## منابع فرعی:

- اتحادیه (نظام مافی) منصوره، پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت دوره اول و دوم مجلس شورای ملی، تهران ۱۳۶۱.
- «طغیان فتح‌الله میرزا سالارالدوله»، مجله نگین، شماره ۱۳۶، سال ۱۲، شهریور ۱۳۵۵.
- «لیست سیاه ایران در جنگ جهانی اول»، مجله نگین، شماره ۱۴۶، تیر ۱۳۵۶.
- بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲، ۱۳، ۱۴ هـ. ق. ۶ جلد، تهران ۱۳۴۷ - ۱۳۵۱.
- سپهر (مورخ‌الدوله) احمدعلی، ایران در جنگ بزرگ، تهران ۱۳۳۵.
- شسجیمی، زهرا، نمایندگان مجلس شورای ملی در بیست و یک دوره قانونگذاری، تهران ۱۳۴۴.
- صدرهاشمی، محمد، تاریخ جراید و مجلات ایران، ۴ جلد، تهران ۱۳۶۲.
- ضرغام بروجنی، جمشید، دولتهای عصر مشروطیت، تهران ۱۳۵۰.
- کهی، گوئل، تاریخ سانسور در مطبوعات ایران، ۲ جلد، تهران ۱۳۶۲.



Lustig, M.I. "The Muhajerat and the Provisional Government of Kirmanshah, 1915-1917, Conflict and Cooperation Between the First Political Parties in Iran," Unpublished Doctoral Dissertation, New York University, 1987.

Moberly, (Brig. Gen.) F.J. *Operations in Persia, 1914-19* (London: 1987).

Nazem, H. *Russia and Great Britain in Iran, 1900-14* (Tehran: 1975).

Olson, W.J. *Anglo-Iranian Relations During World War I* (London: 1984).

Demorgny, G. *Essai Sur L'Administration de La Perse* (Paris: 1913).

*La Geurre et La Question Persane* (Paris: 1916).

Destree, A. *Les Fonctionnaires Belges au Service de La Perse, 1898-1915* (Leiden: 1976).

Gerke, V. *Persien in der Deutscher Orientpolitik Wahrend des Ersten Weltkrieges*, 2 vols. (Stuttgart: 1961).

Jones, G. *Banking and Empire in Iran, Vol. 1, The History of the British Bank of the Middle East* (Cambridge: 1986).

Lambton, A.K.S. *Landlord and Peasant in Persia* (Oxford: 1953).

Sanasarian, E. *The Women 's Rights Movement in Iran* (Boulder: 1982).

Sykes, C.W. *The German Lawrence* (New York: 1936).



جدول ۱

انتخابات اول تهران: تعداد رأی	انتخابات دوم تهران: تعداد رأی
موتمن الملک ۱۰۲۴۰ رأی	سید رضامساوات ۴۵۰۴ رأی
شیخ محمد حسین یزدی ۷۵۳۱ "	میرزا طاهر تنکابنی ۴۲۷۷ "
نصرالله سادات اخوی ۷۴۴۲ "	وحید الملک ۳۷۲۹ "
مشیرالدوله ۷۲۰۸ "	میرزاهاشم آشتیانی ۳۴۷۴ "
مستوفی الممالک ۶۸۹۲ "	شیخ رضا دهخوارقانی ۳۴۲۸ "
احتشام الملک ۵۹۲۵ "	حسین قلی خان نواب ۳۳۸۹ "
سید حسن مدرس ۴۸۸۴ "	میرزا اسدالله مشارالسلطنه ۲۸۱۵ "
محمدصادق طباطبائی ۴۶۴۷ "	
ذکاء الملک ۳۵۰۴ "	
امام جمعه خوئی ۳۲۵۸ "	
حاجی آقا شیرازی که اعتبارنامه اش رد شد.	

ادامه جدول ۱  
انتخابات خارج شهر تهران

۶۴۰۲ رأی	صوراسرافیل	کردان ساوجبلاغ
۸۸۸۰ رأی	حسن آقازاده	دماوند
۶۹۱ رأی	فیروزآبادی	حضرت عبدالعظیم

جدول ۲

تعداد رأی در هر حوزه انتخابیه به ترتیب تعداد آراء

۸			گلپایگان	سیستان نائین	سندج	بهبهان	بوشهر	بیم	استرآباد	تا ۵۰۰ رأی	
۱۰	نیشابور	نجف آباد	محلات	گروس	عباسی	دماوند	بیرجند	بجنورد	بروجرد	انزلی	از ۵۰۰ الی ۱۰۰۰
۹		قم	قزوین	فومن	فسا	سیرجان	ساری	درجز	جیرفت	اصفهان	از ۱۰۰ الی ۱۵۰۰
۲									تون و طیس	ملایر	از ۱۵۰۰ الی ۲۰۰۰
۳							گرگان	یزد	شاهرود		از ۲۰۰۰ الی ۲۵۰۰
۵						سمنان	قوچان	کرمان	مشهد		از ۲۵۰۰ الی ۳۰۰۰
۳						بارفروش	ودامغان	لامیجان	ساروه	رفسنجان	از ۳۰۰۰ الی ۳۵۰۰
۲								ترت	عراق		از ۳۵۰۰ الی ۴۰۰۰
۲								حیدریه	رشت	شیراز	از ۴۰۰۰ الی ۴۵۰۰
۱									همدان		از ۴۵۰۰ الی ۵۰۰۰
-									-		از ۵۰۰۰ الی ۵۵۰۰
-									-		از ۵۵۰۰ الی ۶۰۰۰
۱									خمسه	وزنجان	از ۶۰۰۰ الی ۶۵۰۰

ادامه جدول ۲

-											از ۶۵۰۰ الی ۷۰۰۰
۱										کرمانشاه	از ۷۵۰۰ الی ۸۰۰۰
-										-	از ۸۰۰۰ الی ۸۵۰۰
-										-	از ۸۵۰۰ الی ۹۵۰۰
-										-	از ۹۵۰۰ الی ۱۰۰۰۰
۱										تهران	از ۱۰۰۰۰ الی ۱۰۵۰۰

جدول #۳

مقایسه درصد مشاغل و وابستگیهای طبقاتی در مجلس دوم و سوم

مجلس سوم	مجلس دوم	مشاغل
٪۴۹	٪۳۰	ملای
٪۷	٪۱۰	بازرگان
٪۳۱	٪۲۵	روحانی
٪۱۲	٪۱۹	مشاغل آزاد
٪۴۷	٪۴۷	کارمند دولت

\*. شجیعی ص ۱۷۴ - ۲۲۳

جدول #۲

مقایسه سطح تحصیلات وکلای مجلس دوم و سوم

مجلس سوم	مجلس دوم	تحصیلات
%۱۳	%۵	تحصیلات عالی قدیم
%۲۱	%۲۸	تحصیلات قدیم مدرسی
%۴	%۸	تحصیلات جدید دکتری
%۱۳	%۱۷	تحصیلات جدید تا حدلیسانس

\*. شجیمی ص (۱۷۴ - ۲۲۳).



جدول ۵

پایگاه شغلی و طبقاتی احزاب

تاجر	طبيب	اقلیت	روزنامه‌نگار	کارمند	روحانی	مالک	حزب
۱	۲	-	۲	۲	۲	۱۱	اعتدالی
-	-	-	-	-	۱۶	۲	هیأت علمیه
-	۱	۲	-	۳	۵	۶	بی طرف
-	-	-	۳	۸	۸	۱۱	دموکرات

جدول \*۶\*

افزایش رأی در مقایسه با مجلس دوم

شهر	مجلس دوم	مجلس سوم	افزایش
اصفهان	۲۲۲	۱۰۱۹	۴/۵ برابر
بروجرد	۱۳۱	۹۸۱	۷ برابر
سمنان و دامغان	۸۲	۲۹۳۳	۳۵ برابر
شاهرود	۹۵	۲۳۹۰	۲۵ برابر
تهران	۳۸۱۵	۱۰۰۰۱۷	۲/۶ برابر
عراق	۱۲۹	۳۵۳۶	۲۷ برابر
قزوین	۲۵۵	۱۳۵۰	۵/۲ برابر
قم	۶۲	۱۴۱۳	۲۲ برابر
کردستان و سنندج	۲۷۸	۳۵۴	کسر شده ۱۲۴ رأی
کرمانشاه	۳۵۴	۷۳۶۱	۲۰ برابر
کرمان	۳۶۵	۲۵۲۸	۶/۹ برابر
ملایر	۹۰	۱۹۷۷	۲۱ برابر
همدان	۳۴۸	۴۸۲۹	۱۳/۸ برابر
یزد	۲۴۹	۲۴۰۲	۹/۶ برابر

مقایسه بین تعداد تعرفه و رأی

ایالت یا شهر	تعرفه	رأی	درصد کسر شدن
همدان	۱۱۷۰۰	۷۳۹۰	٪۶۳
کرمان	۱۶۲۰	۱۳۲۷	٪۸۱/۹
شیراز	۸۹۸۹	۴۲۶۸	٪۴۷
فسا	۱۵۰۰	۱۱۰۷	٪۷۳/۸
قوچان	۳۸۵۹	۲۹۱۶	٪۷۵/۵
ساوه	۸۸۹۴	۳۰۵۶	٪۳۴
بوشهر	۵۲۴	۳۷۶	٪۷۱
نجف آباد	۲۹۵۲	۸۳۶	۲۸
زنجان	۸۶۹۰	۵۴۹۱	٪۶۳
رشت	۶۷۸۳	۴۴۳۴	٪۶۵
سیستان	۷۴۲	۴۷۵	٪۶۴
ساوجبلاغ کردان	۱۰۰۰۰۰	۶۴۰۹	٪۶۴
عراق	۶۹۳۹	۳۵۳۶	۵۰/۹
نائین	۸۶۴	۲۶۴	٪۳۰/۵

جدول ۸

مدت حضور وکلاء در مجلس از افتتاح تا پایان دوره آن، طبق موضع حزبی آنها

حزب	ماه ۱۰	ماه ۹	ماه ۸	ماه ۷	ماه ۶	ماه ۵	ماه ۴	ماه ۳	ماه ۲	ماه ۱	روز	جمع وکلاء احزاب
دموکرات	۱۳	-	۱	۱	۱	۶	-	۳	۳	۱	۳	۳۱
اعتدالی	۱۲	۲	۳	۱	۱	-	-	۲	۱	-	-	۲۲
علمیه	۱۰	-	-	۳	-	-	۱	۱	۱	-	-	۱۶
بی طرف	۱۰	۱	۲	-	-	-	-	-	۱	-	۶	۲۰
	صفر	ربیع الاول الثانی	ربیع الاول الثانی	جمادی الاول الثانی	جمادی الاول الثانی	رجب	شعبان	رمضان	شوال	ذی قعدة	ذیحجه	

جدول ۹

تعداد وکلای هر حزب در هر ماه در مجلس

ماه	دموکرات	اعتدالی	علمیه	بی طرف
صفر ۱۳۳۳	۱۳	۱۲	۱۰	۱۰
ربیع الاول	۱۳	۱۴	۱۰	۱۰
ربیع الثانی	۱۴	۱۷	۱۰	۱۳
جمادی الاول	۱۵	۱۸	۱۳	۱۳
جمادی الثانی	۲۱	۱۹	۱۳	۱۳
رجب	۲۱	۱۹	۱۳	۱۳
شعبان	۲۵	۱۹	۱۵	۱۳
رمضان	۲۸	۲۱	۱۶	۱۴
شوال	۲۸	۲۲	۱۷	۱۵
ذیقعدہ	۲۹	۲۲	۱۷	۱۵
ذیحجه	۳۲	۲۲	۱۷	۱۵

جدول ۱۰

تعداد افزایش وکلای هر حزب در هر ماه در مجلس

ماه	دموکرات	اعتدالی	علمیه	بی طرف
صفر	۱۳	۱۲	۱۰	۱۰
ربیع الاول	-	۲	-	۱
ربیع الثانی	۱	۳	-	۲
جمادی الاول	۱	۱	۳	-
جمادی الثانی	۶	۱	-	-
رجب	-	-	-	-
شعبان	۳	-	۱	-
رمضان	۳	۲	۱	-
شوال	-	۱	۱	۱
ذیقعدہ	۱	-	-	-
ذیحجه	۳	-	-	۶

تقسیم وکلای احزاب در ولایات

شهر	دموکرات	اعتدال	علمیه	بی طرف
استرآباد	+			
اصفهان	+	+		+
قمشه		+		
نجف آباد		+		
بروجرد			+	+
مشهد	xx	x		
درجز	x			
تربت حیدریه		x		
نیشابور	+			
قوچان		x		
بجنورد				x
تون و طبس		+		

			xx	زنجان
		+		سمنان و دامغان
	x			شاهرود
	x	x		عراق
		x		نسا
	x			آباده
	x			بوشهر
	xx		+	شیراز
		x		جهرم
	xx			قزوین
		x		قم
		x		کاشان
xx		x		سنندج
x	x		xx	کرمانشاه



			x	رفسنجان
		x		سیرجان
			x	جیرفت
x				گلبایگان
	x			محلات
		x	x	رشت
x				انزلی
		x		فومن
	x			لامیجان
xx				ساری
xx			xx	بارفروش
			x	ملایر
x				همدان
			x	یزد

دموکراتها (۱۲ الف)

منابعی که از وکلای مهاجر نام برده‌اند\*

نام وکلا	سپهر	اردلان سمیعی	مکی	افسر	اعظام قدسی	کسروی
سلیمان میرزا	+					+
وحیدالملک	+	+	+			+
میرزا محمد علی کان کلوب فرزین	+					+
مشارالدوله حکمت	+					+
آقاسید حسین کزازی	+	+	+		+	+
خان باباخان	+		+			
آقاشیخ محمد جواد بلور فروش	+					+
محمد مهدی میرزا مرآت السلطنه	+					
عدل الملک	+					
معتصم السلطنه	+					
ملک الشعرا بهار	+		+			

ادامه جدول (۱۲ الف)

منابعی که از وکلای مهاجر نام برده‌اند\*

نام	سپهر	اردلان سمیعی	مکی	افسر	اعظام قدسی	کسروی
میرزا عباس یزدی	+	+				
مستشارالدوله	+					
مسارات	+	+	+		+	+
دهخوارقانی	+	+	+			+
میرزا طاهر تنکابی	+					+
حاج شیخ محمد استرآبادی		+	+	+		+
حاج عزالممالک اردلان	+	+	+		+	+
ادیب السلطنه سمیعی	+	+	+		+	+
حاج شیخ ابراهیم زنجانی	+					

بی طرف‌ها (۱۲ ب)

نام	سپهر	اردلان سمیعی	مکی	افسر	اعظام قدسی	کسروی
غلام‌علی خان نظام‌السلطان	+	+				
حاج میرزا حسین خان نائینی	+					
حاج میرزا اسدالله کردستانی	+					
سردار سعید	+					
شیخ محمد حسین خوانساری		+	+	+		+
میرزا فضل‌علی آقا	+					
یمین‌الملک		+	+			
میرزا محمد علی خان مافی		+	+		+	
بعقوب انوار		نامشخص				+
امارلو میرزا احمد		+	+		+	

هيات علميه (۱۲ ج)

نام	سپهر	اردلان سمیعی	مکی	افسر	اعظام قدسی	کسروی
مدرس	+	+	+		+	+
آفاسیدفاضل	+	+	+		+	
حاجی شیخ یوسف	+					
حاج شیخ اسمعیل رشتی			+	+	+	
حاج میرزا حسین خان کرمانشاهی	+					

اعتداليون (۱۲ د)

كسروي	اعظام قدسي	افسر	مكي	اردلان سميعی	سپهر	نام
+					+	ميرزا محمد صادق طباطبائي
					+	حاجي ميرزا علي رضا
	+				+	ناصر الاسلام
	+				+	ميرزا قاسم خان صوراسرافيل
					+	أصف الممالك
					+	مصير الملك
	+		+	+		نواب
+		+		+	+	حاجي ميرزا علي محمد دولت آبادي





نشر تاریخ لبرون

قیمت ۱۰۰ ریال

طبع: تهران